

نامه‌های وزیر مختار ایران

در

فرانسه

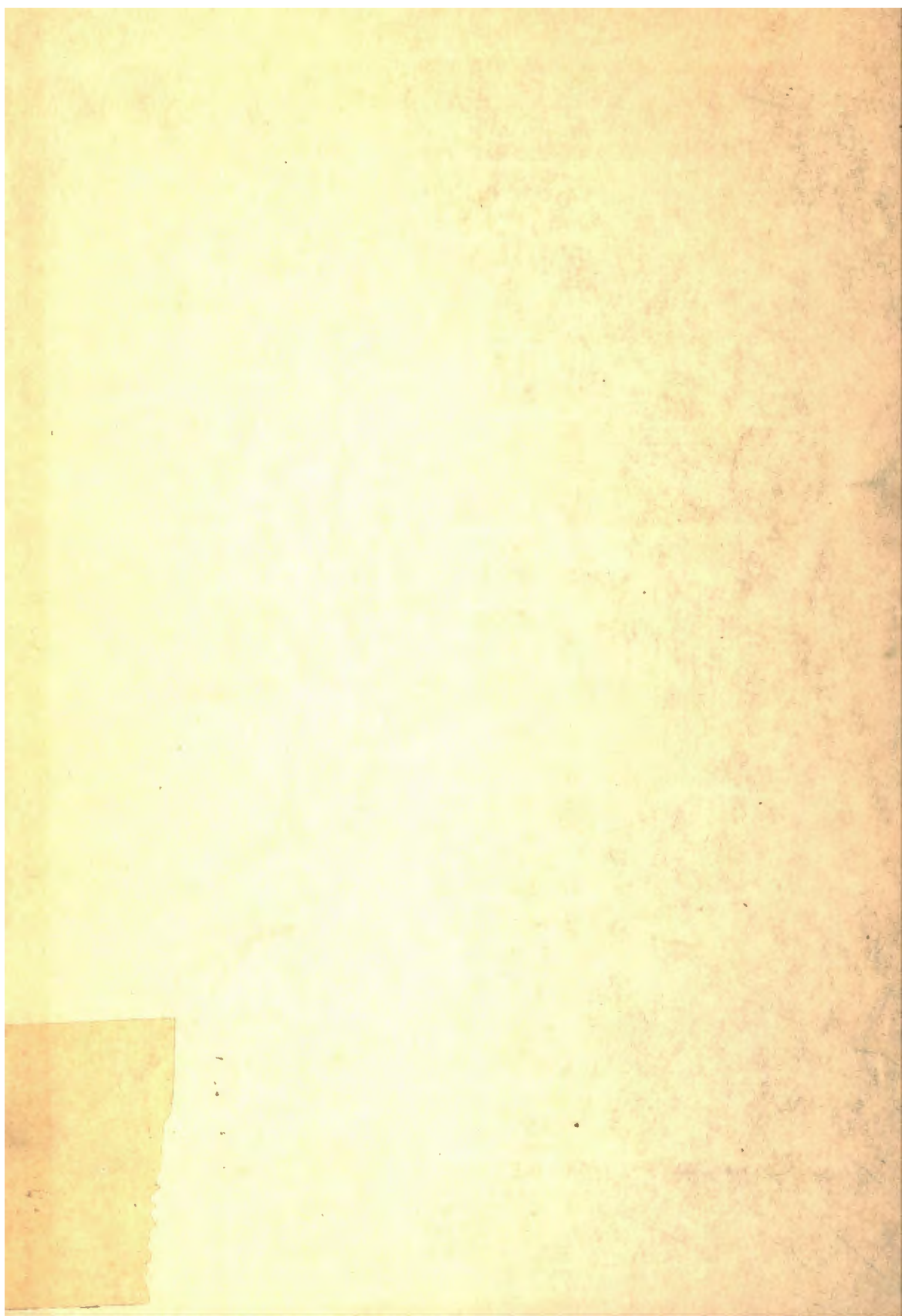
به

وزیر امور خارجه ایران

در زمان سلطنت ناصرالدین شاه

از

سرلشکر محمود - کی



نامه‌های وزیر مختار ایران در فرانسه

قاجار
۲
۶
۷

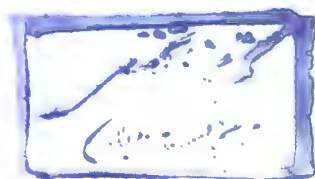
اسکن شد

نامه‌های وزیرمختار ایران

در فرانسه

به وزیر امور خارجه ایران

در زمان سلطنت ناصرالدین شاه



از

سرلشگر محمود - کی



از : سرلشگر محمود - کی

نامه‌های وزیر مختار ایران

در فرانسه

به وزیر امور خارجه ایران

در زمان سلطنت ناصرالدینشاه

اسنادی که اینک از نظر خوانندگان محترم می‌گذرد ، نامه‌هایی است که نظر آقا وزیر مختار ایران در فرانسه برای میرزا حسینخان مشیرالدوله^۱ وزیر امور خارجه وقت ایران ارسال داشته است . فرستادن این نامه‌ها از سال ۱۲۹۲ هجری آغاز گردیده و تا اواخر سال ۱۳۰۴ ادامه می‌یابد . اگر این اسناد را ژرف بینانه بررسی نمائیم هر برگی از آن می‌تواند بتنهائی موضوع تحقیق و تدوین رساله‌ای جداگانه قرار گیرد زیرا قسمتی از رویدادهای واقعی آن زمان را بخوبی بمانشان میدهد و به اوضاع اجتماعی و اداری کشور ما در طی دوازده سال از سلطنت ناصرالدینشاه روشنی‌ها می‌افکند . اعمال و رفتار اشخاصی که در تاریخ ایران حتی کوچکترین نقشی هم بمعده داشته باشند درخور بررسی و امعان نظر خواهد بود و بدین سبب است که می‌توان اظهار داشت بررسی نامه‌های نظر آقا برای هر پژوهشگری می‌تواند

۱- برای آگاهی بیشتر از شرح حال حاجی میرزا حسینخان مشیرالدوله به کتاب صدرالتواریخ تألیف محمدحسن خان اعتمادالسلطنه صفحات ۲۶۰ الی ۲۸۱ و نیز تاریخ رجال ایران تألیف مهدی بامداد جلد یکم ص ۴۰۶ مراجعه شود .

ارزیابی عمیق و دقیق‌تری پیش آورد و قضاوتها را برپایه صحیح تسری استوار سازد.

از خلال سطور این نوشته‌ها طرز تفکر و نحوه عقاید کسانی که در زمان سلطنت ناصرالدین‌شاه مصدر کاری بوده‌اند بخوبی مشخص می‌شود، اندیشه‌هایی که تمایز خاصی نسبت به زمانهای پیش از آن دارد. بطور کلی این اسناد را می‌توان از دو جنبه مورد پژوهش قرارداد.

۱- از نظر اوضاع اجتماعی و سیاسی ایران که در آن سیاست خارجی ایران، چگونگی تفویض اختیار به سفرا و خط مشی آنها، نحوه صدور دستورات، وضع مالی و مخارج يك سفیر در خارج از کشور، طرز برخورد يك سفیر با شخصیت‌های خارجی و نیز نظم و امنیت در داخل ایران، نحوه زیست مردم، اختلافات طبقاتی، وضع مالی ایران، چگونگی اداره گمرکات، تهیه اسلحه و مهمات برای ارتش و صدها موضوع دیگر بخوبی آشکار می‌گردد.

۲- از نظر روابط سیاسی ایران با کشورهای فرانسه، ایتالیا، خاصه کشور عثمانی و نیز بررسی شورش‌ها و انقلاباتی که در متصرفات این کشور بوقوع پیوسته بود^۲ و آگاهی‌های زمامداران ما و نحوه برداشت آنها از تحولات مزبور.

۲- از قرن سیزدهم میلادی که ترکان عثمانی توانستند امپراطوری عثمانی را بوجود آورند تا سال ۱۶۸۳ که قوای عثمانی در پای حصار وین از قوای اطریش و لهستان شکست خورد، این کشور توانست یکی پس از دیگری کشورهای همجوار را تحت سلطه خود قرار دهد.

در سالهای ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۹ میلادی یونان، صربستان و بلغارستان را متصرف گردید و نیم قرن بعد امپراطوری رم شرقی عملاً در متصرفات عثمانی قرار گرفت و این امر در سال ۱۴۵۳ با تصرف قسطنطنیه عملی شد و کنستانتین نهم امپراطور رم در دفاع شهر جان سپرد. در دوران سلطنت سلطان محمد فاتح و تا سال ۱۴۸۱ میلادی موره و ابویه از جمهوری و نیز منتزع شد و جزو این امپراطوری قرار گرفت و عثمانی توانست بسنی و هرزگوین آذوف و کریمه را متصرف گردد.

تصرف مصر بدست ترکان عثمانی اهمیت زیادی داشت زیرا خلافت فاطمیان را منقرض ساخت و پادشاه عثمانی عنوان خلافت کسب کرد.

بقیه پاورقی در صفحه بعد

برای اینکه دو موضوع بالا مورد بررسی قرار گیرند نخست ضروری است که زندگی نظر آقا نویسنده نامه ها تشریح گردد تا با توجه به کرنولوژی زندگی وی بهتر بتوان در مورد این اسناد بررسی نمود .

بقیه پاورقی از صفحه قبل

امپراطوری عثمانی در دوران سلطنت سلیمان خان اول معروف به قانونی در داخل و خارج باوج عظمت و اقتدار خود رسید و در سال ۱۵۲۱ بلغراد را گرفت و پنج سال بعد هنگری را متصرف شد و از طرف شرق نیز پس از يك سلسله جنگها قسمت وسیعی از ارمنستان و دو شهر بغداد و بصره را متصرف شد و بكمك ناوگان خویش بر عدن و سواحل جنوبی عربستان تسلط یافت و همچنین توانست قسمت مهمی از شمال آفریقا را در تحت سلطه خود قرار دهد و با این ترتیب امپراطوری وسیعی بوجود آمد که کلیه راههای بازرگانی مدیترانه ، دریای سیاه ، بحر احمرو قسمتی از اقیانوس هند تحت فرمانروائی وی قرار گرفت . از سال ۱۶۸۳ به دلائل زیر این امپراطوری عظیم تجزیه گردید .

الف - دخالتهای دولت های فرانسه ، انگلستان ، روسیه ، آلمان ، ایتالیا در این کشور که هر يك بجهاتی منافی در این منطقه داشتند و برخورد این منافع و رقابتها بایکدیگر بیش از پیش موجبات ضعف این امپراطوری را فراهم میآورد .

ب - ضعف حکومت مرکزی بعلمت عدم توجه به اکثر مردم این امپراطوری و تأمین خواسته های آنها ، علت اصلی این امر نیز عدم تربیت صحیح شاهزادگان این امپراطوری بعد از سلیمان خان قانونی میباشد زیرا آنها اکثراً در حرمسرا بسر برده و از اوضاع سیاسی و اجتماعی مردم اطلاع کافی نداشتند .

پ - بی لیاقتی و رشوه خواری دستگاه حاکمه و اعمال خشونت آمیز لشکریان عثمانی نیز به شورش متصرفات این امپراطوری كمك نمود . این شورشها در آغاز بیشتر رنگ مذهبی داشت و سپس بصورت سیاسی وایدئولوژیک خود خد نمائی میکرد .

بعد از شورشهایی که در متصرفات امپراطوری عثمانی آغاز شد ، کشورهای تابعه این امپراطوری یکی بعد از دیگری از زیر سلطه عثمانی خارج شدند ، تا آغاز جنگ جهانی اول فرانسه توانست تونس ، الجزیره ، مراکش را متصرف شود و در سوریه و لبنان نفوذ نماید . انگلستان نیز جزایر قبرس و مالت ، مصر و سودان را متصرف شد . ایتالیا ، کسورلیبی و جزایر دودکانز واقع در دریای اژه را اشغال کرد و روسیه قلعه آذوف را تسخیر نمود و بر دریای سیاه مسلط گردید و از طریق بسارابی به عثمانی حمله نمود و توانست حقوق ارضی و مزایای عمده دیگری در این کشور بدست آورد . آلمان هم از نظر اقتصادی و تربیت قوای نظامی عثمانی حداکثر نفوذ را در این امپراطوری کسب کرد .

برای آگاهی بیشتر از نفوذ دولتهای بزرگ در امپراطوری عثمانی به کتاب زیر مراجعه شود .

The Middle East in world Affairs by George Lencgowski .

نظر آقا که بعدها به یمین السلطنه ملقب شد در سال ۱۲۴۳ هجری قمری در رضائیه متولد گردید. وی برای تحصیل عازم اسلامبول شد و در مدرسه زوئیت‌های اسلامبول تحصیلات خود را بیایان رساند و سپس بتهران مراجعت نمود و در مدرسه دارالفنون بتدریس پرداخت. در سال ۱۲۷۱ هجری قمری بسمت مترجمی کنسولگری ایران به تفلیس رفت ولی هنوز چند ماهی بیشتر نگذشته بود که تغییر مأموریت یافت و به سن پترزبورگ^۳ پایتخت روسیه اعزام شد، زیرا صدر اعظم ایران میرزا آقاخان نوری^۴ عباسقلی خان سیف‌الملک را بعنوان سفیر ایران در روسیه انتخاب نمود و نظر آقا نیز بعنوان مترجم دوم سفارت تعیین گردید. در سال ۱۲۷۵ که حسنعلی خان گروسی بوزیر - مختاری ایران در فرانسه تعیین شد نظر آقا نیز بسمت مترجمی اول سفارت به‌مراه او به اروپا رفت^۵ در سال ۱۲۸۳ که حسنعلی خان به تهران مراجعت نمود نظر آقا نیز با وی به تهران برگشت و در وزارت امور خارجه بخدمت مشغول شد. بعد از سه سال که از اقامت نظر آقا در تهران گذشت در سال ۱۲۸۶ بجای میرزا یوسف خان مستشارالدوله بسمت وزیر مختار سفارت ایران در فرانسه برگزیده شد و به محل مأموریت خویش رفت و سالهای متمادی وزیر مختار ایران در

۳ - لنینگراد کنونی

۴ - برای آگاهی از شرح حال میرزا آقاخان نوری باین منابع رجوع شود.

الف - کتاب صدرالتواریخ تألیف محمدحسن خان اعتمادالسلطنه باهتمام

محمد مشیری

ب - ناسخ‌التواریخ تألیف میرزا محمد تقی لسان‌الملک سپهر

پ - کتاب سیاستگران دوره قاجار بخش مربوط به زندگانی میرزا آقاخان نوری

ت - کتاب منتظم ناصری جلد سوم

ث - تاریخ قاجار نوشته وتسن ترجمه آذری

ج - حقایق الاخبار ناصری

چ - کتاب میرزا تقی خان امیرکبیر تألیف اقبال آشتیانی

ح - تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجار تألیف عبدالله مستوفی

خ - امیرکبیر و ایران تألیف فریدون آدمیت

د - تاریخ رجال ایران تألیف مهدی باهمداد

ه - منتظم ناصری ص ۲۶۱

پاریس بود. در مورد لقب نظر آقا در هر يك از منابع با اختلاف ذکر نموده اند. در مجموعه منابعی که هم اکنون نامه های نظر آقا در آن درج شده و مورد استفاده نگارنده قرار گرفته است از او بعنوان نظر آقا سرتیپ یاد شده است. علت دادن این عنوان به نظر آقا برای این است که در سال ۱۲۸۶ وی بدریافت نشان سرتیپی نائل میگردد و از آن تاریخ این عنوان نیز بوی اطلاق می شود در کتاب منتظم ناصری نوشته شده که نظر آقا در سال ۱۲۸۶ پس از احضار میرزا یوسف خان مستشار الدوله بجای او شارژ دافر و بدریافت خلعت و نشان شیر و خورشید از درجه سوم سرتیپی با حمایل آن سرافراز گردیده^۶. در المآثر و الآثار ضمن دادن صورت اسامی سازمانها و وزارتخانه ها و سفارتخانه های خارجی وزیر مختار ایران را در فرانسه فقط نظر آقا بدون اینکه لقبی بوی نسبت دهد نوشته است^۷ ولی در منابع دیگر همه جا از او به عنوان نظر آقا یمین السلطنه ذکر نموده اند. توضیحاً باید اظهار شود که لقب یمین السلطنه در سال ۱۳۱۰ هجری قمری بوی داده شده است در کتاب منتخب التواریخ مظفری نوشته شده که نظر آقا بعد از اینکه به سمت وزیر مختار ایران در فرانسه ارتقاء یافت در سال ۱۳۱۰ به لقب یمین السلطنه نیز ملقب شد^۸. در کتاب تاریخ رجال ایران تألیف مهدی بامداد نیز همین مطلب که در سال ۱۳۱۰ نظر آقا ملقب به یمین السلطنه شده درج گردیده است^۹.

نظر آقا تا سال ۱۲۹۰ هجری قمری کاردار سفارت ایران و از آن سال تا سال ۱۳۲۲ هجری قمری بعنوان وزیر مختار ایران در فرانسه انجام وظیفه می نموده است بطور کلی این شخص مدت ۴۶ سال از زندگی خود را با سمت های معلمی، مترجمی، کارداری و وزیر مختاری سپری نموده است. اکنون نامه های وی به وزیر امور خارجه ایران درج می شود:

۶- منتظم ناصری ص ۳۱۲

۷- المآثر و الآثار ص ۵۰

۸- منتخب التواریخ مظفری ص ۴۴۵

۹- تاریخ رجال ایران تألیف مهدی بامداد ۳۸۹

سواد عریضجاتی است که جناب فخامت
نصاب نظر آقا سرتیپ وزیر مختار وایلچی
مخصوص در ایام مأموریت خود بحضور
حضرت اشرف ارفع امجد مشیرالدوله
میرزا حسین خان وزیر امور خارجه سپهسالار
اعظم دام اقباله العالی عرض کرده است :

عریضجات مورخه ۲۸ شهر رمضان المبارک ۱۲۹۲

نمره ۷۷ مشتمل بر هفت طغرا

خداوند گارا تعلیقه جات رأفت آیات مورخه ۲۷ شهر رجب المرجب
باضمام نامه مبارکه که از جانب سنی الجوانب اعلی حضرت اقدس همایون
ملوکانه در جواب نامه حضرت مسیحا خصلت ملکوتی مرتبت پاپ شرف صدور
یافته بود در ۲۵ شعبان المعظم واصل و زیارت گردید حسب الامر و موافق
دستور العملی که ضمناً رسیده بود تدارک سفر را فراهم آورده و در ۲۸ همان
ماه برای انجام این خدمت بزرگ عازم روم شدم و یک روز بعد از ورود یعنی
در روز دوشنبه سیم رمضان دو ساعت از ظهر گذشته مقرب الحضرت الخاقانیه
میرزا احمدخان نایب اول را خدمت جناب کاردینال آنتونلی وزیر امور
خارجه فرستاده که ورود خود را اطلاع بدهد و وقت ملاقات بنخواهد جناب
معزی اله میرزا احمدخان را با کمال احترام پذیرفته و وقت ملاقات را در
همان روز در ساعت پنج بعد از ظهر قرارداد داده بودند فدوی نیز در ساعت معینه
بدیدن جناب کاردینال آنتونلی رفته و چنانچه رسم است ترجمه سوادنامه
همایونی را بایشان تبلیغ نموده و پس از بیان مطالب و شرح و بسط مراتب دوستی
و مودت چنانچه در ضمن دستور العمل قید شده بود از ایشان خواهش کردم که

از حضرت پاپ بار حضور بخواهند اولاً از مأموریت فدوی بسیار اظهار دلخوشی و رضامندی و امتنان کردند و بعد گفتند که مراتب مأموریت و اظهارات شما را بعرض میرسانم و یقین بدانید که پاپ شما را با کمال میل و محبت خواهند پذیرفت اما تعیین روز بار حضور بعد از تحصیل جواب از حضور ایشان تحریراً به جناب شما اطلاع خواهم داد پس از این گفتگو قدری از متفرقه باهم گفتگو نموده بمنزل مراجعت نمودم.



دوروز بعد از آن ملاقات از کار دینال آنتونلی مراسله رسید مشعر بر اینکه حضرت پاپ در روز پنجشنبه ششم رمضان نیم ساعت از ظهر گذشته با کمال شوق بجناب شما بار حضور خواهند داد فدوی نیز در همان روز باتفاق میرزا احمدخان نایب اول این سفارت و مسیو اودینه قونسور دولت علیه در بندر هاور که مخصوصاً و محض اعتبار خواسته بودم بروم بیاید بالباسهای رسمی بعمارت و اتکان رفته و ده دقیقه پیش از وقت رسیدیم و بمحض ورود چند نفر از عملجات درباری باستقبال آمده و بلاد رنگ مارا به تسالار تخت بحضور بردند حضرت پاپ سرپا ایستاده بودند و بقدر سی نفر از کار دینالها در چپ و راست ایستاده بودند بمحض ورود مراسم تعظیم را عمل آورده و تقریر مناسب حالت مأموریت و موافق دستور العمل بیان نمودم و صورت تقریر مزبور را چنانچه بسزبان فرانسه مسوده کرده بودم اینک لفاً انفاذ حضور مینمایم حضرت پاپ در جواب فرمودند از این مأموریت شما بسیار محظوظم و از اظهار مراتب دوستی و مودت که از جانب اعلیحضرت شاهنشاه ایران نسبت بمن شده و خصوصاً از مضمون نامه همایونی کمال خوشوقتی و رضامندی را دارم در خاطر ام است که در ایام مسافرت در فرنگستان مرا فراموش نکرده و تحریراً اظهار تأسف فرموده بودند از اینکه مقدور نشده بود بهروم تشریف بیاورند از همه کس من خودم بهتر فهمیدم که اوضاع پولتیکه از تشریف

آوردن مانع بود زیرا که شما خودتان هم میدانید که دولت ایتالیا با من در امور متفق نیست باری از اعلی حضرت شاهنشاهی نهایت امتنان را دارم که باین قسمتها نسبت بمن اظهار مودت و محبت فرموده اند و مخصوصاً از ایشان تشکر میکنم که مثل شما کاتولیکی که از فرزندان عزیز و محترم کلیسای مقدس حضرت عیسی محسوب میباشید برای تبلیغ نامه و انجام این خدمت مأمور فرموده اند وزیر مختار عزیزم از این حرفهایی که بیان کردید ممنون شدم و پیش از آن هم از مضامین محبت این نامه همایونی زیاده از حد مستفیض شده بودم و از شما خواهش دارم که مراتب دوستی و مودت مرا بعرض برسانید بعد نامه همایونی را تبلیغ نموده و صاحب منصبها را یکی یکی معرفی نموده چنانچه قرار است بعد از دست بوسی از حضور مرخص شده بمنزل مراجعت نمودیم.



يك دو روز بعد از بار حضور حضرت پاپ، باجناب کاردینال الکساندر فرنکی وبا چند نفر دیگر از کاردینالهای معتبر بموجب صوابدید جناب کاردینال آنتونلی دید و باز دید عمل آمد و در آن بین در وقت ملاقات کاردینال فرنکی تعلیقه حضرت اشرف ارفع بند گانعالی را تبلیغ نموده و از مراسم مودت و خلعت که نسبت بجناب ایشان اظهار شده بود موافق دستور العمل برای ایشان بیان نمودم کاردینال معزی اله آدم خیلی خوش اخلاق و مهربان است و از مضمون تعلیقه و اظهارات فدوی نهایت امتنان را حاصل نموده مخصوصاً متوقع شد که مراتب اخلاص و ارادت خود را بعرض بندگان عالی برسانم و عرض بکنم که جناب مسیو کلوزل نیز چگونگی احوالات را بهمان مضمونها نوشته و از توجهات اولیای دولت ابد مدت علیه اظهار تشکر نموده بود و این حالت موجب رضامندی همه اصحاب دربار و خود حضرت پاپ شده بود اما در باب فقره اذن و اجازه تعمیر کلیسا در دهکات ارومی و

سلماس مخصوصاً خواهش نمود که از برای سهولت امر کاتولیکهای آن دو بلوک عرض واستدعا نمایم که مرحمت فرموده تعلیقه صادر فرمایند تا اینکه جناب مسیو کلوزل و اتباع ایشان بتوانند در هر جائیکه لزوم داشته باشد برای عبادت کاتولیکها کلیسا بنا نمایند و کسی آنها را از این عمل خیر ممانعت ننمایند چون در بنای کلیسا ضرری برای دولت و ملت ایران نمی بینم بایشان وعده کردم که خواهش شما را بعرض حضرت اشرف ارفع بند گانعالی میرسانم و امیدوارم که این خواهش ایشان را بسمع اجابت قبول فرموده در باب بنای کلیسا تعلیقه بمعهد کار گزاران آذربایجان صادر خواهند فرمود که حضرت را در اجرای این عمل خیر ممانعت ننمایند.



در روز ملاقات با جناب کاردینال آنتونلی بعد از تعارفات و صحبت های رسمیه رشته کلام را بر سر نشانها کشانیده گوشزد معزی اله نمودم که از جانب سنی الجوانب اعلی حضرت قدر قدرت اقدس همایونی روحانفاده نشان از درجه اول در باره جناب مسیو کلوزل اعطاء و مرحمت شده است و حالا خیلی جا دارد که از جانب حضرت پاپ نیز برای حضرت اشرف ارفع بند گانعالی و چند نفر دیگر مرحمت شود کاردینال معزی اله در جواب گفت که حضرت پاپ در هر وقت خاصه در این مأموریت جناب شما هیچ چیزی را از اولیای دولت علیه مضایقه نداشته و نخواهد داشت اما نشان پاپ از وقتی که ایجاد شده است الی الیوم بجز اهالی ملت مسیحی باهالی مذهب دیگر داده نشده است و هر گاه مضامین فرامین پاپ را دیده بودید این حرف مرا تصدیق میکردید والا هر گاه این عذر در میان نبود با کمال خوشحالی و نیت داده میشد و در این باب خیلی اظهار تاسف کرد و گفت الی غیر النهایه متاثر و متاسفم که این خواهش جزئی مثل جناب شما ماموری را نمیتوانم بعمل بیاورم هر گاه اظهار شما دایر بیک مطلب دیگر بود با کمال میل صورت انجام داده

میشد اما در باب نشان موافق قانون مذهبی دست و پای مان بسته است و چنانچه میدانید غیر مقدور و محال است از آنچه موافق قانون شریعت مقرر است تجاوز شود خلاصه از قراریکه معلوم شد و از داخل و خارج اطلاع حاصل شد کاشف بعمل آمد که آنچه کاردینال آنتونلی میگفت همه صحیح بود و تابحال بجز باهالی ملت مسیحی باهالی مذهب خارجه نشان پاپ داده نشده و بهمین دلایل برای میرزا احمدخان هم نشان نرسید اما حضرت پاپ يك مدال طلا که تصویر خودشان در آن حك است مانند آن مدالهایی که در ایام تاجگذاری اعلیحضرت امپراطور روس بهمه مأمورین خارجه مرحمت شده بود برسم یسار گاری اعطا فرمودند برای فدوی نیز نشان درجه اول سن کرنواز باحمایل و از برای اودینه که او هم کاتوليك است از درجه پنجم نشان عنایت کردند محض اطلاع عرض شد .



بعد از وصول احکام مأموریت به روم اگر چه وجه لازمه در دست نبود و از بی پولی نهایت افسردگی و پریشانی حاصل بود ولی از آنجا که اطاعت امر اولیای دولت ابد مدت علیه را از همه چیز بر خود لازم و واجب میدانم با کمال شرمساری و اکراه پناه بمسیو اوپنهایم برده و بهزار التماس و تدبیر معادل شش هزار فرانك از مشارالیه استقراض نموده بقدر دوهزار فرانك از بابت مخارج سفارت پاریس داده و با تتمه تدارك سفر را دیده و باتفاق مقرب الحضرت - الخاقانیه میرزا احمدخان و يك نفر نوکر عازم روم شدیم و موافق اشاره که در باب اعتدال مخارج فرموده بودند نهایت سعی و اهتمام بعمل آمد که حتی المقدور مخارج کم بشود و شأن در جای خود باشد ولله الحمد همانطور هم شد زیرا در راه آهن از اینجا تا روم و همچنین در مراجعت نیز يك کوبه مخصوص ما بود و در روم هم در هتل رد روم که اولین هتل آن شهر است يك منزل خیلی باشکوه اما از حیث قیمت بسیار مناسب گرفته جابجا شدیم و

در ایام توقف يك كالسكه دو اسبه و يك نفر كالسكچی و يك نفر واله دپیه همیشه حاضر خدمت بود و در همه جا در زیر سایه قبله عالم در کمال شکوه و جلال رفتار شده و خرج و مخارج این سفر چنانچه در سیاهه علیحده قلم ب قلم نوشته شده است بیش از سه هزار و چهار صد و شصت و هشت فرانك و پنجاه و پنج سانتیم نشده است و یقین بدانند که هر گاه کسی دیگر بجای فدوی بود دو مقابل خرج میکرد و آن جلوه را نمی داشت اما از حق نباید گذشت که کمی خرج این سفر نسبت به بهر فدوی نیست بلکه اقتضای فصل و کمی مردم در روم باعث شد که مخارج بآنطور کم بشود و انشاءاله موافق سلیقه حضرت اشرف ارفع خواهد شد استدعا دارم که چنانچه وعده فرموده اند عوض آنرا و همچنین دویست و بیست و هشت تومان سال گذشته و سه هزار تومان سنواتی هم برسد و از دست طلبکارها آزاد بشوم و با هر چا پار از روی اضطراب و اضطرار لابد و ناچار نشوم این قدر در دسر بدهم و از جانب حضرت اشرف امجد بند گانعالی بهمین سبب مورد ملامت و مذمت بشوم .

چهار روز بعد از ورود به روم يك تلگرامی عرض کرده بودم مضمون آن از این قرار بود (بحمداله وارد روم شدم بحضور پاپ رسیدم بسیار اظهار تلمطف فرمودند بعد از هشت روز دیگر بپاریس مراجعت خواهم کرد و شرح احوال را از آنجا مفصلا بعرض خواهم رسانید مورخه ۷ ماه او کتوبر سنه ۱۸۷۵) البته این تلگرام بحضور مبارك رسیده و از عزیمت فدوی به روم مستحضر شده اند محض اطلاع سواد تلگرام مزبور عرض شد .

در این ایام اوضاع مالیّه دولت عثمانیه عجب مختل شده است اگر چه تازگی ندارد اما حالا دیگر خود آن دولت اظهار افلاس نمود، و بهمین جا اطلاع داده است که در باب استقراض هایی که کرده است بعد از این نصف منفعت

آنها نقد میدهند و در باب نصف دیگر نوشته میدهد که بعد از پنج سال دیگر کارسازی نماید این شرط را نیز قید کرده است که هر گاه بعد از انقضای مدت پنج سال مقدور نشد وجه آن نوشتجات را کارسازی نماید آنوقت يك قرار دیگر در آن باب خواهد گذارد. اهالی فرنگستان از كوچك و بزرگ از این حالت دولت عثمانیه زیاده از حد منزجر شده اند و اکثر دول، دولت عثمانیه را ملامت میکنند و کاغذ هم نوشته اند تا اینکه قرار درستی در آن باب گذارده شود اما این ها حرف است آنمفلس فی اماناله در روزنامه ها تفصیلاً در ضرب دولت عثمانیه نوشته اند يك چند فصل از آنها قیچی نموده و اینك لفاً میفرستم تا بمطالعه حضرت اشرف امجد برسد و از ملاحظه آنها لذت ببرند اگر چه در این روزها در باب شورش ولایت هرسک که بزبان فرانسه هرزگوس میگویند چیزی نمی نویسند اما از قراریکه مذکور میشود هنوز هم رفع نشده است و شورشیان باز اظهار حیات کرده و میکنند و بالشکر دولت عثمانیه در زد و خورد میباشند تا خدا چه خواهد.

عریضه مورخه ۱۲ شهر شوال المکرم ۱۲۹۲

نمره ۷۸ مشتمل يك طغرا

خداوند گارا یکی از دوستان که خیر خواه دولت و ملت ایران است و پیوسته در صدد جستجوی يك وسیله است که خدمتی بدولت علیه نماید چند روز قبل بر این باین سفارتخانه آمده اظهار داشت که از قراریکه شنیده ام زمین بایر در ممالک محروسه زیاد است و بواسطه بی آبی لم یزرع مانده است هر گاه از اولیای دولت اجازه برسد حاضریم با پول زیاد و به اعانت مهندسین قابل بایران بروم و بندهای قدیم را تعمیر نموده و بندهای جدید در هر جائیکه مناسب است از نو بسازم و حتی آب نهرهای بزرگ را بر گردانم و بآن زمین های لم یزرع آورده در اندك مدتی همه زمین های بایر را بحاصل آورده آباد نمایم.

بر آوردی که از برای مخارج این عمل شده است چهل الی پنجاه میلیون فرانک است که معادل هشت الی ده کرویر تومان رایج ایران باشد. بمحض اینکه بموجب فرمان همایون اجازه ساختن بندها برسد فی الفور وبدون فوت يك دقیقه اسباب این کار را بنحوی فراهم آورده که در مدت دو سال تمام باتمام میرسانم و شرط این کار این است که اداره این عمل آب در مدت پنجاه سال در دست من باشد. در مدت ده سال منافع هر چه از آبها حاصل بشود با من باشد اما بعد از انقضای مدت ده سال تعهد میکنم و نوشته میدهم که ربع منافع آبها عاید خزانه عامره بشود و این شرط را هم می بندم که بعد از پنجاه سال این بندهائی که من ساخته ام همه بدون عوض مال دولت بشود. بنظرم می آید که کار بهتر از این نمی شود اولاً خیر و منفعت دولت در این است که خودش اقدام باین عمل خیر نماید و معلوم است چنین کار متضمن فواید زیاد است و باعث آبادی خواهد شد هر گاه خدا نخواسته اولیای دولت باین صرافت نباشند و یا اینکه مقدور نباشد که اسباب آنرا فراهم بیاورند در این صورت صلاح امر در این است که این جور اشخاص را بصرافت طبع خود میخوانند اقدام باین کار نمایند تشویق نموده و آنها را بایران راه داده مشغول انجام این عمل خیر باشند. این موقعها را نباید از دست داد و تا موقع از دست نرفته است اسباب آبادی را باید فراهم آورد والا کار ایران از پیش نمی رود از قریب که می شنوم پول خیلی کم یاب شده است و مالیه ایران روز بروز روبه تنزل است و یقین بعد از چند سال دیگر کمتر هم خواهد شد اما در صورتیکه عمل زراعت و فلاح و وسعت بهم برساند و صنعت هم بواسطه تشویق و اعانت دولت ترقی نماید وجوهات مالیه نیز روز بروز در ترقی خواهد بود خلاصه در این باب تکلیف این بود که راپورت مفصلی عرض کنم اما فرصت نشد اصل مطلب همان است که عرض شد هر گاه مقرر شود راپورت مفصلی هم نوشته خواهد شد که محاسن این عمل را بهتر شرح و بسط بدهم و منتظر جوابم که از آن قرار رفتار و عمل شود.

مورخه ۱۲ شوال ۱۲۹۲

عریضجات مورخه ۲۶ شهر شوال ۱۲۹۲

نمره ۷۹ مشتمل بر شش طغرا

خداوند گارا تعلیقه جات مورخ دوازدهم شهر رمضان المبارک که
بسرافرازی این کمترین فدوی عز صدور یافته بود در هفته گذشته شرف وصول
ارزانی داشت از مضامین آنها خاصه از زیارت سواد دستخط جهان مطاع که
بافتخار حضرت اشرف ارفع بندگان عالی شرف صدور یافته و همچنین از
اعطای شمشیر مرصعی که از فرط توجه خسروانه در میدان عرض لشکر بآن
خداوند گاری عنایت و مرحمت شده بود نهایت افتخار و سربلندی حاصل
شد و خداوند را شکر کردم که زحمات این چند ساله را بی اجر و بی عوض
نکذاشته اند و امیدوارم که من بعد هم قدر خدمات و مراتب غیرت و اهتمامات
حضرت اشرف بندگان عالی در پیشرفت امور مملکتی و لشگری بیش از پیش
جلوه گر گشته و در ظل عواطف و مراحم ملوکانه باعث حصول افتخارهایی
جدید گردد.



در ضمن همان تعلیقات اشاره فرموده بودند که اراده علیه اقدس همایون
اعلی حضرت قدر قدرت شاهنشاهی روحانفاده چنین علاقه گرفته است که
قدری از تفنگهای جدید موسوم به هانری مارتلینی با سرنیزه از برای سرباز
و قدری هم بی سرنیزه کوتاه تر از سرنیزه دار برای سوار ابتیاع شود بمحض
وصول تعلیقه مزبور بچند جا کاغذ نوشته و در باب قیمت تفنگهای مزبور و
فشنک آن اطلاع خواستم از قراریکه جواب رسید معلوم شد که قیمت تفنگ
هانری مارتلینی با سرنیزه سبک قدیم نود و هشت فرانک و پنجاه سانتیم اما
همان تفنگ بسا سرنیزه شمشیری بیکصد و هشت فرانک و قیمت تفنگ
هانری مارتلینی بی سرنیزه برای سوار نظام نود و دو فرانک است فشنک هم

فلزی است و هر هزاری را از یکصد و بیست و هشت فرانك کمتر نمیدهند در باب وجه قیمت هم باید نقد و در پاریس برسد دیگر اختیار با اولیای دولت است .



بعد از وصول تعلیقات دوازدهم شهر رمضان حسب الامر بمقام تحقیق برآمده که دولت انگلیس بسططان زنزیبار^۱ کشتی داده و یا اینکه تعهد کرده است کشتی باو بدهد یا خیر و از قراریکه کاشف بعمل آمد معلوم شد که چنانچه در ضمن عرایض معروضه ۲۶ شهر جمادی الاخری معروض شده بود این حرف کشتی که میگفتند دولت انگلیس وعده کرده است باو بدهد شهری بود باین معنی که دولت انگلیس باو کشتی نداده و وعده دادن کشتی را باو نکرده است و این اطلاعات را یکی اردوستان فدوی که از همه جا اطلاع دارد به فدوی داد و همچنین شخص مزبور میگفت که سلطان زنزیبار از دولت انگلیس خواهش کرده بود که يك کشتی بجهت سواری او از اروپا به جزیره زنزیبار باو بدهند ولی دولت انگلیس آنرا هم از او مضایقه کرده بود چون واجب بود عرض شد .



موافق فصل هفتم عهدنامه منعقد فیما بین دولتین علیتین ایران و فرانسه مقرر است که بجهت حمایت اتباع و تقویت امور تجارت و فراهم آوردن اسباب حصول معاشرت از طرفین سه قنصل برقرار گردد و محل اقامت آنها در فصل مزبور معین و مشخص شده است علاوه بر آن جناب وزیر فواید تعینین دو قنصل دیگر را برای طرفین بموجب اجازه نامه که از وزارت امور خارجه در سنه ۱۲۷۶ و بعدها تحصیل نموده برقرار کرده است و حالا از قرار فصل

هفتم عهدنامه مزبور و نوشتجات جناب وزیر فواید که با وزارت امور خارجه فرانسه رد و بدل شده است دولت علیه درممالك فرانسه حق تعیین پنج نفر قنصل را دارد و دولت فرانسه نیز همان حق را در خاك ممالك محروسه بهم رسانیده است و بنابراین احوال الان بالفعل پنج نفر قنصل از جانب دولت علیه به توسط جناب وزیر فواید و مقرب الخاقان میرزا یوسف خان مستشار و این فدوی درپاریس و درمارسیل و دربورگو و درایالات سن انفریور و درنیس معین و مشخص اند اما بجهت مرأوده و آمد و رفت تجار ایران لازم شده است که یک نفر قنصل دیگر درشهرلییون منصوب شود که بکار تجار رسیدگی نماید و نگذارد نسبت بآنها تعدی و دست درازی شود چنانکه در حق آقا رحیم برادر خیره الحاج حاجی محمد حسن تجار اصفهانی شده بود و در حقیقت زیادی قنصل برای دولت بجز منفعت ضرر ندارد دولت عثمانیه بقدر پنجاه نفر قنصل و ویس قنصل در خاك فرانسه دارد و هرگاه دولت علیه نیز هفت و هشت نفر قنصل داشته باشد تفاوت به احوال ما نخواهد کرد و بجز نیک نامی و افتخار خسارتی برای دولت ندارد در این صورت هر قدر عدد قنصلها زیاد بشود همانقدر اسباب سهولت و تسریع تجارت فراهم تر خواهد شد بالجمله مقصود این است که التفات فرموده اجازه مرحمت فرمایند که یک نفر قنصل برای پیشرفت امور تجارت در لییون مشخص نمایند و حق يك قنصل دیگر را برای فرانسه در ایران بنا گذارند و این شبهه نیز هست که دولت فرانسه هرگز این حق خود را در ایران مجری نخواهد داشت و دولت علیه بواسطه تعیین يك قنصل در لییون کار تجار ایران را سهولت خواهد داد استدعا دارم جواب این فقره را مرحمت کرده زود مرقوم فرمایند تا اینکه تکلیف فدوی در این باب مشخص گردد.

چهار و پنج روز قبل بر این تلگراف نامه مورخ ۱۶ ماه نوامبر رسید مضمون آن از این قرار بود: (دو هزار تومان از بابت سنواتی عالیچاه باباپیک

کار سازی شد) این خبر مایه مسرت فدوی و طلبکارها گردید در حقیقت فدوی را زنده کرده بودند و انشاءاله هر وقت این وجه باینجا رسید قدری آسوده خواهم شد و کمافی السابق مشغول دعا گوئی ازدیاد عمر و دوام دولت و شوکت حضرت اشرف ارفع بند کائنالی بوده و خواهم بود .

مسیو شوالیه پل منکاجی که یکی از نایب ایشک آقاسی باشی حضرت پاپ و رئیس روزنامه الدیوین سالواتور است تفصیل پذیرائی فدوی را در آن روزنامه نوشته و برای فدوی فرستاده و خواهش کرده بود که دونسخه از آن روزنامه بحضور اولیاء دولت علیه بفرستم آدم خدمتگذاری است و در ایام توقف فدوی در روم از همه بابت خدمتگذاری کرده و خود را مستحق التفات اولیاء دولت نموده است هر گاه يك نشانی از درجه پنجم باو عنایت شود باعث افتخار او و خوشنودی پاپ خواهد شد دونسخه روزنامه مشارالیه را اینك لفاً فرستادم و استدعا دارم التفات خود را در حق مشارالیه دریغ نفرمایند ۲۶ شوال ۱۲۹۲ .

عریضجات مورخه ۲ شهر ذیحجه الحرام ۱۲۹۲

نمره ۸۰ مشتمل به چهار طغرا

خداوند گاراتلکرافنامه مورخه ۱۶ ماه دسامبر که باین مضمون مرقوم شده بود زیارت شد : (مدتی است از شما خبر نرسیده است نه بواسطه چاپار و نه بموجب تلگراف و حال اینکه میبایستی راپورت های شما به تواتر برسد و مرا از احوالات همه جا خصوصاً از شورش هر سگ مستحضر تر نماید چون مخاברה تلکرافتی در خاک عثمانی ممنوع شده است لهذا لازم است که همه اطلاعات را شما بمن برسانید میگویند که مراده فیما بین دولت فرانسه و دولت عثمانیه مقطوع گشته است این خبر حقیقت دارد یانه و سبب آن چیست) از

وصول این تلگرام هر قدر تصور فرمایند دل شکسته و سرافکننده شدم و باوصف راپورتها و اخبار متعدد که با هر چاپار در باب شورش هرسک و سایر احوالات فرستادهام هر چه فکر و خیال کردم که چرا باید باین مضمون تلگراف برسد عظم بجائی نرسید خلاصه فدوی در اخبار نویسی هرگز کوتاهی نکرده و نخواهد کرد و هر گاه امر مهمی واقع شود آنرا نیز با وجود بی پولی بواسطه تلگراف بعرض رسانیده و خواهد رسانید دیگر چه خاک بر سر کنند در جواب تلگراف نامه مزبور باین مضمون تلگرام عرض کردم: (شورش هرسک کما فی السابق برقرار است مراوده دولت فرانسه با دولت عثمانیه در کمال خوبی است تنظیمات شرعی مصر از جانب دولت فرانسه تصدیق شد تفسیر با چاپار فرستاده شده و خواهد شد) علاوه بر این اخبار خبری دیگر نبود که بعرض برسانم حالا هم که دویم شهر ذی حجة الحرام است بجز مسئله مشرق زمین که بواسطه اغتشاش هرسک بمیان آمده و نقل مجالس و محل مضمون نویسی روزنامه نویسان شده است خبر تازه واقع نشده که اهمیت داشته واجب عرض باشد و چون در باب مسئله مشرق نیز آراء مختلف است همین قدر عرض میشود که ارباب پولتیک معتقد بر این نیستند که این مسئله باعث جنگ دول متجانبه فرنگستان بشود لرد دربی در آن باب دو تقریر کرده است و تقریر مشارالیه در روزنامه مموریال دیپلماتیک که اینک لفاً انفاذ میشود نوشته شده است که دو تقریر را بامداد سرخ نشان کرده اند بعد از ملاحظه معلوم خواهند فرمود که از این مسئله بوی جنگ نمی آید اما دور نیست و بلکه یقین است که ولایت هرسک و بوسن و سرب و سایر ولایات افلاق و بغداد از تحت حکومت دولت عثمانیه خارج و در میان خود مستقل بشوند بالجمله کار و بار دولت عثمانیه خیلی مختل شده روز بروز مغشوش تر خواهد شد جای هزار افسوس است که دولت علیه این فرصت را غنیمت نشمارد و خرده حسابی که با آن دولت دارد، در چنین موقعی که عرصه برای او از همه طرف تنگ شده است نگذارند اما برای دولت علیه اسباب لازم است هر گاه همت داشته باشد

تدارك این کار را فراهم بیاورد و استعداد لازم را تهیه کند میتواند حرف خود را از پیش ببرد و بیش از این متحمل ادعاهای بی معنی و بی مأخذ دولت عثمانیه نشود آقا چنانچه عرض میکنم برای پیشرفت این کار اسباب و اسلحه یعنی توپ و تفنگ لازم است و یقین بدانند که هر چه در این باب خرج بشود عوضش از دولت عثمانیه يك بر ده برای دولت علیه عاید خواهد شد بعضی تفصیلها در باب اوضاع شورش هرسک در روزنامه ها نوشته اند هر چه قابل عرض بود قیچی کرده و اینک برای مزید اطلاع در لف عرایض امروز انفاذ مینمایم.

يك مسئله دیگر که در این چند روز طرح شده است فقره یکصد و نود هزارا کسیون نهر شویس^۱ است که سهم خدیو بود و به دولت انگلیس یکصد ملیون فرانك فروخت در بدو حال این معامله باعث کدورت دولت فرانسه و سایر دول فرنگستان گردید شهرت دادند که دولت انگلیس بواسطه این معامله اقتدار کلی در آن صفحات خواهد رسانید و همه کس از این حالت واهمه بهم رسانید و در همین وقت شهرت دادند که دولت پروس نیز بصرافت تصرف هولاند^۲ افتاده است و میگفتند پرنس غرجساکوف از جاب دولت متبوعه خود مأمور برلن شده که بهر طور است دولت پروس را از آن صرافت بیندازد بدولت روس و بدولت نمسه نسبت میدادند که هر يك از آنها خیال دارد يك قسمت خـاك عثمانی را متصرف بشود اما اینها همه حرف مفت و بی مأخذ بود علی الحساب هیچ يك از آن اخبار صحت بهم نرسانیده است تا بهار بیاید آنوقت هر چه شدنی است بروز خواهد کرد اما از قراری که معلوم میشود و همه کس در تهیه و تدارك است بخصوصه دولت انگلیس در اوضاع لشکری از همه دول عقب بود و بفکر و بصرافت ازدیاد عدد لشکر و تربیت چريك و غیره افتاده و خود را حاضر و مهیای حوادث ایام آینده مینماید

۱- کانال سوئز ۲- هلند

بردولت علیه نیز لازم است که این احتیاط را داشته در تدارك و تهیه باشد از قراریکه مذکور است خدیو ساپار دفونداسیون یعنی قسمت و سهمی که در بنای نهرشویش داشته است آنرا هم میفروشد و دولت انگلیس خریدار است و این سهم را نیز بیکصد ملیون فرانك میخرد حالا دیگر بواسطه معامله اول چشم و گوش مردم پر شده و در این باب چیزی نمیگویند چون واجب بود عرض شد.



از بیست و پنج روز متجاوز است که صادق پاشا سفیر کبیر جدید دولت عثمانیه وارد پاریس شده بود و چهار روز قبل بر این پذیرفته شد بعضی میگفتند ناخوش بود و بواسطه نقاحت مزاج پذیرائی ایشان بعهده تعویق افتاده بعضی دیگر مذکور میداشتند که تأخیر در پذیرائی بجهته عمل استقراض بود که دولت فرانسه میخواست بفهماند که در آن باب از دولت عثمانیه راضی نیست اما از قراریکه خودم فهمیدم صادق پاشا بعد از ورود به پاریس ناساز بود و بجهته همین تکسر مزاج مقدور نشد زودتر از ملاقات جناب مارشال مك ماهون بهره مند بشود تفصیل پذیرائی و تقریر صادق پاشا و جواب مارشال را در روزنامه رسمی نوشته بودند و اینك لفاً انفاذ حضور مینمایم.



چهار روز قبل بر این تلگرامی از والدۀ معظمه رسیده از مضمون آن و از مضامین نوشتجاتیکه در این چند روز از ارومی رسیده است معلوم میشود که عالیجاه جبرئیل خان بنای تعدی را نسبت بخانواده و املاک ما گذاشته تلگراف والدۀ را بعینه اینك انفاذ حضور مینمایم تا معلوم بشود که اضطراب و اضطراب بچه درجه بوده است که مخصوصاً از ارومی بدارالسلطنه تبریز آدم فرستاده اند که این تلگراف را برای فدوی برساند در همان روز وصول تلگراف نامه مزبور فدوی تلگرامی بحضور حضرت اشرف امجد معروض

داشتم دیگر نمی دانم بفکر رفع تعديات جبرئیل خان افتاده اند یا خیر باری هر گاه بنا بر این باشد که مثل جبرئیل خان آدمی بما تعدی نماید مرگ از این زندگانی بهتر است اصل بنای اذیت او در سرقریه کولن بر خواسته است این ده خالصه است و مرحوم برزو خان آنرا از دیوان اعلی بیکصد تومان اجاره کرده بود و بعد از وفات در دست عیال و صغار آن مرحوم مانده و اجاره کمافی السابق بدیوان میرسید جبرئیل خان خواسته بود مداخلکی از آن ده بکند اما از خانه ما اعتناء بحرف او نکرده بودند حالا باین واسطه مدعی برپا کرده است که آن ده را از دست بازماندگان برزو خان بگیرد و دوسه مرتبه بعرض شکایت تبریز آدم رفته است آخر الامر حق بما داده اند بعد از آنکه جبرئیل خان دیده است که در سر آن ده نمیتواند بما تعدی کند بصرافت این افتاده است که فراش بخانه و بسرا ملاک ما بفرستد و هر روز بیک بهانه والده معظمه را آزار و اذیت نماید خلاصه والده خیلی مأیوس است و صریحاً مینویسد که بالفرض تو وزیر مختاری و اولیای دولت کمال التفات و مرحمت را در حق تو دارند بعد از آنکه مثل جبرئیل خان آدمی که پسر یعقوب جان باشد اینطور ما را اذیت بکند چه بهره از منصب تو بما میرسد خلاصه این است حالت ما در ارومی دیگر رفع و رجوع آن بسته بمرحمت حضرت اشرف ارفع است يك فقره دیگر در تلگرام والده هست و آنهم در باب مقرری برزو خان است که حضرت اشرف ارفع وعده فرموده اند در حق اولاد او برقرار بشود اختیار آنهم بابندگان عالی است هر طور صلاح بدانند همان صواب است زیاده چه جسارت است . مورخه ۲ شهر ذی حجه الحرام ۱۲۹۲

عریضجات مورخه ۱۶ ذی حجه ۱۲۹۲

نمره ۸۱ مشتمل بر سه طغرا

خداوند گارا در روز شنبه اول ماه ژانویه سنه ۱۸۷۶ که اول سال نو کاتولیکها است چنانچه رسم است همه مأمورین خارجه و وزراء و سایر

اعیان و کارگزاران دولت فرانسه دعوت شده بودند که با لباس رسمی بعمارت الیزه رفته مراسم تهنیت را بجناب مارشال مکماهون بعمل بیاورند فدوی نیز باتفاق مقرب الحضرت الخاقانیه میرزا احمدخان در ساعت دو بعد از ظهر در عمارت مزبور با سایر مأمورین خارجه حاضر شده و مراسم تبریک سال نو را موافق رسوم متداوله معمول داشته و بعد بسفارت خانه مراجعت نمودیم. در یوم دوشنبه ۱۰ همین ماه ژانویه که دوازدهم ذی حجه الحرام بوده باشد جناب صادق پاشا موافق اعلامی که کرده بودند و موافق رسوم مقرره کوردیپلماتیک و اعیان دولت فرانسه را در سفارت کبری پذیرفته فدوی نیز باتفاق میرزا احمدخان بمجلس پذیرائی رفته بودیم صادق پاشا بمحض ورود بعزم ملاقات تا دم در تالار پیش آمده و دست فدوی را گرفته خیلی اظهار دوستی و مودت نمود اما جمعیت زیادی نیامده بود از قراریکه معلوم میشود حالاها دیگر چندان اعتنائی بدولت و سفارت عثمانیه ندارند خود صادق پاشا آدم خیلی زرنک و هوشیار و با عقل و فراست است تا ببینیم در این مسئله استقراض چه تدبیری بکار خواهد برد که اسم و شأن دولت خود را که روز بروز روبه تنزل است بالا ببرد آقا این کار بسیار کار مشکلی است و یقین دارم که هرگاه بجای صادق پاشا افلاطون هم باشد جاره بدرد دولت عثمانیه نمی تواند بکند زیرا که کار و عمل استقراض بحدی مختل و مغشوش است که دیگر بهیچوجه من الوجوه اصلاح پذیر نیست. شورش هرسک هم کمافی السابق برقرار است و هنوز دفع نشده است و اگرچه در این روزها بجهت زمستان زد و خوردی در میان آنها و عساکر عثمانیه واقع نشده است ولی از قراریکه مذکور میشود در بهار آینده هنگامه دوباره برپا خواهد شد در روزنامه ها مذکور است که کنت اندرش وزیر امور خارجه دولت نمسه تفصیلی در باب تنظیمات و اصلاح عمل صفحات سربی و بوسن و هرسک نوشته و بتصدیق دولت پروس و روس بدولت عثمانیه تکلیف او را رد کرده و خواهش نموده است که بکارهای داخله مداخله ننمایند و این فقره رانیز شهرت میدهند که سواد آن تنظیم نامه بدولت

فرانسه و انگلیس و ایتالیا نیز تبلیغ شده است اما هنوز جوابی از این سه دولت صادر نشده است خلاصه این فقره تنظیم نامه جناب کنت اندرش هنوز محقق و معلوم هم نیست بچه مضمون نوشته شده است انشاءاله هر وقت بروز کرد بعرض اولیاء دولت علیه خواهم رسانید.

مسیو تیسرون تاریخ نویس است سرگذشت بعضی از سلاطین و نجبای فرانکستان را نوشته است و در کتابهای متعدد داده چاپ زده اند يك تفصیلی هم در مدح ذات مبارك اعلی حضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداء و ترقیاتی که از بدو جلوس مبارك الی الیوم بظهور رسیده است یکی یکی نوشته و باین سفارت آورده و خواهش نمود که بنظر انور برسد و در صورتیکه مقبول خاطر همایونی افتاد بدهند در جزو کتابهای خود چاپ بزنند و انتشار بدهند مسیو تیسرون این اطلاعات را از يك کتابچه فدوی که در بدو ورود سفارت جناب وزیر فواید نوشته بود تحصیل نموده است هر گاه کم و زیاد داشته باشد اصلاح آن آسان است و در همانجا تصحیح فرمایند چون در این اوقات چنانچه باطلاع حضرت اشرف ارفع بند گانعالی رسیده است چیزهای غیر مناسب در باب سفرنامه شاهی نوشته بودند لهذا انتشار این فصل را بصلاح نزدیک می بینم دیگر اختیار با اولیاء دولت است اما در هر صورت استدعا دارم این فصل را بعد از ملاحظه قدغن فرموده باز دوباره برای این سفارت پس بفرستند و این را نیز لازم میدانم عرض بکنم که در مقام قبول لازم است به مسیو تیسرون نشان از درجه پنجم مرحمت شود البته این التفات را در حق چنین آدم خیر خواه که در حقیقت زحمت کشیده است مضایقه نخواهند فرمود.

بعضی تفصیلهادر باب مسئله مشرق زمین یعنی دولت عثمانیه در روزنامه های اینجا نوشته و می نویسند هر چه که قابل ملاحظه است از روزنامه های

مزبور قیچی کرده و اینک لفا انفاذ حضور میشود يك تفصیلی هم در باب اصلاح عمل چاپارخانه های ایران در روزنامه رسمی اینجا نوشته شده بود آنرا نیز بریده و در جزء سایر پارچهای روزنامه ها در جوف همین پاکت فرستادم که بلحاظ شریف حضرت اشرف ارفع بند گانعالی برسد جناب ناظم المملک از يك هفته متجاوز است پیاریس تشریف آورده و در گراند هتل منزل کرده است در همین دوسه روز دوباره مراجعت بلندن خواهد کرد زیاده بر این چیزی که قابل باشد نبود.

۱۶ شهر ذی حجه الحرام ۱۲۹۲

عریضجات مورخه ۱۵ محرم ۱۲۹۳

نمره ۸۲ مشتمل بر چهار طغرا

خداوند گارا دیشب در وزارت جنگ بشام موعود بودم جناب جنرال دسسه وزیر جنگ در بین صحبت اظهار داشت که تفنگ تازه اختراع شده است و چون رسم است از برای همه سلاطین باید تقدیم شود داده ام مخصوصاً برای اعلیحضرت شاهنشاهی در نهایت پاکیزگی يك قبضه از آن تفنگها تمام نمایند و همین که باتمام رسید هر گاه اذن بدهید خدمت شما میفرستم و خواهش میکنم که باولین وسیله انفاذ دارالخلافه نمائید که تقدیم حضور مبارک شود فدوی در جواب گفتم با کمال خوشحالی خواهش جناب شما را قبول میکنم و هر وقت تفنگ مزبور حاضر شد بمقصد میرسانم از قراریکه مذکور داشت این تفنگ از تفنگ شاسپو بمراتب بهتر و مرغوبتر است و از همه بابت بتفنگ شاسپو ترجیح دارد و حالا شاسپو را ترك میکنند و این تفنگ جدید متداول خواهد شد و در جمیع کارخانجات فرانسه از این تفنگ جدید برای قشون فرانسه میسازند انشاءاله همین که رسید میفرستم و بعد از رسیدن مراتب امتیازات آنرا در آنجا ملاحظه خواهند فرمود

مسیو استورل مهندس مشهور نقشه عمارت کشیده و بتوسط وزیر جنگ نزد فدوی فرستاده بود نقشه او را نیز باتفنگ مزبور میفرستم واستدعا دارم برای اونیز نشان ازدرجه چهارم مرحمت فرمایند .

جناب جنرال دسسه وزیر جنگ فرانسه از جمیع دول اروپا و حتی از دولت عثمانیه نشان از درجه اول دارد چند ماه قبل برای فدوی بتوسط مقرب الخاقان برای مسیو طولوزان حکیم باشی برای جناب معزی اله ازدرجه اول وهمچنین برای مسیو فلوری ازدرجه سیم واز برای مسیو دو که سرایدار باشی عمارت بوربون از درجه پنجم نشان استدعا کرده بودم تابحال جواب نرسیده است و حال اینکه اعطای نشان برای چنین اشخاص خیلی مناسب و بجا است جناب دوک دکاز قریب بسه سال است وزیر امور خارجه است و دراین مدت از جانب همه دول (الا ازجانب دولت علیه) نشان برای ایشان عنایت شده است و بهمین جهت او را قدری سرد می بینم دولت علیه بهمه نشان مرحمت میفرمایند نشان دوک دکاز ازهمه واجب تراست دراین صورت استدعا میکنم که نشان ازدرجه اول در حق جناب معزی اله نیز اعطا شود که خیلی بجا خواهد بود يك نفر از نایب های وزارت امور خارجه یعنی مارکی دبووار برادر زاده کنت دربرسه در حین مسافرت در فرنگستان شرفیاب حضور شده و کتابی ازتصنیفات خود را پیشکش حضور مبارک نموده و مقبول خاطر خطیر همایونی گردیده و بهمین واسطه خود را مستحق عنایات شاهانه می داند و درواقع باید نشان از درجه سیم برای او نیز مرحمت شود يك نفر دیگر که مسیو کولیه است و از صاحب منصبهای وزارت علوم محسوب میشود موزیکی تصنیف کرده و درحین توقف موکب همایون درپاریس بتوسط کوماندان فاورو پیشکش حضور مبارک نموده و وعده عنایت نشان در حق مشارالیه شده است هر گاه برای اونیز از درجه پنجم نشان مرحمت شود

خیلی بجا است اسامی این اشخاص را در صفحه علیحده نوشته و اینک لفأ انفاذ میدارم و استدعا دارم که این استدعای فدوی را در حق حضرات قبول فرموده و راضی نشوند که در میان مأمورین و همسرهای فقط فدوی سرافکننده بماند هر گاه التفات میکردند چهار پنج فرمان که جای اسم آنها سفید باشد مرحمت میفرمودند آنهم خیلی بجا میشد زیرا که روزنامه نویسها خیلی بد زبان هستند و زبان آنها را نمی توان برید مگر بیول و نشان. قوه پول دادن را که نداریم اما چون زبان آنها را با نشان هم می توان محکم بست اقلان نشان را از آنها نباید مضایقه کرد دیگر اختیار با حضرت اشرف ارفع بند کانهالی است مار کی دبووا و و مسیو کولیه هر دو در باب مطلب خود کاغذی بفدوی نوشته اند کاغذ هر دو را اینک برای مزید اطلاع لفأ میفرستم.

☆☆☆

در باب امورات پولیتیکه تازه که قابل عرض باشد واقع نشده است آن تنظیم نامه کنت اندرش که نقل مجالس شده بود آخر الامر در روزنامه ها منتشر شد خیلی مفصل است و در روزنامه مموریال دیپلماتیک این هفته بعینه منتقل و چاپ زده اند با مداد سرخ نشان کرده ام که زودتر بنظر عالی برسد بعضی تفصیلات دیگر در باب هر سگ و امورات دولت عثمانیه در روزنامه ها نوشته و می نویسند هر کدام که قابل ملاحظه بود از روزنامه ها بریده و اینک در لف عرایض امروز انفاذ میدارم در فرانسه از مدت بیست روز [پیش] مشغول انتخاب سناتورها بودند و حالا یعنی در یک هفته دیگر و کلای ملت منتخب خواهند شد تا بحال طرف جمهوری غالب بوده است و گویا تا چهار پنج سال دیگر کار خود را از پیش ببرد اما بعد از آن مدت که شرجه جمهوری را از سردولت فرانسه رفع خواهد کرد آن معلوم نیست بعضی میگویند اولاد سلاطین قدیم فرانسه پادشاه خواهند بود اما ظن غالب این است که طولی نخواهد کشید که پسرناپلئون سیم تاج امپراطوری را بر سر خواهد نهاد.

* * *

تنظیم نامه کنت اندرش نیز از قراریکه در روزنامه ها می نویسند از جانب دولت عثمانیه قبول شده است اصل فصل روزنامه که قبولی دولت عثمانیه را در آنجا نوشته اند اینک لفاً انفاذ میشود .

* * *

اسامی اشخاصیکه برای آنها نشان استدعا شده است از این قرار است: جناب جنرال دسسه وزیر جنگ - ازدرجه اول ، جناب دوک دکازوزیر امور خارجه - از درجه اول ، مسیوفلوری برای صراف باشی وزارت امور خارجه - ازدرجه سیم، مارکی دو بووار نایب وزارت امور خارجه - ازدرجه سیم ، مسیواستورل مهندس مشهور - ازدرجه چهارم ، مسیودو که سرایدار باشی عمارت بوربون ازدرجه پنجم، مسیو گولیه صاحب منصب وزارت علوم - ازدرجه پنجم، مسیودلیانی شارژدافریونان که خود حضرت اشرف ارفع برای او وعده نشان فرموده اند ازدرجه دویم .

بعضی از روزنامه نویسها که برای آنها نشان نرسیده است ازدولت بد می نویسند هر گاه مصلحت بدانند چهارفرمان که جای اسم آنها سفید باشد برای روزنامه نویس های مزبور مرحمت فرمایند خیلی واجب است .

۱۵ محرم ۱۲۹۳

عریفجات مورخه ۲۹ شهر محرم الحرام ۱۲۹۳

نمره ۸۳ مشتمل بر چهار طغرا

خداوند کارا در باب مقرری این سفارت یعنی از بابت وجوهاتی که رسیده و نرسیده نهایت معطلی و پیریشانی حاصل است زیرا از قراریکه غالباً بابابیک نوشته بود برات در طهران پیدانمی شود باوصف این احوال نمی دانم تکلیف چیست همه دول روی زمین وجوهات مقرری مأمورین خود را بمحل مأموریت

میرسانند و قتی که نوبت بما میرسد باید مبالغ خطیری متضرر شویم و با وصف ضرر و خسارت باز هم نتوانیم تنخواه مقرر را بدست بیاوریم مکرر عرض کرده‌ام و مجدداً عرض میکنم که مقرر این سفارت کفایت مخارج اینجارا نمی‌کند و تا بحال بواسطه دیر رسیدن مقرر از عهده مرابعه نمی‌توانستم برآیم هر گاه حالا هم باید بواسطه فرستادن تنخواه متحمل ضررهای جدید بشوم دیگر بهیچوجه نمی‌توان در اینجا زندگانی کرد خلاصه رفع این علت جدید نیز بسته بهمت بزرگانه و مرحمت کاملانه حضرت اشرف ارفع بندگان عالی است و امیدوارم چاره فرمایند که بدرد ما بخورد والا غیر ممکن است که باینطور بتوانم این دستگاه بزرگ این سفارت را راه ببرم يك استدعای دیگر فدوی این است که آن دویست و بیست و هشت تومان سال گذشته ایت ثیل و سیصد و چهل و شش تومان و هشت هزار و پانصد و پنجاه دینار سفر روم و همچنین دوهزار تومان سنواتی را قدغن فرمایند برسد تا اینکه از دست طلبکارها خلاص بشوم و دیگر بعد از این مصدع خاطر خطیر حضرت اشرف ارفع بندگان عالی نشوم.



بتاریخ ۷ رجب عریضه مفصلی در باب ورود مقرب حضرت الخاقانیه آقا میرزا علی حکیم‌باشی و مواظبت و مراقبت مشارالیه در تکمیل علم طبابت و جراحی معروض داشته استدعای بذل مرحمت در حق ایشان کرده بودم ولی تا بحال جوابی در باب آن عریضه فدوی و استدعائی که در باب مشارالیه نموده بودم صادر نشده و حال اینکه این گونه اشخاص که شب و روز مشغول تحصیل اند و آنی از شغل خود غافل نیستند افتخار ملت اند و استحقاق هر گونه التفات و مرحمت را از جانب دولت علیه دارند و حیفاست که از کم خرجی از تحصیل خود بازمانده نتوانند چنانچه باید و شاید علم خود را بتکمیل برسانند باری در عالم دولت و ملت خواهی استذکار و تجدید این مطلب را از تکالیف و

فرایض مأموریت خود دانسته لازم شمردم مجدداً استدعا نمایم که مرحمت کرده التفاتی در حق مشارالیه مبذول فرمایند تا اینکه با دلگرمی و اشتیاق تمام تحصیل خود را بانجام رسانیده بزودی بایران مراجعت نماید و بیش از پیش مصدر خدمات مهمه بشود.



چنانچه مقرر است و اولیای دولت علیه اطلاع دارند و کلای ملت در ممالك فرانسه از پنج سال به پنج سال تغییر و تبدیل میشوند و چون مدت مأموریت و کلای سابق مشورتخانه فرانسه که در سنه ۱۸۷۱ از جانب ملت منتخب شده بودند در اوایل همین سال جدید فرانسه بآخر رسیده بود لهذا در مجلس همان و کلا پیش از اینکه متفرق بشوند قرار شده بود که و کلای جدید منتخب شوند و در بیست این ماه فوریه چنانچه مقرر بود و کلا از جانب ملت منتخب شدند اما ایندفعه برخلاف سابق طرف جمهوری غالب است و بدبختانه عدد مفسدین هم یعنی رادیکال قریب بیکصد نفر رسیده است و اکثر از آنها از اهل کمون و فساد طلباند صورت اسامی و کلای مزبور فرداً فرد در روزنامه فیکارو نوشته شده است و در مقابل اسامی آنها از چه فرقه بودن هر يك از آنها مشخص و معین گردیده است هر گاه زمام کار بدست این جور اشخاص بیفتد وای بحال دولت فرانسه. اولیای دولت فرانسه از این حالت بسیمار پریشان و مشوش می بساشند تا خدا چه خواهد بعضی تفصیلهای در روزنامه ها در این باب نوشته اند آن تفصیلهای را نیز در لف همین پاکت انفاذ میدارم تا اینکه ملاحظه فرمایند و از حالت حالیه استحضار کامل بهم برسانند از هر سگ خبر تازه نیست و در باب تنظیم نامه کنت اندرش همین قدر می نویسند که از جانب دولت عثمانیه قبول شده است ولی از جانب شورشیان قبول نشده است و ادعای آنها بر این است که خود را از تحت حکومت دولت عثمانیه خارج نموده مانند اهل قره جه داغ حکومت و اداره مملکت و رتق و فتق امور

داخله و عزل و نصب حکام با اهالی مملکت باشد و مدخلیت بدولت عثمانیه نداشته باشد این هم يك حرفی است تا به بینیم چه نتیجه خواهد بخشید از قراریکه می نویسند کار باردون کارنوس هم مغشوش است در چند جاش کست خورده است و احتمال دارد که عنقریب شر او را نیز از اسپانیه رفع کنند.



مسیولان دبرغ که روزنامه نویس و از تبعه دولت پروس است چهار روز قبل بر این باین سفارت آمده اظهار داشت که برادر من که تفنگ و فشنگ ساز است بنا بسفارش مقرب الحضرت الخاقانیه میرزا احمدخان آجودان معادل دو میلیون و نیم فشنگ تباتی بر برای دولت علیه ساخته و موافق قرارنامه که از جانبین در آن باب نوشته شده بود در سارسان بگماشتگان دولت علیه تحویل داده است و ایضاً می گفت که از قراریکه از برادر من خبر رسیده است اولیای دولت از خوبی فشنگهای مزبور خشنود و راضی بوده اظهار داشته اند که دوباره فرمایش فشنگ خواهند داد و چون از آنوقت الی الیوم خبری در آن باب نرسیده و برادر من اوضاعی برای ساختن فشنگ مهیا دارد لهذا خواهش میکنند که اولیای دولت علیه او را از این انتظار بیرون بیاورند تا اینکه تکلیف او معین شود باین معنی که هر گاه دوباره فرمایش فشنگ داده خواهد شد در تدارك و تهیه ساختن فشنگ باشند تا اینکه در وقت رسیدن فرمایش فشنگها را حاضر و آماده دارد والا در صورتیکه اولیای دولت بیش از آن فشنگ لازم نداشته باشند مشغول امر دیگر بشود مقصود عمده این شخص این است که از نیت اولیای دولت مستحضر بشود تا اینکه بروفق او امر علیه رفتار کند و تعطیل در انجام فرمایشات بهم نرسد استدعا دارم جواب این فقره را زودتر معلوم فرمایند تا اینکه تکلیف فدوی و مسیولان دبرغ مشخص گردد.

۲۹ شهر محرم الحرام ۱۲۹۳



عریضجات مورخه ۱۲ شهر ربیع الاول ۱۲۹۳

نمره ۸۴ مشتمل بر چهار طغرا

خداوند کارا از ششماه متجاوز است که از روم مراجعت کرده ام و در این مدت عرایض و مطالب زیاد معروض داشته و بجواب هیچ يك از آنها مفتخر و سرافراز نشده ام و بهمین واسطه مات و متحیر مانده ام و نمی دانم چه بنویسم و جواب مطالب مردم را بچه قسم بدهم خلاصه از این بابت نهایت نگرانی حاصل است و تا جواب نرسد از این نگرانی بیرون نخواهم آمد دیگر اختیار با حضرت اشرف ارفع بند گناغالی است .

☆☆☆

در اینجبا بواسطه اخباری که از دارالخلافه میرسد از ترتیب و تنظیم و اصلاح عمل پستخانه که تازه در ایران راه افتاده است خیلی تعریف و توصیف میکنند و از ضرابخانه نیز که تازه بکار افتاده است خوب میگویند و انشاءاله این دو عمل روز بروز بهتر و منظم تر خواهد شد در باب پست لازم میدانم عرض بکنم حالا که از فضل خدا و همت اولیای دولت این عمل راه افتاده است باید بصرافت این افتاد که مانند دول اروپا که در میان خود قرارنامه ها بسته اند دولت علیه نیز قرارداد آنها را قبول کرده و بآن واسطه کاغذهای ایران بطرف فرنگستان و کاغذهای فرنگستان بخاک ایران فرستاده شود و در ارسال مرسول معطلی حاصل نشود این عمل متضمن فواید زیاد خواهد شد و امیدوارم که اولیای دولت بصرافت این عمل افتاده انجام آنرا بیکی از مأمورین رجوع خواهند فرمود حالا که این عمل پست و ضرابخانه بمبارکی راه افتاده است وقت آن است که قرار درستی در عمل وزن و اندازه نیز داده شود هر گاه مأذونم فرمایند راپورت مفصلی در آن باب نوشته و فواید و منافع آنرا مشروحاً مشخص نموده بعرض اولیای دولت علیه میرسانم .



کاربار دولت عثمانیه خیلی مختل است و روز بروز مغشوش میشود بنا بود که آن نصف منافع قروض آن دولت در اول این ماه آوریل داده شود اما مقدور نشد بدهند و قرار گذاشته اند که بعد از سه ماه دیگر یعنی در اول ماه ژوئیه هم این قسط آوریل را و هم خود قسط ماه ژوئیه هر دو را در یکجا بدهند حالا معلوم نیست که بمقدور وفا خواهند کرد یا خیر عمل شورش هر سگ کما فی السابق برقرار است و هر روز در میان شورشیان و عساکر عثمانیه زد و خورد واقع میشود و مانند ازمنه سابقه در تلافی فریقین گاهی این طرف گاهی آن طرف مغلوب میشود اما تا بحال جنگ جدی واقع نشده است و معلوم نیست عاقبت این کار یکجا خواهد انجامید علی الحساب اهالی هر سگ بآن قراردادی که از جانب دولت اتریش تکلیف شده بود تمکین نکرده اند و ظن غالب این است که بعد از این هم تمکین نخواهند کرد تا اینکه یایک قرار درستی در کارهای آنها بضمانت دول اروپا داده شود و یا اینکه خود را از تحت سلطنت دولت عثمانیه خارج بکنند و خردشان مثل اهالی قره جه داغ مستقل بشوند.



الان که مشغول تحریر این عریضجات بودم جناب بارون دسانتوس شارژ-دافر سابق دولت پورتگال مقیم پاریس که حالا بسمت وزیر مختاری وایلچی-گری مخصوص مامور باقامت دربار دولت بهیه روسیه است از در داخل شد و نشان نوروایه که نشان اول آن دولت است و از برای حضرت اشرف ارفع بند گانعالی خواسته بودم آورده و تسلیم فدوی کرد بعد از مشاهده حالت جوانمردی ایشان فدوی نیز از برای او و از برای جناب مسیو کورد وزیر امور خارجه آن دولت نشان از درجه اول شیر و خورشید وعده کردم و امیدوارم فدوی را در نزد چنین آدم خوش ذات و خدمتگزار خجیل و شرمندہ نگذارید و قدغن فرمایند فرمان و نشان هر دو را با اولین وسیله بفرستند تا اینکه بآنها

تبلیغ نمایم و در پیش آنها سربلند باشم فرمان دولت پورتگال را اینك لفاً میفرستم اما فرستادن نشان مزبور (که مرکب از کولیه خیلی ممتاز و همچنین از يك حمایل آبی و سر حمایل و نشان سینه که همه را در يك جعبه جابجا کرده اند) با پست غیر ممکن است اما انشاءاله در همین روزها مضروب عالیجاه یحیی بیك که منصوب فدوی و از ارومی از دست جبرئیل خان بشکایت آمده بود میفرستم و تفصیل احوال با خود او بمرض میرسانم مخفی نماند که این نشان نور وایسه بسلطین داده میشود در این اواخر بمارشال مکماهون هم داده بودند اما بغیر از مارشال درخارک فرانسه به احدی داده نشده است خلاصه مبارك است و انشاءاله بدلخوشی و در ظل حمایت شاهانه مستعمل فرمایند چون با همه دول اروپا عهدنامه دوستی و تجارتی داریم و بسا دولت پورتگال هنوز عهدنامه بسته نشده است لهذا در این موقع هر گاه صلاح دانند و ماؤونم فرمایند بنای انعقاد يك عهدنامه را خواهم گذارد و البته بی مناسبت نخواهد شد با دولت بریزیل هم عهدنامه نداریم آن دولت طالب است و وزیر مختار آنها مکرر اظهار داشته است که با دولت علیه عهدنامه داشته باشند و آنهم خالی از فواید نخواهد بود دیگر اختیار باد دولت علیه است.

مورخه ۱۲ شهر ربیع الاول ۱۲۹۳

عریضه مورخه ۲۶ شهر ربیع الاول ۱۲۹۳

نمره ۸۵ مشتمل يك طغرا

خداوند گارا در این روزها در همه روزنامه های پاریس شهرت میدهند که دولت علیه ایران بخیال استقراض افتاده است و اکثر از روزنامه ها این عمل را تکذیب کرده بدمی نویسند از آن جمله در روزنامه فیگارو نیز يك فصلی در آن باب نوشته بودند چون استحضار اولیای دولت لازم است همان فصل روزنامه مزبور را قیچی نموده و اینك لفاً انفاذ حضور مبارك مینمایم

و اگرچه از صدق و کذب آن اخبار درست مطمئن نیستیم ولی از آنجائیکه خیر و مصلحت دولت متبوعه خود را بر همه چیز ترجیح میدهم لازم میدانم عرض بکنم که هیچیک از خیرخواهان ایران صلاح نمی‌دانند که دولت علیه باین راه بیفتد و مانند دولت عثمانیه خود را ضایع نماید و همه کس میگویند که حالا موقع آن نیست که دولت علیه باین صرافت بیفتد خصوصاً در این زمانیکه این حالت افلاس از دولت عثمانیه ملاحظه شده است اهالی فرنگستان بهیچ یک از دول مشرق زمین اعتبار ننکرده و پول قرض نمی‌دهند باوصف این احوال هیچ صلاح نیست که ایران در این وقت اقدام باین کار نماید از اینها گذشته دولت علیه احتیاج باستقراض ندارد زیرا که خودش پول دارد و میدانند که هر یک از دول مشرق زمین که پا باین راه گذاشته‌اند خیر از این عمل نبرده دچار ضرر و خسارت‌ها شده‌اند و البته دولت ایران خود را باین خسارتها نخواهد انداخت خلاصه مردم اینجا این طور میگویند دیگر اختیار با اولیای دولت است.

۲۶ شهر ربیع الاول ۱۲۹۳

عریضجات مورخه ۱۰ شهر ربیع الثانی ۱۲۹۳

نمره ۸۶ مشتمل بر شش طغرا

خداوند گارا هشت طغرا تعلیقه که تاریخ آنها از غره ربیع الاول و در جواب عریضجات سابقه بسر افرازی فدوی شرف صدور یسافته بود در همین هفته شرف وصول ارزانی داشت از قراریکه اشاره فرموده بودند نشان درجه پنجم که در حق مسیو شوالیه پل منکاجی نایب ایشک آقاسی باشی حضرت پاپ استدعا کرده بودم قبول شده است و انشاءاله بزودی مرحمت خواهد شد و همچنین در باب منصب سرهنگی عالیجاه مقرب الحضرت بابابیک و ترفیع رتبه نشان فدوی نیز مرقوم شده بود که مرحمت خواهد شد از این اعلام هانهایت

مسرت و افتخار حاصل شد امیدوارم که عنقریب فرامین دایر باین سه فقره بزودی صادر شده برسد و باعث افتخار هریکی از ما بشود فقره عزل جبرئیل خان را که بآن قسم مرقوم فرموده بودند مایه کمال مفاخرت شد ولی باز دلم بحالت اومی سوزد و استدعا میکنم در وقت ورود بدارالخلافت بیش از این او را گوشمال ندهند. در خصوص مخارج مسافرت روم نیز که شش هزار و چهارصد و شصت و هشت فرانك و پنجاه و پنج سانتیم شده است تصدیق نموده مقرر فرموده بودند که بزودی مرحمت خواهد شد و فدوی از دست طلبکارها فارغ شده بآسودگی مشغول دعا گوئی ازدیاد عمر و عزت حضرت اشرف ارفع بندگانهالی خواهد بود.

در همین ماه گذشته از قرار احکام دولتی که از جانب جناب مارشال مکماهون صادر و در روزنامه رسمی سمت انتشار یافته بود قرار شده است که در اول ماه مه ۱۸۷۸ عیسوی، یعنی بعد از دو سال دیگر در پاریس اکسپوزیسیون بزرگ خواهد شد و از حالا مردم اینجا و اهالی دول دیگر در تهیه و تدارك هستند که در وقت اکسپوزیسیون مزبور خود را آماده و حاضر داشته باشند و از قراریکه مسموع و معلوم میشود از جانب جمیع دول و ملل روی زمین مأمور و امتعه خواهد آمد در اکسپوزیسیون پاریس در سنه ۱۸۶۷ و در اکسپوزیسیون وینه در سنه ۱۸۷۳ امتعه ایران بحدی جلوه گر گشته که مافوق آن غیر متصور است و اولیای دولت علیه میدانند که مقصود از این بساط این است که ملل باهم نزدیک بشوند و هنر هریک از آنها در نزد دیگران پوشیده نماند و باین سبب اسباب مراوده و معامله روز بروز و بیشتر از بیشتر بازتر و گشوده تر بشود و البته محاسن این عمل هم در انظار اولیای دولت علیه پوشیده نیست و چون در باب فواید و منافع که از این رشته برای ترویج معامله و ترقی صنعت برای ملل روی زمین حاصل میشود مکرر

مذاکره شده است لهذا فدوی در این موقع بیش از این شرح و بسط در باب حسن و فواید این کار جایز نمی‌دانم اما از آنجائیکه برفدوی معلوم است که خاطر خطیر سرکار اعلیحضرت اقدس شهریار ی روحنا فداء همیشه مصروف بر این است که دولت ایران مانند سایر دول مشرق زمین داخل دایره دول فرنگستان بوده و در جمیع امورات بآن دول شریک باشند لهذا در کمال جسارت عرض میکنم که این جور موارد را باید غنیمت شمرد و در جمیع کارها و قرار نامه‌های منعقد بین المللی، ایران را مداخله داد تا باین واسطه ایران نیز در آراء و اتفاق و اتحاد دول اروپا شریک شده خود را در سلک و جرگه آنها جا داده داخل اتحاد عمومی بشود خلاصه رشته کلام در این باب دراز است و چون اولیای دولت علیه همه اطراف این جور مسئله‌ها را خوب میدانند بنا علیه بیش از این در آن باب جسارت نمی‌نماید ولی لازم میدانم عرض بکنم که از حالا برای ریاست اکسپوزیسیون ایران سه نفر داوطلب پیدا شده است یکی مسیو هرمان ویس قونسول دولتی علیه مقیم پاریس است دویمی مسیو کاروالو قونسول دولتی علیه مقیم بسوردو و سیمی همان مسیو اوبرژیه است که در سنه ۱۸۶۷ از جانب دولت علیه رئیس اکسپوزیسیون ایران بود حالا باعتقاد فدوی هر گاه این کار از جانب دولت علیه قبول شود و بخواهند مثل ازمنه سابقه در اکسپوزیسیون ۱۸۷۸ بساط داشته باشند و مأمور بخصوص از ایران نفرستند در آن صورت ریاست مسیو هرمان بر سایرین رجحان دارد از فدوی عرض و جسارت کردن است دیگر اختیار با اولیای دولت علیه است .



اگرچه با چاپار گذشته تفصیل کولیه طور واپه که از جانب دولت پورتسکال بحضرت اشرف ارفع اعظم بند گانعالی اعطا شده مشروحاً بعرض حضور معروض داشته‌ام ولی باز هم در باب زحمات جنابان مسیو کورو وزیر

امور خارجه و بارون دسانتوس وزیر مختار آن دولت مقیم پطر بورغ که در تحصیل نشان مزبور کشیده اند لازم میدانم عرض بکنم که بهمه جهت آن دوشخص بزرگوار از جانب دولت علیه مستحق بذل مرحمت شده اند و مجدداً استدعا مینمایم که آن دو نشانی که برای جنابان معزی الیها استدعا کرده ام بزودی صادر نموده انفاذ فرمایند تا اینکه بایشان تسلیم نموده از خجالت آنها بیرون بیایم در باب نشان جناب مسیود کاز وزیر امور خارجه فرانسه و جنرال دسسه وزیر جنگ و آن چند نفر دیگر از صاحب منصب و روزنامه نویس موافق صورت فردی که سابقاً فرستاده ام و من باب احتیاط سواد آنرا مجدداً لفاً ارسال میدارم استدعا میشود که نشانهای مزبور را نیز زودتر مرحمت فرمایند که از خجالت آنها در بیایم و دولت علیه را از شر روزنامه نویسان محفوظ بدارم و استدعا دارم که این استدعای فدوی بسمع اجابت برسد و از این فقره آسوده بشوم .



چنانچه پانزده روز قبل بر این با پست و باموجب تلگراف معروض شده بود در روزنامه ها شهرت داده بودند رأی دولت ایران باستقراض تعلق گرفته است و چنانچه از مضمون روزنامه های مزبور که در همان تاریخ فرستاده شد روزنامه نویسها از این فقره جسته جسته از ایران و ایرانیان بدمی نویسند اینها سبب شد که در باب استقراض که بآنطور شهرت داده بودند با تلگراف سؤال نمایم تا حقیقت این امر واضح شود و همین که از جانب حضرت اشرف با تلگراف جواب رسید همان روز يك شرح در تکذیب آن همه شهرت ها نوشته و دادم در همان روز وصول تلگراف نامه مزبور در روزنامه دبا و مونتنور و بستره و فیکارو و اروپ دیپلماتیک و مموریال دیپلماتیک نوشته و اینک از هر يك از آنها يك نسخه لفاً فرستاده میشود تا بحال احدی جسارت نکرده است جواب کاغذ فدوی را بنویسد انشاء اله پسر و نویسها را از گور

درمی آورم اما باوصف این احوال باید روزنامه نویسه را در دست نگه داشت و گاه به گاهی يك مرحمتی درحق آنها نمود و امیدوارم نشانهایی را که برای آنها استدعا کرده ام مرحمت خواهند فرمود تا اینکه ازشر آنها محفوظ بمانیم .



در هرسک باز زد و خورد است از قراریکه معلوم میشود شورشیان روز بروز قوت بهم میرسانند و موافق قاعده با عسا کر منصوره دولت عثمانیه می جنگند گاهی مغلوب میشوند و گاهی شکست میدهند خلاصه در این روزها تازه که واقع نشده است که قابل عرض باشد همین قدر در روزنامه دبا تفصیل رشادت مختار پاشا را نوشته اند که در وقتیکه میخواست آذوقه به قلعه نیکشیچ برساند شورشیان را شکست داده است همان تفصیل را اینك لفاً بعینه میفرستم تا اینکه بعد از ملاحظه از حالت ضعف دولت عثمانیه خوب مستحضر بشوند در حقیقت جای تعجب است که دولتی مثل دولت عثمانی در این مدت هفت و هشت ماه از عهده يك مشت شورشیان هنوز هم نتوانسته است بر آید و گویا خودش بانفراده و بدون اعانت دولت دیگر هیچ نتواند از عهده هرسکی ها بر آید و این حالت عنقریب معلوم خواهد شد و انشاء اله بمحض استحضار چگونگی احوالات را بعرض خواهم رسانید .



در باب تفصیلی که مسیوتیسرون تاریخ نویس نوشته و بتوسط فدوی فرستاده اشاره شده بود که همان تفصیل را بعد از ملاحظه برای عرض مهر ظهور مبارك اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه فرستاده اند و همانطور در حضور مبارك مانده است اگر چه مسیوتیسرون و فدوی نمی توانیم در آن باب

اظهار جسارت نمائیم ولی چون این تفصیل باید در جزو تواریخ سال گذشته نوشته و منتشر بشود و چون بواسطه نرسیدن آن شرح چاپ کتاب مزبور بعهده تعویق افتاده لهذا استدعا میشود بفرمایند که مصلحت دانند جواب این فقره را زودتر مرحمت فرمایند که تکلیف فدوی و مشارالیه در باب انتشار تاریخ مزبور معین شود.

۱۰ شهر ربیع الثانی ۱۲۹۳

عریضه مورخه ۲۴ شهر ربیع الاول ۱۲۹۳

نمره ۸۷ مشتمل يك طغرا

خداوند گارا در ششم این ماه مه فرنگی که مطابق یازدهم شهر حال بوده باشد يك حادثه عجیبی در شهر سلانیک روداده و آن از این قرار است يك دختر از بلکارها^۱ دین و طریقت اسلام را قبول کرده و با نامزد و چند نفر دیگر از ده بشهر سلانیک می آمده است که موافق رسوم و قوانین دولت عثمانیه رفته در نزد قاضی و حاکم ولایت اقرار کند که من بصرافت طبع خود مسلمان شده ام در حین رسیدن آن دختر بسلانیک قونسول دولت مجتمعه آمریک^۲ بایکصد و چهل نفر بسلامت راه آهن رفته و آن دختر را در حین پیاده شدن از کالسکه میکشد و می برد معلوم است بعد از مشاهده این حالت مسلمانان ازدحام کرده دختره را میخواهند از قراریکه معلوم میشود دختره را بدست آنها نمیدهند و در بین معرکه قونسول فرانسه و قونسول پروس که با قونسول آمریک خویش بودند به امداد او می آمدند بگیری می افتند و هر دو مقتول میشوند اما قونسول آمریک که باعث این هنگامه بوده است و مقصر او است مقتول نشده است باری تفصیل این احوال را مفصلاً در روزنامه موریا دیپلماتیک که لغاً انفاذ میشود نوشته اند و حالا از قراریکه معلوم میشود تا پنجاه و چهار

نفر از مسلمانان گرفته و شش نفر آنها از حکومت سلانیک در میدان همان شهر بقتل رسانیده باز هم در باب این فقره غوررسی و رسیدگی میشود تا ببینیم چند نفر دیگر را بجهته هرزگی يك نفر قونسول آمریکایی خواهند کشت عجب عدالتی است قونسول آمریکایی که باعث این همه فساد شده است مورد مواخذه نمی شود و باید سی و چهل نفر از بیچاره ها برای تقصیر او کشته شوند این ها همه از بخت برگشته دولت عثمانیه است باید صدمه پشت سر هم با و بخورد از قراریکه شهرت میدهند در بعضی از شهرهای اناطولی نیز بنای شورش را گذاشته اند خلاصه هر گاه بنای شورش در آن صفحات هم گذاشته شود پدر دولت عثمانی سوخته خواهد شد اما چه فایده از جانب دولت علیه اظهار حیاتی نمی شود و هیچ معلوم نیست که اولیای دولت در صدد تهیه و تدارك اسباب حربیه و غیره هستند که در موقع پدر دشمن را از گور در آورده تلافی خرده قرضهارا نمایند و یا اینکه از این عوامل غفلت دارند خلاصه اگر چه اینها فضولی است و اولیای دولت علیه تکلیف و صلاح دولت را بهتر میدانند اما محض یادآوری عرض شد يك فقره دیگر که در این روزها خیلی شهرت دارد آمدن امپراطور روس و پرنس غرچکوف و کنت اندرش است بشهر برلن از قراریکه مسموع میشود آن دو وزیر امور خارجه با پرنس بیسمارک چند مرتبه با هم اجلاس کرده و گفتگو کرده اند از قراریکه مذکور میشود در باب مسئله هرسک گفتگو نموده اند اما از گفتگوهای آنها چیزی بروز نکرده است و هیچ معلوم نیست که نتیجه گفتگوی آن سه نفر وزیر امور خارجه چه بوده است و چه ثمر خواهد بخشید معلوم است بعد از این هر چه بروز کند بعرض اولیای دولت علیه خواهم رسانید.

۲۴ شهر ربیع الثانی ۱۲۹۳

عریضجات مورخه ۱۰ شهر جمال الاولی ۱۲۹۳

نمره ۸۸ مشتمل بر دو طغرا

خداوند کارا تفصیل گفتگوهای برلن که در میان دولت روس و اتریش و پروس واقع شده بود در روزنامه ها نوشته شده است همچنین کیفیت مموران دوم که از جانب آن سه دولت بدولت انگلیس و فرانسه و ایتالیا فرستاده شده است در همان روزنامه ها نوشته اند و اینکه دولت انگلیس مموران دوم مزبور را رد کرده و دولت فرانسه و ایتالیا قبول نموده اند اینها را نیز نوشته اند و چون خیلی مفصل است لهذا روزنامه ها را بعینه فرستادم و مطالبی که قابل ملاحظه اند با مداد سرخ نشان کرده ام که در پیدا کردن آنها زحمت نباشد در باب بیرون کردن سلطان عبدالعزیز نیز تفصیل ها نوشته شده است و هر چه قابل عرض بود از روزنامه ها منتخب کرده اینك در لف پاكت امروز لفأ نفاذ حضور مبارك مینماید خواندن آنها بی ثمر نیست هر گاه سلطان عبدالعزیز نو کرباب را خوب متوجه میشد و جیره مواجب سرباز را بموقع میرسانید قشون نمی گذاشت که سوختها و را بیرون کنند قدر نو کرباب را باید دانست و نو کرباب را بحدی بخود مهربان کرد که در وقت ضرورت جان خود را در راه آقای خود فدا نماید.

☆☆☆

عالیجاه میرزا مطلب قریب بسه سال است که باذن و اجازه جناب امین- الملك در این سفارتخانه منزل داشته و مشغول تحصیل و تکمیل علم نقاشی بود و لله الحمد در این مدت قلیل خیلی ترقی کرده و میتون گفت استاد ماهر شده است و در علم صورت چایی نیز مهارت بهم رسانیده است و من باب تجربه تمثال حضرت اشرف ارفع بند گانعالی را ساخته و باسمه زده است و باعتقاد فدوی خیلی خوب از عهده برآمده است خلاصه میرزا مطلب خیلی قابل شده

است و بهمه جهت بکار دولت و ملت میخورد و می تواند مصدر خدمات بزرگ بشود و این علم شریف را که بزحمتهای تحصیل کرده است در ایران انتشار دهد و جمعی از نقاش های آنجا را تربیت نماید که آنها نیز در دایره شغل و عمل خود بکار دولت و ملت بخورند امیدوارم که اولیای دولت علیه التفات خود را در حق عالیجاه مشارالیه دریغ ننموده خدمات دایر بشغل خود باو رجوع خواهند فرمود تا اینکه زحمات این چندساله مشارالیه که در تحصیل این علم کشیده است بهدر نرود.

۱۰ جمادی الاول ۱۲۹۳

عریضه مورخه ۸ شهر جمادی الاخری ۱۲۹۳

نمره ۸۹ مشتمل يك طغرا

خداوند گارا در این روزها اخبار پولتیکیه که قابل عرض باشد نیست همینقدر در روزنامه ها شهرت میدهند که دولت سربی در تهیه و تدارک جنگ است و از قراریکه از حالت آن دولت و از حالت سایر همسایه های او معلوم میشود دور نیست که مابین دولت عثمانیه و سربی و هر سگ و بوتکارها و غیره جنگ نشود همه این دولتهای کوچک باهم همذهب اند و تعصب همدیگر را میکشند و دولت روس هم که بآنها هم طریقت است در جزو حمایت از آنها مینماید و دور نیست که با این حالت ضعف دولت عثمانیه این چند فرقه کار خود را با جهاد از پیش نبرند تا خدا چه خواهد گویا عزیمت جناب مسیو ملینه باز بعهدہ تعویق افتاده است و گویا جناب معزیاله را اجازه داده که تا دو سه ماه دیگر در اینجا بماند از این قرار در ماه سپتامبر روانه خواهد شد مسیو هیو حکاک سفارت علامت نشان دولت علیه را کشیده و باین سفارت آورده بود کاغذ او را و نقشه که کشیده است هر دو را در لف پاکت امروز انفاذ حضور مینمایم و هر گاه پسند افتاد دستور العمل مرحمت

فرمایند که بعد از این در سر درهای سفارت ها و قونسولگری ها مانند سایر دول
باین ترکیب علامت بگذارند اما بزرگتر از این نقشه باعتقاد فدوی این
علامت با بالا پوش یعنی مانتوی امپراطوری خیلی باشکوه و پسندیده خواهد بود.
مورخه ۸ شهر جمادی الاخری ۱۲۹۳

عریضجات مورخه ۲۲ شهر جمادی الاخری ۱۲۹۳

نمره ۹۰ مشتمل بر چهار طغرا

خداوند گارا چنانچه در عرایض سابقه معروض داشته بودم می بایستی
تا بحال نشان طور واپه را که از جانب دولت پورتکال بحضرت اشرف ارفع
بند گانهالی داده شده بود فرستاده باشم ولی از قضایای اتفاقیه عالیجاه یحیی بیگ
ناخوش افتاد و تا بحال حالت عزیمت را بهم نرسانیده است انشاء اله همین
که چاق شد او را روانه میدارم و نشان مزبور را با او میفرستم والا هرگاه
رفتن او بجهته سوء مزاج بمعده تعویق افتاد آنگاه لابد و ناچار باید تارفتن
جناب مسیوملینه منتظر بشوم تا اینکه مضخوب معزی اله بفرستم اگر چنانچه
خود نشان مزبور این قدر بزرگ نبود و می شد با پست فرستاد حالا فرستاده
بودم اما بدبختانه این راه هم برای ما بجهته عدم قرار نامه پست مسدود
شده است خلاصه باولین وسیله میفرستم واستدعا دارم که دیر فرستادن آن
نشان را حمل باهمال فدوی نفرمایند .

☆☆☆

تلگرافنامه مورخه ۷ همین ماه ژوئیه که بسرافرازی فدوی شرف صدور
یافته بود واصل شد از مضمون آن که مشعر بر این بود که مطالبات تبعه
فرانسه و غیره بسفارت فرانسه تمام و کمال پرداخت شد نهایت مسرت و
خوشحالی حاصل گشت در همان روز وصول تلگرافنامه مزبور بسوزارت

امور خارجه رفته و این خبر را بجناب دوك دكاذا بلاغ نمودم ایشان نیز بسیار مسرور و مشعوف شدند و مذکور داشتند که یکم هفته قبل از آن تلگرامی از شارژدافرشان رسیده بود باین معنی که دولت علیه تکلیف کرده است یکصد و چهارده هزار فرانك من باب همه مطالبات بدهد و اوقبول نکرده است و حالا از قرار این تلگراف معلوم میشود که همه مطالبات را داده اند و جناب معزی اله از گذشتن این کار اظهار خوشحالی میکردند در بین صحبت مذکور داشتند که شنیده ام اعلیحضرت شاهنشاهی عزم مسافرت فرنکستان را دارند شما چه خبر دارید گفتم تا بحال از وزارت جلیله باین سفارت رسماً اطلاع نرسیده است ولی از قراریکه از گوشه و کنار نوشته بودند گویا این خبر بی مأخذ نباشد و از قراریکه خود جناب ناظم الملک نوشته بودند گویا ایشان را احضار فرموده بودند که ملتزم رکاب باشند جناب مسیودکاز گفت این سفرها خیلی خوب است و با ثمر خواهد شد ولی در این موقعیکه افق اوضاع پولتیکیه را قدری ابر گرفته است گویا در چنین موقع مسافرت همایونی در انتظار دول اروپا بطورهای دیگر که خلاف نیت شاهانه است جلوه کند منظور مسیودکاز این بود که از خاک مردولتی که موکب همایونی بگذرد سایدول چنین تصور خواهند کرد که اعلیحضرت شاهنشاهی با پادشاه آن دولت معاهده خواهند بست الحاصل آنچه جناب دكاذا میگفت بی معنی نیست زیرا از قراریکه در میان مردم هم مذکور میشود هیچکس چنین مسافرت را خاصه در چنین ایام نزدیک بصلاح و مصلحت نمی دانند .



در هفته گذشته تلگرامی باینمضمون عرض کرده بودم : (عالیجاه بابابیک تلگراف میکند که برات در طهران پیدا نمی شود و فدوی نیز در اینجا برات پیدا نمی نماید حالت پریشانی از حد گذشت چه باید کرد) جواب مرحمت نفرموده بودند که تکلیف معین شود نمی دانم چه تقصیر کرده ام که دیگر

التفاتی در حق فدوی ندارند و حتی جواب عریضه جات و تلگرافها را مرحمت نمی فرمایند خلاصه از فدوی عریضه نکاری و مطالب را یادآوری کردن است دیگر اختیار بساحضرت اشرف بندگانعالی است اما همینقدر استدعا دارم که جواب مطالب این سفارت را مرحمت فرمایند که در پیش مردم بساین شدت سرشکسته نمازم در بساب پیدا نشدن برات چه کنم حالا لابد شده ام وجوهات این سفارت را بتوسط خانه تجارتی زیکفر بیاورم و این کافرها برای تفاوت معامله و کسر در معاوضه پول ایران ده يك وجوهاتی را که میرسانند از فدوی میگیرند آیا می توان باین طورزندگانی کرد بلی دیگر بجز اطاعت چه از دست فدوی برمی آید بعد از ملاحظه این حالت هرگاه باین درد ماچاره پیدا نمی شود اقلا وجوهات سنواتی را که از بابت یونیت ثیل و قوی ثیل وایت ثیل باقی مانده است و همچنین مخارج سفرروم را مرحمت فرمایند که از همه طرف باین طورها و بواسطه این همه ضرر و خسارت ها بیش از این خانه خراب تر نشوم .



بتاریخ چهارم و پنجم این ماه ژوئیه که مطابق دوازدهم و سیزدهم شهر حال بوده باشد دو تلگرام عرض کرده ام یکی در باب اعلام جنگ سرببی و قره جه داغ با دولت عثمانیه و دیگری در باب تلاقی عسا کر طرفین در سرحد آن دو مملکت چنانچه با تلگراف معروض داشته بودم در طرف ویدن عسا کر عثمانی فتح کرده بودند اما در نزدیکی پودغرت کار سرببی ها قدری پیشرفت داشته بود از آن تاریخ باین طرف خبر صریح نمی رسد و وقتیکه میرسد هرگاه از جانب اسلامبول است نسبت فتح با عثمانی ها داده میشود و هرگاه خبر از بلگراد می آید ظفر با سرببی ها است اما از قراریکه معلوم میشود عسا کر عثمانیه خوب جنگ میکنند و صاحب منصبهای قابل دارند و کار خود را از پیش خواهند برد و در این چند روز هر وقت از اوقاتی که عسا کر طرفین بهم

آویخته اند ظفر با عثمانی ها بوده است تا خدا چه مقدر کند هر گاه در این روزها اخبار قابل برسد باتلگراف بعرض حضور خواهم رسانید .

معروضه ۲۲ شهر جمادی الاخری ۱۲۹۳

عریضجات مورخه ۶ شهر رجب المرجب ۱۲۹۳

نمره ۹۱ مشتمل بر شش طغرا

خداوند گارا تعلیقه جات مورخه ۲۷ شهر جمادی الاولی که بسرافرازی و افتخار این فدوی شرف صدور یافته بود در هفته گذشته و اصل زیارت شد و از مضامین مرحمت آیین آنها نهایت مفاخرت حاصل گردید و از اعطای نشان درجه اول خارجه که در حق فدوی مرحمت شده و همچنین از اعطای نشانهایی که درباره جناب بارون دسانتوس و جناب مسیو کورو وزیر امور خارجه پرتگال که بنا به استدعای فدوی عنایت شده است کمال تشکر حاصل شد اشاره فرموده بودند که فرامین فدوی و آنها بزودی خواهد رسید این خبر را بجناب بارون دسانتوس که تازه از لزبون مراجعت کرده و در همین دوسه روز بسمت پطر بورغ که محل اقامت ایشان است روانه خواهد شد و پریروز بدیدن فدوی آمده بودند دادم و دوباره اظهار رضامندی حضرت اشرف ارفع بند گافعالی را و مراتب امتنان و تشکر خود را از زحمات ایشان تجدید نمودم ایشان نیز از این خبر خوشحال شدند و اظهار تشکر نمودند حالا دیگر بجز اینکه باید نشان و فرامین آنها برسد تکلیف دیگر باقی نمانده است و انشاء اله بزودی خواهد رسید و از خجالت هر دو بیرون خواهم آمد در باب چند قطعه نشان دیگر که سابقاً در حق چند نفر استدعا کرده بودم و قبول فرموده اند مجدداً مستدعی ام که فرامین نشان آنها را نیز مرحمت فرموده قدغن فرمایند زود تر صادر کرده بفرستند تا اینکه از خجالت مردم در بیایم زبان بدرور نامه نویسه را بآن واسطه ببندم اسامی حضرات را اینک در صفحه علیحده

نویسانیده در جوف عرایض امروز انفاذ مینمایم که در وقت صدور فرامین معطلی حاصل نشود کتاب پرنس ژیدروز حسب الامر بزودی فرستاده خواهد شد در باب مرحمتی که باید در حق مشارالیه بشود اگر چنانچه نشان از درجه چهارم دربار مشارالیه عنایت شود نهایت افتخار برای او حاصل خواهد شد در باب نشان مسیو شوالیه پل منکاجی نایب ایشک آقاسی باشی حضرت پاپ که چند ماه قبل بر این اشاره فرموده بودند مرحمت خواهد شد استدعا مینمایم که فرمان او رانیز در جزو سایر فرامین مرحمت خواهند فرمود.



در باب کسپوزیسیون که ریاست آن از جانب سنی الجوانب اقدس همایون شاهنشاهی روحانفدا بعهدہ حضرت اشرف بند گانعالی محول گردیده است بهمان طوری که اشاره فرموده بودند در اینجا گفتگو نموده و محل مناسب برای امتعه ایران معین خواهم کرد و انشاءاله قبل از وقت اطلاعات لازمه را در باب فراهم آوردن اسباب آن بعرض خواهم رسانید و بخواست خدا قرار این کار را بطوری خواهم داد که از همه بساطهای سابق سنگین تر بشود و بر همه آنها رجحان داشته باشد.



در باب انعقاد عهدنامه با دولتین پرتگال و برزیل بنا باجازه که مرحمت فرموده بودند از حالا مشغول مذاکره میشدم و یا اینکه عهدنامه را حاضر میکردم اما بدبختانه سفرای آن دو دولت دریلاق اند و لابد و ناچار باید تا مراجعت آنها تا مل داشته باشم انشاءاله همین که وارد پاریس شدند اقدام به این کار نموده و بعد از گفت و شنید يك پروژه عهدنامه مسوده نموده و صورت آنرا برای اطلاع خاطر حضرت اشرف ارفع انفاذ دارالخلافه باهره خواهم نمود.



این دفعه از ناچاری وجوهات مقرری این سفارت را بتوسط خانه تجارتي زیکلر آوردم در دوهزار و دویست تومان، سیصد تومان تفاوت پول از فدوی گرفتند در حقیقت عوض این ضرر را باید دولت مرحمت فرمایند والا اگر این طور نباشد دیگر بهیچوجه نمی توان در پاریس زندگانی کرد حالا گویا سفارت فرانسه پول فدوی را میخواهد قبول بکند اما بدبختانه از امروز که پول برای آنها لازم شده است در پیش مقرب الحضرت الخاقانیه بابابیک تمنخواه نیست که برای شارژ دافر فرانسه کارسازی نماید چنانچه اشاره فرموده بودند سه ماه هذالسنه سیچقان ثیل را بامخارج مسافرت روم هر گاه تابحال کارسازی نشده است بعد از وصول این عریضه مرحمت فرمایند که شاید از این خسارتهای بزرگ که بواسطه پیدا نشدن برات وارد میشود محفوظ بمانیم. در باب دوهزار تومان سنواتی و دویست و بیست و هشت تومان که از بابت ایت ثیل باقی مانده است استدعا دارم قرار درستی مرحمت فرمایند که زود برسد و از دست طلبکارها مستخلص بشوم.



مسیو اوپنهایم جنرال قونسول دولت علیه در چهاردهم این ماه ژوئیه وفات کرد ناخوشی نداشت و بستری هم نشده بود اما غفلتاً و در مدت یک ساعت مرد از قراریکه اطبا میگویند معلوم میشود که علت وفات مشارالیه حدوث امبولی شده است لفظ امبولی عبارت است از خونی که در رگها بسته میشود و آن خون بسته شده وقتی که بقلب میرسد از جریان خون در بدن مانع میشود و در هر کسی که این علت پیدا بشود علاج ندارد خلاصه این بیچاره باین درد مرد حالا باید يك قونسول دیگر بجای او تعیین بشود و انشاءاله همینکه يك آدم قابل و باشان پیدا شد به نصب او اقدام خواهد شد.



از اوضاع جنگ خبر درستی نمیرسد اما از قراریکه معلوم میشود کار

عساكر عثمانى‌ها پيش است و در هر موقعيكه يك زردوخوردى واقع ميشود عثمانى‌ها بر سربى‌ها فايق مى‌آيند على‌العجالة هيچ معلوم نيست كار اين جنگ بچه قسم اختتام خواهد گرفت هر گاه عثمانى‌ها همت كرده بزودى كلك اين جنگ را بر چينند خوشبخت خواهند شد والا هر گاه اهمال بكنند و يا اينكه زور ايشان نرسد كه بزودى دفع دشمن را نمايند كار ايشان بجاي بد بلكه برسوائى و بافتضاح خواهد كشيده از پولتيك دول اروپا خبرى نشر نكرده است حرف همه براين است كه در جنگ بى طرف اند اما بحرف اين دول باور نمى‌توان كرد بلك بهانه جزئى از بى طرفى بيرون مى‌آيند و خود را داخل عرصه جنگ مينمايند على‌الحساب كارهاى پولتيك بجاي نازك نرسيده است ولى مردم واهمه دارند كه از جنگ عثمانى با سربى جنگ عمومى بر پا نشود خلاصه همه دول خود را حاضر و آماده ميدارند البته دولت عليه نيز در تدارك و تهيه هست كه در سر موقع هر گاه لازم بشود بر وفق مصلحت رفتار نموده كار خود را از پيش ببرد زياده خبرى تازه نبود كه بعرض آن جسارت ورزد.

مورخه ۶ شهر رجب المرجب ۱۲۹۳

عريضجات مورخه ۲۰ شهر رجب المرجب ۱۲۹۳

نمره ۹۲ مشتمل بر دو طغرا

خداوند كارا تفنگ سبك جديد مسمى بتفنگ له كرا كه با سيصده فشنگ از جانب جناب مارشال مكماهون بتوسط جناب جنرال دسسه باين سفارت خانه تبليغ شده بود كه بخاكپاي جواهر آساي مبارك شاهنشاهى روحانفاده تقديم شود مدتى است كه بخانه دولس تسليم شده كه برشت برساند بجناب ناصر الملك نيز اطلاع داده‌ام كه تفنگ مزبور را با فشنگ‌ها كه در دو جعبه عليه حده جابجا و باربندي شده است در وقت ورود تحويل گرفته و بدون معطلى انفاذ دار الخلافه نمايند استدعا دارم بعد از وصول اين عريضه تعليقه بعهده جناب معزى اله صادر فرموده قدغن فرمايند كه بمحض رسيدن

آن دو جعبه تفنگ و فشنگ را تحویل گرفته و کرایه آنها را هر چه شده است کارسازی نموده و چون مال شاهی است بحساب دولت بنویسند کلید جعبه تفنگ از بابت اینکه در وقت باز کردن آن مفقود نشود در نزد خود نگه داشته بود اینک در جوف پاکت عرایض امروز انفاذ حضور مبارك مینماید .



تلگرافنامه مورخه ۲ این ماه اوت فرانسه که باین مضمون مرقوم شده بود: (یکهزار و پانصد تومان از بابت هذالسنه سیچقان ئیل به بابابیک کارسازی و قبض رسید گرفته شد فکر خود را بکنید) شرف وصول ارزانی داشت از این خبر معلوم شد که حضرت اشرف ارفع در فکر این فدویان بوده و هستند و انشاءاله وجوهات سنواتی و هر چه در پای دیوان باقی مانده است خواهند رسانید و جان مارا از دست طلبکارها خلاص خواهند فرمود در باب جنگ چه عرض شود هیچ خبر درستی نمیرسد و از قراریکه معلوم میشود باین زودی ها این جنگ تمام شدنی نیست خلاصه تازه که قابل عرض باشد واقع نشده است که بعرض آن جسارت ورزد. مورخه ۲۰ شهر رجب المرجب ۱۲۹۳

سواد عریضهاست که بنا بر تمام نصایب اوقات برین
 و اینجی مخصوص در ایام مأموریت خود بصورت حضرت
 ارفع بحج میرالدوله میرزا حسین فیان وزیر امور
 به سال در اعظم دام اقباله العالی
 عرض کرد است

عریضیات مورفیه در شهر رمضان المبارک
 مشهور بنفست الخوا

فیه اولیاد کلام فیقه قیاسات رفت آیات مورفیه در شهر
 باقیم نام مبارکه که از جانب نبی اجواب انکشاف اقدس می یون
 مولا که در جواب نامه حضرت سید نصرت علی که در وقت
 عهد در یافته بود در ده شعبان المعظم و احد در زیارت کردید
 حب الله و موافق دستور الهی که فیما کرسیده بودند ارکب سفرا
 فراهم آورده و در ده جماد الاول این قدمت بزرگ است هم
 مردم ششم و یک روز بعد از فرود و یعنی در روز و شنبه هم در وقت
 دو ساعت از فکر کنده شده مقر الحضر که نه مرزا احمد خان تبارک
 قدمت جناب کار و نال اتون و وزیر امور فارسه فرستاده و در وقت
 خودم را اطلاع بدید و وقت ملاقات بخواد جناب مؤخر الله مرزا
 با کمال احترام بدین وقت ملاقات را در ده جماد الاول در وقت
 بخودان نظر فرموده بودند و در وقت ملاقات میفرماید که مبارک

یادداشت مجله

در شماره گذشته مجله بررسیهای تاریخی تعدادی از نامه‌های نظرآقا وزیر مختار ایران در فرانسه به میرزا حسینخان مشیرالدوله وزیر امور خارجه وقت ایران چاپ گردید. در مورد چاپ اسناد باید این موضوع را اذعان نمود که تاریخ گذشته از بسیاری جهات جوابگوی نیازمندیهای امروز و خواستههای مردمان باریک بین و ژرف نگر، نیست. بویژه آنکه هر روز با بدست آمدن سند یا مدرکی نوین بسیاری از حقایق آشکار میگردد. از این روست که محققان و دانش پژوهان قبل از تدوین هر نوشته نخست باید به گردآوری اسناد درست و معتبر تاریخ بپردازند، زیرا هنگامیکه مجموعه‌هایی از اسناد معتبر فراهم گردد تاریخ صحیح را از لابلای آن نوشته‌ها می‌توان یافت و نگاشت.

نامه‌های نظرآقا که از سال ۱۲۹۲ هجری قمری آغاز گردیده و تا اواخر سال ۱۳۰۴ ادامه داشته نه تنها روشن‌گر اوضاع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور ما در طی ۱۲ سال از سلطنت ناصرالدینشاه می‌باشد، بلکه روابط سیاسی ایران را با تعدادی از کشورهای خارجی نیز مشخص می‌نماید.

نامه‌هایی که در این شماره انتشار می‌یابد مربوط به سال ۱۲۹۳ و اوائل سال ۱۲۹۴ هجری قمری می‌باشد.

بررسی‌های تاریخی

عریضه مورخه ۱۹ شهر شعبان المعظم ۱۲۹۳

نمره ۹۳ مشتمل بر يك طغرا

خداوند گارا جنگ عثمانی با سربى ها هنوز هم تمام نشده است و از قرارى كه معلوم ميشود اگر چه عساكر عثمانيه با احتياط و تأنى حركت ميكنند ولى همه حركات آنها موافق قاعده و از روى علم و بصيرت است و از اول جنگ الى اليوم كه ۱۹ شهر شعبان المعظم است در هر جا و در هر موقعى كه با قشون سربى ها و قره جه داغى ها مقابل شده بر آنها غالب گشته اند در همين روزها قلعه الكسنانس را محاصره نموده بودند و در مدت دو هفته آن قلعه را كه يكي از محكم ترين قلاع سربى بوده است بقهر و غلبه متصرف شده و حالا در تدارك اند كه بر سر قلعه بلگراد رفته و بعد از تصرف اين قلعه ثانى بر سر بلگراد كه پايتخت سربى و قلعه محكم است بروند و اگر حرف مصالحه كه پيش آمده است سر نكيرد و زمستان بيايد عساكر منصوره دولت عثمانيه همه ممالك سربى و هر سگ و قره جه داغ و غيره را بقهر و غلبه متصرف خواهند نمود و از قرارى كه مذكور ميشود لشكر ردلف عثمانى خيلى منظم است و اسلحه آنها از بهترين اسلحه جات دول فرنگستان است صاحب منصبان آنها همه در مدرسه هاى نظاميه تربيت شده و از علم و تدابير جنگ آگاهند و چنانچه در اين جنگ با امتحان و تجربه رسيده خطائى در تدابير ايشان كه دابر بعلم

جنگ باشد ملاحظه نشده است خلاصه از قراریکه معلوم میشود در عمل نظام آنها از حیث اسلحه قشون و تربیت صاحب منصبان در این جنگ نقصی و قصوری مشاهده نشده است و هر گاه نظم و اداره داخله مملکت هم مثل عمل لشکر ایشان منظم بود و اعتبار ایشان بجا مانده بود معقول دولتی میشد اما با وصف این فتوحات کار داخلی مملکت ایشان خراب است و چاره پذیر نیست تا خدا چه خواسته و چه مقدر کرده باشد سلطان مراد را هم از سلطنت بیرون کردند تا ببینیم از وجود سلطان عبدالحمید که تازه بجای آن بیچاره بتخت نشانده اند چه حاصل خواهد شد حالا چند روز است که حرف مصالحه در پیش است از قراریکه مذکور میشود دول فرنگستان خیلی مایل اند که این فتنه محاربه زودتر رفع و دفع بشود زیرا که میدانند که هر قدر این جنگ طول بکشد رفع آن مشکل تر خواهد شد و بلکه بسایر جاهاسرایت کرده و در کل فرنگستان عمومیت بهم خواهد رسانید علی العجاله مأمورین دول اروپا مقیم اسلامبول در باب مصالحه بعضی تکالیف بدولت عثمانیه کرده اند اما معلوم نیست عاقبت این گفتگوها و تکالیف بکجا خواهد انجامید اعتقاد شخصی فدوی این است که این جنگ باین زودی تمام نخواهد شد و بالاخره دولت روس خود را بمیدان جنگ خواهد رسانید که پدر عثمانیها را از گور در بیاورد اما دولت انگلیس طرف عثمانی را خواهد داشت هر گاه کار بآنجاها بکشد سایر دول هم آرام نخواهند نشست و محشری بر پا خواهد شد که به تصور نمی آید الحاصل این است آنچه حالاها شنیده میشود و اما هیچ کس بغیر از خدا حقیقت وقوع حوادث ایام آینده را نمی داند.

مورخه ۱۹ شهر شعبان ۱۲۹۳

عریضجات مورخه ۳ شهر رمضان ۱۲۹۳

نمره ۹۴ مشتمل بر هفت طغرا

خداوند گارا تفصیلات جنگ و حوادث واقعه فیما بین عسا کر عثمانیه و سرب‌ی و قره‌جه داغ را از بدو الی الختم با هر چاپار بعرض اولیای دولت ابد مدت علیه رسانیده‌ام آنچه هم از مدت عزیمت چاپار گذشته الی الیوم اتفاق افتاده است آنرا نیز در جزو و در آخر همین عریضه به عرض خواهم رسانید اما حالا احوالاتیکه اطلاع اولیای دولت علیه بر آن لازم است حالت حالیه دول متجانبه اروپا است البته برای اولیای دولت علیه پوشیده نیست که دولت آلمان بعد از جنگ سنه ۱۸۷۰ با دولت فرانسه و بعد از آن همه فتوحات و افتخارات که در آن محاربه برای او حاصل گشت از حیث لشکر و قوت و اقتدار از همه دول اروپا مقدم و معتبر شده است و از آنوقت الی حال دول فرنگستان بی اطلاع و بی تصدیق آن دولت بهیچ امر دولتی، جزئی یا کلی نمی‌توانند اقدام نمایند در این مقدمه جنگ عثمانی نیز چون دولت آلمان ساکت است احدی را قدرت آن نیست که خود را پیش بیندازد و یا اینکه بآن جنگ مداخله نماید.



اگر چه دولت روس هم مقتدر است و همه دول اروپا از او حساب می‌برند و اگر چه بواسطه هم مذهبی با طوایف اسلاو خیلی مایل و طالب است که خود را به امداد آنها برساند و گوشمالی بدولت عثمانیه بدهد ولی بواسطه حالت دولت آلمان جسارت نمی‌کند که خود را داخل جنگ نماید. دولت آلمان با دولت روس دوست است و از خیالات بساطنی آن دولت بی اطلاع نیست و بهمین جهت محض خوش آمد امپراطور آلمان، فیلد مارشال بارون-

دمونقل را که یکی از سردارهای معروف و نامدار است و در این جنگ آخری با فرانسوی ها فتوحات کرده و رشادت ها نموده بود نزد امپراطور روس بشهر ورشو فرستاده و او را مأموریت داده بود که رفته اصل خیال دولت آلمان را بطور واضح به امپراطور روس بیان نموده و آن اعلیحضرت را از صرافت جنگ بیرون بیاورد. از قراریکه معلوم میشود در آن اوقاتیکه پرنس کار - جکوف و کنت اندرش در برلن با پرنس دو بیسمارک ملاقات داشته این حرف زده شده بود که باید دولت عثمانیه را از خاک اروپا بیرون و ممالک بالقان^۱ یعنی روم ایلی را در میان خود قسمت کرد و در عوض آن هر چه از آلمان در خاک اتریش هونگری تبعه هست از جانب آن دولت بدولت آلمان واگذار شود. عدد این آلمان ها که تبعه اتریش هونگری هستند قریب به هجده کرور است و همه آنها کاتولیک می باشند. در خود ممالک آلمان هم کاتولیک زیاد است و در این مدت پنج شش سال پرنس دو بیسمارک بآنها خیلی تعدی کرده است و بواسطه ظلم او حالاها در میان دولت آلمان و کاتولیک های آلمان عداوت کلی هست. اما پرنس دو بیسمارک در کار است که بمرور و بهر وسیله که رو دهد از کاتولیک ها دلجوئی کرده کم کم آنها را رام بکند و چون میداند که در این وقت هر گاه هجده کرور تبعه اتریش هونگری هم بتخت سلطنت آلمان بیاید دیگر از عهده آنها نمی تواند برآید نظر بر این احوال این مسئله عمده که دایر بتقسیم ممالک عثمانیه است بوقت دیگر باز گذاشت و بهمین واسطه فیلده مارشال بارون دمونقل را از جانب اعلیحضرت امپراطور آلمان به ورشو فرستاده که بنا بدوستی و اتحادی که مابین ایشان هست امپراطور روس را از صرافت جنگ بیندازد و چنانکه در اینجاها در میان مأمورین خارجه و اولیای دولت فرانسه مذکور است گویا امپراطور روس تکلیف امپراطور آلمان را عاجالتاً قبول کرده است و اگر چه حالت امپراطور و اولیای دولت روس آرام است ولی همه ملت روس در جوش و خروش اند و هر گاه از جانب دولت متبوعه خود مانعی نمی دیدند بسا جماع تمام کرور و کرور به امداد

سربی‌ها و قره‌جه‌داغی‌ها و غیره و غیره می‌آمدند اگرچه هنوز کار با آنجاها نکشیده است ولی ملت روس پول زیاد برای سربی‌ها و غیره می‌فرستند و از صاحب منصب و غیر صاحب منصب روس هر روز از خاک روسیه خارج شده بآن صفحات می‌روند و خود را داخل لشکر سربی‌ها و قره‌جه‌داغی‌ها مینمایند و از قرار یکیه مذکور میشود هر گاه کار سربی‌ها بجای بد بکشد و دولت عثمانیه سخت گیری کند دولت روس بیش از این ساکت نخواهد نشست و لابد و ناچار و بزور تحریک ملت روس خود را بمهلکه جنگ خواهد انداخت. این است حالت دولت آلمان و دولت روس اما حالت دولت اتریش هونگری از حالت همه دولت‌ها بدتر است، زیرا که اختیار ملت در دست اوست هر وقت از اوقاتیکه يك مسئله طرح میشود و یا اینکه يك اشکالی پیش می‌آید مجارها از يك طرف، آلمان‌ها از طرف دیگر و تیکر بوهمی‌ها و غیره از چهار سمت دیگر سری بلند میکنند و هر يك از آنها میگویند من میخواهم این کار باینطور بگذرد و دیگران برخلاف میخواهند بطور دیگر بگذرد. علی الحساب میانه دولت اتریش هونگری با دولت آلمان خوب است اما با دولت روس چندان صفائی ندارد و گاهی خوب و گاهی بد است. حالا همی توان گفت نه خوب است و نه بد حالت دولت انگلیس (از روزی که آن مموراندوم یعنی یادداشتی که در برلن از جانب دولت آلمان و روس و اتریش هونگری در باب تکلیف دولت عثمانیه سمت نگارش یافته و بدولت فرانسه و ایتالیا و انگلیس نیز تبلیغ شده بود) خیلی تغییر کرده است چنانکه بعرض اولیای دولت علیه رسانده ام دولت انگلیس مموراندوم مزبور را رد و کشتیهای جنگی خود را بسوی خلیج بزرگ فرستاد که خود نمائی و بی اعتنائی خود را ظاهر کند و اگرچه خیال خود را بدولت فرانسه نشان نداد ولی از این حالت معلوم بود که از آن سه دولت شمالی که او را بمجلس برلن دعوت نکرده بودند انزجار خاطر حاصل نموده و برخلاف نیت آنها خود را حاضر و مهیا کرده بود که از دولت عثمانیه حمایت نماید و در حقیقت خیال دولت انگلیس در وقت فرستادن کشتیها همین بود که از عثمانیها جانبداری بکند. اما حرکات قوت آمیز باش بوزوقها و آنهمه قتل و غارت و

عمل‌های خلاف انسانیت که از جانب آنها در حق اهالی بولکاری^۱ و در حق همه مسیحیان آن سامان جاری شده و بروز کرده است حالت دولت انگلیس و خصوصاً حالت ملت انگلیس را نسبت به دولت عثمانیه قدری سرد کرده است و بهمان واسطه در این روزهای گذشته در لندن میتینگ‌ها یعنی مجلس‌ها ترتیب داده و این حرکت دولت را تکذیب می‌کردند که چرا دولت انگلیس بعد از مشاهده آنهمه ظلم و تعدی باز هم می‌خواهد از یک دولتی که به بربری‌ها میمانند و بهیچوجه من‌الوجه سولیزه نشده است حمایت نماید. در آن میتینگ‌ها در مورد کلیه شئون و بعضی اشخاص دیگر هم که از معتبرین انگلیس‌ها بوده‌اند تقریرها کرده و ضرب از این حرکت دولت خود گرفته‌اند. از قراریکه معلوم میشود و دولت انگلیس از آن صرافت اولی افتاد و چون نمی‌خواهد تنها بماند او هم بسایر دول ملحق شده و مثل آنها بایلچی خود نوشته و دستور العمل داده است که با سفرای دول متحاربه اروپا مقیم اسلامبول متفق شده تا اینکه اسباب متار که در میان عثمانی و سرب‌ها حاصل نمایند و چنانچه از اخبار استنباط میشود ایلچی‌ها در باب متار که تکالیف لازمه کرده‌اند اما دولت عثمانیه امتناع دارد و حرف او این است که پیش از آنکه مقدمات و شرایط مصالحه معلوم و مشخص نشود متار که را قبول نخواهد کرد ولی بقبول آن مجبورش خواهند داشت زیرا که طرف مقابل پرزور است. خصوصاً در این اوقات که دولت آلمان آشکارا اظهار کرده است که هرگاه کارها بر وفق نیت دول اروپا صورت نگیرد خدا نخواسته آتش یک جنگ عمومی کلی ممالک اروپا را فرو بگیرد. البته طرف دوست خود را که دولت روس باشد از دست نخواهد داد. این است اصل حالت حالیه آن چهار دولت، دولت فرانسه و دولت ایتالیا علی‌الحساب متابعت آن سه دولت بزرگ شمالی را کرده و میکنند و تا بحال از جاده اعتدال خارج نشده‌اند تا اقتضای حوادث چه پیش بیاورد وجه نصیب کند. مذکور میشود که اگر کار جنگ بجائی بکشد که دولت عثمانیه را از خاک اروپا بیرون کنند و ممالک او را ضبط نمایند

در آن صورت یا يك مملكت مستقلي در آنجا برقرار و یا اینکه روم ايلي را در میان خود تقسیم خواهند کرد و دولت انگلیس هم مصر را متصرف خواهد شد و ممالك رودرن را هم بدولت فرانسه میدهند اما اینها حرف است و گویا وقت این تقسیم هنوز نرسیده است .

ایضاً مذکور میشود که دولت عثمانیه متار که راقبول نمی کند تا اینکه از جانب سربى شرایط مصالحه ممض نشود و شرایط مصالحه که از جانب دولت عثمانیه تکلیف شده است از این قرار است: اولاً پرنسس میلان باسلامبول بیاید و احترامات لازمه را شخصاً در حضور سلطان بعمل بیاورد، ثانیاً اختیار قلعه‌جات الکسنانس و زجا و لوسنس تشار با دولت عثمانیه باشد، ثالثاً يك کروور تومان از بابت خسارت جنگ سربى بدولت عثمانیه کارسازی نماید، رابعاً دیگر سربى قشون نداشته باشد مگر ده هزار نفر.

از قراریکه در اینجاها شهرت میدهند معلوم میشود که میانه یعقوب بيك امیر کشفر بادولت روس خیلی بد است و حالاها بواسطه این مجاربه عثمانی با سربى بدتر شده است و چنانچه مذکور میشود در کمین گاه ایستاده و منتظر است وسیله بدست بیاید که از روسها انتقام بکشد و ممالکی را که دولت روس در ترکستان بحیطه تصرف خود آورده است از او مسترد نماید و چون میداند دولت علیه ایران نیز بادولت روس متحد است خیال دارد که به لشکر ایران نیز حمله بیاورد. معلوم است این خیالات یعقوب بيك در حالتی صورت میگیرد که سردولت روس در اروپا در جنگ عثمانی مشغول بشود و نتواند بطرف ترکستان امداد بفرستد. خلاصه چون این شهرتها انتشار یافته بود لهذا جسارت بعرض آن رفت .

از حالا در اینجا مشغول ساختن عمارت اکسپوزیسیون هستند. همه دول مقدار جا و مکانی که برای امتعه مملکت خود لازم است خواسته و معین نموده اند و

باندازه مکان هم از جانب دولت متبوعه خودشان تنخواه معین شده است و خواهد رسید. هر گاه فدوی میدانست دولت علیه چه قدر تنخواه منظور دارد برای جابجا کردن امتعه ایران مایه بگذارد و بهمان اندازه جابجا خواهد شد و مشخص مینمود. در این صورت استدعا دارد تکلیف فدوی را معین فرمایند تا اینکه باندازه تنخواه مکان جابجا نمایند. البته بعرض اولیای دولت رسیده است که دول بزرگ فرنگستان تا صد هزار تومان برای اکسپوزیسیون امتعه تبعه خودشان خرج میکنند دولت بلچکا^۱ بآن کوچکی قریب شصت هزار تومان دروینه خرج کرده بود. اما این قسم مخارج برای ما وصلت نمی دهد. گویا مثل همان اکسپوزیسیون سنه ۱۸۶۷، یک اکسپوزیسیون مختصری داشته باشیم کفایت کار ما را میکند و گویا از برای ساختن مکان آن اکسپوزیسیون قریب بشش هزار تومان خرج و مصارف کرده بودند حالا هم نمی توان کمتر از آن وقت خرج کرد باید کاری کرد که جلوه بکنند والا هیچ نباشد بهتر است.

چند وقت است که حرف کنگره در میان مردم شهرت دارد و در همه روزنامه ها می نویسند که اکثر از دول متجانبه فرنگستان مایل اند که کنگره منعقد بشود و بعضی مسئله ها که از قدیم مانده است و یا اینکه در این ایام روداده و میدهد حل بشود. از آنجمله عهدنامه پاریس را هم میخواهند تغییر بدهند و تبدیل کنند هر گاه برای ما ممکن بود داخل کنگره مزبور میشدیم عجب نعمتی بود.

از تفصیلاتیکه در این روزها در باب مسئله مشرق زمین در روزنامه ها نوشته شده است هنوز معلوم نیست که این امر بمصالحه خواهد انجامید یا جنگ اما ظن غالب این است که مصالحه بشود و اکثر از فصول روزنامه ها را که دایر باین مسئله بود قیچی و جمع کرده و با دوشاخه روزنامه مموریال دیپلماتیک در پاکت علیحده گذارده و باعرایض امروز انفاذ حضور مینمایم.

از ملاحظه آنها و از آنچه در افواه مردم مذکور است اهتمامات همه دول اروپا بر این است که محض خوش آمد و سکوت دولت روس دولت عثمانیه را بازدارند که از تکالیف و حقوق خود دست بردارد و تکالیف دولت روس را که باعث خفت اوست قبول نمایند. در حقیقت دولت عثمانیه خیلی بدبخت است که با وصف فتوحاتی که کرده است به خفت خود تمکین میکند خلاصه دول اروپا زور میگویند و دولت عثمانیه باید قبول بکند والا دولت روس حاضر جنگ است و حرف خود را با زور اسلحه پیش میبرد حالا که زور است یا علی. الحاصل کار و بار عثمانیها خیلی خراب است و روز بروز خراب تر خواهد شد علی الحساب متار که را بقول بعضی یازده روز و بقول دیگران پانزده روز قبول کرده است و در باب شرایطی که برای مصالحه گذاشته بود هیچ کدام نه از جانب دولت روس قبول شده است و نه از جانب سایر دول اروپا حالا همه آراء بر این است که استاتو کوی پیش از جنگ با بعضی امتیازات دیگر برای سرب و قره چه داغ برقرار باشد و از بوسن و هرسک و بونکار هم میخواهند يك حالت مستقل برقرار نمایند و دولت عثمانیه باید قبول بکند خلاصه این حرفها در میان مردم پولتیک دان مذاکره میشود و باید راست باشد.



تعلیقه جات مورخه ۲۵ شهر رجب المرجب که بسرافرازی این فدوی عز صدور یافته بود واصل و زیارت شد و از مضامین مرحمت آمیز آنها نهایت سربلندی و مفاخرت حاصل گشت. چهارده طغرا فرامین نشانهای استدعائی بانضمام فرمان نشان جلیل از درجه اول که بخود این فدوی مرحمت شده است آنها نیز در لف پا کت تعلیقه جات مزبوره رسیده و مایه افتخار و سرافرازی گردید. چهارده طغرا فرمان در همین روزها تبلیغ خواهد شد از اعطای آنها و بخصوص از اعطای نشان خودم کمال تشکر و امتنان را دارم و انشاء الله سعی و اهتمام خواهم کرد که بیش از پیش لیاقت آن گونه مراحم را بهم برسانم.

عریضه مورخه ۱۷ شهر رمضان ۱۲۹۳ نمره ۹۵ مشتمل يك طغرا

خداوندگارا احوالات و وقایع اتفاقیه متعلقه بجنگه رامفصلا در روزنامه های اینجا نوشته ومی نویسند . فصولی که قابل خواندن است جمع کرده واینك لفاً انفاذ میشود اگرچه هنوز هم معلوم نیست که عاقبت این جنگ بکجا خواهد انجامید ولی از قراریکه مردم پولتیک دان مذکور میدارند احتمال میرود جنگ عمومی بشود همان اشخاص نیز میگویند که باوصف این احوال هرگاه دولت عثمانیه بتکالیف دول اروپا تمکین نماید، دور نیست قرارداد مصالحه بیک طوری سر بگیرد اما چنانچه از بدو این جنگ بعرض رسانیده ام اعتقاد شخص فدوی اینست که دولت روس آرام نخواهد نشست و هرگاه در این اوقات فرصت بدست نیاید در موقع دیگر بهانه پیدا خواهد کرد و بادولت عثمانیه خواهد آویخت و یک بلائی بر سر او میآورد که بر سر هیچ کافر بنده نیآورده باشند. از حالت سربى ها هم معلوم است که دولت روس از اوجانبداری مینماید و الادولت سربى هرگز جسارت نمى کرد و بمحض اینکه وعده متارکه بسررفته بود بدون اینکه صبر و تأمل نماید که دول اروپا قرار آنرا امتداد بدهند شروع بمخاصمت بکند خلاصه حال سربى ها با عثمانیها می جنگند و دول متجانبه اروپا در کارند که اسباب مصالحه را فراهم بیاورند و احدی نمى داند که از میان چه در بیاید علی الحساب اصل مطلب دستگیر هیچکس نیست تا ببینیم از غیب چه ظهور کند چون از این احوالات خبر درستی معلوم نمى شود لهذا باید منتظر نتیجه شد .

انشاءالله هر وقت اصل حقیقت احوال بروز کرد و این اوضاع يك طرفی شد چگونگی احوالات را با تلگراف بعرض اولیای دولت خواهیم رسانید چون در فصول روزنامه ها که با مداد سرخ نشان

کرده و لفاً فرستاده میشود اخبار زیاد است و همچنین اشاره هم از لنکره شده است و تکالیفی که از جانب دولت انگلیس بدولت عثمانیه شده است و جواب باب عالی که در رد آن کرده است مفصلاً نوشته شده است بنابر آن جسارت بتطویل مطلب نمی‌ورزد .

مورخه ۱۷ شهر رمضان ۱۲۹۳

عریضجات مورخه غره شهر شوال ۱۲۹۳ نمره ۹۶ مشتمل يك طغرا

خداوندگارا در این روزها اوضاع پولتيك بطوری مبهم شده است که هیچکس از حقیقت احوال سردر نمی‌آورد ، يك روز خبر می‌رسید که جنگ خواهد شد روز دیگر برخلاف مژده میدهند که اسباب مصالحه فراهم آمده است اما هیچ دور نیست که با وصف این حالت های دولت و ملت روس و دولت و ملت عثمانیه عاقبت کار بجنگ نرسد در این دو سه روز اعتقاد همه بر این است که عنقریب اعلام جنگ از جانب دولت روس ظاهر خواهد شد تا ببینیم این حرفها حقیقت خواهد داشت یا نه اما در هر صورت اگر حالا هم جنگ نشود بعد از چند ماه دیگر وقوع خواهد یافت حالا منتظر خبراند که از اسلامبول در باب متار که چه خبر برسد .

هرگاه دولت عثمانیه بجای شش ماه مدت شش هفته را بآن شرایط دیگر قبول کرد البته کار بمصالحه خواهد گذشت والا هرگاه دولت عثمانیه بتکالیف دول اروپا تمکین ننماید آتش محاربه برپا خواهد شد آنچه در باب این مسئله نوشته شده و میشود در روزنامه ها مفصلاً نوشته شده است با پاکت عرایض چاپار گذشته هرچه متعلق باین عمل بود فرستاده‌ام حالا هم با چاپار امروز هرچه قابل ملاحظه بود از روزنامه ها جمع کرده و لفاً انفاذ میدارم بعد از

ملاحظه آنها و این عریضه از وضع و از چگونگی احوالات مسئله مشرق زمین اطلاع کامل بهم خواهند رسید تعلیقه مورخه ۲۲ شهر شعبان هم واصل شد زیاده مطلبی نبود که بعرض آن جسارت ورزد .
غره شهر شوال ۱۲۹۳

عریضه مورخه ۱۵ شهر شوال المکرم ۱۲۹۳ نمره ۹۷ مشتمل يك طغرا

خداوندگارا چنانچه بعرض اولیای دولت علیه رسیده قریب بسه سال و نیم است که عالیجاه علیخان بجهت تحصیل در پاریس است یکسال را در مدرسه سن لوئی مانده و سال دویم را دراکول پولتیکنیک و سال سیم را در مدرسه توپخانه دولت فرانسه در فونتن بلو بوده است و در مدت این سه سال در تحصیل زبان فرانسه و علم ریاضی و فنون حربیه نهایت جد و جهد را بعمل آورده و بوجه احسن تحصیل خود را باتمام رسانیده است و از مدرسههای مزبور تصدیق نامه دارد و بهممه جهت جوان قابل و با استعداد است و در علوم مزبور بعدی ماهر شده و قابلیت خود را بدرجهای رسانیده است که استحقاق آنها را دارد که مورد هرگونه مراحم ملوکانه بشود درحقیقت این قبیل جوانها که باعث افتخارملت اند مستحق این اند که از جانب دولت علیه التفات های بزرگ در حق ایشان مبذول و مرحمت شود که باعث تشویق دیگران گردد چون فدوی لازم بود که مراتب قابلیت و هنر عالیجاه مشارالیه را ظاهر نمایم لهذا امروز که عازم دارالخلافه است بعرض این عریضه جسارت کردم امیدوارم بی اثر نماند .

۱۵ شهر شوال ۱۲۹۳

عریضجات مورخه ۲۹ شهر شوال المکرم ۱۲۹۳ نمره ۹۸ مشتمل بر چهار طغرا

خداوندگار! امروز دوزخ است که در منزل جدید جابجا شده‌ایم اگر چه از هزار تومان متجاوز خرج جابجا شدن کرده‌ام اما خانه خیلی خوب و لایق سفارت دولت علیه شده است اطاقها و سالونهای متعدد و یک باغ بسیار وسیع دارد و برخلاف منزل سابق که بقدر چهار پنج خانواده کرایه نشین داشت این خانه جدید همه متعلق بسفارت است و بهمه جهت مرغوب‌تر و باشان سفارت مناسب‌تر است خلاصه مقصود فدوی از این تعریف‌ها که شد طلبکاری نیست بلکه محض استحضار خاطر حضرت اشرف امجد بندگانعالی است تا معلوم بشود که برای شان دولت نه جان خود را مضایقه دارم و نه مال خود را .

چهار ماه سابق بر این عرض کرده بودم که هرگاه یک شخص قابل و با شان پیدا شود بجای مسیو اوپنهایم منصوب خواهم کرد از آن وقت تا بحال چند نفر طالب شده بودند اما در میان آنها مسیومنیه مهندس مشهور اوفسیه‌لژیون دونور از دیگران قابل‌تر و با شان‌تر بنظر آمد و چون مدت‌ها در قفقاز بوده و راه‌آهن ازپوتی الی انگلیس را او ساخته است واز وضع راه‌ها و معادن ایران سر رشته تمام دارد و بهمه جهت بکار ایران می‌خورد و می‌تواند مصدر خدمات عظیمه بشود لهذا مشارالیه را بجنرال قونسولگری ایران در پاریس منتخب و منصوب نمودم . مسیومنیه با همه اولیای دولت فرانسه دوست است و راه دارد واز اوضاع اگسپوزیسیون واز وضع ساختن جا و مکان در اگسپوزیسیون سر رشته تمام و اطلاعات کامله دارد و بهتر از همه کس می‌تواند از عهده این خدمت برآید چونکه در تعلیقجات آخری مقرر شده

بود که هرکس را مناسب بدانم از برای این کار منتخب نمایم نظر براین احوال فدوی مشارالیه را از همه کس بمنصب کمیسر جنرالی مناسبتر دیده و باو وعده کرده‌ام که این مأموریت را برای او استدعا نمایم در اینکه خودش خیلی معتبر است حرفی نیست اما برادری دارد که او هم خیلی معتبر است و اداره جمیع جنگل های خاک فرانسه با او است و چون در ایران هم جنگل زیاد و هم معادن وافر است بنا علیه هردو برادر بکار حالیه و آئنده ما می‌آیند در این روزها مسیومنیه یک راپورت مفصل درباب معادن عرض خواهدکردکه ازچه جور نمونه معدن بایدبه اگسپوزیسیون فرستاد ، همین که آورد انفاذ حضور بندگانعالی خواهیم کرد .

در باب مسئله جنگ آخرا لامر بزور و بتهدید دولت روس دولت عثمانی متارکه را در مدت دو ماه قبول نموده و حالا بنای کنفرانس را گذاشته و قرار شده است که از جانب همه دول معظمه اروپا بکنفرانس مزبور مأمور تعیین شده و رفته قرار و مدار امورات را بدهند در این بین دولت روس بجهد و جهد تمام در تهیه و تدارك فراهم آوردن اوضاع جنگ است و لشگر خود را با تداركات لازمه حرکت داده بسرحدات مختلفه میفرستد و اعتقاد مردم این است که از کنفرانس فایده مترتب نخواهد شد و عاقبت کار بجنگ خواهد انجامید هرگاه دولت روس باعثمانی بجنگد دولت انگلیس خود را حاضر میکند که از دولت عثمانی حمایت نماید خلاصه آنچه در این دو هفته در روزنامه ها نوشته شده و قابل عرض بود من باب مزید اطلاع اینک لفاً میفرستم و زیاده براین مطلبی که قابل عرض باشد بنظر نمی‌آمد که بعرض آن جسارت شود .

تلگراف نامه مورخه ۱۰ ماه نوامبر که باین مضمون عز صدور یافته بود (یکهزار و پانصد تومان بباباییک برای شما کارسازی شد) واصل و از وصول آن نهایت افتخار و امیدواری حاصل شد امیدوارم انشاءالله که این وجه از بابت سنواتی و مخارج سفر روم مرحمت شده باشد که قدری در قروض تخفیف داده شود.

۲۹ شهر شوال ۱۲۹۳

عریضجات مورخه ۱۴ شهر ذی القعدة الحرام ۱۲۹۳ نمره ۹۹ مشتمل بر دو طغرا
با يك كتابخانه

خداوندگارا چندی قبل براین عرض کرده بودم که سیاهه و صورت اشیاء و اسبابی که برای اگسپوزیسیون مناسب خواهد شد نوشته بعرض خواهم رسانید حالا حسب الوعدۀ آنچه بعقل قاصر این فدوی میرسید همه را در يك كتابچه علیحده قلم بقلم نوشته و ملفوفاً بحضور حضرت اشرف ارفع بندگانعالی انفاذ مینمایم چون از آنجائیکه مدت‌های مدید از وطن عزیز خودم دور شده‌ام اکثر از امتعه و محصولات ایران از خاطر محو شده است لهذا استدعا دارم که آنچه از قلم فدوی افتاده است قدغن فرمایند که بسیاهه مزبور علاوه نمایند تا اینکه در این اگسپوزیسیون قصوری بهم نرسد. در باب نمونه معادن و چوب آلات مسیومنیه جنرال قونسول دولت علیه تفصیلی عرض کرده است آنهم لفاً بلحاظ بندگانعالی خواهد رسید البته چنانکه مذکور میدارد نمونه از هر قبیل فلزات و غیره لازم است مردم اینجا ببینند و یقین است که هرگاه نمونه‌ها فرستاده شود در وقت ضرورت بکار خواهد آمد. در باب ساختمان جا و مکان اگسپوزیسیون مسیومنیه که خودش مهندس خیلی قابل است خوب از عهده خواهد آمد اما هرگاه آن

دو نفر نقاش و بنا که بوینه آمده بودند باینجا بیایند خیلی بجا و مخارج اگسپوزیسیون کمتر خواهد بود استدعا دارم که در این باب و در خصوص کمیسر جنرالی مسیومنیه فدوی را زودتر مستحضر فرمایند تا اینکه تکلیف هرکس معلوم و معین شود . از حالا کمیسر جنرال همه دولت ها مشخص شده است و چون هرروز باید با رئیس اگسپوزیسیون گفت و شنید بشود علی الحساب به مسیومنیه زحمت میدهم که مشارالیه متحمل این زحمتهای بشود تا اینکه خبر مأموریت او باین کار رسماً از وزارت جلیله برسد .

☆☆☆

بعد از گفتگوی زیاد بالاخره عمل جنگ بتهدید دولت روس بمتارکه رسید و مدت آن را دو ماه قرار داده اند یعنی از اول ماه نوامبر تا آخر ماه دسامبر . اکثر از مأمورین دول متجانبه اروپا رفته و در کار رفتن باسلامبول اند و گویا پس از پنجم ماه دسامبر نتوانند در کنفرانس حاضر بشوند . نتیجه مجلس مزبور معلوم نیست بکجا خواهد انجامید اعتقاد مردم اینست که ثمر نخواهد داشت و عاقبت کار بجنگ خواهد کشید از حالا شهرت میدهند که خواه مصالحه بشود یا نشود دولت روس بصلاحدید دولت آلمان لشگر خود را داخل ممالك بولکاری خواهد کرد تا اینکه قرار درستی در نظم امورات آن مملکت و رتق و فتق اداره حکومت آنجاها داده شود و من بعد درباره رعایای آنجا ظلم و تعدی واقع نشود خلاصه باید منتظر وقوع حوادث شد والا پیش از وقت نمی توان حدس بی معنی زد . این دفعه مانند دفعات سابقه فصول روزنامجاتیکه دایر به مسئله مشرق زمین است ، جمع آوری نموده و من باب مزید اطلاع لفاً انفاذ میشود .

۱۴ شهر ذی القعدة ۱۲۹۳

سیاهه اشیاء و اسبابی است که هرگاه باین تفصیل برای اگسپوزسیون فرستاده شود خیلی مناسب خواهد شد .

اسباب نقاشی از هر قبیل

جلد کتاب ، قلمدان ، تذهیب و غیره ، نقاشی دور اطاق و طالار که من باب نمونه بروی کاغذ کشیده شده باشد . قطعه خط خوشنویس و خطوط قدیم که حاشیه و متن آن نقاشی و تذهیب شده باشد . جعبه و قاب آینه و قاب شانه و قاب کتاب و قاب شکار و غیره . فرمان تذهیب شده و اسباب صحافی .

نقاشی صورت شبیه یا غیر شبیه و بخصوصه نقاشی گل و بوته که خیلی خوب در ایران میکشند و در اینجاها بسیار مرغوب است .

کتب نظم و نثر از تاریخ نویسان و همچنین از شعرای قدیم و جدید .

اسباب خاتم

میز و صندل و نیم تخت و جعبه و قلمدان و هراسبابی که از خاتم میسازند .

اسباب از قبیل مخلفات

فرش بزرگ و کوچک یعنی از قالی های خوب و ظریف کردستان گرفته تا برسد بآن قالی های وسط و ضخیم ایلات و عشایر کرد و شاهسون و فیوج . هرگاه در سمت خراسان قالی ترکمان می بافند آنهم در اینجاها خیلی مرغوب است .

نمدهم از هر جور و از هر رنگ ، خواه همدانی و خواه اصفهانی و یزد و کرمان و سایر ولایات ممالک محروسه بوده باشد . گلیم بزرگ و کوچک کار کردستان و کرمانشاهان و بروجرد و غیره جاجم .

رخوت و ملبوسات

از هر صنف مردم یعنی از لباسهای خیلی فاخر و همچنین از لباسهای دهاتی و ایلات قدیم و جدید ، معلوم است باید زنانه و هم مردانه باشد در آنضمن کلاه بخارائی و نمدی و شب کلاه و عرق چین و غیره به ترکیب های مختلفه هم لازم است . چادر و مخصوصا روبنده زنانه و نقده و گلابتون دوزی و قلاب و گل دوزی رشت و نقشه دوزی اصفهان و سایر جاها و کفش و مغفره که از گلابتون میسازند زنانه و مردانه و چکمه و چارق قزوین و جوراب خوی و اصفهان و غیره .

پارچه حریر و پنبه و پشم

خارا و دبیری و صوف و تافته یزد و خراسان، زری کاشان و اصفهان و الیجه و دارائی و قصب و قلمکار اصفهان و چیت بروجردی و صلۀ ارومی و کرباس و آغری و برک و پتو و شال کرمان و مشهد مقدس ، عبای زری و ابریشمی و پشمی مرغز و جوخای مازندران و قدک اصفهان و یزد و بوشهر و ارومی و کتان مازندران و نخ و خیاطه و مخمل و بافته و قیطان و چل و نمد اسب و زین و یراق با همه متعلقات آن و پالان سواری و غیره و نخ کتان و نخ پشمی که از آن قالی میبافند. اسباب علاقه بندی از همه جور و خورجین و مفرش بند و چادر از هر قسم .

مس و برنج آلات

مجموعه و آفتابه و لگن و طاس حمام با همه ملزومات آن و شمعدان و پیه سوز مخمر عود و صندل که به ترکیب طاوس و کبوتر و سایر حیوانات و طیورات ساخته و میسازند و اکثر از آنها منبت و مشبک و محکوک است. از کارهای قدیم و جدید

و فانوس و منقل و تنگ برنجی و جام و قلیان رسمی با همه ملزومات آن و غیره و غیره .

ظروف چینی و کاشی آجور بزرگ و کوچک که در سر مساجد و حمام و دروازه‌ها میگذارند از کار قدیم و جدید و همچنین اسباب میناکاری از هر قبیل و اسباب حکاکی .

اسلحه

شمشیر و قمه و خنجر و تفنگ و طپانچه و نیزه و قداره و کلاه خود و زره و همه اسباب حرب که در ایام قدیم و حالا بکار برده و می‌برند .

اسباب قلمدان و غیره

قیچی و قلمتراش و چاقو و کارد و پرکار، کار اصفهان و سطراره و هر چه متعلق باین جور اسباب داشته باشد و اسباب معماری و منجمی از قبیل اسطرلاب و غیره و تیغ دلاکی .

اجناس خشکباری و بعضی ادویه‌جات که اطبا بکار می‌برند

و مشروبات و نقل آلات و غیره

کشمش همه جوره ، انجیر یزد ، آلو و خرما و قیسی و بادام و پسته دامغان و قزوین و انچوچک و جوزقند و فندق، لیموی شیراز و سنجد و عناب و نقل آلات که حمل و نقل آنها آسان باشد و در راه ضایع نشود و سماق و کشک ، گز خون رو اصفهان و گز انگبین و زرشک و توت طهران ، شکر مازندران ، ترنجبین و شیر خشت و انقوزه و خاوشیر و کتیرا و کاسه نبات .

مشروبات از هر جور و تریاک و عطریات و حبوبات و تخم گیاه و ریاحین از هر جنس و از انواع مختلفه یعنی از گندم

گرفته تا ماش سیاه و سبزی آلات خشك ، زیره کرمان و زعفران خراسان و برنج عنبربو و صدری و غیره و از نباتات روغنی از قبیل دانه کرچك با روغنش و کنجد و بزرک و غیره ، رشته و نان لواش و سنگک .

کتاب خطی و چاپی و نقشه و مرکب و قلم و مهری که حکاکی شده باشد بر روی برنج و عقیق و غیره .

اسباب ساز و طرب و آلات موسیقی .

اسباب جراحی از کارهای اصفهان .

اسباب ذرع و اندازه از قبیل ذرع و نیم ذرع و اسباب ترازو بانواع مختلف .

مسکوکات طلا و نقره و مس و همچنین مسکوکات قدیم .

اسباب رختخواب از قبیل لحاف و تشك و متکا و بالش و زیر گوشی و غیره .

ابریشم و پنبه و قوزه پنبه و تفتك و پشم و نخ ترمه و پوست جمیع حیوانات هرگاه ممکن باشد ، بره و مرغز و تازی و گربه براق اصفهان زنده بیاورند خیلی پسند و مرغوب خواهد افتاد و پوست اقسام مرغهای بری و بحری و جنگلی و ساغری و پوست آهو برای کتاب نویسی و روناس و علفهای معطر کوهی و دشتی .

اسباب زرگری و جواهری بهمان طورهائی که در ایران میسازند .

شانه و قاشق و جعبه و قلمدان منبت و هر چه از چوب شمشاد و غیره میسازند .

تفصیل نمونه معادن و چوبهای مختلف را مسیو منیه علیحده نوشته و اینك لفاً انفاذ میشود .

۱۴ شهر ذی القعدة ۱۲۹۳

عریضه مورخه ۱۴ شهر ذی‌القعدة ۱۲۹۳ نمره ۱۰۰
مشمتمل یكطرفا بتوسط خود میرزا علی فرستاده شد

خداوندگارا مقرب‌الحضرت الخاقانیه آقا میرزا علی حکیم باشی بعد از زحمتهای زیاد ، تحصیل خود را باتمام رسانیده و دیپلم دکتری را حاصل کرده در کمال مفاخرت عازم ایران است. در حقیقت در این مدت یکسال و نیم که در اینجا بجهت تکمیل علم طبابت و جراحی اقامت داشته است بخودش خیلی صدمه زده تا اینکه بمقام دکتری رسیده و حالا قابل آن شده است که در معالجه محل اعتماد اولیای دولت علیه بشود چون لازم بود از طرز تحصیل و حسن رفتار مشارالیه اشاره بشود لهذا بعرض این عریضه جسارت رفت امیدوارم در وقت ورود مرحمت خود را در حق مشارالیه دریغ و مضایقه نخواهند فرمود .

مورخه ۱۴ شهر ذی‌القعدة ۱۲۹۳

عریضجات مورخه ۲۸ شهر ذی‌القعدة ۱۲۹۳ نمره ۱۰۱ مشتمل بر سه طغرا

خداوندگارا از قراریکه از اسلامبول تلگراف میرسد معلوم میشود که از یازدهم این ماه دسامبر که مطابق بیست و پنجم شهر حال بوده باشد در کنفرانس اسلامبول سه مجلس منعقد شده است درمجلس اول همه متفق‌الرأی شده‌اند که سربی درحالت استاتوکوی که پیش از جنگ داشت بماند اما از برای قره‌جه‌داغ بعض امتیازات قرار خواهند داد باین معنی که حدود سرحد آن مملکت را تا بدریا امتداد داده و یك حق هم باو در دریا واگذار خواهند نمود. در مجلس دویم مارکی دوسلسبوری مأمور انگلیس برای محافظت بولکاری تکلیف کرده است که قشون بلجیک یا سویس و یا اینکه

دانمارك داخل آنجا بشود ، مأمور روس راضی شده است اما معلوم نیست سایر دول این تکلیف را قبول نمایند . يك تكلیف دیگر هم شده است که بعد از این والی بولکاری مسیحی باشد و حتی اسم نوبارپاشا را ذکر کرده‌اند اما اکثر از مأمورین مهلت خواسته‌اند که این دو تکلیف را با اطلاع دولت متبوعه خود برسانند . يك حرفی هم از هرسنگ و بوسنی شده است ولی هنوز معلوم نیست درباب این دو ولایت چه گفتگو کرده‌اند . درحالیکه مأمورین دول متجانبه اروپا مشغول گفتگو هستند دولت روس در تدارك و تهیه جنگ است و از شش جهت لشگر خود را با ملزومات حربیه حاضر کرده و بسرحداتیکه لازم است میفرستد . از آن طرف دیگر دولت عثمانیه بی‌کار نیست او هم بجهد تمام در تدارك است و از قراریکه مذکور میشود قشون پر زور و اسلحه مضبوط دارد و آنچه فدوی را متحیر میکند این است که اعتقاد اکثر از مردم اینجا براین قرار گرفته است که هرگاه محاربه مابین دولت روس و دولت عثمانی واقع بشود و این دو دولت را سر خود بگذارند با هم بجنگند دور نیست که دولت عثمانی دولت روس را شکست بدهد . فدوی این حرفها را هرگز باور نمی‌کند ولی اعتقاد مردمان معقول که از حالت و وضع عساکر و از اسباب و آلات حربیه آن دو دولت اطلاع کامل دارند باصرار هرچه تمامتر مدعی براین‌اند که دولت روس از عهده دولت عثمانی نمی‌تواند برآید سهل است ، احتمال دارد که از دولت عثمانی شکست بخورد . البته حضرت اشرف که درهر دو مملکت مأموریت داشته‌اند این فقره را بهتر میدانند .



در اول ورودم پیاریس ملتفت شدم که درگمرک ممالك فرانسه از بعضی امتعه ایران نسبت بامتعه سایر دول وجه گمرک را زیاد میگیرند مثلاً از فرش ایران درصد پانزده وجه گمرک را اخذ میکردند

و حال اینکه از فرش عثمانی درصد ده می‌گرفتند و از قلاب دوزی رشت از ما درصد سی و شش مطالبه نموده و از عثمانی‌ها از همان جنس و متاع یعنی قلاب دوزی درصد ده مطالبه میشد. بمحض اینکه از این وضع حرکت دولت فرانسه مطلع شدم کاغذ مفصلی بوزارت امور خارجه نوشته و موافق فصل چهارم عهدنامه دولتی و تجارتي منعقد فیما بین دولتين عليتن ايران و فرانسه اجرای حقوق دولت را مطالبه نموده و ملتفتشان کردم که مطابق نص فصل مزبور از امتعه ایران نباید زیاد از آنچه از امتعه دول کامله الوداد حق گمرک مطالبه میشود، مطالبه نمایند. در همان اوقات بعد از دوسه سؤال و جواب نوشتند که اگر چه با دولت عثمانیه قرار نامه مخصوص بسته ایم و بهیچوجه آن قرار نامه مداخلیت بمعهدنامه ایران ندارد ولی محض ترویج تجارت قرارداده ایم که مخصوصاً از فرش و از قلاب دوزی ایران نیز مثل مال عثمانی حق گمرک درصد ده مطالبه بشود. آنچه در این باب با وزارت امور خارجه فرانسه مکتوباً و شفاهاً سؤال و جواب شده است یکسال پیش از مسافرت موکب همایون بعرض وزارت جلیله امور خارجه رسانیده ام و از آنوقت تا بحال چیزی اتفاق نیافتاده بود که بعرض آن مبادرت بشود. اما در مدت هذالسنه چند نفر از اهل فرانسه که بایران تجارت دارند و همچنین دوسه نفر از تجار خودمان شاکی شده اند که از اسباب مس و برنج ایران که می‌آورند درصد ده و پانزده حق گمرک مطالبه میشود و حال اینکه از همان جور متاعیکه از عثمانی میرسد درصد کیلو گرام ده فرانک میگیرند. بمحض اطلاع این فقره را دوباره دست‌آویز نموده بوزارت امور خارجه کاغذ نوشته و مجدداً اجرای حقوق دولت علیه را خواستم این دفعه دیگر محض خوش آیند يك استثنای بزرگی در حق ماکرده و قرار دادند که بعد از این امتعه ایران در تحت رژیم قانونانیونل بوده باشد، سواد مراسله آخری که بجناب دوك دکاز نوشته و جواب ایشان را که در آن باب نگاشته بود اینک لفاً انفاذ حضور بندگانعالی مینمایم و از اینکه این خدمت را بدولت و بملت خودم کرده ام خیلی مفاخرت دارم.

☆ ☆ ☆

در این مدت هفت سال که بمأموریت پاریس سرافراز شده ام هر وقت از اوقاتیکه وسیله و موقعی بدست آمده در باب مقرب - الحضرت الخاقانیه میرزا احمد خان نایب اول این سفارت عریضه - نگار شده و درباره او استدعای بذل مرحمتی نموده ام ولی در خاطر ندارم که مستدعیات فدوی درباره مشارالیه بدرجه اجابت رسیده باشد . البته در نظر اولیای دولت علیه پوشیده نیست که در این مدت مدید عدد صاحب منصب منحصر بوجود او بوده است و بتنهایی از عهده مشاغل نیابت و منشیگری اول برآمده و اوقات خود را بانجام مرجوعات دیوانی مصروف داشته و از عمل خودآنی غفلت و فروگذار نکرده است و در این مدت از مراقبت و مواظبت مشارالیه نهایت رضامندی حاصل است . چون در چنین حالت برفدوی لازم است که مراتب خدمات میرزا احمدخان را بعرض برسانم لهذا این فرصت را مغتنم شمرده مجدداً مستدعی میشوم نظر بخدماتیکه کرده و میکند از جانب اولیای دولت علیه مرحمتی در حق مشارالیه مبذول شود تا اینکه بامیدواری بیش از پیش در انجام خدمات دولتی ساعی و جاهد باشد . امیدوارم که این دفعه این استدعای فدوی بسمع اجابت برسد .

۲۸ شهر ذی القعدة ۱۲۹۳

عریضجات مورخه ۱۲ شهر ذی حجه الحرام ۱۲۹۳ نمره ۱۰۲ مشتمل بر دو طغرا

خداوندگارا چند روز قبل بر این مسیو شورلیون نام که باجناب مسیو منیه وزیر مختار فرانسه آشنائی دارد باین سفارتخانه آمده اظهار داشت که در هنگام عزیمت معزیاله بمحل مأموریت از ایشان خواهش نموده که کمیسر جنرالی اگسپوزیسیون ایران را از اولیای دولت علیه برای او استدعا نمایند و در آن ضمن از فدوی خواهش نمود که این استدعای او را در حضور حضرت اشرف بندگانعالی تقویت نمایم . اگرچه مسیو شورلیون آدم زرنگی است ولی چون ادعای اوزیاد است میترسم بکار دولت علیه نخورده و چنانچه دولت ژاپون

رادر اگسپوزیسیون سنه ۱۸۶۷ پاریس بخسارت انداخته بود مارانیز دچار ضرر و خسارت نماید. علی الحساب خیال او این است که باید یکصد هزار تومان خرج اگسپوزیسیون کرد و کسیکه از حالا این حرف را میزند البته همین که اقدام باین کار کرد دو مقابل این خرج را بر گردن ما خواهد انداخت. در این صورت صلاح دولت همین است که بمسیو منیه جنرال قونسول دولت علیه مقیم پاریس را باین کار مأمور فرمایند و چنانچه از روی احکامی که از وزارت جلیله رسیده و اجازه تعیین مأمور مزبور بفدوی محول شده است کمیسر جنرالی ایران بمسیو منیه عنایت شود. چنانچه در عرایض سابق معروض داشته‌ام نظر بمضمون احکام وزارت جلیله آن مأموریت را بمسیو منیه وعده کرده‌ام و از یکماه متجاوز است که مشارالیه من غیر رسم همه اوقات با کمیسر جنرال اگسپوزیسیون مراوده میکند و اسباب سهولت این کار را فراهم می‌آورد و چون با کمیسر جنرال مزبور و با اکثر از اولیای دولت فرانسه دوست است از همه کس بهتر از عهده این کار بر می‌آید و قرار کارها را بطوری خواهد داد که خرج اگسپوزیسیون کم بشود و بهیچوجه من الوجوه خسارت بدولت نرسد. امیدوارم که اولیای دولت علیه این استدعای فدوی را قبول نموده و محض مصلحت دولت و رفع خسارت، مسیو منیه را بمسیو شورلیون ترجیح خواهند داد.

☆☆☆

چنانچه با چاپار گذشته معروض شد در مجالس اول کنفرانس بوی مصالحه می‌آمد اما از پریروز یعنی از وقتی که قانون نامه جدید دولت عثمانیه سمت انتشار یافته و مدهت پاشا صدراعظم جدید دولت عثمانیه تکالیف کنفرانس را رد کرده است باز حرف محاربه بحدس مصالحه تقدم بسته است و حالا باصرار هرچه تمامتر اعتقاد همه کس بر این است که عاقبت کار ما بین دولتین روس و عثمانیه بتوپ و تفنگ خواهد کشید و اگرچه حالت دولت انگلیس در تردید است ولی اعتقاد مردم این است که او نیز بقصد حمایت دولت عثمانیه داخل این معرکه خواهد شد. از حالا صاحب منصبهای خود را زیاد

بخاك عثمانی فرستاده و در همه جا کارگذاران عثمانی براهنمائی صاحب منصبهای مزبور مشغول فراهم آوردن اسباب حرب و استحکام قلعبات و جمع آوری غله و آذوقه بوده و هستند. مخلص، از جانبین در تدارك اند از قراریکه مذکور میشود گویا دولت اتریش هونگری نیز آرام نخواهد نشست. او نیز خود را داخل جنگ خواهد نمود و هرگاه حرف مردم حقیقت داشته باشد معلوم است که علم مخاصمت را برضد دولت روس خواهد برافروخت. علی الحساب این است مختصر حقیقت حالت و برای مزید اطلاع بعضی از فصول روزنامه ها را که قابل ملاحظه است منتخب کرده و اینک با دونسخه روزنامه مموریال دیپلماتیک انفاذ حضور مینماید.

۱۲ شهر ذی الحجه الحرام ۱۲۹۳

عریضجات مورخه ۲۶ ذی حجه الحرام ۱۲۹۳ نمره ۱۰۳ مشتمل بر سه طغرا

خداوندگارا پنج طغرا تعلیقه که در لف یک بسته پاکت و تاریخ آنها از ۱۸ شهر ذی قعدة الحرام بوده، دیروز شرف وصول ارزانی داشت. از توصیف و تمجیدی که در اخبار نویسی فدوی در باب مسئله مشرق زمین فرموده بودند، نهایت افتخار و سرافرازی حاصل شد البته معلوم است تکلیف مأمور همین است که وزارت جلیله امور خارجه را از عموم اخبار مستحضر داشته از هیچ نکته و چیزی که ظهور مینماید بی اطلاع نگذارد و انشاء الله بر وفق همین حالت سبک مأموریت را از دست نداده حتی المقدور سعی و اهتمام خواهم نمود که تکالیف مأموریت خود را چنانکه تا بحال مجری داشته بعد از این هم معمول دارد. از شرحی که در باب تشریفات و پذیرائی جناب مسیو منیه وزیر مختار فرانسه مرقوم و همچنین از نشان گراندا و فسیه لژیون دونور که برای حضرت اشرف ارفع امجد والا شاهنشاه زاده اکرم نایب السلطنه امیر کبیر که از جانب دولت متبوعه خود آورده بوده که بآن واضیحی اشاره فرموده بودند اطلاع کامل حاصل شد در حقیقت اولیای دولت علیه در پذیرائی جناب معزی اله مافوق مراعات مودت

را بعمل آورده‌اند و مسیو منیه در آوردن نشان گراندا و فسیه خیلی کوتاهی کرده است. هرگاه فدوی پیش از وقت از این فقره اطلاع بهم می‌رسانید بدرجه نشان مزبور تصدیق نمی‌کرد و حالا هم که از کیفیت اطلاع بهم رسانیده‌ام اوقاتم تلخ شد، چون امروز بجهت راه انداختن پست هیچ فرصت ندارم بوزارت امور خارجه بروم لکن فردا بآنجا رفته و جناب دوک دکاز را ملاقات نموده و بامید خدا و موافق دستور العملی که داده‌اند با ایشان گفتگو نموده این کار را درست می‌کنم و رضای خاطر حضرت اشرف ارفع بندگانعالی را بجا می‌آورم از این بابت نگرانی نداشته باشند. از عمدة الامراء العظام جهانگیرخان خبری ندارم همینقدر می‌شنوم که در پطر بورغ تشریف دارند، البته بعد از ورود بیاریس بهمان قسمی که مقرر شده است هیچ نوع تقویت و همراهی را در پیشرفت مأموریت ایشان مضایقه و دریغ نخواهم کرد و انشاءالله در کارهای معزی‌اله بقسمی مراقبت و مواظبت خواهد شد که بهیچ وجه از جانب فدوی در پیشرفت عمل مأموریت معزی‌اله قصوری بهم نرسد.

☆☆☆

عریضجات فدوی را در باب فقره اگسپوزیسیون تصدیق نموده اشاره فرموده بودند که آنچه در آن باب عرض کرده‌ام صحیح است و باید خیلی دقت کرد چیز عظیمی شود بجهت اینکه ذات ملکوتی صفات همایونی روحانفاده به اگسپوزیسیون تشریف فرما خواهند شد ولی در باب فراهم آوردن امتعه و محصولات ایران بجهت اگسپوزیسیون و مأموریت کمیسر جنرال و همچنین در خصوص تعیین مخارج جا و مکان دستور العمل نداده بودند و حال اینکه چنانکه مکرر عرض کرده‌ام همه دول اروپا قبول خود را بدولت فرانسه نوشته و قرار و مدار جمیع مسئله‌هایی که متعلق باین عمل است مشخص و قرار این امر را بمأمورین خود معین نموده و حالا همه کس بجز فدوی تکلیف خود را میداند و موافق دستور العمل دولت متبوعه خود عمل میکند. استدعا دارم بیش از این فدوی را در انتظار نگذارند و در باب جمیع

فقرات اگسپوزیسیون بطور کافی دستورالعمل مرحمت فرمایند که در سؤال و جواب با کمیسر جنرال اگسپوزیسیون فرانسه معطلی حاصل نشود. چند روز قبل بر این کمیسر جنرال مزبور از فدوی جواب صریح و رسمی خواسته بود که آیا از دولت علیه ایران در باب قبول کردن اگسپوزیسیون رسماً جواب رسیده است و هرگاه نرسیده است کی خواهد رسید. چون از مضمون مراسله مشارالیه چنین استنباط میشود که هنوز در اگسپوزیسیون ایران تردید دارند لهذا این دفعه تحریراً باین مضمون جواب نوشتم: در اینکه دولت علیه ایران اگسپوزیسیون را قبول کرده است شکی نیست و در ضمن مراسله خودم بایشان اطمینان دادم که عنقریب جواب قبولی هم از جانب دولت علیه خواهد رسید.

از کنفرانس خبر صریح نمی رسد اما آنچه تا بحال معلوم شده است این است که چونکه گفتگوها و تکالیف طرفین تا آخر این ماه ژانویه سرانجام نگرفته بود لهذا مدت متارکه را از آن تاریخ الی دو ماه دیگر امتداد داده اند و احتمال میدهند که گاه هست در این مدت اسباب مصالحه فراهم نیاید از قراریکه معلوم میشود دولت روس از آن صرافت اول افتاده و در اجرای ادعاهای خود مثل سابق تشدد نمی نماید، سهل است که خیلی سست شده است و حالا چنان وانمود میکند که این مسئله فقط با و مدخلیت ندارد بلکه بجمیع دول اروپا راجع است.

خلاصه علی العجاله پرده حفاظ بر روی آنچه در کنفرانس واقع میشود کشیده شده و حقیقت مطلب را چنانچه بعرض دول متجانبه میرسد بمردم بروز نمی دهند تا ببینیم بعد از این چه ظهور کنند. يك فقره دیگر که تازگی دارد این است دولت آلمان که تا بحال در کنفرانس و در این مسئله مشرق سکوت را اختیار کرده بود کم کم حرکت

نموده و خیال خود را بروز میدهد مثل اینکه منم هستم ازمن غافل نباشید. هرگاه او بجنبید و رأی خود را به ترازو بگذارد، حالت تغییر خواهد کرد. آنچه قابل بود همین است که عرض شد سایر اخبار که قابل خواندن است هرچه ازروز عزیمت چاپار گذشته در این باب نوشته و شهرت داده شده است ازروز نامه‌ها جمع کرده و اینک برای مزید اطلاع لفاً انفاذ میدارم زیاده بر این مطلب قابل نبود که بعرض آن جسارت شود.

معروضه ۲۶ شهر ذی حجه الحرام ۱۲۹۳

عریضجات مورخه ۱۱ شهر محرم الحرام ۱۲۹۴ نمره ۱۰۴ مشتمل بر پنج طغرا

خداوندگارا چنانچه در ضمن عریضجات مورخه ۲۴ شهر ذی حجه الحرام معروض شد، بمحض اینکه پاکت عرایض آنروز را راه انداختم رفته جناب دوك دكاز وزیر امور خارجه را ملاقات نموده و موافق دستور العمل حضرت بندگانعالی اولا برای طرح مسئله و تمهید مقدمه، شرح ورود جناب مسیومنیه و تفصیل تشریفات پذیرائی که در این سفر دویم از جانب اولیای دولت علیه برای معزی‌اله ترتیب داده شده بود، بیان کرده، بطور واضح خاطر نشان ایشان کردم که با وصف اینکه در دفعه اول ورود جناب معزی‌اله بطهران، آن طوری که سزاوار بوده تشریفات پذیرائی او کاملاً بعمل آمد و این دفعه که مجدداً مراجعت می‌کردند حقاً و عهداً بعمل آمدن همان تشریفات غیر لازم بوده و اولیای دولت علیه ایران در این دفعه تکلیفی نداشتند ولی از آنجا که حضرت سپهسالار اعظم که قدر و قیمت دوستی دولت فرانسه را میدانند و میخواهند مأمور دولت شما از هر جهت محترم باشد، محض رعایت کمال دوستی و مودت این دفعه يك نفر سرتیپ برای ایشان مهماندار قرار داده و از روزیکه بخاك ایران پا گذارده الی روز ورود بطهران، کل احترامات و تشریفات که در دفعه

اول ورود جناب معزی‌اله بعمل آمده بود کاملاً در این دفعه ثانی معمول شده است و بطوری از ایشان پذیرائی شده است که بهتر از آن غیرمتصور است. بعد از این بیانات، فقره نشان حضرت اشرف ارفع‌افخم امجد والاشاهنشاه زاده اکرم نایب‌السلطنه امیرکبیر روحی فداه را مذاکره کرده، تفصیل ابلاغ نشان مزبور را باین مضمون بیان کردم: ازقراریکه معلوم میشود دروقت عزیمت جناب مسیومنیه نشان لژیون دونور همراه خود برای حضرت والا برده و درحین ورود عرض کرده بود که نشان‌گراندکردون از برای شما آورده‌ام و حضرت والا نیز این فقره را بحضرت سپهسالار اعظم اطلاع داده بودند و معظم‌اله در جواب عرض کرده بودند مبارک است اما از اینکه مسیومنیه در دو ملاقاتی که باحضرت سپهسالار اعظم داشته بود از فقره نشان چیزی اظهار نکرده بود، مایه تعجب حاصل نموده بودند. خلاصه بعد از تبلیغ نشان معلوم شده بود که از درجه‌گراندکردون نبوده از مرتبه‌گراند اوفسیه بوده است. یقین بدانید هرگاه پیش از وقت میفهمیدند از آن درجه است، معذرت میخواستند و هرگاه من خودم در اینجا مطلع میشدم نمی‌گذاشتم از برای حضرت اشرف ارفع والاشاهنشاه زاده اکرم روحی فداه که سمت نایب‌السلطنه و امارت کبری در دولت دارند و شئونات پسری پادشاهی را حایزاند باوزراء و غیره در یک میزان سنجیده از این درجه نشان ارسال دارند. جای هزار افسوس است که چنین سهوی اتفاق افتاده باشد چون اولیای دولت علیه این فقره را فهمیده‌اند که این نشان از روی سهو داده شده است، لهذا بمن امر و مقرر شده است که رفع اشتباه را نموده تا اینکه تلافی بشود و حالا یقین دارم که بعد از استحضار از حالت و شأن و درجات حضرت والا بتلافی این فقره اقدام خواهند فرمود. جناب مسیودکاز در مقابل این همه اظهارات فدوی همینقدر در کمال ادب جواب داد حالا بجهت سال نو نشان زیاد اعطاء شده

است و مقدور نیست نشان مزبور تغییر داده شود اما بوقت دیگر حواله میکنم که تلافی بشود. بنا علیه این پارتی است رمیزی یعنی شرطی است یا قولی است که بوقت دیگر محول میشود.

گفتم اولاً نشانهایی که در سال نوداده میشود از تلافی این نشان مانع نیست، این نشانها يك مقام و آن نشان مقام دیگر دارد و چون خودتان میگوئید این پارتی است که رمیز شده است خیلی مناسبتر است حالا که موقع نگذشته است نشان مزبور تبدیل شود. مسیودکاز باز اظهار تاسف کرد و بهمان قسم اول جواب داد. گفتم البته دولت فرانسه در وقت فرستادن این نشان که بصرافت طبع خود بوده است خواسته است با دولت علیه دوستی و مودت خودش را ظاهر نماید و خیال او این نبوده است که اسباب برودت از آن حاصل بشود، چونکه حالا خلاف نیت طرفین از این فقره حاصل شده و چونکه نشان مزبور مطابق شأن نیست و از آنجائیکه حضرت سپه سالار اعظم یقین داشتند که بمحض اظهار، تلافی خواهد شد بنا بچنین احوال نشان مزبور را در وزارت امور خارجه برسم امانت نگه داشته‌اند تا خبر از اینجا برسد. از جناب شما خواهش میکنم که کار باین آسانی را بتأخیر نیاندازید و عبث راضی نشوید که از این کار جزئی کدورت حاصل شود. باری از این حرف‌ها زیاد گفتم اما بدبختانه اثر نکرد. جواب مسیودکاز همان جواب اولی شد. در حقیقت از حالت ایشان خیلی متأثر شدم و چون دیدم حالت را نمی‌فهمد رفته مسیودپره رئیس اداره پولتیکه و بعد از آن مسیو مولار ایشیک آقاسی باشی را که عمل نشان با اوست ملاقات نموده سعی های خود را بکار بردم که بجاهست این کار باین آسانی را بگذرانم لیکن جواب حضرات از جواب دوکدکاز سخت‌تر بود. هر دو جواب یأس دادند و از حرفهای آنها بخصوصه از حرف مسیو مولار معلوم شد که وزیر امور خارجه مؤدبانه جواب داده است اما یقین است که از برای نایب السلطنه

از درجه اول نشان داده نخواهد شد . گفتم نایب السلطنه از پسر هیچ پادشاهی کمتر نیست بعد از آنکه نشان برای ایشان میدادید می بایستی مثل اینکه باولاد سایر سلاطین داده میشود برای ایشان داده شود . گفتم من هیچ راضی نبودم نشان داده شود اما مسیومنیه از بسکه اصرار کرد آنهم داده شد . گفتم بمن چرا خبر ندادید من نمیگذاشتم این طور بشود . الحاصل از این حرفها زیاد گفته شد اما بدبختانه بجز جواب یأس چیزی نشنیدم و حالم طوری منقلب شد که بمحض ورود بسفارتخانه بی اختیار گریه کردم . بوحدت خداوند متعال قسم است که مرگ را باین حالت ترجیح دادم و اگر چنانچه اختیار میداشتم و نشان مزبور در دست من بود همان ساعت خودم بوزارت امور خارجه برده بآنها پس می دادم . این فقره را چند روز قبل مختصراً با تلگراف معروض داشته ام حالا دیگر اختیار با اولیای دولت علیه است .

چند روز است که عمدة الامراء العظام جهانگیرخان باتفاق مقرب الخاقان نریمان خان وارد پاریس شده اند و در وقت ورود بلافاصله باین سفارتخانه آمده از فدوی دیدن کردند و فدوی نیز از ایشان بازدید نموده پیوسته همدیگر را می بینیم و موافق مضمون تعلیقه جاتیکه در باب سفارش ایشان بعهده فدوی شرف صدور یافته است در انجام امور و خدمت محوله نهایت موافقت و همراهی کرده و خواهم کرد . علی الحساب بعد از اطلاع از مضمون فرمان مه رلمعان و احکامی که همراه آورده اند و برحسب اظهاری که کرده اند باتفاق همدیگر بیک دوجا که امید گذشتن کار میرود دست انداخته و در کمال احتیاط و دقت تمام در پیشرفت عمل مأموریت ایشان سعی و اهتمام بکار برده و هرچه شده است محرمانه و مبالغه در عدم کشف آن شده است و اگرچه

هنوز جواب درستی تحصیل نشده است ولی ظن غالب این است که بواسطه مسئله مشرق زمین واغتشاش حواس مردم ، عمل استقراض سرنگیرد . صرافها در این روزها از این قبیل کارها دوری میکنند تا ببینیم خدا چه خواسته باشد. خلاصه فدوی در همراهی و موافقت سعی تمام دارد و در پیشرفت کارها بهیچوجه کوتاهی و فروگذاری نخواهد کرد البته خود ایشان نیز شرح و احوالات را بعرض خواهند رسانید.



درباب انتخاب جا و مکان برای امتعه دولت علیه ایران در اگسپوزیسیون سنه ۱۸۷۸ در تعلیقه مورخه ۲۲ شهر شوال - المکرم که بدست یاری عمده الامراء العظام جهانگیرخان شرف وصول داشت ، امر و مقرر شده بود که با معزی‌اله مشورت نموده بر وفق صلاح و شأن دولت جائی معین و اقدام بساختن شود . البته چنانچه مقرر شده است باحکام اولیای دولت اطاعت خواهد شد . اما در این میانه يك اشکالی روداده که حل آن با اولیای دولت علیه و آن این است که آیا اگسپوزیسیون سال آینده مانند اگسپوزیسیون سنه ۱۸۶۷ پاریس خواهد بود ، یعنی بی پادلیون و یا اینکه بطور و طرز اگسپوزیسیون سنه ۱۸۷۳ وینه خواهد بود که هم در داخله عمارت جا داشت و هم در خارج ، یعنی در يك گوشه باغ ، اگسپوزیسیون پادلیونی ساخته بودند و سردر آنرا آن دو نفر بنا و نقاش ایرانی بآن خوبی و پاکیزگی آینه بندی کرده ، زینت داده بودند . در بودن و نبودن پادلیون تفاوت خرج زیاد است هرطور مقرر شود از آن قرار عمل خواهد شد . درباب کمیسر جنرال نیز چنانچه مقرر شده بود مسیومنیه جنرال قونسول دولت علیه باین شغل معین و برقرار شد و انشاء الله از عهده آن خوب خواهد برآمد .

چنانکه چند روز قبل براین با تلگراف معروض داشته‌ام کنفرانس اسلامبول برهم خورد و سبب برهم خوردن مجلس مزبور این بود که وکلای دولت عثمانیه تکالیف مامورین دول متجانبه اروپا را منافی شأن دولت خود دیده ، رد کردند و سفرای کبار بنا بدستورالعملی که از جانب دولت متبوعه خود داشتند ، ماموریت خود را مختوم دیده ، هر یک بوطن خود عودت نمود . از قراریکه مذکور میشود شارژدافرها بجای آنها در اسلامبول مانده‌اند و در صورتیکه دولت عثمانیه از آن عزم خود برگردد ، شارژ - دافرها ی مزبور با اجرای تکالیف اقدام و دوباره شروع بگفتگو نمایند . علی الحساب از روز حرکت سفرا تازه رون داده است که قابل عرض باشد . معلوم است این کار در این حالت نخواهد ماند و چنانچه در میان مردم شهرت دارد ، امسال بی محاربه بآخر نخواهد رسید . صادق پاشا احضار شده باید باسلامبول برگردد و عالی پاشا که پیش از مشارالیه در اینجا سفیرکبیر بود ، دوباره مأمور پاریس شده است . مسیو درشه جنرال قونسول دولت فرانسه مقیم تبریز معزول و مسیو امره بجای او منصوب است بیش از این مطلبی که قابل باشد نبود که بعرض آن جسارت ورزد .



در این مدت پنج ششماه دو سه مرتبه بمقام جسارت برآمده درباب سنواتی و مخارج سفر روم با خط خودفدوی محرمانه عرض کرده‌ام که هرگاه آن وجوهات بزودی نرسد از دست طلبکار خلاصی نخواهد داشت .

بدبختانه تابحال چاره مترتب نشده است و جوابی هم مرقوم نفرموده‌اند تا تکلیف معین شود ، چون از روزیکه جای سفارت را تغییر داده‌ام از یکم هزار و دویست تومان متجاوز خرج کرده‌ام و

از آنجائیکه این همه مخارج جدید برقروض قدیم علاوه شده است لهذا استدعا دارم آن دو هزار تومان که از قوی‌ئیل ولونت‌ئیل برعهده دیوان باقی مانده است و آن دویست و بیست و هشت تومان ایت‌ئیل و سیصد و چهل و هفت تومان مخارج سفر روم را مرحمت فرمایند. هرگاه این وجوهات تا آخر سال نرسد دیگرکار این سفارت از هم خواهد پاشید و بهیچوجه چاره پذیر نخواهد بود. بخدا قسم از خجالت و خفت نزدیک است تلف بشوم از برای خاطر خدا و محض حفظ آبروی دولت و ملت ایران چاره بدر داین سفارت فرمایند که از این حالت پریشانی بیرون بیایم والا دیگر باین طور زندگانی در اینجا حرام است و نمی‌توانم باین حالت در مثل پاریس جائی زندگانی بکنم در این صورت باز هم مستدعی میشود که بمهر قسم است فدوی را از این حالت مستخلص فرمایند. معروضه ۱۱ شهر محرم ۱۲۹۴

عریضجات مورخه ۲۵ محرم الحرام ۱۲۹۴ نمره ۱۰۵ مشتمل بر سه طغرا

خداوندگارا در عریضه‌ای که در یازدهم شهر حال معروض شد عرض کرده بودم که در باب استقراض یکصد هزار لیره باتفاق عمدة الامراء العظام جهانگیرخان و مقرب الخاقان نریمانخان در کمال احتیاط و محرمانه دست برده اهتمامات خود را در پیشرفت آن فقره بکار برده بودیم اما چنانکه در همان عریضه حدس زده بودیم آن دو نفر صراف موافقت ننموده متعذر شده همینقدر در جواب گفتند گذشتن این کار (خاصه در این اوقاتیکه عمل استقراض باین طورها برای جمیع دول سخت و صعب شده است)، غیر مقدور است. بعد از اینکه از آن دونفری‌اس حاصل شد بایک شخص دیسگر که تبعه روس و تازه از پتربورغ رسیده بود بنای گفتگو را

گذاشته که گاهست این کار را با او صورت بدهیم . چند مجلس با مشارالیه در این باب مذاکره و جمیع محسنات گذشتن این کار را برای او تعداد نموده و بشیوه هائی که در این کارها لازم است نکات تتمیع و تشویق را خاطر نشان او کردیم بالاخره بعد از گفتگوهای زیاد حرف آخر او این شد که اگر چه حالا عمل استقرار خیلی مشکل و معال است ، ولی من این تنخواه را میدهم از مدت یکسال الی دو سال اما بجهت ترقی اسکونت بانکهای پاریس و لندن که در این اوقات به نه و ده رسیده است از دولت علیه ایران تومانی یکصد دینار در ماه منفعت میخواهم و باید تنخواه من در چهار قسط ، ششماه بششماه از دولت علیه در پتربورغ کارسازی شود ، ولی شرط عمده این است که حضرت اشرف ارفع سپه سالار اعظم که وزیر امور خارجه اند بتوسط سفارت دولت بهیه روس مقیم دارالخلافه طهران بوزارت خارجه آن دولت اطمینان بدهند که طلب من در سر اقساط معینه خواهد رسید .

بمحض حصول این اطمینان قرض را کارسازی میکنم ، ولی تنخواهی که موجود دارم اسکناس روس است و بجز اسکناس ، پول دیگری ندارم و حالا که اسکناس میدهم در وقت استرداد قرض از همان اسکناس روس عیناً از دولت علیه پول کاغذ قبول خواهم کرد .

چون بواسطه تنزل اسکناس که حالا بسه فرانک رسیده است از تبدیل آن بلیره انگلیس احتراز و امتناع داشت و چون بعد از رفع انقلابات حالیه و اصلاح امور و ترقی پول کاغذ همان ضرر در تبدیل پول برای دولت علیه متصور است ، نظر بر چنین احوال این تکلیف مشارالیه رد شد و بعد از مذاکره زیاد ، مشارالیه اساس معامله را بطرح دیگر ریخته ، اظهار داشت که هرگاه همان اطمینان از طرف حضرت اشرف ارفع بواسطه وزارت امور خارجه روس بمن برسد در همان ساعت یکصد هزار لیره از مدت ششماه الی یکسال برای دولت علیه اعتبار باز میکنم ، باین معنی که

حواله‌جات جهانگیر خان را بصاحبان سه چهار نفر کارخانجات قبول خواهم کرد که در سر موعد وجه طلب آنها را کارسازی نمایم اما بشرط اینکه حواله‌جات که بلیره انگلیس باید باشد اقلایانزده روز پیش از انقضای مدت در پتربورغ بایصال وزارت خارجه روس بمن برسد و بجهت صرف چنین اعتبار در صد شش کمیسیون می‌خواهم. چنانچه معلوم خاطر حضرت اشرف ارفع بندگانعالی میشود عمده ترین شرایط شخص مزبور در هر دو معامله این است که حضرت اشرف امجد برای تحصیل اطمینان مشارالیه از وزارت خارجه روس برای این تنخواه قلیل، منت بکشند. چون باعتقاد فدویان تکلیف مشارالیه منافی شأن دولت بنظر آمد لهذا بدون اینکه قطع معامله بشود، قرار شد که جهانگیر خان مراتب را با تلگراف بعرض برساند و امروز هشت روز است که تلگراف فرستاده شده و منتظر جوابیم که از قرار اوامر اولیای دولت علیه عمل شود. خلاصه شرح احوالات این مقدمه همان است که دراین عریضه عرض شد البته خود جهانگیر خان هم مراتب را مکتوباً بعرض خواهد رسانید.



سه شنبه گذشته که ششم ماه فوریه مطابق ۲۲ شهر حال است در عمارت الیزه مجلس مهمانی بال بوده جمع کثیری از اکابر و امرا و وزیرها و مأمورین خارجه و سرداران پری و امراء البحری و صاحب منصبان از خارجه و از داخله و از اهل نظام و ارباب قلم در آن مهمانی موعود بودند. از عمدة الامراء العظام جهانگیرخان و نریمان خان نیز نظر باظهار فدوی وعده گرفته بودند و باتفاق رفتیم، هر دو را خدمت جناب مارشال و مادام دو مکماهون معرفی نمودم. جناب معزی اله، چنانچه رسم متداوله خودشان است با فدوی و حضرات زیاده از حد اظهار تلاف و مهربانی نمودند و

در بین صحبت اولاً جویای صحت ذات مبارک همایونی شده و بعد پرسیدند که شنیده‌ام اعلیحضرت اقدس شهریارای خیال دارند به اگسپوزیسیون پاریس تشریف بیاورند . جهانگیرخان گفت در این باب مأموریت دارم و جناب وزیر مختار تبلیغ خواهد کرد . فدوی در جواب گفت بلی رأی جهان آراء براین علاقه گرفته بوده که در پائیز گذشته باین صفحات تشریف فرما بشوند و بجهت وقوع این همه حوادث مسافرت را بتأخیر انداختند ، اما بوصف این احوال رأی مبارک از این مسافرت منصرف نشده و خیلی مایل اند که بار دیگر بفرنگستان تشریف بیاورند و هرگاه چنانچه امیدوارم از جانب دولت بمیه فرانسه باگسپوزیسیون دعوت بشوند خیال همایونی باین مسافرت زیاده تر قوت خواهد گرفت . در جواب گفتند ، البته معلوم است و ما خیلی خوشحال خواهیم شد که اعلیحضرت شاهنشاهی به اگسپوزیسیون تشریف بیاورند . گفتم در این صورت این هم يك نوع دعوتی است که میکنید ، هرگاه مأذونم فرمائید تقریرجناب شما را بعینه بخاکپای مبارک خواهم رسانید . گفتند بلی البته چنین است ، ما خیلی مسرور میشویم از تشریف آوردن سرکار اعلیحضرت اقدس همایون . بعدازامتنه ایران خیلی تعریف و تحسین کردند . فدوی نیز امتنعاً خوب ایران را یکی یکی تعداد نموده ، گفتم حالا که ریاست این اگسپوزیسیون با حضرت اشرف سپه سالار اعظم است اسباب آن بطوری فراهم خواهد آمد که بمهیچوجه باگسپوزیسیون های سابق مداخلت نخواهد داشت . در جواب گفتند راست است من صدر - اعظم را در اینجا خوب شناختم صحبت ها باهم کرده ایم شخص بزرگی و خیلی با درایت و با کفایت است ، بلی بسیار خوب است و انشاءالله اگسپوزیسیون خوب خواهد شد . بعد باما خدا حافظی کرده بادیگران مشغول صحبت شدند . بعدازآن جهانگیر خان و

نریمان خان را بجنابان وزیر امور خارجه و وزیر داخله و وزیر جنگ معرفی کردم و آنها نیز با حضرات خیلی اظهار مهربانی نمودند. در باب جا و مکان اگسپوزیسیون از کمیسر جنرال سؤال کرده بودم که چه قدر جا برای ما منظور کرده‌اید، جواب فرستاده بود که جاهای متعدد برای شما حاضر و مهیا داریم. اما از قراریکه معلوم میشود جاها از هم جدا هستند باین معنی که مانند اینکه برای سایر دول قرار گذاشته‌اند برای ما چهار پنج مکان خواهند داد که در هر یکی از آنها متاعی که باهم جور است گذاشته شود. نقشه جاها را خواسته‌ام در این چند روز خواهد رسید انشاءالله همینکه رسید میفرستم خلاصه اینها همه سهل است و تغییر پذیر هم خواهد شد اما باید بفکر فراهم آوردن اسباب و مخارج اگسپوزیسیون افتاد که مثل اگسپوزیسیون های سابق کار ما بتأخیر نیفتد، زیرا که از امروز الی چهارده ماه دیگر اگسپوزیسیون باز خواهد شد.



از روز برهم خوردن کنفرانس اسلامبول الی‌الیوم که ۲۵ شهر حال است بجز عزل مدهت پاشا و سرکولرپرنس کارجاکوف که در جزو روزنامه های این هفته منتشر شده است ولفاً انفاذ حضور میشود چیزی دیگر که قابل باشد وقوع نیافته که بعرض برسانم پس در این صورت این دفعه فقط بفرستادن روزنامه ها اکتفا نموده زیاده براین جسارت نمی‌ورزد.

۲۵ محرم ۱۲۹۴

عریضجات مورخه ۹ شهر صفر المظفر ۱۲۹۴ نمره ۱۰۶ مشتمل بر دو طغرا

خداوندگار ا صحبتی که در روز بال در باب دعوت اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه به اگسپوزیسیون با جناب

مارشال مکماهون شده بود کما هو حقّه مصحوب چاپار گذشته بعرض رسانیده ام بعد از آن بنا با ظهار عمدة الامراء العظام جهانگیر- خان رفته جناب مسیو دکاز را نیز ملاقات نموده و در باب دعوت و محسنات این سفر دویم بقدر نیم ساعت بامعزی اله گفتگو نموده و همه اهتمامات و مساعی خود را بکار بردم و بطوری حالت را باو بیان کردم و محسنات این سفر دویم و نتایجی را که از چنین سفر برای دولّین علیتین ایران و فرانسه حاصل خواهد شد یکان یکان خاطر نشان ایشان کردم . در جواب گفت ما خیلی شرف خواهیم داشت از تشریف آوردن اعلیحضرت شاهنشاهی باینجا و با کمال میل دعوت میفرستادیم ولی چون برای این اگسپوزسیون از هیچ يك از سلاطین روی زمین دعوت گرفته نخواهد شد ، بنا بر- این احوال ، فرستادن دعوت بایران مشگل خواهد شد . گفتم چون مقصود این است که دعوت دولت فرانسه ، برای این مسافرت دویم يك دست آویز خوبی خواهد شد ، لهذا یقین بدانید که بجز آن اشخاصیکه باید از این دعوت استحضار بهم برسانند دول خارجه چندان مستحضر نخواهند شد . گفت چنین چیز بزرگی را نمی توان پنهان داشت . گفتم سایر سلاطین ، اروپا را خوب دیده اید و از همه چیزهای اینجا مستحضراند اما پادشاه ما يك دفعه اروپا را دیده اند و در آن وقت بجهت تشریفات رسمی فرصت نشد که از وضع علوم و صنایع اینجا بهره ببرند و بهمین جهت مایل اند که دفعه دیگر بفرنگستان تشریف بیاورند و هر چه باعث ترقی اروپا شده مثل پطرکبیر برأی العین مشاهده فرمایند و حالا برای اجرای چنین نیت پاك باید يك دست آویز در دست باشد و بهمین جهت است که شما را بفرستادن دعوت ، تکلیف میکنم . هرگاه بدانید که این سفر دویم چه قدر بانتیجه خواهد بود بدون تردید بفرستادن دعوت اقدام خواهید کرد . گفت حالا بیش از آنچه

گفتم نمی‌توانم بشما جواب دیگر بگویم حالا که اینهمه محسنات را برای این سفر بیان کردید بگذارید در آن باب قدری تفکر نمایم و بعد جواب صریحی بشما خواهم گفت .

بعدگفت ازقراریکه می‌شنوم دولت ایران در تدارك و تهیه جنگ است اما من بشما دوستانه میگویم که صلاح دولت شما این است که آرام بنشینند . گفتم دولت علیه خیال جنگ ندارد و هر کسیکه این خبر را بشما اطلاع داده است ازوضع پولتیک ما بی‌استحضار است . گفت از ایران مسیومنیه چیزی در آن باب ننوشته بود اما در اینجاها این اخبار شهرت کرده است ، گفتم شما یقین داشته باشید که آنچه در آن باب در روزنامه‌ها می‌نویسند ، همه دروغ است و هرگاه مذکور میشود که دولت علیه يك چند فوجی بسرحد خوی فرستاده است ، اگر چه رسماً بمن خبرنرسیده است ولی این تازگی ندارد و همه وقت دولت ما در آن سرحد برای رفع شرعشایر و ایلات در آنجا يك چند فوج ساخلو دارند و چون حالا بواسطه این انقلابات ، ایلات مزبور طغیان کرده‌اند دور نیست که دولت علیه عدد افواج را زیاد کرده باشد ، اما یقین بدانید که دولت علیه بجز نظم و محافظت سرحد ، مقصود دیگر ندارد . گفت اگر این طور باشد عیب ندارد . گفتم بلی چنین است و دولت علیه خیال دیگر ندارد .

در جزو عریضجاتیکه با چاپار گذشته انفاذ شد عرض کرده بودم که نقشه جا و مکانی را که در اگسپوزیسیون سال آینده برای امتعه دولت علیه منظور شده است از کمیسر جنرال دولت بهیه فرانسه خواسته‌ام . چند روز بعد از عزیمت چاپار نقشه مذکور از جانب

کمیسر جنرال مزبور رسید از قراریکه مذکور شده است دولت فرانسه در تغییر و تبدیل جائیکه برای ما معین کرده اند مضایقه نخواهند داشت . حالا نقشه را لفأ میفرستم ملاحظه فرمایند و بهر قسمی که رأی اولیای دولت علیه علاقه بگیرد و دستورالعمل مرحمت فرمایند که از آن قرار رفتار شود .

مورخه ۹ شهر صفر المظفر ۱۲۹۴

نخواهد کرد . خلاصه این مسئله مشرق بطوری بهم پیچیده است که هیچ کس از نتیجه عمل درست مستحضر نشده و نیست . می توان گفت که خود دولت روس هم نمی داند عاقبت کارها بکجا خواهد کشید . ولی از بدو حال الی الیوم ، اعتقاد فدوی براین بوده و هست که این مسئله قطع و فصل نخواهد شد مگر بتوپ و تفنگ و جای هزار افسوس است از اینکه دولت علیه از تدارك قشون و خاصه از تهیه اسلحه غفلت دارد .

امروز چهار روز است که جناب ناظم الملك بعزم گردش بیاریس تشریف آورده اند . فردا یا پس فردا بلندن مراجعت خواهند کرد . تعلیق مورخه ۱۳ شهر صفر هم که بافتخار فدوی صادر شده بود شرف وصول ارزانی داشت . پاکتی که بعنوان عمده الامراء العظام جهانگیرخان لفأ فرستاده بودند ، آنرا هم بایشان رسانیدم . زیاده از این مطلبی نبود که بعرض آن جسارت ورزد .

عریضجات مورخه ۶ شهر ربیع الثانی ۱۲۹۴

نمره ۱۱۰ مشتمل بر چهار طغرا

خداوندگارا در باب پیدا کردن حکیم ، سعی و اهتمام بعمل آمد و بعد از جستجوی زیاد بالاخره یکی را دکترینیلار پیدا کرده و از قراریکه مذکور میشود حکیم خیلی عالم و باهنر است و بوجه احسن از عهده تعلیم طبابت برمی آید . خلاصه بهم جهت بکار مدرسه دارالفنون و بخدمت دولت علیه می خورد و بهتر از این مقدور نبود پیدا کرد . در باب مواجب ، ادعای او بزرگ بود اما بعد از گفتگوی زیاد آخر الامر او را بیکمزار تومان راضی کردیم و قرار شد سیصد تومان هم از بابت مخارج سفر برای آمدن به ایران باو داده شود . در باب سایر شرایط استخدام ، قرارنامه مضبوطی باو خواهم بست که بعد از ورود بایران حرفی باقی نماند . حالا چیزی که اسباب معطلی شد ، وجوهات است . باید سیصد تومان مخارج راه

و سیصد تومان هم از بابت مقرری برسم مساعدۀ باو داده و در اینجا پول پیدا نمی‌شود که باو بدهم. پس در اینصورت استدعا دارم بهر قسم است این ششصد تومان را قدغن فرمایند زود برسانند تا اینکه موقع ازدست نرفته است، او را راه بیاندازم والا هرگاه او از دست برود، دیگر مشکل است دیگری را باین صفات و باین شرایط پیدا کرد.

در این روزها از جانب دولت فرانسه دوفنر صاحب‌منصب تعیین شده است که بایران بروند. اسم یکی از آن دو نفر، دوماریل است. منصب آتشگری را داشت، اما حالا منصب نیابت سیم را باو داده‌اند و هرگاه مسیو دبلوا بعد از مراجعت جناب مسیو منیه در آنجا نباشد، مسیو دوماریل موقتاً شارژ دافر خواهد شد. در چنین حالت او را نایب دویم خواهند کرد. اسم دویمی، مسیو لکنت دوسرسه است. پسر همان کنت دوسرسه است که در عهد سلطنت محمدشاه مبرور از جانب لوئی فیلیپ پادشاه فرانسه بسمت ایلچی‌گری بایران آمده بود. خود کنت دوسرسه آدم خیلی خوبی است. از قراریکه معلوم میشود پسرش هم جوان بسیار معقول و آراسته است و اخلاق خوب دارد و به بعضی هم سرهای خود نسبت ندارد. در ایام مأموریت به کنت دوسرسه بموجب فرمان همایونی، لقب خانی مرحمت شده بود. حالا پسر او خیلی مایل است که او را خانش خوانند و از فدوی میپرسید که لقب خانی ارثی است یا خیر؟ گفتم البته لقب خانی ارثی است و شما را می‌توان سرسه‌خان خواند. اگر چه خودش کنت است ولی خیلی مایل است که سرسه‌خانش بخوانند. این جوان از خانواده بزرگی است امیدوارم که نهایت التفات و مرحمت را در حق او مبذول خواهند فرمود تا معلوم او بشود کسیکه ایران را دوست میدارد ایرانیان نیز نسبت به چنین شخص نهایت محبت را ظاهر داشته و میدارند. در این چند روز آن اشخاصیکه با مسیو منیه مدعی‌اند چنین شهرت داده بودند که جناب مسیو منیه بعد از دوسه ماه دیگر مراجعت خواهد کرد و از قراریکه مذکور میشد گویا مسیو

درنگ که در سفارت وینه نایب اول بود و حالا برتبه وزیر مختاری رسیده است بجای مسیو منیه مأمور ایران خواهد بود. اما بعد از تحقیق معلوم شد که این خبرها اصل ندارد و مسیو منیه باین زودی مراجعت نخواهد کرد.

از یکسال ونیم متجاوز که برای پرنس ژاودرویچ پیشخدمت دربار امپراطور روس و مسیو پل منکاجی نایب ایشیک آقاسی باشی حضرت پاپ، بموجب تعلیقه‌جات وعده نشان داده شده است و از همان وقت فدوی نیز بآن دونفر رسماً و تحریراً خبر داده است که نشان شما مرحمت شده است و فرمان آن بزودی میرسد و همینکه رسید بدون تأخیر بشما میرسانم. حالا حضرات فرمان خود را مطالبه میکنند و نمی‌دانم چه جواب به آنها بگویم. استد عا دارم فرمان آن دونفر را با فرمان مسیو لویز نایب اول سفارت هوندوراس التفات کرده، زود مرحمت فرمایند که بیش از این در پیش حضرات خجل و شرمنده نمانم. در باب پرنس اورلوف و نایب اول سفارت روس، چنانچه با چاپار گذشته معروض داشتم ام مرحمت فرمایند خیلی مناسب و بجا خواهد بود و معلوم است فدوی را در پیش پرنس اورلوف و نایب او وعده خلاف و بی اعتبار بقلم نخواهند داد. سیاهه اسامی این پنج نفر در صفحه علیحده نوشته شده است که از نظر محو نشود.

چنانکه در جزو عرایضیکه با چاپار گذشته معروض شد، دولت عثمانیه پروتکل را رد کرده و چند روز بعد از آن يك جواب سختی بدول خامسه نوشته و معایب پروتکل مزبور را و خلاف حرکت آنها را که بی مداخله او اقدام باین کار لغو کرده اند، یکان یکان تعداد نموده و حقوق خود را و همچنین استقلال دولت و ملت را بقسمی بیان مینماید که خلاف حرکت دول مزبور را ثابت میکند. خلاصه کاغذ از آن سخت تر نمی‌شود که او نوشته است. سواد آن کاغذ در مرموریال

دیپلماتیک که لفاً انفاذ میشود نوشته شده است. بعد از ملاحظه معلوم خاطر حضرت اشرف بندگانعالی خواهد بود که هرچه از جسارت عثمانیها عرض میکنم اغراق نیست. در حقیقت جای تعجب است و نمی توان فهمید که عثمانیها این جسارت را از کجا تحصیل کرده اند که باین سختی کاغذ می نویسند و اظهار رشادت مینمایند. باری هرچه هست، دولت عثمانی در اجرای حقوق خود سخت ایستاده است و خود را آماده جنگ نموده و عنقریب بادولت روس زد و خورد خواهد داشت و حتی شهرت میدهند که او بر سر روسها حمله خواهد آورد. بنابراین حالت اسباب مصالحه بالکلیه از میان برداشته شده است و در این روزها بجز حرف محاربه خبردیگر مسموع نیست و از قراریکه مذکور است دوسه روز دیگر جنگ روس با عثمانیها شروع خواهد شد و چنانچه شهرت دارد گویا دولت انگلیس از عثمانیها حمایت نماید و سایر دول بی طرف خواهند ماند اما اینها حرف است تا جنگ شروع نشود حالت دولتها معلوم نخواهد شد. آنچه شهرت دارد همین است که عرض شد. هرچه بعد از این بروز کند بلا تأخیر بعرض خواهم رسانید. بعض اخبار دیگر که دایر باین مسئله است از روزنامه ها منتخب نموده و برای مزید اطلاع لفاً انفاذ میشود ..

عریضجات مورخه ۲۰ شهر ربیع الثانی ۱۲۹۴

نمره ۱۱۱ مشتمل بر پنج طغرا

خداوندگارا در عرایض سابق عرض کرده بودم که دولت عثمانیه پروتکل را رد کرده بود. بعد از آن مقدمه و پس از آنکه دولت روس این حالت های غرور آمیز دولت عثمانیه را مشاهده نمود بیش از این نتوانست متحمل خفت بشود و بنابراین احوال، امپراطور روس در ۲۴ ماه آوریل ۱۸۷۷ بهمه دول اروپا مانیفست فرستاده. بدولت عثمانیه اعلام جنگ نمود. صورت مانیفست امپراطور روس و سواد لایحه پرنس کارجاکوف که در این باب نوشته شده است در روزنامه اروپ دیپلماتیک که لفاً انفاذ میشود، مندرج است. در همان

روز اعلام جنگ، به عساکر روس امر رسیده بود که از جانب افلاق بغداد و همچنین از طرف قارص و پوتی داخل خاک روم بشوند و از آن روز الی الیوم، لشکر زیاد داخل سرحد عثمانی شده و در تدارک گذشتن رودطونه بوده و هستند و از قراریکه مسموع میشود در طرف باتوم و قارص، پیش قراولهای طرفین باهم زد و خورد کرده‌اند، اما هنوز جنگ بزرگ فیما بین فرقین واقع نشده است. هرگاه در این دو سه روز چیزی واقع بشود در آخر این عریضه بعرض خواهم رسانید. يك روز بعد از اعلام جنگ، صفت پاشا لایحه نوشته و بواسطه سفرای دولت متبوعه خود نزد دول خامسه فرستاد و طالب وساطت آنها شده بود. ولی کار از کار گذشته بود و دول خامسه تا بحال بایراد جواب لایحه مزبور اعتنائی نکرده و نخواهند کرد. صورت لایحه مزبور هم در جزو روزنامه اروپ دیپلماتیک انفاذ حضور میشود، بعد از این مقدمات از قراریکه تحقیقات بعمل آمد، معلوم میشود که دولت روس در این مقدمه خیلی با احتیاط حرکت کرده و میکند و چنانکه آدمهای خیلی معتبر محرمانه مذکور میدارند، شکی و شبهه‌ای نیست، که امپراطور روس هنگام توقف در شهر برلن با امپراطور آلمان و اطیش هونگری معاهده محض باهم بسته و با هم عهد و میثاق کرده‌اند که با هم در این مسئله مشرق متفق‌الرأی بشوند. هرگاه وقوع چنین معاهده حقیقت داشته باشد، دولت انگلیس هم که حالا خود را به بهانه حمایت دولت عثمانیه حاضر میکند، بجز جذب و کسب منفعت خود، بکار دیگر دست نخواهند زد. از حالا در میان مردم پولتیک‌دان شهرت دارد که بمحض این که بنای تقسیم روم ایلی بمیان بیاید، دولت انگلیس دارد آن را از یک طرف و نهر شویش و حتی خود مصر را از طرف دیگر متصرف خواهد شد. خلاصه دولت انگلیس و سایر دول اروپا همه تدارک خود را دیده و حالا هم بجد و جهد تمام بتکمیل تهیات اسباب و اسلحه جنگ بوده و هستند. دولت آلمان از مدت ده و دوازده روز، چند فوج بتواتر و پشت سر هم بسمت استراسبورگ و مز فرستاده و میفرستد. دولت

انگلیس بقدر سی هزار نفر حاضر و آماده کرده است که در وقت ضرورت بسمت داردانل بفرستد. دولت یونان نیز تا چهل هزار نفر بسر حد عثمانی فرستاد و منتظر فتوحات عساکر روس است و همین که خبر شکست لشکر عثمانی بگوش او رسید او هم برسر عثمانیها خواهد تاخت. اهالی بولکاری و تسالی و سلونیک و مردم جزیره قرت و غیره همه برضد و بر علیه بیچاره دولت عثمانیه خواهند برخاست. هرگاه این طور باشد وای بحال دولت عثمانی. باوصف این حالت، نمی دانم حالت دولت علیه چه خواهد بود. مردم اینجا همه متفق اند بر اینکه هرگاه ممکن باشد دولت علیه ایران با حالت حالیه، در حالت بی طرفی بماند صلاح اوست. اعتقاد فدوی نیز این است، در صورتیکه دولت علیه در مقابل دشمن اسباب و اسلحه مثل او نداشته باشد البته صلاح دولت نیست بادولت عثمانی بجنگد. اینها حدس است و معلوم است که اولیای دولت علیه صلاح دولت و مملکت را از فدوی و از کسان خارجه بهتر میدانند و در چنین مواقع بطوری عمل خواهند نمود که بهیچوجه منالوجوه ضرری بایران نرسد.

چنانکه بعرض رسیده است بعد از برهم خوردن کنفرانس اسلامبول، سفرای دول فرنگستان حسب الامر دولت متبوعه خود، هریک بوطن خود مراجعت نموده و از آنوقت بجز دولت انگلیس که مسیولایار را دو هفته قبل بر این بسمت سفیر کبیری بجای سرآلبو باسلامبول فرستاده است، سایر دول هنوز بهمان شارژدافرها اکتفا نموده و علی الحساب هیچ خیال ندارند سفرای خود را به اسلامبول مراجعت دهند.

در سابق شهرت داده بودند، که عالی پاشا که پیش از صادق پاشا در پاریس سفیر کبیر بوده، دوباره بهمان سمت بپاریس خواهد آمد. اما آمدن او موقوف شد و حالا خلیل شریف پاشا بجای صادق پاشا

مأمور پاریس شده است. در چهاردهم ماه آوریل وارد پاریس و بحضور جناب مارشال مکماهون مشرف شده و در بیست و پنجم و بیست و ششم همان ماه چنانچه رسم متداوله این مملکت است از سفرای خارجه و از وزرای داخله پذیرائی نمود. در روز پذیرائی فدوی نیز باتفاق مقرب الحضرت الخاقانیه میرزا احمد خان بسفارت عثمانیه رفته، مراسم تهنیت را بعمل آورد. در حین ملاقات از سلامت وصحت مزاج حضرت اشرف ارفع بندگانعالی جويا شده و مخصوصاً خواهش کرد که مراتب ارادت او را بعرض برسانم. حالت جناب معزئالیه نسبت بحالت‌های سابق خیلی تغییر کرده است. اولاً پیر شده است و ثانیاً يك لکنتی در زبان او پیدا شده است و لکنت زبان او بدرجۀ رسیده است که خیلی باشکال ادای مطلب میکند. علی الحساب حالت او و حالت صاحب منصبهای او، هیچ تغییر نکرده است تا ببینیم کی دماغ آنها مالیده خواهد شد و از این غروری که دارند دست خواهند کشید.

* * *

تعلیقه جات مرحمت‌آمیز مورخه ۱۱ شهر ربیع الاول که در جواب عریضجات مورخه ۲۵ شهر محرم الحرام فدوی شرف صدور یافته بود، در همین هفته عز وصول ارزانی داشت. از مضامین آنها اطلاع کامل حاصل شد و چنانکه ضمناً مقرر شده بود انشاءالله در موقع خاص از جانب سنی الجوانب اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه اظهار ممنونیت نسبت بجناب مارشال مکماهون در مقابل آن طور اظهارات دولتی که در باب دعوت اگسپوزیسیون نموده بودند، خواهد شد. در باب تشریف فرمائی موکب ملوکانه نیز بهمان قرار است که دستور العمل داده شده است، رفتار خواهد شد. از عزیمت استاد حسینعلی معمار و مأموریت مقرب الخاقان میرزا جوادخان سرتیپ مرحمت کرده، اطلاع داده بودند، این خبر باعث تشکر شد و در همان روز وصول تعلیقات، این فقره را با اطلاع کمیسر اگسپوزیسیون رسانیدم. مشارالیه نیز زیاد از حد مسرور و مشغوف شد. انشاءالله چنانکه مقصود است، این سفر اگسپوزیسیون ایران،

از فضل خدا و از همت بلند حضرت اشرف ارفع، خیلی با شأن و شکوه خواهد شد. در خصوص مقرب الحضرت الخاقانیه میرزا احمد خان که در جواب عریضه فدوی بآنطورها اظهار مرحمت و توجه مخصوص فرموده بودند، نهایت تشکر و امتنان حاصل شد. اما در باب تعیین امتیازی که مبذول خواهند فرمود، فدوی بهیچ قسم نمی تواند جسارت نماید، زیرا که تعیین مرحمت بسته بهمت بلند حضرت اشرف ارفع بندگانعالی است و معلوم است به بذل هر مرحمتی که سرافرازش فرمایند مایه کمال افتخار خواهد شد و حالا بعد از چند سال انتظار هر قدر بذل مرحمت بالاتر باشد و زود برسد بهمان درجه بر قدر و مقدار آن خواهد افزود.

جهانگیر خان باتفاق نریمان خان از پانزده روز متجاوز است که بلندن رفته اند و از قراریکه معلوم میشود می بایستی تا بحال مراجعت کرده باشند، اما هنوز نیامده اند و بهمین جهت تعلیقه مورخه ۱۱ ربیع الاول که بسرافرازی ایشان شرف صدور یافته بود در سفارت مانده است. انشاء الله همین که مراجعت کردند پاکت مزبور تبلیغ خواهد شد.

خداوندگارا، سلیمان خان پسر مقرب الخاقان عبدالحسن خان سرتیپ، امروز يك هفته است که به همراهی عالیجاه میرزا مهدی وارد پاریس شده و تعلیقه را که در ۲۹ ذی حجه الحرام در سفارش او مرقوم فرموده و مصحوب او فرستاده بودند، رسانید. در باب تعلیم و تحصیل او تاکید زیاد فرموده بودند. معلوم است گذشته از اینکه کمال اخلاص و ارادت را در خدمت خود عبدالحسن خان دارم، تکلیف چاکری هم این است که اطاعت امر حضرت اشرف را نمایم. یقین است که بعد از این همه تأکیدات بندگانعالی و آن همه بندگی که در خدمت خود سرتیپ دارم در تربیت اولاد ایشان همان سعی و همان اهتمام را بعمل خواهیم آورد که درباره فرزندان

خود عمل می‌آورم . انشاءالله اسباب تربیت او را بطوری فراهم خواهم آورد که بهیچوجه قصوری نداشته باشد . حضرت اشرف ارفع از این بابت آسوده باشند و مقرب الخاقان عبدالحسن خان را نیز مطمئن فرمایند . سلیمان‌خان را در مدت يك هفته در سفارت نگه داشته و از دیروز او را بمدرسه هورتوس فرستادم . انشاءالله همین که از تقریر و تحریر زبان فرانسه کم و بیش سر رشته بهم رسانید ، آنوقت او را از آن مدرسه در آورده و در یکی از لیسه‌ها که بهترین مدرسه های فرانسه محسوب میشوند جابجا خواهم نمود که در تحصیل خود تکمیل بشود . البته مراتب تحصیل و چگونگی احوالات او را همه وقت بعرض خواهم رسانید که بمهمه جهت آسوده خاطر باشند .

مورخه ۲۰ شهر ربیع الثانی ۱۲۹۴

عریضجات مورخه ۴ شهر جمادی الاولی ۱۲۹۴

نمره ۱۱۲ مشتمل بر دو طغرا

خداوندگارا عالیجاه استاد حسینعلی معمار ده روز است که با همراهان خود وارد پاریس شده اما عجب قضیه در راه آهن برای او روی داده است . درحین حرکت کالسکه‌های راه آهن ، استاد حسینعلی خود را تکیه داده بود بدر کالسکه ، از قراریکه معلوم میشود در کالسکه که خوب بسته نشده بود باز و استاد حسینعلی از آنجا پرت میشود و میخورد بزمین و از آنجا می‌گلتد توی يك رودخانه خیلی عمیق و با هزار زحمت خود را از آنجا کنار میکشد ، اما دريك حالتی که مسلمان نشود کافر نبیند و این قضیه درخاک نمسه درشب واقع شده بود . بیچاره استاد حسینعلی در آن حالیکه از سرتاپا خیسیده بود يك چند قدم پی کالسکه راه آهن می‌دود که گاهست خود را برفقای خود برساند ، اما از کجا می‌توانست براه آهن برسد آنهم به آن حالت . خلاصه بعد از یأس ، چون دیده بود منزلگاهی که از آنجا راه افتاده

بود از منزل جدید نزدیک تراست لهذا آهسته آهسته بهمان منزل مراجعت میکند و در آن بین عملجات راه آهن اورا دیده و با کالسکه هائی که بادست حرکت میدهند، اورا بمنزل سابق میرسانند و همراهان اونیز بعد از رسیدن بمنزلگاه جدید از آنجا برمیگردند و خود را با استاد حسینعلی میرسانند و باتفاق هم سوار راه آهن شده رو پاریس می آیند. در این مقدمه با استاد حسینعلی صدمه بزرگی رسیده است. گذشته از اینکه از کالسکه افتاده بود، بقدر سه چهار ساعت به آن لباسهای تر در هوای سرد شب که باد خیلی خنک هم میوزید بی کس و بی امداد، تنها درس راه آهن سرگردان مانده بود. باری بفضل خدائی بوده است که تلف نشده است، اما از آن صدمه حالا هم ناخوش و بستری است و در وقت ورود می ترسیدیم حالت او معالجه پذیر نباشد، اما حالا از فضل خدا و از مواظبت عالیجاه مسیوبیلار حکیم سفارت که پیوسته اورا می بیند حالا حالش بهتر و عنقریب تب و سایر علتها که بواسطه همین صدمه باو عارض شده است رفع خواهد شد و انشاءالله تا دوسه روز دیگر بالکلیه چاق خواهد شد و مقرب الحضرت الخاقانیه میرزا احمدخان نایب اول این سفارت نیز کمال مراقبت را در زود معالجه شدن او و در فراهم آوردن همه ملزومات این کار با فدوی هم دست است. انشاءالله بمحض این که استاد حسینعلی صحت مزاج بهم رسانید بساختن عمارت اگسپوزیسیون شروع خواهد کرد و چنانکه بموجب تعلیقۀ که بعهده فدوی شرف صدور یافته و مصحوب مشارالیه رسیده و چنانچه سزاوار است اسباب تسهیل انجام کار او را فراهم نموده، استحضارات کافیۀ باو داده، هرنحو چیزی که از برای او لازم باشد سریعاً حاضر نموده، نوعی خواهم کرد که انشاءالله تعالی بهیچوجه من الوجوه معطلی حاصل نشود و جای باشکوه و خوبی ساخته شود و این کار بدرستی و در کمال پاکیزگی سرانجام بگیرد. اما عمده شرایط پیشرفت این کار پول است و امیدوارم وجوهات لازمه را که برای این کار معین شده است باقرب وسایل مرحمت کرده، خواهند

رسانید تا اینکه باین واسطه معطلی حاصل نشود. علی الحساب تا ورود مقرب الخاقان میرزا جوادخان سرتیپ، که مأمور مخصوص است، مسیومنیه جنرال قونسول دولت علیه را که مهندس مشهوری است و بهمه جهت وجود او دراین کار لازم خواهد شد، بسمت معاونی مقرب الخاقان مشارالیه معین و مشخص نموده و ازحالا باو مأموریت داده که او نیز در فراهم نمودن اسباب لازمه مراقبت و مواظب باشد. امیدوارم که مأموریت او را بمعاونت میرزا جوادخان تصدیق خواهند فرمود. انشاءالله بعد از این چگونگی احوالات و هر مطلبی که دایر باین عمل باشد، باهر چاپار کما هو حقّه بعرض خواهم رسانید. بتاریخ سلخ ماه گذشته که میرزا مهدی آدم مقرب الخاقان عبدالحسین خان سرتیپ، روانه بوده روزنامه جات مموریال دیپلماتیک و کتاب تصنیفی پرنس ژاودرویچ را مصحوب مومی الیه انفاذ داشته و یک مختصر عریضه بخط خودم درباب فرستادن روزنامه جات و کتاب مزبور عرض کرده ام و انشاءالله بی عیب خواهد رسید و از مراتب مطالب اطلاع بهم خواهند رسانید.

در باب حوادث جنگ همینقدر عرض میشود که از ۲۴ ماه آوریل که اعلام جنگ شده است تا بحال بجز تلاقی پیش قراولهای طرفین که در روم ایلی و در طرف قارص جسته جسته زدو خورد باهم کرده اند و اهمیت بهم نرسانیده است، واقعه بزرگی رون داده است، اما عساکر روس در حرکت و درکنار رود طونه لشکر زیاد جمع کرده اند و عنقریب از رودخانه مزبور میگذرند و معرکه بزرگی برپا خواهد شد. حالا رومانی هم بادولت روس متفق شده و بدولت عثمانی اعلام جنگ کرده است و از قلعات طرفین علی الاتصال بهم توپ میزنند، ولی چون قلعه های طرفین از هم دوراند، چندان ضرری بیکدیگر نمی رسانند. در همین چند روز یک کشتی خیلی بزرگ دولت عثمانی، دوسه دودکش داشت و در رود طونه و در مقابل قلعه رنی لنگر انداخته و آن قلعه را بگلوله توپ بسته بود و روسها هم از

قلعه رنی بکشتی مزبور توپ می انداختند و درحین تیراندازی ، يك گلوله از توپهای روس به ديگ بخاری کشتی مزبور داخل شده و ديگ و اجاق ديگ را میترکانند و انبار قورخانه آتش میخورد و کشتی مزبور به هوا می پرد و غرق میشود و این خبر حقیقت دارد . اما آنچه عثمانی ها در مقابل این خبر شهرت میدهند که در باتوم يك جنگ بزرگی واقع شده و روسها راشکست داده و چهار هزار نفر از روسها کشته اند حقیقت ندارد. از قراریکه مذکور میشود، دولت صربی میخواهد دوباره بادولت عثمانی بجنگد و هرگاه این کار را بکند دولت اتریش هونگری لشکر خود را داخل آنجا و هرسگ و بوسنی خواهد کرد . علی الحساب بی طرفی دول اروپا ثابت است و از قراریکه از جانب آنها اعلام رسمی شده است، در این حالت باقی خواهند ماند تا روزی که ملاحظه ضرر بر خود را نکرده اند، اما همینکه دیدند که از جنگ خطری برای آنها حاصل خواهد شد، آنوقت هر يك موافق صلاح مملکت خود رفتار خواهند کرد و گویا هنگامه برپا خواهد شد و کل اروپا باهم خواهند آویخت. در باب جواب لرد دربی به پرنس غارجکوف در پارلمان انگلیس گفتگوهای زیاد شده است. حاصل آنها همین است، مادامیکه بمصر و به نهر شویش کسی دست نزنند ، دولت انگلیس از حالت بی طرفی بیرون نخواهد آمد. اما اگر کشتی های روس بخواهند از بحر الاحمر و از نهر شویش چنانچه خیال دارند ، بگذرند و داخل مدیترانه بشوند، آنوقت دولت انگلیس آنها را از عبور آنجا ممانعت و جنگ را با روس شروع خواهند کرد. علی الحساب چند فروند کشتی جنگی انگلیس در نهر شویش حاضر اند که نگذارند کشتی های روس از آنجا عبور کند. اصل کاغذ لرد دربی راکه در روزنامه ها چاپ شده بود ، مصحوب میرزا مهدی فرستادم و آنچه در پارلمان انگلیس در آن باب گفتگو شده است در جزو عرایض امروز انفاذ میدارم .

۴ شهر جمادی الاولی ۱۲۹۴

عریضجات مورخه ۱۸ شهر جمادی الاولی ۱۲۹۴

نمره ۱۱۳ مشتمل بر دو طغرا

خداوندگارا در این روزها باز روسها يك كشتی دولت عثمانی را که مونتور میگویند در رودخانه طونه غرق نموده‌اند، اما این دفعه بواسطه تورپیل بوده است و نه باگلوله توپ. خبر تسخیر قلعه اردهان که لشکر روس باقهر و غلبه از عثمانیها گرفته‌اند صحیح است و عثمانیها هم سجوم قلعه را از طرف دریا باگلوله توپ بسته و آن قلعه را زیر و زبر نموده و متصرف شده‌اند. از قراریکه شهرت دارد، معلوم میشود که چرکسمهای سواحل قره دنکیز باروسها شوریده و با عثمانیها ملحق و اسباب فتنه واقع شده‌اند. هرگاه اخباریکه از اسلامبول در این باب میرسد صحت داشته باشد کار روسها در طرف قفقاز قدری اختلال بهم خواهد رسانید. و اگر چه خود روسها هم بعضی از این اخبار یاغی شدن چرکسمها را تصدیق مینمایند، ولی می‌نویسند اهمیت ندارد و لشکر فرستاده‌اند و یاغیان را گوشمال داده و میدهند و از قراریکه مذکور میشود طولی نخواهد کشید که عثمانی را مضمحل خواهند کرد. خلاصه بجز این خبرها تازه که قابل باشد در این روزها واقع نشده است که بعرض آن جسارت نماید. اگر چه میدانم این خبرها روز بروز از لندن باتلگراف بعرض میرسد ولی باوصف این احوال، باز از فرایض ماموریت میدانم که آنچه می‌شنوم تحریراً بعرض برسانم. اما اگر چنانچه آنوسعتی که بسفارت لندن داده شده است بسفارت پاریس هم مرحمت میشد، معلوم است فدوی نیز همه روزه چگونگی احوالات و حوادث اتفاقیه را باتلگراف بعرض میرسانید. ولی بدبختانه نه سعادت مفت فرستادن را دارم و نه دوازده هزار تومان واجب سالیانه. پس با وجود این تفاوت مقرری این دو سفارت پاریس و لندن و آنهمه تسهیل عمل آنجا و اینهمه تنگی اینجا، آیا باز فدوی باید مقصر بقلم برود و پیوسته هدف تیر ملامت واقع بشود که چرا اخبار را باتلگراف اطلاع نمیدهد. در حقیقت هرگاه بنا بر این باشد که

هر روز تلگراف بفرستم ، در سالی باید قریب به هزار تومان پول تلگراف بدهم و از کجا بدهم و بچه قسم در اینجا زندگانی نمایم . خلاصه و قتیکه این چیزها را می شنوم خدا شاهد است که مرگ را باین زندگانی هزار مرتبه ترجیح میدهم .

با چاپار گذشته چهار و پنج عدد روزنامه فرستادم که تفصیل تغییر و تبدیل وزارت یعنی منتسر دولت فرانسه در آنها نوشته شده بود و باین چاپار هم از نمره های روزنامه های مزبور که دایر باین مقدمه و قابل ملاحظه است لفاً انفاذ میدارم . از مطالعه آنها اصل مطلب دستگیر و معلوم خاطر ملازمان بندگانعالی خواهد شد که این عمل بچه درجه باعث اغتشاش حواس مردم شده بود . اگرچه حالا کم کم قدری سکوت حاصل شده است ولی در ۱۶ همین ماه که روز افتتاح مجلس وکلای ملت است باز هم قیل و قال زیاد در باب این مسئله خواهد شد و از قراری که مذکور میشود کار این مجلس باطل خواهد کشید و در سه یا چهار ماه دیگر باید بتجدید انتخاب اعضاء مجلس جدید اقدام کرد . در این مجلس مبعوثان طرف جمهوری ، غالب بوده هرگاه بعد از ابطال آن باز هم در مجلس جدید عدد جمهوریان زیاد بشود ، مارشال مکماهون از میان خواهد رفت و احتمال دارد مسیو کامبلا بجای او رئیس ملت بشود ، اما جناب دوک دبریلی و سایر وزرا که تازه بکار آمده اند بجد و جهد اهتمام میکنند که مقصود خودشان را که اوضاع سلطنت است فراهم بیاورند و دور نیست بمقصود خود برسند و هرگاه باین آرزو نرسند ، کار فرانسه اختلال کلی بهم خواهد رسانید تا خدا چه مقدر کرده باشد . عبدالرزاق تاجر که از مدت مدید علیل شده بود ، شش روز قبل بر این وفات کرد و از جانب این سفارت اسباب بطوری فراهم شد که مومی الیه در قبرستان مسلمانان در پرلاشن با کمال عزت و موافق آئین شریعت مطهره اسلام مدفون شد . قرض زیاد گذاشته و چندان مال ندارد که به طلبکارها داده بشود . معلوم است ترکه او در میان طلبکارها غرق

خواهد شد. از قراریکه مذکور میشود دولت یونان عنقریب به عثمانیه اعلام جنگ خواهد نمود. زیاده براین خبری که قابل باشد نبود که بعرض آن جسارت شود.

مورخه ۱۸ شهر جمادی الاولی ۱۲۹۴

عریضجات مورخه ۱۷ شهر جمادی الثانی ۱۲۹۴

نمره ۱۱۴ مشتمل بر سه طعرا

خداوندگارا از روزیکه استاد حسینعلی معمار وارد پاریس شده است الی الیوم جمیع اوقات خود را صرف عمل اگسپوزیسیون نموده، آنی فراغت بهم نرسانیده ام و بعد از تحقیق زیاد و گفتگو های بی اندازه آخر الامر مخارج ساختن پارلیون یعنی عمارت دولتی که در تروکادرو ساخته خواهد شد بجائی رسانیده ام که سقط کاری و سفیدکاری و در و پنجره و پوشش پشت بام و غیره بشصت و پنج هزار فرانك تمام خواهد شد. معلوم است مخارج نقاشی و آینه بندی که بر عهده استادان ایرانی است و همچنین قیمت کاشی ها و شش جفت در و اروسی که از ایران خواهد رسید در جزو شصت و پنج هزار فرانك محسوب نخواهد شد. خرج کل و درخت کاری باغچه عمارت و همچنین قیمت اسباب مبیل یعنی مخلفات عمارت، دخلی بمبلغ مزبور ندارد و علیحده خواهد شد. قرارنامه که در آن باب نوشته شده است اینك لفأ نفاذ میشود و یقین بدانند که از آن مناسب تر ممکن نیست و مقدور هم نخواهد شد و اینهم از اهتمامات مسیو منیه جنرال قونسول دولت علیه شده است که باین قیمت مناسب رسیده والا هیچکس از ده و دوازده هزار تومان بهمین طور و بهمین شرایط نمی خواست ساختن عمارت را بر عهده بگیرد. هرگاه این قرارداد باسلیقه اولیای دولت علیه موافق باشد، امر و مقرر فرمایند که تاموقع از دست نرفته است وجوهات لازمه را برسانند که این عمارت باتمام برسد و استاد حسینعلی و همراهان او بی کار نمانند و اسباب معطله نشوند و الا

هرگاه تنخواه نرسد، این عمارت هرگز با تمام نخواهد رسید. دیگر اختیار با اولیای دولت علیه است. این برآورد شصت و پنجم هزار فرانکی که شده است برای مخارج پارلیون است، اما مخارج جا و مکانی که برای جابجا کردن امتعه و محصولات ایران معین شده است علیحده است و از قراریکه مذکور میدارند گویا مخارج آنهم به پنجاه یا شصت هزار فرانک برسد. در صورتیکه اراده اولیای دولت علیه بساختن و با تمام رسانیدن آنها علاقه بگیرد، لازم است که طریقه وصول و ایصال وجوهات معینه را بطوری قرار بدهند که بزودی برسد و رفع معطلی بشود و این عمارت تا موقع ازدست نرفته است باین ارزانی با تمام برسد والا هرگاه این کار بتأخیر بیفتد و موعد اگسپوزیسیون نزدیکتر بشود، عمارت ما گران تر تمام خواهد شد. خلاصه این کار بنائی است و بدون وجه نقد هرگز ازپیش نخواهد رفت. دیگر اختیار با اولیای دولت است. آمدن مقرب الخاقان میرزا جوادخان هم خیلی بتأخیر افتاده، مأمورین سایر دول مدتی است رسیده و مشغول انجام خدمات محوله می باشند. میرزا جوادخان هم باید بیاید و مشغول عمل خود باشد والا کار باین طور نمیگذرد.

چنانچه در جزو عریضجات مورخه ۱۸ شهر جمادی الاولی معروض شده بود، وکلای ملت یعنی آن جمهوریان تعیین وزارت جدید را که از خودشان نبودند، قبول نکرده و بالاخره حسب الاشاره مارشال مکماهون و بموجب اجرای احکام سنا کار با بطلان مجلس مزبور کشید و حالا قرار شده است که در سه و چهار ماه دیگر وکلای جدید از جانب ملت مشخص شود. اعتقاد اکثر از مردم این است که این دفعه برخلاف سابق وکلای معقول منتخب خواهند شد. اما با وصف این اعتقادات هیچ دور نیست که طرف رادیکالها، یعنی شورشیان، باز هم غالب و اغتشاش کلی برپا بشود. باری اهالی این مملکت خیلی بی پروا اند. هرچه از آنها بگویند، ممکن است و مقدور است که این دفعه نیز مانند ازمنه سابقه که اسباب شورش و فتنه برپا بشود، اما علی الحساب نهایت امنیت حاصل است و ظن غالب این است که اغتشاش بر پا

نشود. روسها از دو سه جای رود طونه گذشته‌اند، یعنی از طرف کالیش و هرسوا و عثمانیها چندان ممانعتی بکار نبرده‌اند. ازقراری که معلوم میشود، هوای این دو مکان بسیار مضراست و بهمین جهت است که عثمانیها لشگرقلیل در آنجاها داشته‌اند. بمحض عبور روسها از رودخانه، عثمانیها خود را پس کشیده‌اند که در جاهائی که محکم کرده‌اند با روسها مقابله نمایند. در هر حال، از ابتدای جنگ الی حال، جنگ مطلوبی فیما بین عساکر طرفین واقع نشده است. حالا دیگر وقت آن رسیده است که باهم بزنند. معلوم است دولت روس از دولت عثمانی قوی‌تر است، اما در این سمت اروپا عثمانیها قلعجات متعدد دارند. باید یکی یکی آنها را گرفت و پیش رفت و گرفتن قلعه، خالی از اشکال نخواهد شد. اما با وصف این احوال دولت روس خیلی استعداد دارد و کار خود را از پیش خواهد برد. در این روزها، باز از سمت اسلامبول شهرت میدهند که در طرف ولی بابا و در باتوم، عثمانیها روسها را شکست داده‌اند و حتی شهر وان را از روسها پس گرفته‌اند. از این شهرتها زیاد منتشر میشود، ولیکن طولی نمی‌کشد که خود عثمانیها آن چنان اخبار را تکذیب خواهند کرد. در قره طاع، عثمانیها خیلی اهتمام دارند که کار آنجا را تمام بکنند و ازقراری که معلوم میشود، فتحی هم کرده‌اند. اما از قشون عثمانی بقدر هشت هزار نفر تلف شده است و هنوز هم از عهده این ولایت کوچک نتوانسته‌اند برآیند. ازقراری که مذکور میشود، دولت اتریش هونگری در تدارك جمع‌آوری قشون است. اعتقاد مردم این است که عنقریب قشون آن دولت داخل خاک هر سگ و بوسنی و صربی خواهد شد و دور نیست این طور بشود، اما اعتقاد فدوی این است که با دولت روس مخالفت نخواهد کرد. حالت سایدول کما فی السابق در همان حالت بی‌طرفی است و مادامیکه دولت روس از تعهداتی که کرده است تجاوز نکند، هیچ يك از دول فرنگستان از این حالت بی‌طرفی تجاوز نخواهند کرد.

* * *

پارسال در باب تعیین يك نفر قونسول در شهر لیون، عریضه

مفصلی معروض داشته و محسنات آنرا تعداد نموده ، اجازه خواسته بودم که فدوی را مآذون فرمایند تا اینکه بموجب نوشته يك نفر قونسول بر پنج نفر دیگر علاوه بشود. یعنی بعوض پنج نفر قونسول که داریم شش نفر قونسول داشته باشیم. در همان وقت این عرض فدوی را تصدیق نموده، مقرر فرموده بودند که عنقریب در این باب اجازه مرحمت خواهند فرمود. چون مدتی میگذرد که ذکر از این فقره نشده است و احتمال می رود که از خاطر محو شده باشد و چون در اینجا مکرر حرف این فقره مذاکره شده و لزومیت تعیین يك نفر قونسول در مثل شهر لیون روز بروز زیادتر ظاهر میشود ، لهذا استدعا دارم که موافق وعده که فرموده بودند مآذونم فرمایند که محض صلاح و پیشرفت امورات تبعه دولت علیه ایران بانوشته با دولت فرانسه قرار بدهم که عدد يك نفر قونسول لیون بر عدد آن پنج نفر دیگر که در سایر شهرهای فرانسه داریم علاوه بشود و این کار بغیر از محسنات زیاد، عیبی ندارد. دیگر اختیار باحضرت اشرف بندگانعالی است.

۱۷ شهر جمادی الاخری ۱۲۹۴

عریضجات مورخه ۱۶ شهر رجب ۱۲۹۴

نمره ۱۱۵ مشتمل بر چهار طغرا

خداوندگار را مدتی است که از زیارت تعلیقجات رأفت آیات محروم مانده ام و از آن طرف هم معلوم نیست که آیا عرایض فدوی میرسد یا خیر. از قراریکه مذکور میشود، چاپار فرانسه وانگلیس بجهت محاربه خیلی دیر میرسند. وسیله دیگر در دست نیست که عرایض خود را زودتر برسانم. هرگاه عمل پستخانه ایران و قرارنامه که باید بادل اروپا بسته بشود، سمت انعقاد یافته بود، عرایض را از راه انگلیس میفرستادم و زود میرسید و از رسیدن آنها آسوده میشدیم، اما حالا هیچ معلوم نیست از کجا و بچه وسیله

باید کاغذها را فرستاد. استدعا دارم که در این باب دستورالعمل مرحمت فرمایند که در ارسال و مرسل معطلی حاصل نشود.

شرح احوالات و چگونگی گزارشات را با چاپار گذشته معروض داشته و در جزو عرایض، يك نسخه از قرارنامه که متعلق بساختن عمارت اگسپوزیسیون باتفصیلات دیگر که دائر باین امر و حوادث محاربه بود، انفاذ حضور نمودم و انشاءالله بی‌عیب رسیده و از مطالب و مسطورات آن اطلاع کامل بهم رسانیده‌اند. چند روز بعد از عزیمت چاپار، يك معمار دیگر که او نیز خیلی معتبر و محل اعتماد است باین سفارت‌خانه آمده و اظهار داشت که من این عمارت دولت علیه را بهمان طوری که در قرارنامه معمار سابق قید شده است و بلکه هم بهتر از او بشصت هزار فرانك مقاطعه نموده تمام میکنم. اما استاد حسینعلی مدعی بر این است که عمارت را بهتر و ارزان‌تر از شصت هزار فرانك تمام خواهد نمود. اگرچه اعتقاد فدوی این است که استاد حسینعلی از عهده تعهدات خود نمی‌تواند برآید، ولی چون از آنجائیکه دستورالعمل ساختن عمارت مزبور در دست اوست و بفدوی بجز اینکه کارهای او را تقویت نمایم، دستورالعمل دیگر نرسیده است، لهذا لابد و ناچار و از برای تبرئه ذمه، تا بحال تمکین نموده او را آزاد گذاشته‌ام که عمارت را ارزان تمام بکنند. هرگاه باین مقصود رسید، فبه‌المطلوب والا در صورتیکه نتواند عمارت را به آن قیمت با تمام برساند، باید چنانکه متعهد شده است از عهده غرامت برآید. مقرب‌الخاقان میرزا جوادخان نرسید. پول هم تمام شده است و عمارت را نصفه کار نمی‌توان گذارد و بهمین جهت برای سفارت و بلکه برای دولت علیه اسباب خفت حاصل است.

چنانکه بعرض رسیده است، کار و بار روسها در سمت قارص و بایزید مغشوش بوده است، ولی در صفحات طونه، کار خود را خیلی از پیش برده و می‌برند. اولاً بدون ممانعت زیاد از سه و چهار جای

رود طونه گذشته و داخل بولکاری شده اند و از يك هفته متجاوز است يك دسته از لشکر روس از یکی از تنگهای کوه بالکان هم گذشته و حالا نزدیک است به ادرینه برسد. تابحال هم چند عدد از قلعبات و شمرهای معتبر بولکاری را متصرف شده است و تابحال لشکر عثمانی حرکتی ننموده و خودنمایی نکرده، سهل است که در همه جا گریز میدهد و نمیخواهد بالشکر روس مقابله نماید. خلاصه از قراریکه مذکور میشود، هرگاه کارها باین منوال بگذرد طولی نمی کشد که يك قسمت لشکر روس باسلامبول میرسد. در سمت قارص هم کمک زیاد برای روس رسیده و در همین روزها باز هم عثمانیها را تعاقب خواهند کرد و به آنها و بایلات اکراد و سایر عشایر که منافقت کرده اند، گوشمالی شخصی خواهند داد. حالت دول فرنگستان از اول جنگ الی الیوم بهیچوجه تغییر نکرده است و چنانکه در جمیع عرایض خودم معروض داشته ام مادامیکه دولت آلمان که با دولت روس متفق است وجود دارد، احدی را قدرت آن نخواهد بود که بادلالت روس در این جنگ مخالفت و یا مداخلت نماید. دولت انگلیس هم که های و هوی میکند، هرگز از دولت عثمانی حمایت نخواهد نمود و اینکه کشتی های خود را به بزیکا فرستاده بجز کسب منفعت خود خیال دیگر ندارد و چشمش بر سر مصر و جزیره کریت و یقین است که هرگاه بنای تقسیم بمیان بیاید، دولت انگلیس از آن دو مکان دست برنخواهد داشت و متصرف خواهد شد.

چند روز است که از اسلامبول خبر رسیده بود که درپلونا، عثمان پاشا يك دسته قشون روس را شکست داده است. حالا از قراریکه از خود روسها هم خبر میرسد، معلوم میشود که این خبر صحت داشته است، اما روسها کم بوده اند و عدد قشون ابواب جمعی عثمان پاشا نزدیک بچهل هزار نفر بوده است. در هر حال روسها شکست خورده اند ولی در تدارك تلافی بوده و عنقریب عرصه را بعثمان پاشا سخت خواهند گرفت. دوسه روز است که روسها قلعه

روجوق رامحاصره نموده واز شش جهت آنجارا به گلوله توپ بسته‌اند وگویا زدو خورد سختی درمیان آنها وقلعه‌گیان شده و میشود وکار آنجا زود يك طرفی خواهد شد . دولت انگلیس هم بقدر سه هزار نفر تدارك دیده ، مأمور ملتا وجبل الطارق نموده واز قراریکه مذکور میشود وگویا این سه هزار نفر برای امداد عثمانی‌ها به اسلامبول خواهند رفت . اگر دولت انگلیس باین طورها به دولت عثمانی کمک بکند پدر عثمانیها خواهد سوخت . درحقیقت اگر دولت انگلیس خیال داشت ازدولت عثمانی حمایت بکند بهترین کمک، پول بود . چرا پول باو نمیدهد . هرگاه دولت عثمانی پول میداشت ، درمقابل روسها بهتر ازاینها مقاومت می نمود وبلکه کارش را ازپیش می برد و خلاصه اعتقاد فدوی همان است که عرض شد . دیگر چه مقدر شده باشد ، آنرا تنها خدا بهتر میداند .

۱۶ رجب المرجب ۱۲۹۴

عریضه مورخه ۱۴ شهر شعبان ۱۲۹۴

نمره ۱۱۶ مشتمل يك طغرا

خداوندگارا قریب به بیست روز است که بجهت تغییر و تبدیل هوا مانند سنوات گذشته بکنار دریا آمده ، مشغول استراحت و مداوا می باشم . اما هرچند روز بچند روز بیاریس رفته ، بامورات مرجوعه رسیدگی نموده واز چگونگی احوالات واز حوادث اتفاقیه و از وضع پولتیک خارجه و داخله ممالك فرنگستان اطلاع بهم میرسانم . از قراریکه استحضار حاصل شده معلوم میشود که پولتیک دول اروپا درباب مسئله مشرق بهیچوجه من الوجوه تغییر نکرده است وکمافی السابق هریک ازدول متجانبه درحالت بی طرفی ثابت قدم بوده وهستند ودولت انگلیس هم يك ماه قبل براین یعنی در حینیکه قشون روس ازیکى از تنگهای کوه بالکان ها گذشته بود قدری های وهوی کرده وچند فوج ازافواج خود به ملتا فرستاد . اما

از مدت بیست روز که در پلونا آن وهن بزرگ برای روسها روی داده است همه دولت ها و خود انگلیس هم سکوت را اختیار نموده و بیش از پیش در گوشه بی طرفی جایجا شده و صم و بکم نشسته و منتظر نتیجه می باشند. دولت روس هم از روزیکه در پلونا شکست خورده است در تمهیه و تدارك کمک است و عنقریب بقدر دویست هزار نفر کمک به بولکاری خواهند رسید و تا چند روز دیگر بمقام تلافی خواهند برآمد و بالاخره عثمانی ها را تمام خواهند کرد. این شکست پلونا هم بر حسب اتفاق بود و دلیل آن این است که از بدو محاربه، روسها خیلی بجسارت حرکت کرده و اعتنائی بلشگر عثمانی نمی کردند و از آنجائیکه دشمن نتوان حقیر و بیچاره شمرد، اگر چنانکه روسها با احتیاط عمل میکردند و با جمعیت معتنا به بر سر عثمان پاشا که در پلونا با هفتاد هشتاد هزار نفر مستحکم شده بود رفته بودند و بعوض جسارتها که بکار برده با احتیاط حرکت میکردند، البته پلونا را می گرفتند و پنج و شش هزار نفر از آنها عبث تلف نمی شد و به آن خفت پس نمی نشستند. خلاصه گذشته، گذشته است اما حالا هرگاه روسها بعد از این همه مقدمه خوب حرکت بکنند تا بیست روز دیگر کار خود را از پیش خواهند برد و الا در صورتیکه دیر بجنبند این جنگ تا بهار آینده طول خواهد کشید و صدمه آن و ضرر و خساراتیکه از چنین محاربات طولانی حاصل میشود، هم بدولت عثمانی و هم بدولت روس وارد خواهد شد و هر دو بخاک سیاه خواهند نشست و نتیجه چنین صدمه، سالهای سال باقی خواهد ماند. خلاصه هرچه هست و هرچه خواهد شد در بحث مشیت ایزد تعالی است، اما از حق نباید گذشت که دولت عثمانی در مقابل دشمن خوب مقاومت و مداومت میکند. هیچ کس تصور این را نمی کرد که دولت عثمانی باینطورها بتواند سر خود را نگه بدارد و با دولت روس بتمنهایی مقابله نماید. از این حالت معلوم میشود که عثمانی ها در فراهم آوردن اسباب حرب هیچ چیز را مضایقه نکرده اند و حالا از قراریکه معلوم میشود، علاوه بر توپها و اسلحه که در دست لشگراست،

جبه‌خانه وقورخانه آنها باز مملو است از توپ‌های کروپ و از تفنگ‌های هانری و مارتلینی. در حقیقت آنها خوب فهمیده‌اند که جنگ این زمان، بسته با توپ کروپ و تفنگ سوزندار هانری و مارتلینی است و الا در صورتیکه از این قبیل اسلحه نباشد با مثل دولت روس نمیتوان جنگ کرد. خدا کند که این حالت عثمانی‌ها که در فراهم آوردن اسباب و اسلحه جنگ داشته و دارند بدولت علیه نیز سرایت نماید، تا اینکه توپ و تفنگ تدارك کرده و در وقت ضرورت بکار برده شود و آبرویی که ایران در همه وقت داشته است، در حالت خود باقی بماند. بعضی تفصیل دیگر در باب جنگ روس و عثمانی در مموریال دیپلماتیک و اروپ دیپلماتیک بود همه را جمع کرده و اینک لفاً انفاذ حضور مینماید. در باب امورات داخله فرانسه علی الحساب چیزی که قابل باشد نیست، اما همین قدر هست که جمهوری‌ان از یک طرف و روایالیست و امپریالیست و غیره از طرف دیگر مشغول فراهم آوردن اسباب‌اند که کار خود را از پیش ببرند. از قراریکه معلوم میشود چونکه در میان روایالیست‌ها و غیره نفاق است و در میان جمهوری‌ان اتفاق تمام هست لهذا ظن غالب این است که جمهوری‌ان بر آنها غالب خواهند شد. مبعوثان آنها بر عدد مبعوثان روایالیست‌ها و غیر باز هم بالاتر خواهد شد.

عریضجات مورخه ۲۸ شهر شعبان ۱۲۹۴

نمره ۱۱۷ مشتمل بر دو طغرا

خداوندگارا در باب حوادث اتفاقیه محاربه از روزیکه روسها در پلونا شکست خود را اند سلیمان پاشا هم در سمت اسکی زغره وینکی— زغره روسها را پس نشانده و تاتنگه شپکه آنها را تعاقب نموده و در آنجا در مدت هفت و هشت روز بر سر روسها بالشگر زیاد با حمله‌های پشت سر هم دیگر هجوم آورده و میخواست روسها را از آنجا بیرون کند ولی از آنجائیکه روسها جای خود را خیلی مستحکم کرده بودند و با وصف اینکه بیش از ده هزار نفر جمعیت نداشته‌اند در مقابل

هفتاد هزار نفر لشکر سلیمان پاشا مقاومت نموده و بالاخره چون سلیمان پاشا دیده است که از قشون دولت عثمانیه آدم زیاد تلف میشود و از عهدهٔ روسها نمی‌تواند برآید، لهذا چند روز است در همان حوالی بالشگر خود آرام گرفته، در آن مدت زدو خورد، از برای طرفین علی‌الاصول کمک میرسد و از قراریکه میگویند در این جنگ تنگهٔ شپکه بقدر هفت هزار نفر از جانب روسها تلف شده است و بقدر بیست و دو هزار نفر از جانب عثمانیها کشته و زخم‌دار گشته‌اند. بعضی تفصیل‌های دیگر در این باب در روزنامه‌ها نوشته بودند و هرچه قابل ملاحظه بود جمع کرده است و لفاً انفاذ حضور عالی میشود. از قراریکه معلوم میشود روسها خیلی سست شده‌اند و حالا ساکت نشسته، حرکتی از آنها ظاهر نمی‌شود. اما برخلاف، عثمانیها خوب می‌جنبند و جسته جسته بر سر روسها حمله می‌آورند و اگر چه تابحال جنگ بزرگی در میان آن دو فرقه واقع نشده است ولی در مدت این یک ماه گذشته در هر جائیکه پیش‌قراولهای طرفین و یا اینکه دسته‌های کوچک جانبین که عدد آنها از دوسه هزار نفر زیادتر نبوده است، همه وقت عثمانیها بر روسها غالب بوده‌اند و دلیل آن این است روسها در اول جنگ بی‌احتیاطی کرده و بجسارت حرکت می‌کردند و دشمن را در پشت گذاشته پیش میرفتند و حالا از حرکت خود باید ندامت داشته باشند. هرگاه بر طبق این مثل مشهور که میگویند، دشمن نتوان حقیر و بیچاره شمرد، حرکت میکردند باین درد و باین خفت گرفتار نمی‌شدند. خلاصه حالا لابد و ناچار منتظر کمک هستند. اما معلوم نیست کمک کی برسد و این کار جنگ کی تمام بشود. از قراریکه مذکور میشود، گویا این محاربه باین زودی تمام نشود و تا بهار آینده طول بکشد. حالا دیگر در همه جا از حالت ورشادات و نظم قشون دولت عثمانی تعریف زیاد میکنند. در حقیقت هم جای تعریف و توصیف هست، زیرا که هیچکس این خیال را نمی‌کرد که دولت عثمانی بتواند تا این درجه‌ها با دولت روس مقابله کند و باین طورها روسها را در اکثر جاها شکست بدهد. البته باید دولت این طور

باشد آفرین بچنین دولت، در اینجاها هم یعنی در خاک فرانسه در تهیه انتخاب اجزای مبعوثان اند و حالا که مسیوتی‌یر، مرد، گویا طرف دولت برجمه‌پوریان غالب باشد.

از قراریکه جناب ساعدالملک مرقوم داشته بودند معلوم میشود که بیچاره میرزا داودخان مترجم اول سفارت سنیه دولت علیه مقیم پطرבורغ از مدت‌های مدید بمرض ممتنع‌العلاجی که عبارت از ناخوشی کبد باشد، گرفتار بوده و در این اواخر از صدمه همان ناخوشی فوت شده و آن بیچاره پسری دارد جبرئیل نام که از مدت چهارسال با هزار زحمت و خونابه، متحمل انواع و اقسام صدمات گشته اورا بیپاریس آورده مشغول تربیت او بوده است. حالا که او مرد این طفل، یتیم و بی‌صاحب و درپاریس آواره خواهد ماند. در این صورت و در عالم دولخواهی بمقام جسارت برآمده عرض مینماید چونکه میرزا داود تمام عمر خود را در خدمت دولت علیه صرف نموده و در این راه جان خود را نثار کرده و از آنجائیکه اولیای دولت اجرچنین نوکرها را هرگز بی عوض نگذاشته‌اند و ابداً راضی نمیشوند که اولادچنین نوکر قابل‌بی‌صاحب بماند، لهذا لازم میدانند محض یادآوری استدعا نمایند که چنانچه رسم دولت علیه است که اولاد نوکر باب را بی‌صاحب نمی‌گذارد، جبرئیل را نیز بی‌صاحب نگذارند و التفات کرده درباره او هم يك قرارى بگذارند که تربیت او ناقص نماند و تا سه چهار سال دیگر که باید مشغول تکمیل تحصیل خود بشود، مخارج مدرسه او، از دیوان اعلیٰ برسد. گذشته از اینکه این کار ثواب دارد، در انظار اهالی اینجا خیلی خوش آیند و جلوه‌گر خواهد بود. مخارج این طفل در سال از دویست تومان زیادتر نخواهد شد و این وجه در نظر اولیای دولت مقداری نداشته و نخواهد داشت و انشاءالله بمحض استماع، صورت انجام خواهد گرفت. خلاصه در عالم دولت و ملت خواهی این عرض را از فرائض ماموریت خود دانسته، بجسارت آن اقدام کردم و امیدوارم که این استدعای فدوی بسمع اجابت رسیده قبول خواهد شد.

عریضه مورخه ۱۲ شهر رمضان ۱۲۹۴

نمره ۱۱۸ مشتمل يك طغرا

خداوندگارا عثمانیهادر این جنگ عجب معرکه میکنند. جنگ را بر روسها بطوری سخت کرده اند که هیچ معلوم نیست روسها بتوانند به آسانی از عهده آنها بر آیند. چنانکه در عرایض که سابق بر این معروض داشته ام عثمان پاشا يك مرتبه در پلونا روسها را شکست داده، یعنی پس نشاند. بعد از چندی، روسها بمعاونت رومانی و پس از رسیدن کمک از خود روسیه از مدت ده و دوازده روز حمله بر سراو آورده و می آورند. با وصف این احوال، باز از عهده او نتوانسته اند بر آیند و هر چه هجوم بر سر او می آورند و بعض از باستان او را می گیرند، عثمان پاشا که در پلونا خوب مستحکم شده است حمله آنها را رد میکند و باستانها را که روسها در دوروبر او متصرف میشوند، دوباره از آنها پس میگیرد. از قراریکه مذکور میشود در این ده و دوازده روز بهمین واسطه زد و خورد، از طرفین جمعیت زیاد زخمدار و تلف شده است. اما از طرف روسها بیشتر آدم کشته شده است.

سلیمان پاشا در تنگه شپکه مجدداً جنگ را شروع نموده با جمعیت زیاد علیالاتصال حمله بر سر روسها آورده، می خواهد آن تنگه را بتصرف خود آورده، روسها را از آنجا بدواند و خود را به اردو به امداد عثمان پاشا برساند. محمد علی پاشا سردار اکرم که بجای عبدالکریم پاشا منصوب شده است، با ولیعهد روس در سمت روچک در زد و خورد است و گویا لشکر ولیعهد را پس می نشانند. تفصیل این مقدمات را مشروحاً در روزنامه مموریال دیپلماتیک و در بعض روزنامه های دیگر مفصلاً نوشته اند و هر چه بدست آمد از روزنامه ها جمع آوری نموده و برای مزید اطلاع در جوف پاکت عرایض امروز انفاذ حضور مینماید. چنانچه بنظر شریف حضرت اشرف امجد

بندگانعالی خواهد رسید از عثمانیها رشادت زیاد ظاهر شده و میشود. از قراریکه مذکور مینمایند معلوم میشود که قشون آنها در نظم و انتظام و رشادت و قابلیت واسلحه از قشون هیچ يك از دول متجانبه فرنگستان کمتر نیست. آفرین بر چنین دولت که صاحب این طور لشگر است و باین قسمها اسباب محاربه را فراهم آورده است که می‌تواند با مثل دولت روس دولتی جنگ بکند و کار خود را باین طرزها از پیش می‌برد. حالا بعد از مشاهده این حالت در همه جا از قشون و از سرکرده‌های لشگر عثمانی تحسین و تمجید میکنند. اگرچه دول فرنگستان خاصه دولت انگلیس در ظاهر چیزی نمی‌گویند ولی باطناً خوش ایشان است که دولت روس که بآن حالت غرور اعلام جنگ کرده بود قدری خفت بکشد. خلاصه باوصف این احوال، معلوم نیست عاقبت امور بکجا خواهد انجامید و این جنگ کی باتمام خواهد رسید. افواج خاصه دولت روس که عدد آنها بشصت هزار میرسد در کار رسیدن هستند و تا اول ماه اکتبر وارد مقصد خواهند شد. البته بعد از رسیدن آنها عرصه بعثمانیها تنگ خواهد شد. در بعض روزنامه‌ها، حرف مصالحه را میزنند و اگرچه این حرف خیلی شهرت کرده است ولی بطور یقین و بجسارت عرض میکنم که تا دولت روس کار خود را از پیش نبرد و دولت عثمانی را مضمحل ننماید، هرگز مصالحه نخواهد کرد. اگر دولت روس در اول جنگ با احتیاط پیش آمده بود که خود را زودتر از این از پیش می‌برد و حالاهم باوصف این چشم زخمی که بآن دولت روداده و دشمن درمقابل او مداومت میکند باز طولی نمی‌کشد که صدمه بزرگی بعثمانی‌ها خواهند رسانید. حالت دولت فرانسه در این روزها چنان بنظر می‌آید که رو ببهبودی است و از روزی که مسیو تی‌یر وفات کرده است دست و پای مارشال مکماهون باز شده، شهرها را می‌گردد و در همه جا از او خوب پذیرائی میشود و از

قراری که مذکور میشود دور نیست که در انتخاب مبعوثان طرف دولت بر جمهوریان غالب بشود. گویا انتخاب مبعوثان در چهاردهم ماه اکتبر شروع خواهد شد. از حالا از طرفین یعنی از طرف دولت و از طرف جمهوریان، مشغول فراهم آوردن اسباب پیشرفت عمل خود می‌باشند. تا یار کرا خواهد و میلش بکه باشد.

عریضة مورخه ۱۲ شهر رمضان ۱۲۹۴

مشمتمل یکطغرا بحضور نواب مستطاب والاتباع اعتضاد السلطنة وزیر علوم عرض شد

قربانت شوم تعلیقہ مهر طلیعہ مورخہ سیم شهر رجب -
المرجب که بسرافرازی این فدوی شرف صدور یافته بود، سه روز قبل بر این بانضمام دو طغرا برات که جمعاً معادل چهار هزار فرانک بود عز وصول ارزانی داشت. از زیارت آن نهایت افتخار حاصل شد. بمجرد وصول، براتهای مزبور را بگماشتگان این سفارت سپرده که بقبولی برسانند و وجه آنها را در موعد معینه وصول نموده به عالیجاه استاد حسینعلی کارسازی نمایند. اما از این تنخواه، مهم سازی نمی‌شود و هرگاه چنانچه اشاره فرموده‌اند، رأی اولیای دولت علیه علاقه براین گرفته باشد که عمارت دولتی که در اگسپوزیسیون می‌سازند دو سه ماه قبل از افتتاح باز چنین ساخته و پرداخته بشود که ابدأ محتاج به بنا و عمل و نجار و شیشه‌بر و غیره نداشته باشد، لازم می‌آید وجوهات لازمه را بهر قسم که بود برسانند والا عمل بنائی بدون وجوهات نقدیه از پیش نمی‌رود. از روز ورود استاد حسینعلی چندین مرتبه او را بازداشته‌ام، تلگرافهای متعدد هم بحضور سرکار نواب اشرف والا و هم بمقرب الخاقان میرزا جواد خان فرستاده‌ام و حالت خود و عمارت را مشروحاً بعرض رسانیده و صریحاً باتلگراف چگونگی را

بیان کرده است که برای نرسیدن تنخواه اسباب معطلی حاصل شده و عمارت نصفه کار مانده است و خود فدوی نیز در اکثر ازعرایض که بمقام وزارت جلیله امور خارجه معروض داشته، مراتب را بیان نموده، وجوهات لازمه را مستدعی شده است. حالا با وصف این احوال، بعد از پنج شش ماه انتظار، برات چهار صد تومان میرسد و ضمناً تأکید میشود که عمارت سه ماه قبل از بازار ساخته و پرداخته بشود. اما در مقابل این فرمایشات صریحاً عرض میکنم هرگاه وجوهات باینطورها بیاید هرگز این عمارت در موعد خود حاضر نخواهد شد. از بدو حال و پیش از اینکه شروع بساختن عمارت بشود و بعد از آن، یعنی در مدت این چهار پنج ماه مراتب را بتواتر با تلگراف و مکتوباً بعرض اولیای دولت علیه رسانیده و میرسانم که بی پول، این کار از پیش نمی‌رود. دیگر حالا اختیار با اولیای دولت است. در باب پیدا کردن برات شرحی مرقوم فرموده بودند ولی بدبختانه احدی پیدا نمی‌شود در اینجا تنخواه بدهد و برات بحواله ایران قبول نماید. هرگاه چنین شخصی در پاریس یا در لندن پیدا میشد البته هم از بابت مخارج عمارت و هم از بابت مقرری این سفارت وجه از او وصول میکردم و برات بحواله طهران میدادم. خلاصه از اینجا باید مأیوس شد و بفکرفرستادن تنخواه افتاد و الا کار از پیش نمی‌رود و خدا نخواسته این عمارت در موقع خود با تمام نمیرسد. آمدن مقرب الخاقان میرزا جواد خان هم خیلی بتأخیر افتاده، مامورین سایر دول مدتی است وارد پاریس شده‌اند. حالا چنانکه موقع از دست نرفته است در آمدن هرچه تعجیل نماید مناسب خواهد بود. در باب سایر فقرات، یعنی هر فقره که دایر بعمل عمارت بوده است همه را در موقع بمقام وزارت جلیله امور خارجه رسانیده‌ام و چون میدانم بعرض نواب مستطاب اشرف والا رسیده است لهذا

بیش از این جسارت نمی ورزد. همواره منتظر وصول تعلیقه جات
رافت آیات با هر گونه فرمایشات بوده و هستم .

عریضجات مورخه یازدهم شهر شوال ۱۲۹۴

نمره ۱۱۹ مشتمل بر سه طغرا

خداوندگارا از پانزده روز متجاوز است که از ییلاق مراجعت
نموده ، وارد پاریس شده و کمافی السابق مشغول انجام خدمات
مرجوعه بوده و هستم . در باب اخبار محاربه ، تازه که قابل عرض باشد
همان خبر جنگی است که ۱۲ ماه اکتبر در سمت قارص فیما بین لشکر
روس و عثمانی واقع شده است . از قراریکه معلوم میشود مختار پاشا
غازی باز فتح کرده است و در این جنگ جمعیت کثیری از روسها کشته
و تلف شده است و بعد از آن واقعه دیگر نه در سمت قارص و نه در سمت
طونه و بولکارستان حادثه جدیدی که قابل عرض باشد روی نداده است .
از قراریکه مذکور میشود ، حالا دیگر بجهت برف و باران که در دشت
بولکارستان و در کوه های بالکان باریده و می بارد و بجهت بدی هوا و
راهها که مانع از حرکت توپخانه و آذوقه می باشند ، محاربه فیما بین
آن دو طایفه تا بهار آینده موقوف خواهد شد ، تا خداوند چه مقدر کرده
باشد . علی الحساب لشکر طرفین مبتلای ناخوشیهای مختلفه است ،
از قبیل ناخوشی حصبه و مطبقه و اسهال و غیره . حالاکه لشکر طرفین
باتوپ و تفنگ کشته نمی شوند به بلاهای آسمانی تلف می شوند .
حالت روسها در بولکارستان بهتر از سابق است . کمک زیاد برای آنها
رسیده و هرگاه در این روزها هوا خوب بشود و با عثمانیها زد و خوردی
اتفاق بیافتد ، احتمال می رود که عثمانیها را این دفعه شکست بدهند .
در هر حال ، اعتقاد مردم این است که در عاقبت روسها عثمانیها را
شکست خواهند داد . دولت های اروپا در حالت بی طرفی ثابت قدم

هستند و هیچ تازہ از جانب آنها ظہور نکرده است که قابل عرض باشد. در اینجاها مذکور میشود که امپراطور روس بجهت این همه صدمات خیلی علیل و شکسته شده است. از بسکه غصه میخورد، می‌ترسند تلف بشود. خلیل شریف پاشا ایلچی کبیر دولت عثمانی هم معزول شد و از پاریس رفت یعنی از دست طلبکارها گریخت. در مدت این هفت و هشت ماه که در پاریس توقف داشته است، مبلغ چهل هزار تومان قرض بالا آورده بود. مبلغ کثیر آنوجه بواسطه قمار کردن او وارد شده است. عارفی پاشا بجای او منصوب شده است، ولی هنوز وارد پاریس نشده است و معلوم نیست کی بیاید. سایر اخبار که قابل خواندن است در جزو روزنامه‌ها منتخب نموده و لفاً انفاذ حضور میشود.

* * *

چنانکه از جانب دولت فرانسه قرار شده بود در چهاردهم این ماه اکتبر که مطابق ششم شهر شوال المکرم است، بانتخاب وکلای ملت اقدام شد. عدد رادیکالها در مجلس سابق سیصد و شصت و سه نفر بود حالا قدری پائین تر آمد، یعنی بسیصد و ده رسیده است. اما باوصف این احوال، چون عدد همه وکلا از پانصد و سی و دو نفر بالاتر هست، بنا علیه عدد آنها از عدد سایرین یعنی از عدد بوناپاریست‌ها و لژیونیه‌ها و اورلانیه‌ها بالاتر است و کمافی السابق حرف آنها در قرعه معتبر خواهد شد. باری باوصف این احوال، هیچ معلوم نیست چه بشود. هرگاه مارشال يك دفعه دیگر مجلس را باطل نماید، احتمال دارد رادیکالها شورش بکنند. اما از آنجائیکه اهل نظام، مارشال را دوست دارند و در دست رادیکالها اسلحه نیست جای تشویش نخواهد بود. زیرا که مارشال زود از عهده شورشیان برمی‌آید و آنها را بسزای خود میرساند و بعد از آن یکی از داوطلب‌های سلطنت را بآمدن پاریس

دعوت نموده و تاج و تخت سلطنت را باو تفویض خواهد کرد و هرگاه این طور بشود یقین و بلاحرف پرنس امپریال که عبارت از ناپلئون چهارم بوده باشد بتخت سلطنت خواهد رسید. در مجلس سابق عدد بونا پارست ها نود و یک نفر بود. حالا بیكصد و پنجاه نفر رسیده است. اما عدد لژی میست ها و اورلانیست ها روز بروز پائین تر می آید. در هشتم ماه آینده یعنی ماه نوامبر، این همه وکلا در مشورتخانه و رسای جمع شده و مشغول بمشاوړه خواهند بود. معلوم است هر حادثه که فیما بین آنها روی بدهد بعرض اولیای دولت علیه خواهد رسانید.

در این دم آخر که سرپاكت عرایض را می بستم خبر رسید که در سمت قارص در میان روسها و عثمانیهایی جنگ سختی واقع شده و روسها بر سر عثمانیهها حمله آورده و لشگر مختار پاشاغازی را شکست داده، جمعیت زیادی از عثمانیها تلف نموده و اسیر کرده، و توپهای متعدد و اسلحه زیاد از عثمانیهها بغنیمت گرفته اند و مختار پاشا باشتاب تمام بالشگر معدودی خود را بقلعه قارص رسانیده و در آنجا متحصن شده است. مختصری در روزنامه فیگارو در آن باب نوشته بودند، فصل مزبور را از آنجا قیچی نموده و لفاً انفاذ حضور مینماید.

یازدهم شهر شوال ۱۲۹۴

عریضجات مورخه ۲۵ شهر شوال ۱۲۹۴ نمره ۱۲۰ مشتمل بر ۵ طغرا

خداوندگارا در باب جنگ بعد از آن شکست بزرگی که در سمت قارص بلشگر عثمانی روداد و تفصیل آنرا در جزو روزنامه‌ها بعرض رسانیده‌ام ، در آن صفحات واقعه جدیدی وقوع نیافته است . همینقدر می‌نویسند که يك قسمت لشگر روس مختارپاشا را تعاقب کرده می‌خواهد او را تمام نماید و قسمت دیگرش ، قلعه قارص را محاصره نموده و بگلوله توپ بسته ، در کار گرفتن قلعه مزبور است . حالا دیگر معلوم نیست که از عهده مختارپاشا بپرايند و قلعه قارص را بگیرند یا خیر ، اما از قراریکه معلوم میشود کار و بار عثمانیها در آن صفحات خیلی مغشوش و مختل است و هرگاه در موقع کمک بمختارپاشا برسد می‌تواند خودداری نموده دم روسها را بگیرد و الا عرصه باو تنگ شده بالکلیه تمام خواهد شد . در سمت مغرب پلونا نیز جنرال قورغورکه سرکرده سواره است عثمانیها را شکست داد و بقدر سه هزار نفر سرباز و چند نفر سرکرده از آنها اسیر کرده و سه عراده و اسلحه زیاد هم از آنها بفنیمت گرفته است و يك جای محکمی را نیز در همانجا از دست عثمانیها گرفته و متصرف شده و در آنجا خودش داده استحکامات ساخته و بافواج سواره که دارد متحصن شده و راه آذوقه را که از صوفیه به پلونا میرسد گرفته و نمی‌گذارد آذوقه به پلونا برسد . خلاصه از قراریکه مذکور میشود

گویا طولی نکشد که روسها پلونا را بگیرند ، اما مخفی نماند که حالا بواسطه بدی هوا و سرمای زمستان حرکت قشون و حمل و نقل اسباب حرب و آذوقه خیلی دشوار است . بعضی از مردم ذکری از مصالحه مینمایند و میگویند که دولت انگلیس و نمسه و ایتالیا درکارند حرف مصالحه را بمیان بیاورند ، اما تا دولت روس این کار را يك طرفی نکند تمکین بصلح نخواهد کرد . این است اصل حالت ، سایر تفصیلات که تکرار آن را لازم نمی دانم در جزو روزنامه هائی است که لفا ارسال حضور میشود .

در این روزها دراکثر از روزنامه های اینجا انتشار داده بودند که در عید فطر جناب معین الملک برای تبریک عید بحضور اعلیحضرت سلطان شرفیاب و مورد تلافیات سلطانی شده و اسماعیل بیك مصلحت گزار عثمانی در دارالخلافه طهران بحضور مبارك سرکار اعلیحضرت قدر قدرت اقدس همایون روحنا فداه مشرف شده و بعضی بیانات امتنان آمیز که علائم اتحاد و یگانگی دولتین علیتین اسلام است بمیان آورده و در مقابل این بیانات از جانب سنی الجوانب اقدس شهر یاری نیز لازمه تشکر و امتنان بعمل آمده و بجناب معین الملک با تلگراف مأموریت داده شده که رفته بحضور سلطان برسد و خصایص یگانگی و مخالفت حاصله فیما بین دولتین علیتین ایران و عثمانی را ابلاغ نماید . اگرچه ظاهراً این نوع اظهارات محبت و مودت آمیز خیلی بجا است ولی در این وقت جنگ ، بروز و انتشار اینگونه حالتها تأثر دیگر دارد و از قراریکه معلوم و استماع میشود روسها انزجار خاطر بهم رسانیده و اگر چه اظهارات نکرده اند ، لیکن باطناً متأثر شده اند ، حالت ایشان نسبت بدولت ایران قدری سرد شده است . خلاصه فدوی حتی المقدور بدلائل

در حکم در هر جائیکه لازم باشد بیانات لازمه خواهد نمود که رفع اشتباه بشود ، ولی چون احتمال دارد در ایران هم ذکر از این مقدمه بشود و اظهار گله گذاری بعمل بیاید لهذا لازم میدانم عرض بکنم که هرگاه اظهاری در آن فقره شد معلوم است من باب مصلحت از روسها دلجوئی بشود ، خیلی مناسب خواهد شد . اعتقاد فدوی این است که حفظ دوستی دولت روس مقدم تر است تا دوستی دولت عثمانیه . باری آنچه بعقل فدوی میرسد ، از فرایض مأموریت خود دانسته بعرض میرسانم ، بعد از آن معلوم است اختیار با اولیای دولت علیه است .

شش هفت ماه قبل براین چندین مرتبه در باب نشان جناب پرنس اورلوف سفیر کبیر دولت روس مقیم پاریس و مسیو فونستون نایب اول آن سفارت و پرنس ژاودرویچ پیشخدمت دربار امپراطور روس و پل منکاجی نایب ایشک آقاسی باشی حضرت پاپ و مسیو لوپز نایب اول سفارت هوندوراس تفصیلها معروض واسامی آنها را انفاذ داشته و استدعا کرده بودم که فرمان نشان حضرات را مرحمت نموده قدغن فرمایند بزودی صادر و انفاذ پاریس نمایند ، اما بدبختانه تابحال جوابی در این باب بافتخار فدوی نرسیده است و چون حالا ایام شب نشینی و بال و مهمانی پیش آمده واکثر از اوقات با حضرات ملاقات میشود ، نمی دانم جواب آنها را بچه قسم بدهم . نشان پرنس ژاودرویچ و مسیو منکاجی مدتی است بموجب تعلیقه جات وزارت جلیله امور خارجه وعده شده است که مرحمت خواهد شد . نشان پرنس اورلوف و نایب اول سفارت روس را چنانکه عرض کرده ام از روی ناچاری (واز آنجائیکه چنین شخص بزرگ طالب شده بود) این فدوی وعده کرده است و نشان مسیو

لوپز در مبادله نشان مقرب الخاقان میرزا نصرالله خان تعهد شده است مرحمت خواهد شد .

حالا باوصف این احوال ، از دیر رسیدن فرامین نشانهای مزبور نهایت سرشکستگی حاصل است . استدعا دارم به خفت فدوی راضی نشوند و فرامین مزبور را التفات نموده ، با قرب وسایل برسانند که بیش از این درپیش حضرات خجل و شرمنده نمانم . اسامی حضرات را من باب یادآوری اینک لفا انفاذ میدارم .

تعلیقۀ رفیعۀ مورخۀ ۳ شهر شوال المکرم که درباب سفارش مقرب الخاقان میرزا رحیم پیشخدمت خاصۀ همایونی بسرافرازی این فدوی شرف صدور یافته بود دریوم یکشنبه ۲۷ شهر مزبور یعنی در همان روزی که خود مقرب الخاقان مشارالیه از لندن وارد پاریس شد عزووصول ارزانی داشت . چون از مدت های مدید از زیارت احکام جلیله محروم مانده بودم لهذا از وصول آن علی غیرالنهایه مسرور شدم . چنانکه اشاره فرموده بودند که مقرب الخاقان مشارالیه بسمت آتاشه سفارت دولت علیه ایران درپاریس مقرر شده است و باید فدوی او را در این سفارت باین سمت قبول نماید ، باو امر حضرت اشرف امجد اطاعت نموده و حسب الامر و باقتضای دوستی و مودتی که فیما بین جناب حکیم الممالک و فدوی از قدیم بوده و هست نهایت جد و جهد را بدرجه ای بعمل خواهد آورد تا اینکه از آموختن زبان فرانسه و تعلیم قوانین دولیه و از هر نوع لوازم دائر باین شغل کامل و از همه چیز آگاه و بااطلاع شود و انشاءالله بهیچوجه قصوری نخواهد شد . اما درباب مخارج مشارالیه چیزی مرقوم نفرموده بودند و معلوم نشد که خرج او از کجا خواهد رسید .

علی الحساب بجز منزل جمیع مخارج او با سفارت است اما از آنجائیکه خرج روز بروز علاوه میشود و فدوی باین مقرری که از دیوان اعلی میرسد نمی تواند از عهده مخارج اینجا برآید ، بنا علیه استدعا مینماید که قرار این کارها را بطوری بدهند که بتوان در اینجا زندگی کرد. در وقت مأموریت جناب وزیر فواید سه چهار نفر صاحب منصب در سفارت پاریس بوده در آن وقت بجناب معزی الیه مبلغ دوازده هزار تومان از دولت میرسید . مقرب الخاقان میرزا یوسف خان دو نفر صاحب منصب داشت و شش هزار تومان باو عاید میشد، اما از وقتی که میرزا یوسف خان از اینجا احضار شده و فدوی بمأموریت پاریس سرافراز گردیده است از شش هزار تومان مقرری این سفارت ششصد تومان عشر گرفته میشود و مواجب رکابی مقطوع شده و بقدر سه هزار تومان از بابت سنواتی و مخارج سفرها بر عهده دیوان باقی مانده است و تا بحال نرسیده و با وصف این احوال اسباب مخارج روز بروز زیادتر میشود و مدد خرجی مرحمت نمی شود سهل است که آنچه از دیوان قرار شده است از بابت سنوات گذشته نمیرسد، حالا با وجود این حالت نمی دانم بچه قسم از عهده این همه مخارج برآیم. بخدا قسم است که بمرگ خود راضی شده ام و هیچ میل این را ندارم که باین واسطه دردسر بدهم ولی چه خاک بر سر کنم با این مقرری و با این ضررهای جدید که بواسطه حواله برات میرسد نمی توان از عهده مخارج اینجا برآمد. از برای خدا مرحمت فرموده قراری بگذارید که یا از اینجا خلاص بشوم و یا اینکه چاره بدردم فرمایند والا مردن از این زندگانی بهتر است.

وقایع جنگ را در جزو عرایض و در ضمن روزنامه جات که

با مداد سرخ خط میکشتم با چاپار گذشته بعرض رسانیده و انشاءالله در موقع خود رسیده و از چگونگی حوادث اطلاع کامل بهم رسانیده اند. از آن وقت الی الیوم تازه که قابل عرض باشد همین است که بعد از شکست مختارپاشا روسها او را تا ارزنة الروم تعاقب نموده و در دو سه جا او را شکست داده و حالا در کارند که شهر مزبور را محاصره نموده و میخواهند آنجا را با غلبه بگیرند. از قراری که مذکور میشود طولی نخواهد کشید که روسها آن شهر را خواهند گرفت گویا قارص را هم در همین روزها بگیرند. از این قرار، بنظرم چنین می آید که کاروبار عثمانیها در آن صفحات بالکلیه خراب است و دیگر نمی توانند کاری از پیش ببرند.

در بولکارستان هم روسها عرصه را برای عثمانیها تنگ کرده اند و از قراری که می نویسند عنقریب پلونا را خواهند گرفت. خلاصه بخت عثمانیها برگشته، در آن وقتیکه روسها بی تدارک بودند و آنها می خواستند کار خود را از پیش ببرند همت نکردند، حالا که کمک زیاد برای روسها رسیده و از برای آنها کمک نمی رسد در همه جا شکست میخورند و بالاخره تمام خواهند شد. بعضی تفصیلهای دیگر هم در روزنامه ها دائر بجنگ و بکارهای داخله فرانسه نوشته اند، همه را جمع کرده و اینک لفاً انفاذ حضور عالی مینماید و ضمناً در باب امورات داخله فرانسه همینقدر عرض میشود که از مدت هفت و هشت روز که مشورتخانه باز شده است جمهوریان کمال سختی را با طرف مقابل که عبارت از قونسرواطور بوده باشد گرفته اند و چون میدانند عدد آنها بر قونسرواطورها غالب است و در هر فقره که قرعه بکشند بطرف مقابل غالب خواهد شد و چون آنها اجزای همان مشورتخانه هستند که شش ماه قبل بر این از جانب مارشال مکماهون و سنا باطل شد لهذا عداوت کلی با طرف مقابل داشته و بنای کاوش را گذاشته اند و مارشال و وزرا را

در اعمال و اطواری که در مدت این شش ماه از آنها بروز کرده است متهم کرده و بدلائل میخوانند مدلل بکنند که هرچه تا بحال از جانب دولت مجری شده برخلاف قانون بوده است. خلاصه عرصه را بر مارشال مکماهون و وزرای او سخت گرفته اند، دراینکه وزرا عوض خواهند شد حرفی نیست، اما خیال آنها این است که مارشال هم استعفا بدهد و کار به کمون بکشد. باوصف این احوال، مارشال هم خیال ندارد از ریاست دست بکشد و از قراریکه میگویند موافق قانون نتوانند مارشال را از ریاست بپندازند. خلاصه درمشورتخانه درگفتگو و مباحثه هستند و نظرباین حالت دیوانگی که دارند باهم خیلی سخت میگویند تا خدا چه مقدر کرده باشد.

عریضجات مورخه ۲۳ شهر ذی القعدة ۱۲۹۴ نمره ۱۲۱ مشتمل بر پنج طغرا

خداوندگارا تعلیقه رفعت آیات که در تاریخ ۷ شهر شوال مصحوب چاپار فرانسه بسرافرازی این فدوی انفاذ فرموده بودند بانضمام پنج طغرا فرمان که بموجب استدعای فدوی مرحمت شده بود، درهمین هفته عزووصول ارزانی داشت. ازوصول آنها نهایت افتخار حاصل شد. سه طغرا از آن فرامین را رسانیده ام، اما فرمان جناب پرنس اورلوف و مسیو فونستون بجهت ساختن نشانهای آنها هنوز در نزد فدوی مانده است و انشاءالله درهمین روزهای یعنی بمحض اینکه نشان ساز آنها را ساخت بآنان میرسانم. اما مژده وصول را بجناب پرنس اورلوف داده ام، خیلی خوشحال شد و ازالتفات اولیای دولت علیه از اعطای نشان مزبور نهایت تشکر را دارد. از اراده مطاعه مبارکه اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه بسیاحت فرنگستان بآنطوریکه اشاره فرموده بودند مستحضر شدم و نهایت مسرت را از آن فرمایشات همایونی که بجناب وزیر مختار

فرانسه خطاب شده بود و بآن تفصیل مرقوم فرموده بودند حاصل نمودم. درحقیقت این سفر که من غیر معروف خواهد شد بهیچ وجه من الوجوه بامسافرت سابقه نسبت نخواهد داشت و چنانچه بآن فصاحت و بلاغت بیان فرموده اند در سفر اول بجز تشریفات چیز دیگر مشاهده نشد، اما انشاءالله این سفر که بعزم سیاحت معنوی کمرهمت را بسته اند بعد از ملاحظه اسباب صنعت و بناهای آبادی و مدنیّت نتیجه بزرگی برای ایران مترتب خواهد شد و از آنجائیکه رأی جهان آرا همه وقت باصلاح امورات داخله علاقه گرفته است، لاجرم بعد از آنکه اوضاع فرنگستان بدقت ملاحظه شد در فراهم آوردن اسباب ترقی و آبادی خودداری نخواهد شد و از حالا عقاید اهالی فرنگستان براین است که از این سفر فواید کلیه برای ایران حاصل خواهد شد، بطوریکه مافوق آن غیرمتصور است و از روزی که این خبر باینجا رسیده است ارباب رجوع، مسئله های دایر بساختن راه آهن و احداث کارخانجات و غیره و غیره بامضامین مختلفه طرح نموده، باین سفارت می آورند و همه منتظر نتیجه بوده و هستند و انشاءالله تعالی عاقبت این سفر مبارك است باین نتیجه و با ثمر خواهد بود. از جانب امین الملک تا این تاریخ خبری نرسیده است. انشاءالله بمحض اینکه وارد پاریس شدند حسب الامر و باقتضای مأموریت بطوری که سزاوار است و تکلیف مأموریتی خود میدانم درموافقت و فراهم آوردن موجبات تسهیل حصول منظور جناب معزالییه خودداری و فروگذاری نخواهد شد و امیدوارم اسباب بقسمی فراهم بیاید که از جانب ایشان و اولیای دولت علیه موردتحسین بشود.

ازمقدمه اظهارجناب وزیر مختار فرانسه در باب گمرک متاع ممالك عثمانی که تجار فرانسه بممالك ایران داخل مینمایند بموجب

احکام وزارت جلیله که دو سال قبل براین رسیده بود اطلاع کامل داشته و از طرح مسئله خوب مستحضر شده ام و حالا هم که التفات فرموده سوا دمراسلاتی را که فیما بین وزارت جلیله و سفارت فرانسه در آن باب رد و بدل شده است باین سفارت انفاذ فرموده بودند بیشتر از پیش ملتفت این مسئله شده بطور یقین فهمیدم که محض خوش آمد دولت فرانسه از جانب اشرف امجد موقتاً و شخصاً وعده شده است که از تبعه فرانسه که ندرتاً مال التجاره عثمانی ب خاک ایران بیاورند صدی پنج دریافت خواهد شد والا هرگاه این مسئله مثل روز روشن است و دولت فرانسه هرگز خیال ندارد که اجرای خلاف حقوق در عهد نامه را مطالبه نماید. خلاصه آنچه صلاح دانسته اند همان خوب است، اما باعتقاد فدوی برای رفع این گونه اشتباه کاری که از عدم تصریح فصول عهد نامه جات مترتب است باید بفکر و خیال تجدید عهد نامه هائی که با دول خارجه داریم افتاد و در وقت تجدید، فصول و شرایط آنرا بطوری از هم شکافت و تصریح کرد که دیگر مثل حالا جای تردید و اشتباه باقی نماند. هرگاه این مأموریت بفدوی رجوع شود تعهد مینماید فصول و شرایط عهد نامه را بقسمی ترتیب بدهد که دیگر جای حرف و سخن و ایراد در آن نباشد.

در باب مقرب الحضرت الخاقانیه میرزا احمدخان چند مرتبه عریضه نگارشده استدعا کرده ام که بعد از چندین سال خدمت از جانب دولت علیه در حق مشارالیه التفاتی مبذول شود. در جواب عریضجات فدوی همینقدر مرقوم فرموده بودند که بذل مرحمت منوط بصلاح و صوابدید شما است. اگرچه از بدو حال الی الیوم فدوی جسارت نمی کرد در باب يك التفاتی که باید بصرافت طبع از جانب اولیای دولت علیه تعیین شود فضولی نماید ولی از آنجائیکه این مسئله را

به تشخیص فدوی رجوع فرموده اند لازم میدانم که محض مراعات ادب از دو فقره که منظور است یکی را در حق مشارالیه استدعا نمایم، یعنی یا ترقی منصب بمستشاری سفارت، یا ارتقای مرتبه نشان سرهنگی اول بدرجه سرتیپی. بغیر از این دو فقره که بعرض آن جسارت میشود چیزی دیگر بنظر نمی آید. در این صورت مجدداً مستدعی میشوم که هر يك دو فقره را صلاح دانند در حق مشارالیه مجری فرمایند مایه تشکر و مثل این خواهد شد که در حق فدوی مبذول فرموده اند و یقین بدانند که میرزا احمدخان بهمه جهت شایسته است و استحقاق این گونه التفات را بهم رسانیده است و هرچه در باره مشارالیه بشود بهدر نخواهد رفت و الا فدوی هرگز این جسارت را نمی کرد.

با چاپار گذشته عرض کرده بوم که لشگر روس قلعه قارص را محاصره نموده عنقریب آنجا را خواهد گرفت. چنانچه عرض شده بود هفت و هشت روز بعد از عزیمت چاپار مزبور روسها بقمهر و غلبه قارص را گرفتند و از قراریکه معلوم میشود پنجمزار نفر از عثمانیها کشته و هفده هزار نفر هم با سرکرده و صاحب منصب اسیر کرده اند و بقدر سیصد عراده توپ و اسلحه زیاد با قورخانه و جبه خانه و آذوقه و تنخواه نقد هم که در قلعه قارص بود به تصرف روس آمده و حالا بعد از تسخیر آن قلعه و همه آن غنائیم يك قسمت از لشگر خود را برای محافظت آنجا گذارده و قسمت دیگر را بسمت ارزنة الروم فرستاده است. چنانکه مذکور شد طولی نخواهد کشید که این شهر نیز بحیطه تصرف لشگر روس خواهد آمد. در سمت بولکارستان بجز تسخیر اتروپول که در

قرب اورکانیه است و روسها در همین روزها بغلبه گرفته اند و واقعه دیگر که اهمیت داشته باشد رو نداده است ، اما محقق است که لشکر روس که دور و بر عثمان پاشا را بقسمی احاطه نموده است که دیگر نمیتواند از پلونا بیرون بیاید و از قراریکه مذکور میشود باید عثمان پاشا تسلیم بشود و یا اینکه از میان روسها که اطرافش را گرفته اند بگذرد ، اما روسها استحکامات زیاد در دور پلونا ساخته اند . با وصف این احوال هرگاه از خارج یعنی از طرف صوفیه از جانب محمد علی پاشا و شوکت پاشا امدادی باو نرسد کاروبار او خراب است . سایر دول از حالت بی طرفی خارج نشده اند و در نیست صربستان دوباره خود را داخل جنگ نماید و از قراریکه معلوم میشود طولی نخواهد کشید که با دولت عثمانی بمقام مبارزه خواهد برخاست . دولت یونان هم نمیخواهد آرام بنشیند و هرگاه دولت انگلیس مانع نبود تا بحال صد دفعه خود را داخل جنگ کرده بود . حالاهم با وصف این احوال هیچ معلوم نیست که دولت یونان بالاخره خود را داخل جنگ ننماید . در میان دول فرنگستان فقط دولت انگلیس از دولت عثمانی اظهار جانبداری مینماید و از قراریکه معلوم میشود هر وقت از اوقاتیکه عثمانیها شکست میخورند رجال دولت انگلیس یعنی آن اشخاصیکه عثمانی دوست اند تقریرها بیان میکنند که باید چنین وچنان کرد و نگذاشت دولت روس قلعجات و خاک عثمانی را متصرف بشود . اینها همه بحرف گفته میشود اما وقتیکه کار بفعل میرسد هیچ معلوم نیست که دولت انگلیس برای حفظ ممالك دولت عثمانیه و استقلال آن دولت خود را بمهلکه خطر بیندازد و خون ملت را در راه عثمانیها بریزد و خرج نماید . خلاصه این مسئله روز بروز مشکل تر میشود و

مادامیکه آلمان با روس متفق است احدی را قدرت آن نخواهد بود که با روس زور بگوید. در این روزها در میان مردم و در روزنامه‌ها مذاکرهٔ مصالحه هست، اما یقین بدانند تا دولت روس کار را یک طرفی نکند و دولت عثمانی را بالکلیه مضمحل ننماید اقدام به مصالحه نخواهد کرد. اصل مطلب همین است که عرض شد.

اوضاع داخله فرانسه در این روزها خیلی پریشان و مختل است. وکلای ملت در مجلس پارلامنت چنانچه بعرض حضرت اشرف ارفع رسیده است دوتیره‌اند که عبارت باشد از قونسرواطور و رادیکال. عدد رادیکالها کمافی‌السابق از قونسرواطور بیشتر است و حرف ایشان این است که چونکه مارشال مجلس سابق را باطل کرده و کار را دوباره بملت رجوع نمود که در میان ما او حکم باشد و چونکه ملت ما را منتخب کرده و میخواهد در فرانسه جمهوری برقرار و ادارهٔ امورات در ید تسلط ما باشد لهذا باید همه کارها با ما باشد. از این جور حرفها زیاد میزنند، اصل خیال آنها این است که هر يك از آنها بوزارت و باقتدار برسند. بنا به چنین احوال آنچه از دست آنها برمی‌آید به قونسرواطورها که طرف مارشال مکماهون را دارند اذیت میکنند و این جور دوات را قبول ندارند و برسر مارشال هم بلاهامی‌آورند و او را زیاد از حد اذیت میکنند. وزرای سابق نتوانستند در جای خود بمانند و لابد و ناچار استعفا دادند. حالا مارشال وزرای دیگر از خارج گرفته بجای آنها تعیین کرده است. اما اینها را و خود مارشال را نمیخواهند و میگویند باید وزرا از میان خودمان منتخب بشوند و چون ملت ما را برگزیده است رتق و فتق امورات و حکمرانی باید با ما باشد. حالا هم رادیکالها يك کمیسیون تعیین نموده اند و میخواهند

اجزای آن کمیسیون بهمه ممالك فرانسه برونند و تحقیقات لازمه در وضع انتخاب مبعوثان که شده است بعمل بیاورند تا معلوم و ثابت بشود که از جانب کار گزاران دولت در آن باب تقلب شده است . مارشال هم باین معنی راضی نیست و قدغن کرده است بحرف اجزای کمیسیون مزبور گوش ندهند و سخت ایستاده است و نمیخواهد وزرای جدید را عوض بکنند . رادیکالها هم سخت ایستاده اند و ادعای خود را میخواهند مجری بکنند . يك حرف دیگر هم هست و آن این است که مارشال و قونسرواطورها میل دارند که دوباره مجلس پارلامنت یعنی مجلس وکلای ملت را برهم بزنند و مجدداً بانتخاب وکلای دیگر اقدام شود . خلاصه کارها بجای خیلی نازک رسیده است و هرگاه اختلاف آراء که در میان است اصلاح نیابد و یکی از این دو طرف بطرف مقابل تمکین نکند شورش عظیمی برپا خواهد شد و هرگاه شورش بشود هیچ معلوم نیست مارشال برادیکالها فایق بیاید یا خیر . هرگاه کل قشون فرانسه با مارشال باشد معلوم است فتح خواهد کرد و کار خود را از پیش خواهد برد ، ولی از قراریکه مذکور میشود در میان قشون هم تفرقه هست بعضی مارشال را میخواهند و برخی طرف جمهوری را دارند و هرگاه این طور باشد هنگامه بزرگی برپا خواهد شد . از حالا اعتقاد مردم بر این است که طول نخواهد کشید که اوضاع شورش برپا خواهد شد تا خدا چه مقدر کرده باشد .

۲۳ شهر ذیقعدة الحرام ۱۲۹۴

عریضجات مورخه ۷ شهر ذی الحجه الحرام ۱۲۹۴ نمره ۱۲۲ مشتمل بر دو طغرا

خداوندگارا از قراریکه می شنوم پاکت عریضجاتیکه با چاپار فرانسه وانگلیس ارسال دارالخلافه میشود خیلی دیر میرسد، اما برخلاف آن نوشتجاتیکه بتوسط پست ایران میفرستم زودتر واصل میشود . بنا براین احوال عزم خود را جزم کرده ام که

بعد از این عریضجات خود را در صورتیکه ماذونم فرمایند به پست بفرستم و انشاءالله بیعیب خواهد رسید. روزنامهها را نیز با پست خواهم فرستاد. علی الحساب دونمره مموریال دیپلماتیک را با پست امروز فرستادم. از خبرهای جنگ که خیلی اهمیت داشته باشد خبر فتح پلونا است که دوسه روز قبل با چهار صد عراده توپ و پنجاه هزار نفر لشکر بحیطه تصرف روسها افتاده است. تفصیل این مقدمه در پارچه روزنامه استافت و فیگارو که قیچی شده و لفاً انفاذ میشود مختصراً نوشته شده است و از قراریکه معلوم میشود کار عثمانیها بعد از این روز بروز خرابتر خواهد شد. زیرا که حالا روسها همه آن لشگری را که در دورپلونا داشتند بر سر شاکر پاشا و سلیمان پاشا خواهند فرستاد و باین واسطه عرصه رابعثمانیها تنگ خواهند کرد تا خدا چه مقدر کرده باشد. از اوضاع امورات داخله دولت فرانسه آنچه واقع شده بود با چاپار گذشته فرستاده ام از آنوقت تا بحال کارها روز بروز بدتر میشود و اوضاع بطوری فراهم آمده و می آید که بهیچوجه من الوجوه اصلاح پذیر نیست و فیما بین مارشال و رادیکالها آشتی نشده و نخواهد شد سهل است که هر روز میانه آنها با هم بدتر میشود و کارها بجای خیلی نازک رسیده است و اعتقاد مردم کما فی السابق بر این است یا باید مارشال بحرف رادیکالها تمکین بکند و یا اینکه استعفا بدهد و هرگاه از این دو فقره یکی را نکند یا اغتشاش کلی برپا خواهد شد و یا اینکه بیچاره مارشال را از ریاست معزول خواهند کرد. در روزنامهها ضرب زیاد از او میگیرند. من باب نمونه يك فصلی را که در ندامت آن بیچاره نوشته اند لفاً میفرستم بعد از ملاحظه معلوم خاطر بندگان عالی خواهد شد که بچه درجه در حق او جسور شده اند و چه ها نسبت باو میگویند.

* * *

در این روزها عالیجاه مسیود و بلواشارژ دافر سابق دولت فرانسه باین سفارتخانه آمده در بین صحبت اظهار داشت که پیش از حرکت از دارالخلافه بحضور حضرت اشرف ارفع بندگانعالی مشرف شده از برای بعض از صاحب منصبان وزارت امور خارجه فرانسه و غیره ده قطعه نشان استدعا کرده بودم و از آنجائیکه حضرت اشرف نهایت لطف رانسبت بمن داشته وعده صریح فرمودند که فرامین نشانهای مزبور اعطا و بعد از حرکت من پشت سر بتوسط سفارت فرانسه انفاذ پاریس خواهد شد. بنا بوعده که فرموده بودند بمحض ورودم بپاریس بهمۀ آن اشخاصیکه نشان خواسته بودم اطلاع دادم که فرمان شما قبول شده عنقریب میرسد و تبلیغ خواهد شد. اما از قراریکه حالا می شنوم گویا حضرت اشرف ارفع بعهد خود وفانکرده و می خواهند پنج فرمان مرحمت فرمایند و من هرگز پنج فرمان قبول نخواهم کرد. اگرچه هنوز باین حرف نمی توانم باور بکنم ولی چون این کار خیلی بتعویق افتاده است بسیار ممنون میشدم که جواب صریحی در این باب برسد تا جواب حضرات را بدهم. قبل ازاینکه مشارالیه این اظهارات رانماید در وزارت امور خارجه نیزیک چنین ذکر کرده بودند. بنابراین احوال لازم آمد که مراتب را بعرض بندگانعالی برساند و ضمناً عرض بکند که هرگاه چنانکه مسیود و بلوا میگوید اعطای آن ده طغرا فرمان بطور صریح وعده شده است البته صلاح در این است که مرحمت شود والا وعده شده است و مرحمت نشود اثر بدخواهد بخشید و بی جهت دشمن زیاد پیدا خواهد شد. چون شیوۀ فدوی این است که در اصلاح کارها و فراهم آوردن اسباب اتحاد جهد و اهتمام زیاد دارد لهذا لازم میدانم عرض بکند در صورتیکه وعده ده نشان شده است همه مرحمت و باین واسطه رفع کدورت از میان برخواسته بشود بهتر و بصلاح نزدیک تر است والا اسباب رنجش خواهد شد. خلاصه برای رفع این علت اعتقاد

فدوی این است که آن ده نشان حسب الوعده همه مرحمت شود والا هرگاه تخفیف در آن داده بشود قبول نخواهد شد و اسباب کدورت برپا خواهد شد .

۷ شهر ذی حجة الحرام ۱۲۹۴

عریضجات مورخه ۲۱ شهر ذی حجة الحرام ۱۲۹۴ نمره ۱۲۳ مشمل بر دو طغرا

خداوندگارا در هفته گذشته در عمارت الیزه بشام موعود بودم . همه سفرای کبار و چند نفر هم از وزرای مختار و وزیر امور خارجه جدید نیز در سر شام حاضر بودند . جناب مارشال مکماهون که با فدوی یکنوع مهربانی دارد در آن شب بقدر يك ربع ساعت با فدوی متکلم شده از سفر اعلیحضرت اقدس همایونی روحنا فداه جویا شدند . وزیر سابق تجارت و فلاحه هم در نزد ما ایستاده اونیز بعضی سئوالات میکرد . تفصیل احوال این مسافرت همایونی را چنانچه در عرایض سابق معروض داشته ام مفصلاً و مشروحاً بیان نموده گفتم که این سفر که من غیر معروف خواهد بود به پیچوجه مدخلیت بسفر سابق نخواهد داشت . در آن سفر حواسها مشغول تشریفات بود و فرصت نبود که باوضاع فرنگستان بدقت غوررسی شود ، اما در این سفر خیالها جمع است بر اینکه بمعنویت امورات و اوضاع صنعت و اساس علوم و وضع بناهای فواید عامه رسیدگی شود و نتیجه آنرا حاصل نموده از این محسنات و ترقیاتی که در وضع علوم و صنایع اروپا شده است ایران را نیز بهره مند نمایند و در اصلاح امورات داخله تغییرات کلی بدهند و از این قبیل چیزها خیلی به آنها گفتم و مخصوصاً فرمایشات همایونی را که بجناب مسیو منیه در باب این سفر خطاب شده بود خاطر نشان ایشان نمودم . از این تقریرات فدوی محفوظ می شدند . یکدفعه مسیوفای وزیر سابق فلاحه پرسید اعلیحضرت شاهنشاهی در کجا منزل خواهند فرمود . فدوی هم بی تأمل

در جواب گفتم شماها باید بهتر بدانید. همین که دیدم هر دو از این جواب دست پاچه شدند گفتم در حقیقت از این جزئیات اطلاع درستی ندارم ولی جناب امین‌الملک وزیر رسایل که برای تهیه لوازم مقاصد شاهانه در ترتیب منازل و راه آهن مأمور فرنگستان شده اند دستور العمل کافی در دست دارند و از قراریکه از برلن اطلاع داده بودند روز جمعه ۲۱ و یا اینکه روز شنبه ۲۲ ذی حجه وارد پاریس خواهند شد و آنوقت این همه مسئله ها معلوم خواهد شد. بازفای پرسید که این دفعه هم مثل سفر سابق جمعیت زیاد در رکاب همایونی خواهد بود. گفتم خیر آنوقت بقدر هفتاد و هشتاد نفر بودند حالا منتها از همه بابت بقدر پانزده یا بیست نفر خواهند بود. هر دوشانه ها را بالا برده سر تکان دادند و مسیوفای گفت باز زیاد است. گفتم در حقیقت هنوز درست اطلاع ندارم اما اسباب این سفر بطوری فراهم خواهد آمد که جنجال نباشد و خاطر همایونی از همه بابت آسوده باشد. حرف در همین جا ختم شد. بعد در همان شب با جناب عارفی پاشا آشنائی حاصل شد. اخلاص غریبی بحضرت اشرف دارد. بعد از تعریف و توصیف زیاد از شخص بندگانعالی از حالت محبت آمیز دولت علیه نسبت بدولت عثمانیه ذکری نموده زبان تشکر را گشود. گفتم البته اقتضای دوستی همسایگی و جهت اسلامیة همین بود که دولت علیه ایران بعمل آورد. از این حالت اتحاد خیال دیگر نداشته و نخواهد داشت و انشاء الله بعد از این قدر چنین دولت دوست و صدیق را بهتر از سابق خواهند دانست. در این گفتگو بودیم که جناب پرنس اورلوف رسید، بیچاره عارفی پاشا بمحض رویت او خود را کنار کشید. قدری با پرنس اورلوف صحبت کردیم. بعد مجلس بهم خورد و بیش از این تازه که قابل عرض باشد اتفاق نیفتاد که بعرض آن جسارت شود.

از اوضاع جنگ چیزی که قابل عرض باشد این است که صربستان دوباره بادولت عثمانیه اعلام جنگ نموده و باتفاق لشگر

روس وافلاق بغدادان حرکت مینماید. خبر دیگر این است که سلطان روم بدولت انگلیس ملتجی شده خواهش کرده است که در میانه او، دولت روس واسطه مصالحه بشود ودولت انگلیس هم درکار حاصل کردن استمرراج است، اماگویا دولت روس باین زودیها وبه آسانی مصالحه را قبول نخواهدکرد، مگراینکه هرچه میگوید قبول شود و معلوم است حرف دولت روس این خواهد شد که بلکارستان و روم ایلی ازتحت تصرف عثمانی بالکلیه خارج واین دو مملکت بیکی از شاهزاده های روس ویایینکه آلمان تفویض وواگذار شود و آن شاهزاده بهممه جهت مستقل باشند. در طرف آری نیزارمن زمین که دراین جنگ بقمهر وغلبله بتصرف آمده است ازبابت خسارت جنگ دردست آنها بماند. کاروبار داخله فرانسه هم بیک طوری وصله شد باین معنی که وزرای ثانوی که ازجانب رادیکالها قبول نمی شدند مجبوراً استعفا دادند و مارشال مکماهون لابد و ناچار بر رادیکالها تمکین و وزرا درمیان آنها منتخب شده از روزی که این کار باین طور گذشته است رادیکالها آرام شده اند، اما حالا قونسر- واطورها با مارشال مدعی شده اند ودر روزنامه ها ودر مجالس از او بد میگویند. خلاصه حالا کار داخله بیک طوری اصلاح شده است که خللی باوضاع اگسپوزیسیون نرسد. لکن بعد از اگسپوزیسیون بازهم هنگامه درمیان این فرقها برپا خواهد شد.

۲۱ شهر ذی حجة الحرام ۱۲۹۴

عریضجات ۱۵ شهر محرم الحرام ۱۲۹۵ نمره ۱۲۴ مشتمل بر پنج طغرا

خداوندگارا بعد ازوصول دستورالعمل که بموجب تلگرافنامه که در ۳ شهر حال بجناب فخامت نصاب امین الملك رسیده بود، قرار شد کاغذی بوزارت امور خارجه نوشته ووقت ملاقات بخواهیم. از وزارت مزبور جواب رسیدکه دریوم چهارشنبه ۹ ژانویه که مطابق

پنجم محرم الحرام است در ساعت يك تايك و نیم از ظهر گذشته جناب مسیو دادنکتون وزیر امور خارجه جدید فرانسه شما و جناب معزی الیه را خواهند پذیرفت. در همان روز و در ساعت معینه رفتیم، بمحض ورود یکنفر از نوکرهای وزارت امور خارجه بدم در کالسکه آمده خبر داد که وزیر را مارشال خواست اما زود مراجعت خواهد کرد. ما هم از کالسکه پیاده شده بقدر سه ربع ساعت منتظر شدیم. مسیو مولارایشیک باشی عذرها خواست. اما دیدیم انتظار حاصلی ندارد و دوباره به سفارتخانه مراجعت نمودیم. آنروز و فردای آنروز از جناب دادنکتون خبری نرسید و عذر این طور رفتار خواسته نشد. بعد از آنکه کار باینجا رسید قرار شد که شب پنجشنبه ۶ این ماه به شب نشینی جناب مارشال مکماهون بروم و حال و کیفیت را بخود ایشان اظهار نمایم. بدبختانه آن شب بجهت وفات پادشاه ایتالیا پذیرائی و شب نشینی موقوف شده بود. بنا بر این احوال بوزارت امور خارجه رفته مسیو لی برستن را خواستم و شرح احوال و قبح این حرکت وزیر امور خارجه را باو حالی نمودم. در جواب گفت شما نباید اوقات خود را باین چیز جزئی تلخ کنید. وزیر امور خارجه و سایر وزرا و رجال دولت همه بواسطه وفات پادشاه ایتالیا و اغتشاش امور داخله بسیار پریشان اند و هیچ تکلیف خود را نمی دانند. وزیر امور خارجه و سایر وزرا دیروز دومرتبه از جانب مارشال طلبیده شده و در باب امورات داخله و خارجه و بجهت وفات پادشاه ایتالیا شورا داشتند و بهمین علت فرصت نکرده اند جواب بشما بنویسند. بعد گفت شما قدری تأمل نمائید تا اصل حقیقت را بشما بگویم. رفت به کابنت بعد از چند دقیقه مراجعت نمود گفت همان طوری که گفته بودم شما را فراموش نکرده اند و فردا کاغذ بشما میرسد و وزیر امور خارجه شما را و جناب امین الملک را خواهند پذیرفت. همین طور هم شد و موافق تعیین وقت سه ساعت از ظهر گذشته بوزارت امور خارجه و بخدمت جناب دادنکتون رسیدیم. از کیفیت آن روز

افسوسها اظهار کرد و بعد از تعارفات رسمیه جناب امین‌الملک بعبارات خیلی شایسته و مستحسنه این مسافرت دویم اعلیحضرت قدر قدرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه را که من غیر معروف سمت انجام خواهد پذیرفت بیان نمودند. جناب مسیو دادنکتون بیانات جناب معزى‌الیه را بدقت گوش و تصدیق نموده همین قدر سؤال کردند که اعلیحضرت شاهنشاهی از دارالخلافت کی نهضت خواهند فرمود و در کدام ماه وارد پاریس خواهند شد. در جواب همینقدر گفتند اگرچه سکون و حرکت سلاطین را خاصه در این اوقاتیکه این همه حوادث در اروپا روی داده و میدهد بطور صریح نمی‌توان تعیین کرد ولی از قراریکه امر و مقرر شده است در اول سال پارس نیل از طهران بمسافرت فرنگستان عزیمت خواهند فرمود و تقریباً دوماه بعد از آن وارد پاریس خواهند بود. بعد، از مسافرت خود جناب امین‌الملک مذاکره و در جواب همینقدر گفته شد که بعد از دوسه روز دیگر عزیمت بلندن خواهند کرد و بعد از يك هفته توقف در آنجا دوباره بپاریس مراجعت خواهند نمود. جناب دادنکتون این سئوالات را بطوری میکرد که گویا خیال دارد که بعد از معاودت از لندن، جناب امین‌الملک را بشام دعوت نمایند. در وقت وداع وزیر خارجه ما را تا اطاق سیم‌مشایعت نمود و از وقت ورود بوزارتخانه الی خروج از آنجا در کمال احترام و مهربانی باما حرکت نمود. البته جناب امین‌الملک تفصیلات را واضح‌تر و فصیح‌تر بعرض حضور رسانیده‌اند. زیاده در این باب مطلبی نبود که بعرض آن جسارت رود.

از یکماه ونیم متجاوز است که عریضجات و روزنامه‌جات مموریال و اروپ دیپلوماتیک را بتوسط پست ایران میفرستم. انشاءالله بی‌عیب رسیده و خواهد رسید. اخبار متفرقه در جزو آن دوروزنامه مندرج است و بعد از ملاحظه آنها از وضع پولتیک

دول فرنگستان و از حوادث اتفاقیه و از جزء و کل امورات دولتی اطلاع کامل میتوان بهم رسانید . اما چیزی که در این روزها واقع شده و دولت فرانسه را به تشویش انداخته است وفات ویکتور امانوئل است . از قراری که معلوم می شود آن مرحوم دولت فرانسه را دوست می داشت ، اما بر خلاف آن پرنس هومبر و لیمپد ایتالیا که بجای پدرش پادشاه است با دولت آلمان خیلی دوست است و با دولت فرانسه میانه ندارد . هرگاه اینطور باشند کلکی برای فرانسها خواهند چید . برای تشییع جنازه ویکتور امانوئل از جانب دول اروپا مأمور مخصوص به روم رفته بود . از جانب نمسه پرنس رنیه عموی امپراطور اتریش هونگری و از جانب آلمان پرنس امپریال و از جانب دولت فرانسه مارشال کاروبر را مأمور کرده بودند . خلاصه خیلی اوضاع بزرگ برای کفن و دفن او فراهم آورده بودند . در پاریس هم تبعه ایتالیا يك اوضاع خیلی مجللی در کلیسای مادرین برای اجرای نماز فراهم آورده و از همه مأمورین خارجه و از وزرا و از کارگزاران داخله دعوت کرده بودند و همه آمده بودند و اوضاع نماز خیلی باشکوه بود . از اوضاع جنگ همینقدر عرض میکنم که روسها در همین روزها از تنگه شبکا گذشته و بقدر بیست و هشت هزار نفر از عثمانی اسیر و بقدر شصت عراده توپ از آنها بغنیمت گرفته اند و حالا از طرف صوفیه و شیکا بسمت فلیوپولی و ادرینه میروند و گویا در آنجا هم عساکر عثمانی نتوانند دم آنها را بگیرند . کار برای عثمانیها خیلی تنگ شده است . متوسل به متارکه گردیده اند ، اما دولت روس تا اساس و بنای حقوق مصالحه را نگذارد متارکه را قبول نخواهد کرد . پارلامنت انگلیس هم دو روز است باز شده ، ملکه تقریری کرده و خرج برای تدارك لشکر خواسته است ، حالا معلوم نیست خیال دارد با روس بجنگد و یا اینکه برود او هم يك جای از خاک متعلق بدولت عثمانی را متصرف بشود . اصل تقریری

ملکه در مموریال دیپلوماتیک مندرج است و با پست امروز بحضور حضرت اشرف انفاذ میشود. در همین ساعت که سر پاکت را می‌بستم تعلیقه جات مورخه ۵ ذی‌حجه که به افتخار فدوی شرف‌صدور یافته بود زیارت و محض اطلاع عرض شد.

از روزیکه جناب فخامت نصاب امین‌الملک به پاریس تشریف آورده‌اند، شب و روز با هم هستیم و چنانکه بموجب تعلیقه مورخه ۱۳ شهر شوال که به افتخار فدوی صادر شده و مصحوب جناب معزی‌الیه شرف‌وصول ارزانی داشت امر و مقرر شده بود همه اوقات و خیالات خود را در راهنمایی و موافقت بعمل آورده و خواهد آورد که در هیچ نکته از نکات منظور جناب معزی‌الیه و لازمه مقاصد همایونی فروگذار نکرده و نخواهد کرد و انشاءالله در جمیع امورات بطوری سعی و اهتمام خواهد شد که باعث روسفیدی جناب معزی‌الیه و فدوی در خاکپای مرحمت اقتضای مبارکه اقدس همایون شاهنشاهی روحافاده گردد اما از جهت دیگر لازم میدانم عرض بکنم که در باب مصارف و مخارج این سفر باید طوری اسباب آنرا فراهم آورد که در نظرها خیلی جلوه و دلالت براین بکند که خواه مهمان خودمان باشیم یا مهمان دیگران هیچ چیزی را برای عظمت شأن خودمان از خود مضایقه نداریم. خلاصه حالا که مهمان خودمان هستیم باید این سفر خیلی باشکوه و مجلل باشد. این است اعتقاد مردم ایران دوست و انشاءالله همینطور خواهد بود. جناب امین‌الملک هم در روز چهارشنبه ۱۲ شهر حال به لندن تشریف بردند و گویا بیش از یک هفته در آنجا نخواهند ماند و دوباره پاریس مراجعت خواهند کرد.

کارهای اگسپوزیسیون ما خیلی بعقب افتاده است، هر چه داد و فریاد کرده و میکنیم احدی بحرفم گوش نمیکند و وجومات

نمی فرستد و هرگاه در این روزها تنخواه نرسد بطور صریح عرض میکنم که عمل بنائی عمارت و جا و مکان امتعه بطوری بعهده تعویق خواهد افتاد که خدانخواسته از برای دولت و ملت ایران اسباب خفت و افتضاح برپا خواهد شد . اگر فرستادن وجوهات مشکل بود از اول نمی بایستی اقدام باین کار کرد و الا هرگاه حالا این بنائیمها را نصفه کاره بگذارند اسباب رسوایی برپا خواهد شد . پریروز مسیو برژ که عمل دول خارجه با اوست کاغذی بجنرال قونسول دولت علیه در این باب نوشته بود که از خواندن کاغذ مشارالیه خیلی متأثر شدم و لازم دانستم که کاغذ او را عیناً در لف همین عریضه انفاذ حضور نمایم و بیش از این در این باب جسارت نورزد .

چند روز قبل نایب اول سفارت ایتالیا باین سفارت خانه آمده اظهار داشت که مادام کارلاسرنا از نجبای ایتالیا است و چند ماه است روانه ایران شده و در دارالخلافه طهران اقامت دارد ، چون در ایران سفارت نداریم از جانب دولت متبوعه خود مأموریت دارم که از جناب شما تمنا نمایم که سفارش او را در خدمت اولیای دولت علیه ایران بنویسید و استدعا بکنید که از او حمایت نمایند که بهممه جهت آسوده باشد . گفتم اگرچه اهالی خارجه در ایران محترم اند و اولیای دولت و اهالی نسبت به آنها نهایت جانب داری را میکنند اما محض اظهار شما عریضه مخصوصی بحضور حضرت اشرف ارفع بندگان عالی در باب سفارش مادام کارلاسرنا معروض خواهم داشت و از حالا بشما اطمینان میدهم که نهایت رعایت در حق مادام مزبور خواهد شد . چون عرض این مطلب لازم بود بجسارت آن اقدام نمود .

۱۵ شهر محرم ۱۲۹۵

عریضجات ۱۱ شهر صفر المظفر ۱۲۹۵ نمره ۱۲۵ مشتمل بر دو طغرا

خداوندگارا مقرب الخاقان میرزا جواد خان سرتیپ کمیسر جنرال اگسپوزیسیون دولت علیه در یوم جمعه ۲۸ شهر محرم وارد پاریس شده و بعد از ورود بلافاصله باین سفارت آمده و از فدوی دیدن کرد و فدوی نیز از مشارالیه بازدید نمود و چون معلوم شد که تنخواه معتنابه همراه آورده است، در همان روز ورود بمباشیرین یعنی بآن اشخاصی که مشغول ساختن عمارت ما هستند تاکید شدید شد که اسباب تمام کردن عمارت مزبور را بطوری فراهم بیاورند که انشاءالله پیش از عید سعید سلطانی ساخته و پرداخته و همه روزه به آنجا سرکشی میشود و چنانچه امر و مقرر شده است نهایت تقویت و جانبداری در پیشرفت امورات اگسپوزیسیون از بدو حال و بعد از این هم شده و خواهد شد و انشاءالله از اهتماماتیکه شده و میشود و از این توجه اولیای دولت علیه این عمارت در وقت خود با تمام خواهد رسید و ناتمامی نخواهد داشت، مگر در صورتیکه کاشی‌ها و در و پنجره که از ایران باید فرستاده شود در موقع خود برسد و الا هرگاه نرسد عمارت ناقص خواهد ماند. ولی خداوند وسیله ساز است و آن اسباب را با امتعه در موقع خود میرساند و رفع این علت هم خواهد شد. اما در باب جا و مکانی که برای امتعه ایران معین و مشخص شده است باوصف آن همه عرایض که در این مدت مدید در آن خصوص معروض داشته‌ام از جانب دولت علیه و جبهی برای ساختن آنجا معین و مقرر نشده است و حال اینکه چنانکه مکرر بعرض رسانیده‌ام هرگاه این جاها ساخته نشود دست ما خالی خواهد ماند و جایی نخواهیم داشت که امتعه خود را در آنجا جا بجا نمائیم. در اوایل یعنی در آنوقتیکه بنا بود برای هر یک از دولتهای مشرق زمین جا قسمت بدهند فقط برای ساختن قسمت خودمان شصت هزار فرانک برآورد کرده بودند، چون

این وجه خیلی گزاف بنظر آمد، کارگزاران ژاپون و ماروق و سیام و تونیس و برمان با ما متفق الرأی شده و مجلسها آراسته و تدبیرها بکاربرده و بالاخره معمار پیدا کرده و کار این شش دولت را باو محول نموده و به نود هزار فرانك مقاطعه داده که همه را معمار مزبور با آنوجه بسازد و باتمام برساند. حالا باین حساب قسمت خرج هر يك از این شش دولت پانزده هزار فرانك است و اینکه این خرج باینطور تخفیف یافت دلیل آن است که بعضی از دیوارها را بعوض گچ مالی یا زینت کاری بافرش یا پارچه دیگر از قبیل حریر و چیت قلمکار و غیره خواهند پوشانید که هم بنظر خریدار خوب دیده بشود و جلوه بکند و هم دیوارها را پوشانیده باشد. خلاصه هر چه هست خوب تدبیری است که باینطور مخارج ساختن جا و مکان امتعه را تخفیف کلی داده و بهمین واسطه خسارت زیاد بدولت نخواهد رسید. برای توضیح این مطلب لازم میدانم عرض بکنم که دولت فرانسه جارا برای گذاشتن امتعه بما مفت داده است و متحمل سقت کاری و استخوان بندی هم شده است، اما تخته بندی و روسازی و هزار خورده کاری های دیگر بر عهده ماست و باید آنها را بطوری بسازیم و سروصورت بدهیم که بتوان امتعه را در آنجا گذاشت. خلاصه در حق همه دولت ها باینطور رفتار شده است و مارا مستثنی نخواهند داشت.

ده دوازده روز است که مقدمات متارکه بامضای دولت روس و عثمانی در شهر ادرینه رسیده، تا بحال احدی از دول اروپا مداخله بامر متارکه و مصالحه ننموده اند. از قراریکه مذکور میشود دور نیست يك کنگره منعقد بشود. اما هنوز معلوم نیست کی و کجا واقع خواهد شد. دولت روس کار خود را از پیش برده و چون کمافی السابق

دولت آلمان با او متفق است خیال ندارد بحرف سایر دولتها تمکین نماید. علی الحساب آنچه از شرایط دولت روس بجهت انعقاد مصالحه شهرت کرده است، این است که اختیار حکومت و رتق و فتق امورات بولکارستان با خود بولکارها باشد بریاست يك شاهزاده که از خارج معین خواهد شد. رومانی و صربى مستقل باشند و من بعد باجی را که بدولت عثمانیه میدادند دیگر ندهند. از برای این دو دولت وعده توسیع مملکت هم شده است. قارص و اردهان و باتوم بدولت روس واگذار شود، ارزنة الروم و همه ممالك ارمن زمین هم در عوض غرامت جنگ در دست روس باشد تا دولت عثمانیه پانصد ملیون خسارت جنگ را که روس از او میخواهد کارسازی نماید و چون دولت عثمانی هرگز از عهده این غرامت نمیتواند برآید، ارمن زمین هم در دست روس خواهد ماند، يك شرط دیگر هم این که راه بوغاز و چناق قلعه سی برای کشتیهای روس باز بشود و البته شرایط دیگر هم هست اما هنوز شهرت نکرده است. عجالة این حرفها در میان مردم مذکور میشود و اگرچه بعضی شهرتهای دیگر میدهند که اتریش هونگری و دولت انگلیس از اجرای بعضی شرایط روس ممانعت خواهند کرد، ولی مادامیکه دولت آلمان بادلالت روس متمهد و متفق است احدى را جسارت ایراد نخواهد بود. از حالا میگویند که در عوض این همه خدمتها دولت روس ممالك فنلاند را که در کنار بحر بالتیک واقع و از قدیم در حیطه تصرف اوست بدولت آلمان واگذار خواهد کرد و حتی این حرف را نیز میزنند که دولت آلمان چشمش بر سر هولاند و دانمارك است و دور نیست عنقریب دست تصرف را بر سر آن دو مملکت بگذارد. خلاصه از وجنات امورات پولتیکیه چنان استنباط میشود که هیچ استعداد ندارد که آنچه در این عریضه عرض شد وقوع بیابد، تا خداوند چه مقدر

کرده باشد. حضرت پاپ هم در همین روزها مرحوم شد، علی الحساب اغتشاش رو نداده است. از حالا جمیع کاردینالها و ارشوکها به روم رفته و مشغول تهیه انتخاب و نصب پاپ دیگر هستند. جناب فخامت نصاب امین الملك یکماه تمام است که بلندن تشریف برده اند، از قراریکه اطلاع داده بودند باید در همین دو روز مراجعت نمایند. از وزارت امور خارجه فرانسه در باب انعقاد مجلس هر سه سال بسه سال باید در خصوص اصلاح و قرارداد پست در پاریس و در پایتختهای دیگر منعقد بشود، مراسله بقدوی نوشته بودند، سواد مراسله مزبور را اینک لفاً انفاذ میدارد و همینقدر عرض میکنم که اینگونه فرصتها را باید غنیمت شمرد و یکی از مأمورین دولت علیه را مأمور نمود که در در انمجلس که امسال در پاریس منعقد خواهد شد، حضور بهم برساند تا اینکه حق دخول دولت علیه باین قبیل مجالس و مجالس دیگر محقق و ثابت بشود و گاهست من بعد بدین واسطه خود را به کنفرانسهای دیگر هم داخل نمائیم و دولت خودمان را از منافع و فوایدی که از چنین مجلسها برای جمیع دول اروپا مترتب است بهره مند و بهره ور نمائیم.

۱۱ شهر صفر ۱۲۹۵

عریضه مورخه ۱۵ شهر صفر الهه ظفر ۱۲۹۵ نمره ۱۲۶ مشتمل يك طغرا

خداوندگارا دیروز شارژ دافر ایتالیا باین سفارتخانه آمده خواهش کرد که پاکت سر بمهر جوف را که لفاً ارسال میدارم با چاپار دولتی انفاذ دار الخلافه نمائیم که بخاکپای مبارک اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداء برسد. از تقریر مشارالیه و از مضمون سوادى که همراه آورده بود معلوم شد که ملفوف پاکت مزبور نامه دوستانه است که اعلیحضرت هومبراول پادشاه ایتالیا با اعلیحضرت

قدر قدرت شاهنشاهی نوشته، وفات پدر عزیز ویکتورامانوئل و جلوس خود را بتخت سلطنت اطلاع میدهد و در آنضمن از اثری که از این حادثه الم انگیز برای او و تمامی خانواده سلطنت و ملت ایتالیا رو داده است اشاره مینماید و یقین دارد که اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی در این مقدمه کدورت آمیز و غیر مترقب با او شراکت خواهند فرمود و چون از آنجائیکه موافق قانون مملکت و رسوم وراثت تاج و تخت سلطنت ایتالیا با او رسیده است اظهار امیدواری میکند که مبانی مودت و مصافحات را که فیما بین دولتین علیتین هست بیش از پیش مستحکم تر نماید و مراوده دوستی و یکجبهتی را وسعت دهد و اعتماد زیاد دارد که اعلیحضرت اقدس شهریار نیز در اجرای این نیت با او شریک خواهند بود. اصل نامه بزبان ایتالیائی نوشته شده است. چون سر رشته زیاد از آن زبان ندارم بهتر از آن نتوانستم از عهده ترجمه آن برآیم. اصل مقصود همان است که ترجمه شده است، اگر کم و زیاد داشته باشد خیلی کم خواهد بود. خلاصه چون تبلیغ این نامه از واجبات بود لهذا بتعجیل هرچه تمامتر با پیست همین روز انفاذ حضور گردید، البته نامه مزبور جواب لازم دارد هر وقت رسید بهر قسمی که امر و مقرر شود ابلاغ خواهد شد.

۱۵ شهر صفر ۱۲۹۵

عریضه ۲۱ شهر ربیع الثانی مشتهل یکطرفه بحضور جناب جلالت مآب یحیی خان معتمد الملک نایب وزیر امور خارجه و وزیر جنگ عرض شد

قربانت شوم بموجب عریضه و تلگراف مراتب تهنیت را در باب دو منصب جلیل وزارت جنگ و وزارت امور خارجه عرض کرده ام و حالا نیز تهنیت خود را تجدید میکنم و از درگاه خداوند متعال مسئلت مینمایم که روز بروز درجات و مراتب جناب بندگان عالی را زیاد کند و بر عزت و عظمت بیفزاید. دو طرفه تلگراف که یکی در باب نهضت موکب همایونی و دیگری در جواب تلگراف

تهنیت این کمترین فرستاده بودند واصل و زیارت شد . چند روز قبل براین يك تلگراف دیگر که سوادش را لفاً میفرستم خدمت جناب بندگان عالی معروض داشته ام . این فقره شورش سرباز و سنگ انداختن به کالسکه اعلیحضرت اقدس همایون روحنا فداه و بکالسکه وزرا و کشتن ده نفر سرباز و نسق ده نفر دیگر خیلی بد نما شده است . دراین باب در روزنامه ها معرکه میکنند . عجب تشریفاتی قبل از ورود فراهم آمده است ! من باب نمونه يك فصل از روزنامه مرسلینی را قیچی کرده و لفاً انفاذ میدارم . بعد از مطالعه معلوم خاطر بندگان عالی خواهد شد که این کار چه قدر بد اتفاق افتاده است . از قراریکه می شنوم در آلمان ویکجا هم ازاین بدتر می نویسد . خلاصه بد بهانه است که بدست مردم افتاده است . پوست مارا میکنند و خواهند کند و دور نیست که بعد از ورود موکب همایونی بدتر از اینها بنویسند . منتظر جواب تلگراف هستم . انشاء الله همینکه رسید از روی علم بتدارك رفع و دفع این تهمت ها خواهم افتاد . چنانکه بعرض بندگان عالی رسیده است کمترین را احضار فرموده اند که حسب الامر بزیارت خاکپای مبارك اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی تاو لادی قفقاز بروم و در همین دو سه روزه روانه خواهم شد . احتمال دارد که درایام این سفر نتوانم به آن طوریکه باید و شاید عرایض خود را بعرض حضور جناب بندگان عالی برسانم . از حالا عذر این قصور را می خواهم و تعهد میکنم که هر وقت از اوقاتیکه فرصتی بدست آمد در عریضه نگاری خودداری و فروگذاری نخواهد شد . روزنامه های مسمی بروزنامه مموریال واروپ دیپلماتیک را باسم جناب بندگان عالی میفرستم ، از مطالعه آنها حالت پولتیکیه حالیه بدست می آید . دولت انگلیس خیلی سخت ایستاده است و از قراریکه معلوم میشود تا اینکه در فصول عهدنامه سنت استفانو تغییر و تبدیل داده نشود از صرافت جنگ نخواهد افتاد . اعتقاد فدوی اینست که روسها گذشت خواهند کرد و بالاخره کار بصلح خواهد انجامید .

۲۱ شهر ربیع الثانی ۱۲۹۵

عریضجات مورخه ۲۶ شعبان ۱۲۹۵ نمرة ۱۲۷ مشتمل بر نه طغرا بحضور
حضرت اشرف سپهسالار اعظم بعد از مراجعت از سفر فرنگستان

خداوندگارا در باب عمل صاحب منصبهای نظامی و غیر نظامی
و پیغام بارون سلحه قیمت موزیک و تتمه قیمت ظروف چینی و بلور -
آلات فرمایش حضرت اشرف ارفع بندگانعالی و همچنین در باب
مخارج سفر روم و تلگرامهای ایت ئیل و وجوهات سنواتی و مصارف
سفر ولادی قفقاز و قیمت نشان مادام لامارشال مکماهون و نشانهای
که مسیوها له ساخته و فدوی به وین آورده بود، شرح مفصلی از وین
معروض داشته و از همانجا انفاذ دارالخلافه نمودم. البته تابحال
رسیده وقراری در انجام همه آن فقرات گذارده اند. حالا هم من باب
احتیاط و یادآوری باز هم با این چاپار مختصری در خصوص هر یک
از آن فقرات جداگانه معروض میدارم و مستدعی ام که التفات
فرموده قرار آنها را بطوری بدهند که از آن مرارت بیرون آمده
آسودگی حاصل نماید .

امروز چهارده روز است که از وین مراجعت نموده ام. بعد از
ورود بیاریس بقدر دو هفته مشغول انجام بعض کارهایی که در
ایام غیبت فدوی معوق مانده بود توقف نموده و پس از فراغت
بجهت نقاهت مزاج دونفر از اطفال و بواسطه نقاهت مزاج خودم
به ییلاق رفته و حالا هفت هشت روز است که در ویلر درکنار دریا
در یک خانه خوب ییلاقی جابجا شده و مشغول مداوای باشم و لله الحمد
بواسطه این چند روز استراحت احوال فدوی و اطفال رو به بهبودی
است. انشاء الله تا یک ماه دیگر که در اینجا خواهم ماند بکلی رفع
نقاهت خواهد شد و بعد از آن دوباره بیاریس مراجعت کرده بانجام
خدمات مرجوعه اشتغال خواهم یافت .

نشان مادام لامارشال مکماهون را رسانیدم. خیلی محظوظ شد و مخصوصاً خواهش نمود که مراتب امتنان و تشکر او را بخاکپای مبارک اعلیحضرت اقدس همایون روحنا فداه برسانم. درباب وجه قیمت نشان ایشان بمرارت افتاده ام. چون وجه نقد نداشتم سه ماهه نوشته دادم و حالا هرگاه چهارصد تومان قیمت آن نرسد فدوی را بمرافعه خواهند کشید. از برای خاطر خدا و پیغمبر مرحمت کرده وصول و ایصال این وجه را بطوری قرار بدهند که زود برسد و یقه فدوی از دست مسیو مایر خلاص والا هرگاه وجه قیمت نشان مادام لامارشال بموقع نرسد اسباب افتضاح برپا خواهد شد.

سه دست موزیک فرمایشی که هر دستش برای شصت نفر است حاضر شده است و صاحب کارخانه زورآورده است و وجه قیمت آنرا از فدوی مطالبه مینماید. مات و متحیر مانده ام و نمی دانم جواب او را چه بگویم. اصل قیمت آن سه دست موزیک قریب به سه هزار تومان است. بقدر یکصد تومان اسباب یدکی لازم دارد، هشتاد تومان هم مخارج صندوقهای حلبی و چوبی و باربندی خواهد شد و بعلاوه وجه کرایه هم باید بر آن سه مبلغ افزوده شود. دراین باب هم استدعا دارم مرحمت نموده قدغن فرمایند و جوهات لازمه را بفرستند که به صاحب کارخانه موزیک کارسازی شده و انفاذ دارالخلافه گردد.

ظروف چینی و بلورآلات فرمایشی نزدیک باتمام است و آنها را نمی گذارند از کارخانه بیرون بیاید تا تمامی وجه قیمت آنها کارسازی شود. دراین باب هم مجدداً مستدعی میشوم که تتمه وجه قیمت آنها را از روی همان صورت حسابی که در روی پاکت نوشته و از وین فرستادم حواله بفرمائید زود برسد تا اینکه در راه انداختن اسباب مزبور تاخیری واقع نشود.

(۱۶۱)

مخارج سفر روم و مصارف تلگرافهای ایت نل و خرج سفر ولادی قفقاز از قرار همان صورتی که پیش از حرکت ازوین داده بودم و بعد از آن در جزو عریضجات مورخه ۲۹ رجب ازوین فرستادم یکم هزار تومان است. مخارج بیست و شش روز وین هم بامخارج ایاب وذهاب، دوهزار و چهارصد و پنجاه فرانک شده است. استدعا دارم این وجه را نیز در جزو وجوهات دیگر بادوهزار و دو بیست تومان سنواتی مرحمت نموده، حواله فرمایند که زود برسد و بطلبکارها کارسازی و گریبان فدوی ازدست آنها خلاص شود.

در ضمن تعلیقه جاتی که مصحوب لوئی رسید بجناب نریمان خان اشاره شده بود که مبلغ هشت هزار تومان توسط حاجی رحمان فرستاده شد به نظر آقا خواهد رسید که از بابت قیمت اسباب کارخانه کار سازی شود، تابحال دیناری از آن بابت نرسیده و مسیو فابیوس معطل و بی کار مانده است. حالا باوصف این احوال نمیدانم تکلیف چیست. استدعا دارم تکلیف فدوی را در این باب معین فرمایند. مسیو فرمی سه پروژه نوشته و نزد فدوی فرستاده بود. هرچه نوشته است خیلی متین و موافق عقل است. آدم چیز فهم که طالب پیشرفت امورات است همین طور پروژه می نویسد و کار خود را از پیش می برد و از عهده تعهدات خود برمی آید. در باب پروژه مشارالیه باید کتابها نوشت، اما چون میدانم پای پول در میان است در خدمت اولیای دولت علیه این گونه مطالب پیشرفت ندارد. لهذا بار سال سواد آنها اکتفا نموده مستدعی می شوم که يك جوابی یا تصدیق یا رد بمشارالیه مرقوم فرمایند و این شخص بزرگوار را در انتظار نگذارند.

از خواستن پول منزجرم و میدانم که نباید با هر پست این قبیل مطالبات راذکر کرد، اما بدبختانه حالت مایبیچاره مأمورین بطوری افسرده و پریشان است که تکلیف مأموریت از دست رفته، اوقات شریفه را مشغول این گونه مزخرفات باید کرد.

يك روز که اعلیحضرت قدر قدرت اقدس همایون شاهنشاهی روحانفاده باگسپوزیسیون ولسکسیون پرو تشریف برده بودند در آنجا سنگ معدن سرب مخلوط به نقره دیده در همان مجلس فرمودند که مهندس آلمانی که تازه بایران آمده از آن سنگ معدن پیدا کرده و بطهران فرستاده و بنظر انور رسیده بود. بعد در وین فدوی را خواسته، مخصوصاً امر و مقرر فرمودند که يك پارچه از آن سنگ تحصیل نمایم و بدار الخلافه بفرستیم. فدوی بمحض ورود بیاریس باگسپوزیسیون و به آن سکسیون پرو رفته از همان سنگ، دو پارچه گرفتم. يك پارچه آنرا بتوسط وزارت امور خارجه فرانسه فرستادم و بایصال سفارت آن دولت مقیم دار الخلافه خواهد رسید. آن پارچه دیگرش را به عالیجاه یحیی بیك سلطان سپردم که هروقت شرفیابی بحضور مبارك حضرت اشرف ارفع بندگانعالی برساند، شرحی نیز در باب صفات آن سنگ نوشته و مصحوب عالیجاه مشارالیه فرستاده ام و سپرده ام که سنگ مزبور را باعریضه که معروض داشته ام هر دو را در یکجا برساند. جناب جلالتمآب معتمد الملک دام اقبال العالی در جواب روزنامه تایمس داده بودند در طهران شرحی بزبان فرانسه نوشته، نزد فدوی فرستاد تاکید فرموده بودند که بدهم در روزنامه های اینجا چاپ بزنند و انتشار بدهند. فدوی نیز دادم در روزنامه مونتنور که یکی از روزنامه های معتبر اینجا است چاپ زدند و اینک چند نسخه از آن روزنامه باهمین چاپار انفاذ میدارم. خیلی خوب نوشته بودند و در اکثر از روزنامه ها نقل شده است.

۲۴ شهر شعبان ۱۲۹۵

عریضجات مورخه ۱۶ شوال ۱۲۹۵ نمره ۱۲۸ مشتهل بر چهار طغرا

خداوندگارا بتاریخ چهارم این ماه اوکتوبر که مطابق پنجم شهر حال بوده باشد در باب عمل راه آهن و در جواب تلگرافنامه که از جانب حضرت اشرف ارفع بندگانعالی شرف صدور یافته بود، جواب مفصل هم از جانب فدوی و هم از جانب مسیوالیون انفاذ حضور شد. چون از آن تاریخ الی امروز جوابی نرسیده لازم آمد که سواد تلگراف مسیوالیون و خود این فدوی را که در آن تاریخ انفاذ شده است در جزو عریضجات امروز انفاذ حضور نموده، استدعا نمایم که يك جواب قبول یارد در این باب بدهند که مردم آسوده بشوند. مسیوالیون و شرکای او آدمهای معتبرانند و بنا بمضمون آن تلگرافهاییکه در دستگاه وزارت جلیله امور خارجه صادر شده است چنان استنباط کرده اند که اولیای دولت باین عمل راه آهن میل دارند و این عمل خواهد گذشت و بنا بر این احوال تدارك کار خود را بطوری فراهم آورده اند بمحض اینکه قرارنامه برسد در گذراندن این کار بهیچوجه معطلی نداشته باشند، باوصف این احوال و با وجود آن اعلام هائی که در باب امضا شدن قرارنامه از جانب حضرت اشرف بندگانعالی شده است، مات و متحیر مانده ام و نمی دانم چه طور شده است که این قرارنامه امضا شده را نمی فرستند، اگرچه در این باب اصراری ندارم اما از آنجائیکه می بینم مردم در انتظاراند و از این انتظار انزجار خاطر بهم می رسانند و می توانند کله خود را بخارج و داخل بکوبند و بدین واسطه اسباب بدنامی حاصل شود، لازم میدانم عرض بکنم که برای رفع این علت که بدترین علتها است چنانکه موقع ازدست نگذاشته است باید يك جواب رد یا قبول به آنها داده که آسوده بشوند و مارا هم آسوده بگذارند.

بمحض وصول برات سه هزار و هفتصد و هفتاد و سه لیره و یازده شلینگ و هشت پنس، همان ساعت برات مزبور را به عالیجاه مسیو

هرمان تسلیم نموده که بقبولی برساند و تا قبولی آن برسد علی الحساب مبلغی که از بابت بلور آلات و ظروف چینی و غیره لازم بود از مشارالیه گرفته و حق کارخانجات را داده و بلا تأخیر اسبابها را باربندی نموده نزد خیرالحاج حاجی محمد رحیم فرستاده و در زود رسانیدن آنها تأکیدات لازمه بحاج مشارالیه نموده ام. انشاء الله بسلامت میرسد و بمبارکی استعمال خواهد شد. عدد صندوقها شصت و سه لنگه است، باین معنی که پنجاه و سه لنگه بلور آلات است و نه لنگه ظروف چینی و یک لنگه کارد و چنگال و غیره است. سیاهه بلورها را که بچه ترتیب در صندوقها بسته شده اند، اینک لفافاً انفاذ حضور مینمایم و بنا بسفارش رئیس بکارا استدعا میشود که در وقت باز کردن صندوقها قدغن فرمایند بدقت باز شود که چیزی در میان لفافهای کاغذها نماند و بلورها نشکند. صورت خرید کارد و چنگال را نیز درجوف پاکت امروز میفرستم.

وجه برات سه هزار و هفتصد و هفتاد و سه لیره و یازده شلینگ و هشت پنس را که سه ماه بعد از رؤیت وعده دارد هنوز نتوانسته ایم تنزیل نمائیم و دلیل آن این است که در مدت همین ماه چند خانه بانك معتبر انگلستان ورشکست شده، از آنجمله یکی بانك کلاسکواست که چهل میلیون لیره یعنی دویست کروور تومان به باد فنا داده است و خانه اکثر ازبندگان خدا را بالکلیه خراب کرده است. چشم مردم از این حادثه ها ترسیده، این قبیل برات ها را قبول نمی کنند و می ترسند که خانه ذیکلر هم مثل آن خانه های بانکی ورشکست بشود. خلاصه بهر جا که میرویم این برات را و سایر برات مردم را نمی خواهند تنزیل نمایند. بخود ذیکلر هم تکلیف شد گویا قرار آنها بر این نیست که برات خانه خودشان را تنزیل نمایند. در هر صورت چنانکه مقرر فرموده اند مسیو فابیوس را تا سه چهار روز دیگر با ماشین الکتریسیته و ملزومات آن راه خواهم انداخت تا ببینم سایر

اسباب کار را بچه وسیله و بچه قسم باید راه انداخت. پول کم است و خرج زیاد، از قراریکه میگویند کرایه از اصل قیمت اسباب کار زیادتر خواهد شد باوصف این احوال نمی دانم تکلیف چیست .

از پنج قطعه نشان لژیون دونور که بنا به تکلیف کلنل روبر آجودان مارشال مکماهون بموجب سیاهه که بخط فدوی نوشته و حسب الامر نزد مشارالیه فرستاده شده بود، سه قطعه آن یکی از درجه دوم برای حضرت اشرف امجد والا شاهنشاهزاده ظل السلطان مدظله العالی و دیگری ایضاً در درجه دوم برای جناب معین الملک و سیمی از درجه چهارم برای مقرب الخاقان میرزا نصرالله خان از جانب دولت بمپیه فرانسه اعطا شد ولی نشان فدوی و نواب وجیه الله میرزا داده نشد. در حق فدوی میگویند حالا موقع نرسیده است، در وقتش داده خواهد شد، اما در باب نشان نواب معزی الیه بهانه که می آورند این است که از اجزای وزارت خارجه نیستند و خدمتی بدولت فرانسه نکرده اند که استحقاق لژیون دونور را بهم رسانیده باشند. گویا از قراریکه شنیدم از جانب مسیومنیه اطلاعات خواسته اند که نشان وجیه الله میرزا را بدهیم یا ندهیم و جناب مشارالیه گفته است من او را نمی شناسم و لازم نیست بکسی که معروف سفارت فرانسه نیست و خدمتی بدولت مانکرده است نشان داد. مسیومنیه کار را مغشوش کرده است والا میدادند. خلاصه هرچه اهتمام کردم نشد، جواب میکنند. خدا لعنت کند آدم بد نفس را. حالا دیگر این طور شده، چه باید کرد. هرگاه مأذونم فرمایند از دولت دیگر برای معزی - الیه نشان تحصیل خواهم کرد که درجه آن از درجه نشان لژیون دونور بالاتر باشد. منتظر اوامر حضرت اشرف امجد بندگانعالی هستم که از آن قرار رفتار نمایم .

۱۶ شهر شوال ۱۲۹۵

عریضجات مورخه ۱۷ شهر ذی القعدة ۱۲۹۵ نمره ۱۲۹ مشتمل بردوازده طغرا

خداوندگارا تعلیقه جات رفعت آیات مورخه ۲۸ شهر رمضان المبارک شرف وصول ارزانی، از زیارت آنها و از ظهور مراحم حضرت اشرف ارفع بندگان عالی در حق فدوی علی غیر النهایه مفاخرت و سرافرازی حاصل شد. در باب قیمت موزیک که مقرر شده بود تعیین و مشخص شود اگر چه از ییلاق یک مرتبه قیمت آنرا معروض داشته ام ولی بحکم ضرورت و بعد از تحقیق مجدد معلوم شد که چنانکه در عریضه سابق برحسب برآورد عرض شده بود، قیمت سه دست موزیک که هردستی شصت نفری بوده باشد، معادل بیست و نه هزار و یکصد و نود فرانک است، بقدر یک هزار فرانک هم اسباب یدکی لازم دارد. برای صندوق چینی و چوبی و باربندی نیز بقدر شصت الی هفتاد تومان خرج دارد، کرایه هم باید علاوه بشود، آنهم غیر معین است. در باب ایصال وجه مزبور استفسار فرموده بودند، معلوم است باید در پاریس نقد برسد. صاحب کارخانه را تا بحال بهر قسمی بوده ساکت کرده ام. خدا نخواست هرگاه بنای مرافعه را بگذارد، رسوائی عالم را خواهد گرفت و همه سعی و کوشش های ما در تحصیل نیک نامی و خوش حسابی بهدر خواهد رفت و دوباره دچار طعنه و هدف تیر ملامت خواهیم شد دیگر اختیار با اولیای دولت است.

در باب قیمت نشان مادام لامارشال مکماهون و در خصوص بعضی مخارج دیگر از قبیل تلگرافهای ایت تیل و مخارج سفر روم و ولادی قفقاز و وین و سناواتی و غیره امر فرموده بودند که تفصیلات را صورت صحیح نوشته بعرض برسانم ، اگر چه صورت حساب این قبیل مخارج را مکرر بعرض رسانیده ام ولی محض اطاعت اوامر عالیّه مجدداً همه مخارج مزبوره را فرداً فرداً در صفحات علیحده نوشته و با همین پست نزد عالیجاه مقرب الحضرت باباخان فرستادم که در موقع بعرض حضور مبارک برساند ، وحواله آنها را گرفته وجه مخارج مزبوره را زود وصول کرده بفدوی برساند . چون از بابت نرسیدن این قبیل مخارج خسارت زیاده فدوی رسیده و میرسد ، لهذا حضرت اشرف امجد بندگانعالی را بخداوند متعال قسم میدهم که برای خدا و پیغمبر بیش از این راضی بخانه خرابی فدوی نشده قرار وصول و ایصال این همه مطالبات را بطوری بدهند که بیش از این بعهده تعویق نیفتد و باعث خانه خرابی فدوی نشود .

چند روز قبل براین مسیو فرمی را دیده در باب سه پروژه خود جویا شد ، گفتم رسیده ولی در مجلس شورا بمذاکره نرسیده است ، انشاءالله عنقریب جواب کافی خواهد رسید . در باب یکصد و پنجاه هزار تومان که از بابت مخارج مهندسین و ادنستراتور قید کرده بود دولت علیه بدهد ، بمشارالیه حالی کردم که این تکلیف برای دولت علیه خیلی شاق است و مقبول نخواهد افتاد . گفتم در صورتیکه هر سه پروژه مرا قبول فرمایند ، مخارج حضرات را من از خودم میدهم و همه کارها را بدون کم و زیاد چنانکه نوشته و قید شده

است صورت انجام میدهم . خوب است حالا باو يك جواب داد
یا رد یا قبول .

راست است دولت تونس بدولت مستقله معرفی نشده است
ولی نشان آندولت که در همه جا معتبر و مقبول است ، در صورتیکه
اولیای دولت علیه نتوانند خود را بمبادله نشان با آن دولت راضی
نمایند اقلا استدعای مسیوژول دسپس را رد نفرمایند و در اعطای
نشان شیروخورشید یکی برای خود او و دیگری برای دماذ بيك
تونس مضایقه نداشته باشند . مسیوژول دسپس خودش و برادرش
آدمهای خیلی معتبر و صاحب اسم و رسم اند پسر بيك تونس هم
که جای خود دارد . بعد از آنکه چنین اشخاص طالب نشان شیروخورشید
باشند ، آنهم از درجه دویم چگونه میشود از آنها دریغ داشت ؟
اعتقاد بنده اینست که عنایت بشود ، مناسب تر است . هرچه در
این باب عرض شود ، عین جسارت است .

برای اجزای احتساب پاریس که در گراند هتل مشغول
خدمتگذاری بودند ، بنا باستدعای فدوی دو نشان عنایت و بعد از
مراجعت فدوی از وین تبلغ شد ، اما از قراریکه معلوم میشود دو
نفر دیگر بواسطه زحمت هائیکه کشیده اند ، استحقاق نشان
شیروخورشید را بهم رسانیده اند : یکی مسیوبریسو و دیگری
مسیولاندری است . استدعا دارم فرمان نشان این دو نفر را یعنی
اولی را از درجه چهارم ودویمی را از درجه پنجم مرحمت فرمایند .
هرگاه برای مسیوزیکو رئیس احتساب هم از درجه دویم مرحمت
شود خیلی بجا خواهد شد ، زیرا که در این سفر خیلی زحمت کشیده
و استحقاق بذل مراحم وعواطف ملوکانه را بهم رسانیده است .

ده دوازده روز قبل براین در عمارت ورسای مهمانی بزرگ داده بودند، کلنل لامورل را دیدم . بعد از احوال پرسی معلوم شد که مشارالیه را در اوایل همین ماه مهماندار حضرت ولیعهد سوئد و نروژ قرار داده بودند . از قراریکه میگفت در وقت رفتن از جانب آن دولت يك قطعه نشان و يك حلقه انگشتر الماس باو مرحمت شده است . از این حرف او چنان استنباط کردم که علاوه بر نشان شیروخورشید که از جانب دولت علیه باو عنایت شده ، منتظر ظهور مرحمتی دیگر هم بوده است . از جاهای دیگر هم شنیدم که موافق رسوم متداوله می بایستی يك یادگاری باو مرحمت شود ، حالا هم موقع نگذشته است می توان از ایران يك حلقه انگشتر که اقلاً یکصد و پنجاه تومان ارزش داشته باشد برای او فرستاد . در همان شب حضرت پرنس دکال ولیعهد انگلستان در آنجا تشریف داشتند با فدوی خیلی اظهار مرحمت کردند و بعد از استفسار از احوالات همایونی فرمودند در وقت عریضه نگاری مراتب مودت و سلام خالصانه مرا بخاکپای مبارک اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه برسانید عرض کردم اطاعت خواهد شد .

دروین برای مسیو هرز و برای مسیو مارتین نشان از درجه چهارم عنایت شد . فرمان این دو نفر تابحال نرسیده است ، هردو التماس دعا دارند و استدعا میکنند که التفات فرموده خود را در حق آنها دریغ ننموده فرمان آنها را مرحمت فرمایند . مسیو هرز کاغذی در باب فرمان خودش بفدوی نوشته است . اینك لفاً انفاذ میشود . چون هردو خدمتگذارند و در این مسافرت مصدر خدمات شده اند ، لهذا استدعا دارم که فرمان نشان هردو را مرحمت نموده ، انفاذ

فرمایند تا اینکه بتوانند نشان خود را استعمال کنند.

عالیجاه مسیوهرمان ویس قونسول دولت علیه از چهارده سال متجاوز است که بخدمتگذاری مشغول است و در اینمدت از خدمات مرجوعه آنی تغافل نورزیده و بهمه جهت استحقاق التفاتهای اولیای دولت علیه را داشته و دارد. چون مدتی است نشان از درجه چهارم باو رسیده است ، لهذا استدعا دارم که درجه نشان او را التفات فرموده ارتقاء بدهند، یعنی نشان از درجه سیم باو عنایت فرمایند .

از توجه و مرحمت حضرت اشرف ارفع بندگانعالی لئی ملازم این سفارت صاحب پنجاه تومان موجب شد و شب و روز دعا گواست. حالا برای تکمیل این مرحمت، استدعا دارد که موجب او در جزو مقرری و بابرات این سفارت از امسال بطوری صادر و حواله شود که دیگر در آینده از قلم نیفتد. امیدوارم که این استدعای او بمعرض اجابت رسیده مقبول خاطر خطیر حضرت بندگانعالی خواهد افتاد.

هنگام توقف موکب همایونی در پاریس، اعلیحضرت اقدس همایون روحنا فداه دو عراده کالسکه درسکسیون ایتالیا و چند پارچه بلور نفیس درسکسیون فرانسه انتخاب فرموده بودند. چون خارج کردن آن اسباب از عمارت اگسپوزیسیون برای آنها غیر مقدور بود ، نتوانستند در آنوقت اسباب منتخبه را تحویل دهند. حالا بلور فروش از جانب خودش و کالسکه ساز بنابسفارشنامه ایلچی ایتالیا به این سفارت آمده، اظهار کردند که اسباب منتخبه حاضر است. هرگاه رأی جهان آرا تعلق بابتیاع آنها گرفته و خاطر مبارك از آن میل اولی

منصرف نشده باشد، اسبابها را تاوقت وصول جواب این عریضه نگه خواهند داشت که ازقرار اوامرجهانمطاع رفتارشود.

اگسپوزیسیون در دهم این ماه نوامبر که مطابق چهاردهم شهر حال بوده است، بسته شده. پیش از بستن، امتعه دولت علیه بمسیومنیه جنرال قونسول دولت علیه تحویل شد که باطلاع مشارالیه حسب الامر اولیای دولت علیه بلا تأخیر در حراج فروخته شود. در این ضمن تلگرافنامه حضرت اشرف ارفع بندگانعالی که در جواب تلگراف فدوی فرستاده بودند رسید. بمحض وصول آن بموجب اشاره که فرموده بودند در تعجیل فروش مال دست نگه داشته، قرار شد که امتعه دولت بمرور یعنی بدفعات در ظرف دوسه ماه حراج شود و انشاءالله باین طور بهتر از طرز اولی در حراج بفروش خواهد رسید. معلوم است که در خدمتگذاری و صرفه جوئی نهایت جد و جهد خواهد شد که امتعه دولت در حراج خوب بفروش برسد و در فروش افراط و تفریط نشود، اما از قراریکه مذکور میشود و خود حضرت اشرف ارفع بندگانعالی عیناً ملاحظه فرموده اند این امتعه دولتی چندان امتیاز ندارد و هرگز یک ثلث قیمت خود را در نخواهد آورد، تا خدا چه تفضل و چه تقدیر کرده باشد. مقرب الخاقان میرزا جوادخان بعد از انجام کارهای محوله در همین چند روز چنانکه بموجب تلگراف امر شده است عازم و روانه ایران خواهد بود. نوشته که در باب تحویل امتعه لازم است در دست داشته باشد از جانب این سفارت بمقرب الخاقان مشارالیه داده خواهد شد.

دروین دو قطعه مدال طلا و دو قطعه مدال نقره برای اهل بولیس پاریس و یک نفر آدم وزارت امور خارجه استدعا کرده بودم و قبول

شده امیدوارم از درجه که مناسب شأن نواب معزی الیه بوده باشد، نشان برای ایشان تحصیل کرده، بفرستم. مقرب الخاقان میرزا جواد خان از ده روز متجاوز است از پاریس حرکت کرده، عازم شده است امتعه اگسپوزیسیون در منزل مسیومنیه جنرال قونسول دولت علیه امانتاً سپرده شده است و انشاءالله آخر اینماه که اول سال عیسویان است و بهترین موقعها است در هتل درواو که حراج خانه پاریس است شروع بحراج خواهد شد و معلوم است همینکه امتعه مزبوره بتمامه حراج شد حاصل فروش را بعرض اولیای دولت خواهیم رسانید. میرزا جوادخان که معادل بیست و سه هزار فرانک از بابت اگسپوزیسیون خرج کرده و از مسیومنیه قرض گرفته بود، پیش از حرکت از اینجا نوشته رد و بدل کرده است که وجه طلب مسیومنیه از قیمت امتعه مزبوره برسد. حالا معلوم نیست این اسبابها بچه قیمت بفروش خواهد رسید و چه قدر از فروش آنها عاید خواهد شد. خلاصه هرچه شد باید اول طلب مسیومنیه را داد. هرگاه زیادی ماند اضافه مال دولت است و هرگاه کسر آمد باید بفکر ادای تتمه طلب مسیومنیه افتاد. انشاءالله همین که فروخته شد این فقره معین و مشخص خواهد شد و بعرض اولیای دولت علیه خواهد رسانید.

بتاریخ ۲۷ ماه نوامبر باین مضمون تلگراف فرستادم: (پاویلیون یعنی عمارت اگسپوزیسیون را دو هزار فرانک قیمت میدهند. آیا باید آنرا به آن قیمت فروخت و یا اینکه از جانب سنی الجوانب اعلی حضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه بشهر پاریس بخشید؟) جواب این فقره نرسید و از این طرف اجزای کمیسیون فرانسه زور آورده اند که باید عمارت مزبور را از تروکادرو برداشت و زمین صاف شده را تسلیم کارگذاران شهر پاریس نمود. هرگاه بنا بر این باشد پاویلیون را ما خودمان بدهیم خراب کنند،

میت‌رسم آن دوهزار فرانک را هم در نیاورد و هرگاه بفروشیم دوهزار فرانک قابل این نقلها نیست . اعتقادم این است که چنانکه پاولیون اگسپوزیسیون وین بشهر وین مرحمت شد پاولیون اینجا نیز بشهر پاریس عنایت شود و الا بمهر قسمی که مقرر شود، از آن قرار رفتار خواهد شد . استدعا دارم جواب این فقره را با تلگراف اعلام فرمایند تا فرصت از دست نرفته است تکلیف معین شود . مدتی است در روزنامه‌ها شهرت داده‌اند که پاولیون مزبور از جانب سنی‌الجوانب اقدس همایون بشهر پاریس عنایت شده است، حالا هرگاه طور دیگر بشود بد نما خواهد شد دیگر اختیار با اولیای دولت ابد مدت علیه است .

عریضجات مورخه ۲۳ شهر ذی‌حجه الحرام ۱۲۹۵ نمره ۱۳۱ مشتمل بر دو طغرا

خداوندگارا قرارنامه راه‌آهن از انزلی تا طهران که باید با عالیجاه مسیو الیون امضاء و مبادله شود ، با فرمان مهر لمعان که برای استحکام و استقرار قرارنامه مزبور با اختیار همایونی که بافتخار این فدوی شرف‌صدور یافته بود ، در تلو پاکت تعلیقجات مورخه ۱۷ شهر ذیقعه عز وصول ارزانی داشت و بعد از رسیدن به عالیجاه مسیو الیون اطلاع داده و مشارالیه را از شهر کان که محل اقامت اوست به پاریس دعوت کرده تا آمده از جانبین بمبارکی و بسعادت بامضاء و بمبادله قرارنامه مزبور اقدام و مبادله شود . امروز دو روز است که عالیجاه مشارالیه وارد پاریس شده است و از جانبین مشغول فراهم آوردن اسباب و ملزومات مبادله قرارنامه بوده و هستیم و انشاء الله در همین دوسه روز موافق دستور العملی که بموجب تعلیقجات مزبوره داده شده است بدون ترك يك لفظ جمیع نوشتجات لازمه را که برای استحکام قرارنامه راه‌آهن و بجهت

اعتبار و استقرار سایر اسنادی که بدست اولیای دولت علیه داده است از مشارالیه گرفته و با پست بحضور مبارك خواهیم رسانید.

تلگرافنامه مورخه ۹ ماه دسامبر، درباب ایتیاغ ماشین ساختن فشنگ برای تفنگ آبتیاعی جدید از دولت اتریش هونگری، در یازدهم همان ماه شرف وصول بخشید و بمجرد وصول بکارخانه فشنگ سازی دولت فرانسه به پوتو که در دامنه قلعه مونوالرین واقع است رفته و کماندان روژ رادیده وحسب الامر اطلاعات لازمه را از مشارالیه خواستم. از قراریکه اظهار داشت معلوم میشود که دو روز بعد از تشریف فرمائی اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه بکارخانه مزبور حسب الامرالاعلی، يك راپورت بالابلندی نوشته و بجناب حکیم الممالك تسلیم نموده است. اگرچه قیمت ماشین تقریباً همان است که با تلگراف اشاره شده است، ولی مبالغ خطیری اسباب لازم دارد و چون اسباب بدون ملزومات راه نمی افتد، لهذا از مشارالیه خواهش کردم که صورت راپورت مزبور را برای فدوی بفرستد و کماندان با کمال انسانیت سواد راپورت مزبور را با يك صورت دیگر که درباب قیمت ماشین فشنگ تفنگ اتریشی نوشته است، بامراسله مفصلی برای توضیح جمیع مسئله ها بخود فدوی نگاشته و شخصاً خودش آورده و بفدوی تسلیم کرد. همه آن تفصیلات را بطور واضح و زبان دار نوشته است که مستغنی است از بیانات فدوی. استدعا دارم که این صورتمها را بیک صاحب منصب زبان دان که سررشته این قبیل مسئله ها را داشته باشد تسلیم فرموده تا ترجمه شود و بنظر انور برسد و بعد از اطلاع و استحضار از متدرجات آن بهر قسمی که رأی جهان آرا علاقه بگیرد امر و مقرر فرمایند تا از آن قرار عمل و رفتار شود.

در باب قیمت اسباب مزبور مستدعی‌ام که ایصال آنرا بقسمی قرار بدهند که زود برسد که بهیچوجه اسباب معطلی رو ندهد . البته در نظر دارند در وقت فرمایش دادن این قبیل اسباب باید يك ثلث قیمت اسباب را بکارخانه‌چی از پیش داد و الا هرگاه تنخواه مقررہ باو نرسد، هرگز شروع بساختن ماشین نخواهد کرد .

عریضجات مورخه ۲۸ شهر ذی‌حجه الحرام ۱۲۹۵ نمره ۱۳۲ مشتمل بر دو طغرا

خداوندگارا بتاریخ ۱۹ ماه دسامبر سنه ۱۸۷۸ مطابق ۲۴ شهر ذی‌حجه الحرام ، مسیو الیون در این سفارتخانه حاضر شده و بعد از تطبیق و مقابله قرارنامه راه‌آهن از انزلی تا طهران را بمبارکی از جانبین امضاء و مبادله نمود . نسخه‌ای را که از دارالخلافه انفاذ فرموده بودند ، با فرمان مهر لمعان و ترجمه آن و همچنین با ترجمه اختیارنامه که بافتخار فدوی شرف صدور یافته بود بمشارالیه تسلیم ، و نسخه دیگر را که خود مسیو الیون امضاء وبمهر خود ممهور داشته بود ، ضبط کرده و اینک در لف پاکت عرایض امروز انفاذ میدارم وموافق دستورالعملی که حضرت اشرف ارفع بندگانعالی در ضمن تعلیقجات مورخه ۱۷ شهر ذی‌قعدة الحرام داده بودند در معتبر نمودن قرارنامه در مقابل فرمان همایونی ، نوشته مضبوط و معتبری از مشارالیه گرفته و آنرا نیز حسب الامر لفاً میفرستم . يك نوشته دیگر هر برای اعتبار بیشتر از مشارالیه گرفته ودر جزو عرایض امروز انفاذ حضور مراحم ظهور مینمایم . علاوه براینها در روز مبادله چنانکه رسم و قرار است داده‌ام مسیو بالیکو دو نسخه پروسه و ربال یعنی مقدمات نوشته و بعد از امضای هر دونسخه ، يك نسخه آنرا اینک برای حضرت اشرف

بندگان عالی میفرستم و نسخه دیگر را بمسیو الیون تسلیم نمودم. از قراریکه مذکور شد مسیو الیون مشغول تشکیل دادن کمپانیه میباشد، اما بدبختانه چند روز است مزاجاً قدری کسالت دارد. گویا هوای پاریس با او سازش ندارد. پارسال هم پاریس آمده و ناخوش شده بود. خداکند آسیبی بوجود او نرسد تا اینکه این عمل خیر را بسعادت و میمنت صورت انجام دهد. نوشتجاتی را که از او گرفته‌ام همه معتبر است. در هیچکدام قصوری نیست. همینقدر خداوند او را محافظت کند و زود سایر کارها همه بدرستی و بصدافت و بسهولت خواهد گذشت بعون الله تعالی.

در همین روزها مسیو فرانکوئی رئیس سیرك پاریس، کاغذی بقدوی نوشته و از بابت لژی که حسب الامرالاعلی در ۱۹ ماه ژون برای وجود مبارك اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه و برای سایر ملتزمین ركاب تدارك دیده بود پانصد فرانك مطالبه میکند. مسیو دویلرنامی يك جلد آلبوم که مسمی به پارك و ژاردن بوده است، در پانزدهم ماه ژون بخاکپای مبارك همایونی تقدیم نموده و قبول شده و با بارهای شاهی انفاذ ایران شده است. از قراریکه مذکور میشود اکثر از سلاطین اروپا آلبوم او را قبول کرده و درمقابل آن نشان باو مرحمت شده است. حالا اعتقاد اینست که هرگاه رأی جهان آراء باعطای نشان برای او و رئیس سیرك علاقه بگیرد از شر هردو خلاص میشویم و الا باید پانصد فرانك به سیرك داده شود و آلبوم نیز مسترد گردد. کاغذهای حضرات را که در باب آن دو فقره بقدوی نوشته‌اند، هردو را برای مزید اطلاع اینك در جوف همین پاكٲ امروز انفاذ میدارم.

عریضجات مورخه ۱۲ شهر محرم الحرام ۱۲۹۶ نمره ۱۳۳ مشتمل برشش طغرا

خداوندگارا بموجب مضمون تلگرافنامه مورخه ۱۶ ماه دسامبر، امر و مقرر شده بود که عمارت دولتی که در تروکادرو ساخته شده بود از جانب سنی الجوانب اعلی حضرت همایون شاهنشاهی روحنا فداه بشهر پاریس اعطا شود. بمحض وصول تلگرام مزبور، عالیجاه مسیو منیه جنرال قونسول دولت علیه را که معاون کمیسر جنرال اگسپوزیسیون هم بوده باین سفارت خانه احضار نموده و از قرار مضمون تلگرافنامه مزبور بمشارالیه دستور العمل دادم رفته بوالی شهر از این اراده جهان مطاع اطلاع بدهد. عالیجاه مشارالیه نیز در همان روز بخدمت والی شهر رسیده تبلیغ مأموریت کرده بود. والی شهر در کمال انسانیت و ادب اظهار امتنان و تشکر نموده، گفته بود که اداره شهر پاریس بامنت این هدیه اعلی و با عظمت را قبول می‌کرد ولی از آنجا که در همین روزها مقرر شده است که عمارتهائی که از جانب دول خارجه در تروکادرو ساخته شده است برداشته شود، بنا بر این احوال مقدور نشد این قبیل تکالیف که از جانب سایر دول نیز شده بود قبول شود. بهمین دلیل نهایت تأسف برای ما حاصل است که برای شهر پاریس مقدور نیست که عمارت مزبور را قبول نماید. در این صورت تمنا دارم که هم مراتب تشکرات اداره شهر پاریس را از این التفات بزرگ و هم مراتب تأسفات او را از اینکه نمیتواند چنین هدیه باشکوه و قشنگ را قبول کند، بخدمت اولیای دولت علیه ایران اظهار نمائید. از قراریکه اطلاعات لازمه از خارج و داخل حاصل کردم معلوم شد که در مقارن وصول تلگرافنامه مزبور این قرارداد شهر پاریس مقرر و بنا شده بود که باید زمین

تروکادرو صاف و همه عمارت‌ها از آنجا برداشته شود. دولت چین و ژاپون و غیره عمارت‌های خود را بشهر پاریس تقدیم کرده بودند، بآنها نیز بهمین قسم جواب داده شده بود. حالا بجز اینکه بدهیم عمارت را از آنجا بردارند، چاره دیگر نداریم. بمسیو منیه سپردم که عمارت را بدهد خراب بکنند. گویا ازمصالحی که از آنجا بدست خواهد آمد تقریباً دوهزار فرانک عاید بشود. هرچه شد باطلاع اولیای ابد مدت علیه خواهد رسید.

پریروز از جانب حضرت اشرف ارفع بندگانعالی باین مضمون تلگرام رسید: (کار فابیوس چه طور شد؟ اسباب او چه شد؟ چرا این کار را به مسامحه میگذرانید؟) در همان روز باتلگراف جواب عرض کردم که موعود برات در پنجم همین ماه ژانویه است و چنانکه در جزو عرایض معروض شده است بمحض وصول وجه برات مزبور، فابیوس راه خواهد افتاد. اگرچه جواب را باتلگراف عرض کرده‌ام، اما این فقره را نمی‌توانم پنهان بدارم که از مضمون تلگرام مزبور چقدر کسالت و سرشکستگی برای فدوی حاصل شد. این تلگرافها از چند دولت میگذرد و در همه جا خوانده میشود. بعد از ملاحظه چنین مضامین در حق فدوی چه خیالها خواهند کرد. البته خواهند گفت فلانی آدم خائن و بی‌قابلیت و اهمال کار است. باشد اینها عیب ندارد و فراموش میشود اما همین قدر عرض میکنم که از ابتدای این کار در همه عریضجات خودم صریحاً عرض کرده‌ام که وجه برات ذیکلر وصول نمی‌شود. حتی باتلگراف استدعا کرده بودم که بگماشته ذیکلر که در طهران است تأکید فرمایند که بکمپانی تلگراف بکنید تا اینکه وجه برات مزبور را بدهد، هیچ جواب نرسید. با وصف این احوال باز فدوی باید مقصر بشود. در عریضجات سابق مکرر

عرض کرده بودم که وجه برات وصول نمی‌شود و صاحب کارخانجات بدون وجه نقد اسباب نمی‌سازند و تحویل نمی‌دهند. هرگاه قرار این ولایت بآن طور است فدوی چه خاک برسرکند و چرا باید مقصر بقلم برود و هرگاه وجوهات لازمه نقد رسیده بود و کار صورت انجام نمی‌گرفت البته لازم می‌آمد گرفتار عقوبت بشوم اما ازاینکه بی‌تقصیر هدف تیرملاست واقع شده‌ام خود را نمی‌توانم از این بی‌التفاتى تسلی بدهم.

روز چهارشنبه گذشته سال نو عیسویان بود. چنانکه رسم است جمیع مأمورین خارجه دعوت شده بودند که بلباس رسمی بعمارت الیزه رفته، مراتب تهنیت را بجناب مارشال مکماهون بعمل بیاورند. فدوی نیز باتفاق مقرب‌الخاقان میرزا کریم‌خان سرتیپ و میرزا احمدخان نایب اول این سفارت درآن مجلس حاضر بودم. مارشال مکماهون زایدالوصف نسبت بفدوی وبصاحب منصبان این سفارت اظهارمهربانی نمودند و از صحت مزاج مبارك اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی و احوالات حضرت اشرف بندگانعالی جويا و خواهشمند شدند که مراتب مودت و تهنیت را بخاکپای جواهرآسای مبارك و بحضور آن خداوندگاری تقدیم نمایم. در همان مجلس میرزا کریمخان را خدمت ایشان معرفی نمودم و جناب معظم‌الیه نسبت بمشارالیه اظهار تعلق نمودند.

البته حضرت اشرف ارفع بندگانعالی در خاطر دارند که در وقت توقف موکب فیروزی کوکب همایونی درپاریس، بندگان اعلیحضرت اقدس همایون روحنا فداه در دو یا سه مجلس بخودجناب مارشال

مکماهون وعده اسب دادند و فرمودند که انشاءالله بعد از ورود به ایران اسب خوب برای شما میفرستم . در آن شبی که در عمارت علیاحضرت ملکه اسپانیه بشام موعود بودند بجنرال ابزاك مکرر فرمودند که اسب برای مارشال وعده فرموده ایم و انشاءالله اسب خوب برای ایشان میفرستم. در روز سال نو در وقت بیرون آمدن از عمارت الیزه یکی از صاحبمنصبها اسب کالسکه فدوی را دیده پرسید این اسبها را از ایران آورده اید؟ گفتم، خیر، اسب ایران برای سواری خوب است، شنیدم اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی اسب سواری ایران را خیلی تعریف میکردند. گفتم بلی، اسب سواری ایران در هیچ جای عالم پیدا نمی شود. از حرف آن صاحب منصب چنین استنباط کردم که گویا مقصود از این صحبت یادآوری وعده های همایونی بود. اعتقادم اینست که چون ذکر این حرف شده است، بهتر است بر عهد وفا شود.

مقرب الخاقان میرزا کریمخان سرتیپ حسب الامر بسمت آتشه گری این سفارت منصوب و از روزیکه در اینجا است با کمال معقولیت و درستکاری راه میرود. از قراریکه اظهار داشت، معلوم میشود که از مقرری و سنواتی تا بحال دیناری عاید وابستگان ایشان نشده است. استدعای ایشان و فدوی این است که چنانکه مکرر وعده شده است امروز مقرر فرمایند مواجبهای ایشان که در محل مازندران و خارمانده است با جیره هذالسنه وصول و ایصال شود. بخصوصیه مستدعی است که آن یکم هزار و پانصد تومان را که عالیجاه اسماعیلخان اردل باشی وصول کرده است، قدغن فرمایند زودتر برسانند تا اینکه از این کسالت و پریشانی بیرون بیاید. از قراریکه اطلاع دارم مبالغ

خطیری قرض بهم رسانیده، هرگاه آن وجوهات نرسد نمی‌تواند از عهده مخارج و قرض اینجا برآید، ضمناً هم عرض می‌کند که در این مسافرت همایونی وعده فرموده بودند که از دول فرنگستان نشان برای ایشان تحصیل خواهند فرمود حالا که نرسید هرگاه از جانب دولت علیه عوض مرحمت شود مقدور است بتوسط سفارت پاریس بآذن و اجازه حضرت اشرف ارفع بندگانعالی نشان برای ایشان تحصیل شود. حالا بعد از این عرض حال منتظر آذن و اجازه می‌باشم که از آن قرار رفتار نمایم.

از يك ماه متجاوز است که عالیجاه مجدت همراه مسیورنه ، مترجم اول سفارت فرانسه مقیم طهران ، وارد پاریس شده‌است و در همه جا ثنا خوان حضرت اشرف ارفع بندگانعالی بوده و هست. در این روزها در روزنامه اختر خوانده بود که از جانب دولت علیه لقب خانی باو مرحمت شده است . بعد از ملاحظه فصل روزنامه مزبور ، گفت اینهم از توجه حضرت اشرف است و از این التفات مبذوله زایدالوصف ممنون و متشکر است و حالا منتظر وصول فرمان مهر لمعان و امیدوار است که برای مزید افتخاربین الاقران و امثال و برای اتمام نعمت قدغن فرمایند فرمان لقب خانی که باو مرحمت شده است در همین جا باو برسد که منتهای مرحمت خواهد شد . چون از دوست های عزیز است فدوی نیز نهایت شکرگزاری را از التفاتهای که در حق او شده و میشود داشته و دارد . مسیو دروششوار بسمت وزیر مختاری مأمور هایتی شد و رفت و از قراری که مذکور میشود جناب مسیو منیه دوباره بایران معاودت خواهد نمود .

۱۲ شهر محرم الحرام ۱۲۹۶

(۱۸۳)

عریضجات مورخه ۱۸ شهر صفر المظفر ۱۲۹۶ نمره ۱۳۴ مشتمل بر پنج طغرا

خداوندگارا چند روز بود که درد چشم عارض شده بطوری که از تحریر عاجزم کرده بود ، بهمین جهت در این مدت ده دوازده روز از شرف عریضه نگاری محروم مانده بودم . لله الحمد از پریروز علتی که در چشم پیدا شده بود بالکلیه رفع شده و از این بابت آسوده شده ام .

در هشتم ماه ژانویه در عمارت علیا حضرت ملکه اسپانیامهمانی بود . جناب مارشال مکماهون و مادام لامارشال و جمعی از مأمورین خارجه و داخله و فدوی نیز بشام موعود بودیم . علیاحضرت ملکه خیلی اظهار مرحمت میفرمودند . مکرر از سلامت وجود مبارك بندگان اعلیاحضرت اقدس شهریاری روحنا فداه و از صحت مزاج حضرت اشرف بندگان عالی جويا شدند و در ضمن صحبت فرمودند که در اول ژانویه از جانب سنیالجوانب بندگان اقدس شاهنشاهی در باب تهنیت سال نو تلگرافنامه خیلی خوش مضمون رسیده و اگر چه جواب را با تلگراف فرستاده ام ولی از شما خواهش میکنم مراتب دوستی و مودت مرا بخاکپای مبارك دوباره تجدید نمائید و بنویسید که من خدمت ایشان علی غیرالنهايه ارادت دارم و از وضع حالت و سلطنت مبارك ایشان خوشم می آید و در حقیقت سلطنت بایشان می برازد و باید سلطنت را بآنطور کرد که اعلیاحضرت ایشان میکنند . بعد فرمودند که من خود را بمخابره تلگرافی نمی توانم راضی بکنم انشاءالله در چند ماه دیگر خودم بایران میروم . چندروز بعد از آن برای تشکر شام رفته بحضور علیاحضرت ملکه شرفیاب شدم بمحض اینکه فدوی را دیدند پرسیدند که آنچه

بشما سفارش کرده بودم نوشتید . عرض کردم هنوز خیر ، زیرا که اطمینان کلی نداشتم که علیاحضرت شما عزم خود را بسفر ایران جزم کرده باشند . فرمودند حرف من یکی است ، یقین بدانید که میروم . از قراریکه از ملتزمین رکاب شنیدم معلوم شد که علیاحضرت ملکه هرچه درباب این سفر اظهار فرموده‌اند همه درست است و بطور صریح در تابستان آینده تشریف فرمای دارالخلافه خواهند بود . گویا يك قبضه شمشیر هم برای وجود مبارك بندگان اقدس شاهنشاهی داده تمام کردند ، تیغه آنرا مخصوصاً از شهر تولد آورده‌اند و قبضه و غلاف آنرا در پاریس می‌سازند ، تیغه‌های تولد در برش و در خوبی بهمه تیغهای فرنگستان رجحان دارد . بطوری خم میشود که دوسر شمشیر بهم میرسد و نمی‌شکند . گویا در سر قبضه در يك طرف علامت تاج سلطنت اسپانیا را و در طرف دیگر علامت نشان دولت علیه را کشیده‌اند . خلاصه از قراریکه مذکور شده معلوم میشود که شمشیری قطعه خواهد بود . علیاحضرت ملکه فرمودند درباب فرستادن شمشیر معطلم ، نمی‌دانم از چه راه و بچه وسیله می‌توان فرستاد ، هرگاه شما این زحمت را قبول نمائید بتوسط شما می‌فرستم . عرض کردم حاضر خدمتم . هر وقت شمشیر تمام شد بفدوی مرحمت فرمائید بی‌عیب میرسانم ، اما هنوز نرسیده است و در وقت رسید با قرب وسائل بدارالخلاقه انفاذ خواهد شد . ذکر يك فقره دیگر هم شد و آن درباب آن نشانهائی است که در هنگام توقف موکب همایونی در پاریس به رئیس دربار و بیکی از شامبلانهای علیاحضرت ملکه اعطا شده بود . از قراریکه معلوم میشود شأن این دو نفر خیلی بالا است و هردو از دولت خودشان صاحب نشان شارل سیم از درجه اول باحمایل می‌باشند . با وصف این احوال آن دو نشان شیروخورشید که از درجه دویم

و سیم بآنها مرحمت شده است خیلی کم است و برای تلافی آن
ورضای خاطر علیاحضرت ملکه لازم است که برای هریک از آنها
از درجه اول نشان شیروخورشید عنایت شود .

بعد از وصول تعلیقه رفیعۀ مورخه ۲۴ شهر ذی حجه ، چنانکه
در عریضه‌ای که دو هفته قبل براین معروض شده بود ، جناب
مسیو دادنکتون وزیر امور خارجه را ملاقات نموده و درباب طرز
سلوك و رفتار شارژدافر فرانسه مفصلا گفتگو نموده آنچه در حق
او مرقوم شده بود و از خارج شنیده بودم برای جناب معزى‌الیه
مفصلا و محرمانه بیان کردم و درباب معاودت جناب مسیومنیه اصرار
کردم و گفتم هیچ چیز تلافی رفتار شارژدافر را نخواهد کرد مگر
حضور مسیو و هرقدر جناب ایشان را زود مراجعت دهند همانقدر
ترضیه برای ما حاصل خواهد شد . جناب وزیر امور خارجه از
بیانات فدوی تعجب میکرد . در جواب همینقدر گفت برای این کار
تحقیق لازم است . گفتم نوشتجات از طرفین پس گرفته شده است .
حالا هرگاه بمسیودو مارویل بنویسید و از او تحقیق بخواهید ،
البتہ به تقصیر خود اقرار نخواهد کرد . گفت ما راه این چیزها
را خوب میدانیم و بعد از تحقیق آنچه لازم است بعمل خواهد آمد .
در باب جناب مسیومنیه گفت گویا خیال مراجعت را نداشته باشد ،
پیر شده است ، می‌خواهد استعفا بکند . گفتم خیر اینطور نیست ،
مسیومنیه خیلی مایل است برفتن ایران . گفت چند وقت است او
را ندیده‌ام ، بزودی او را خواهم دید و قرار مراجعت او را
خواهم داد . مسیومنیه را دیدم ، تفصیل احوال را گفتم ، ازقراریکه
معلوم شد او خودش بی‌میل نیست دوباره بایران بیاید و انشاءالله

بزودی او را راه خواهم انداخت . از مسیو دومارویل يك پوستی كنده‌ام كه در هنر هیچ دباغی نبود . بعد از این آدم خواهد شد . در باب پس‌گرفتن نوشتجات در وزارت امور خارجه ایراد می‌گرفتند و می‌گفتند بعد از آنكه مأمور يك دولت بآنطورها كاغذ نوشته است كه او را مقصر می‌كند چرا آن چنین نوشتجات را پس میدادند . گفتم از بابت این است كه لکه براسم مأمور دولت فرانسه در ثبت دفاتر ایران نماند . می‌گفتند پس چرا حالا شكایت می‌كنند . گفتم برای رفع شر شارژدافر . خلاصه مقصود آنها این است كه در چنین مقام‌ها كه حق بجانب ماست ، نباید برای ملاحظه شأن يك مأمور آنها ، آنها مأمور مفتن ، حق بزرگ يك دولت را باطل و بلکه پامال كرد ، بیش از این ذكری نشد .

بتاریخ ۳۰ ماه ژانویه با تلگراف عرض کرده بودم كه جناب مارشال مكماهون از ریاست جمهوری استعفا کرده و مسیو ژول‌كروی كه رئیس مجلس وكلاى ملت بود در همان روز بجای مارشال‌منسوب شد . مسیو كاملبا نیز بریاست مجلس وكلا سرافراز گردیده حالا دیگر سرکار و رشته عمل جمیع ادارات با جمهوریان است . دلیل استعفای جناب مارشال مكماهون این بود كه جمهوریان میخواستند تغییرات عمده داده شود ، باین معنی كه هرچه از قدیم نوكر باب در سرکار بود معزول و بجای آنها نوكر باب جدید كه از هواخواهان جمهوری بوده باشند ، بجای آنها تعیین شود و حتی این تكلیف هم از جانب آنها شده بود كه در اداره لشگر نیز تغییر و تبدیل داده شود . مارشال مكماهون حتی المقدور در تبدیل و تغییر نوكر در فقرات جمیع ادارات اهل قلم بآنها یعنی با جمهوریان متابعت می‌كرد . اما وقتی كه در باب تغییرات اداره لشگر حرف پیش آمد ، تكلیف جمهوریان

را رد کرده از ریاست استعفا نمود و استعفای او قبول شده ، مسیوکروی را بجای او نصب کردند . حالا این نوع حرکت مارشال را همه کس تحسین میکنند تا به بینیم از دستگاه مسیوکروی چه بیرون خواهد آمد . از قراریکه مذکور میشودگویا این رئیس جدید هم نتواند دوام بکند و عاقبت کار دوباره بسلطنت خواهد رسید . علی الحساب در همه جای فرانسه آرامند و بوی شورش و فتنه از هیچ جا بروز نکرده است تا بعد از این خداوند عالم چه مقدر کرده باشد .

موافق همین نوشته عالیجاه مسیوهرمان که لفاً ارسال میشود از برات سه هزار و هفتصد و هفتاد و سه لیره و یازده شلینگ و هشت پنس که بحواله ذیکلر فرستاده شده بود مبلغ نود و پنج هزار و یکصد و سیزده فرانک و پنجاه و پنج سانتیم عاید این فدوی شد . از این تنخواه ، موافق دو صورت حسابی که یکی از جانب مسیوفابیوس داده شده ، و دیگری خود این فدوی نوشته و هر دو رالفاً میفرستم مبلغ هشتاد و یک هزار و دویست و چهل و هشت فرانک و شصت سانتیم از بابت خرید اسباب و ملزومات کارخانه کاز و کرایه آنها و مواجب و مخارج راه خود مسیوفابیوس و معاون او کارسازی نموده ام و مبلغ سیزده هزار و هشتصد و شصت و چهار فرانک و نود و پنج سانتیم از بابت تتمه قیمت بلور آلات و ظروف چینی و کارد و چنگال و غیره ، خود این فدوی برداشته و بمصرف رسانیده است . از روزی که (یعنی در ششم ماه ژانویه) وجه برات مزبور وصول شد ، مسیوفابیوس بدون فوت یک دقیقه مشغول تحویل گرفتن و باربندی اسباب و ملزومات کارخانه کاز شده و بتاريخ ۲۶ ماه ژانویه عازم مارسیل گشته که در آنجا صندوقها را خودش گرفته ، بعضی را همراه خود برده و برخی را از راه بوشهر حمل نماید . قرار شده است که کرایه بارهائی را که همراه

خود خواهد برد تابادکوبه ازدوازده هزار و هشتصد و هفتاد و هفت فرانك ونود سانتیم که از همان بابت باو کارسازی نموده ام خودش بدهد، اما از آنجائیکه این تنخواه کفایت نخواهد کرد که کرایه بارها از بادکوبه بانزلی و از آنجا الی طهران داده شود لازم است که احکام اکیده بمعده حاکم گیلان صادر شود تا اینکه در ادای تتمه کرایه از بادکوبه الی دارالخلافه طهران خودداری ننموده بارها را بزودی بمقصد برساند. در باب کرایه بارهائی که از راه بوشهر حمل میشود چونکه تنخواه موجود کفایت نمی‌کرد و از آنجائیکه حاجی رحیم وجه قیمت ماشین الکتریسیته را که معادل پنجمزار و دو یست و پنجاه فرانك بوده چهار ماه قبل بر این بصیغه مساعده از خود کارسازی نموده و وجه مزبوره را بحساب جناب امین‌الملک آورده است، لهذا مبلغ مزبور وقف این کار شد که کرایه بارهای مزبور در مارسیل کارسازی و بارها حمل بوشهر شود، حساب این کرایه و حساب‌های دیگر بامسیوفابیوس است، انشاءالله در وقت ورود بدارالخلافه همه را بنظر حضرت اشرف ارفع بندگانعالی خواهد رسانید. معلوم است طلب جناب امین‌الملک که پنجمزار و دو یست و پنجاه فرانك است باید منظور و بخود ایشان کارسازی شود. در باب این بارها نیز لازم است بحاکم بوشهر اطلاع داده شود که بمحض ورود آنها را تحویل گرفته، حمل دارالخلافه نماید. عدد صندوقهائی که باید از راه بادکوبه و همچنین عدد صندوقهائی که باید از راه بوشهر حمل شود، هنوز از جانب مسیوفابیوس مشخص نشده است، هر وقت رسید می‌فرستم. مسیوفابیوس می‌بایستی بابارها در یوم شنبه ۱۶ این ماه یعنی پریروز عازم اسلامبول شده باشد، اما تابحال در این باب کاغذ از او نرسیده، و معلوم نیست کارهای خود را تمام کرده و عازم شده است یا خیر، همین که خبر رسید عزیمت او را و عدد و حمل بارها را

باتلگراف بعرض خواهم رسانید.

امتعۀ دولتی اگسپوزیسیون که مقرر شده بود در حراج خانۀ پاریس بفروش برسد، چنانکه در عریضۀ سابق معروض داشته بودم بقیمت خیلی خوب فروخته شده و در وقت فروش همه ماها دست بدست داده، قیمت اسبابها را بطوری بالا می بردیم که اکثر از آنها بر حسب قیمت دو مقابل فروخته شد. اگرچه ماها قدری متضرر شدیم ولی در فروش آنها صرفۀ دولت را بر همه چیز مقدم داشتیم و هرگاه این ملاحظه و تدبیر را بکار نبرده بودیم، چنانکه بنظر بندگانعالی رسیده بود، این اسبابها که چندان مرغوب نبوده و اکثر از آنها را بیدزده، خراب بوده بهیچوجه من الوجوه بفروش نمیرسید. الحاصل ما خدمت خود را بکار بردیم ولله الحمد نتیجه خوب بدست آمد، باین معنی که همه اسبابها به بیست و هشت هزار و نهصد و پنجاه و چهار فرانک فروخته شده مصالح پاولیون هم بسه هزار و پنجاه فرانک بفروش رفت. آن اسبابی که در شأن دمارس بود به پانصد و هفتاد و سه فرانک رسیده است. موافق اسناد و صورت حسابی که خود حراج باشی و مسیومنیه داده و لفاً انفاذ میشود، مبلغ بیست و سه هزار و دویست و نود و چهار فرانک و چهار سانتیم موافق سند مقرب الخاقان میرزا جوادخان از بابت طلب مسیو منیه کارسازی و مبلغ سه هزار و هشتصد و سی و نه فرانگ و شصت سانتیم خرج و صرف حراج خانه و چاپ انتشار نامه ها و کرایه اطاق حراجخانه و اجرت يك نفر عامل و غیره شده است که جمعاً معادل بیست و هفت هزار و یکصد و سی فرانگ و چهار سانتیم بوده باشد. این مبلغ خرج، که از مبلغ فروش موضوع میشود، پنجهزار و چهارصد و چهل و دو فرانگ است، استدعا دارم یا از بابت حساب گراند هتل و یا اینکه از

بابت مخارج سفر روم و ولادی قفقاز و وین محسوب فرمایند تا اینکه پیش از این بواسطه نرسیدن طلب فدوی از دیوان اعلی دچار ضرر و خسارت نشوم. بوحدت خداوند قسم است که هرگاه این تدبیرها را بکار نبرده و در فروش خود را دچار خسارت نکرده بودم، اسباب دولتی باین قیمت فروخته نمی‌شد. حالا که صرفه دیوان را بر ضرر خودم مقدم داشته‌ام، انصاف نیست که این تنخواه جزئی از بابت مطالبات خودم محسوب نشود. در هر صورت این پنجمزارو و چهار صد و چهل و دو فرانک را از بابت قروضم پرداختم، حالا دیگر بعد از ملاحظه حالت فدوی باز هم اختیار با اولیای دولت ابد مدت علیه است.

عریضجات مورخه ۶ شهرجمادی‌الاول ۱۲۹۶ نمره ۱۳۵ مشتمل بر دو طغرا

خداوندگارا سه روز قبل براین، مسیو الیون کاغذی بفدوی نوشته و در ضمن آن خواهش می‌کند که امتداد موعد قرارنامه را که برای تشکیل کمپانیه لازم است از اولیای دولت علیه استدعا نمایم. چنانکه از مضمون کاغذ مزبور استنباط خواهند فرمود، پیش از وصول قرارنامه، يك جماعت خوب بواسطه دیررسیدن قرارنامه از دست او رفت. حالا رشته عمل راه آهن بيك جماعت دیگر بسته شده است و از مدت چهارماه شب و روز مشغول گفتگو و فراهم آوردن اسباب کار بوده و می‌باشند و چون انجام چنین امر مهمی در وهله اول خالی از اشکال نیست و از آنجائیکه تدبیرات خارق‌العاده باید بکار برده بشود تا اسباب پیشرفت این کار فراهم بیاید و چونکه برای حل کردن اشکالات وقت لازم است، نظر بچنین احوال محتمل است که آن ششماهی که برای تشکیل کمپانیه در قرار نامه قید شده است

برای انجام این کار کافی نباشد. در اینصورت امتداد موعد مزبور لازم می آید و چون میدانم رأی جهان آرای بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی روحنا فداء بساختن راه آهن در ممالك محروسه تعلق دارد، لهذا استدعا مینمایم که برای تسهیل این عمل و پیشرفت تدبیرات لازمه موعد مزبور را شش ماه دیگر امتداد بدهند. یقین دارم که بمحض وصول خبر امتداد مدت مزبور تدبیرات مسیوالیون و شرکای او بیشتر از پیشتر رونق خواهد گرفت و این کاری که در نظر مردم محل اعتماد نیست جلوه گر خواهد بود، زیرا که بر همه معلوم خواهد شد که دولت ایران طالب ترقی و به پیشرفت عمل راه آهن مایل و راغب است و میدانم که در این جور کارهای بزرگ مهلت جایز است. در همه جا دیده شده است که دولتها در این جور مسائل مراعات میکنند و مهلت میدهند. حالا جای آن است که ششماه دیگر برای تشکیل کمپانی به مسیو الیون مهلت اعطا شود که بتواند از عهده انجام چنین کار بزرگ بر آید. برای تشویق و ترغیب او و شرکای او لازم است که جواب اولیای دولت علیه زود بآنها برسد، در این صورت مستدعی ام که بعد از ملاحظه این عریضه، تصدیق آنرا با تلگراف اعلام فرمایند تا اینکه در پیشرفت عمل راه آهن تأخیر واقع نشود.

عالیجاه مقرب الحضرة میرزا محمد دکتر کرمانشهرانی با وجود اینکه در ایران از جمله فضلاء نامی و معالجن ماهر و معتبر بود، همینقدر که بقوت دانش چشمش روشنتر شد بآن معلومات ناقص قناعت ننموده محض تکمیل علوم و اعمال متعلقه بطبابت قریب بسه سال است که از عیال و اولاد و زندگانی خود دست کشیده و بشهر پاریس آمده است و از روزیکه وارد اینجا گردیده آنی از تحصیل

غفلت نورزیده و بجهد و غیرت مشغول تکمیل تحصیلات خود بوده است، بطوریکه از فضل الهی و مرحمت اولیای دولت علیه جمیع امتحانات دکتری را بوجه احسن داده و در حضور معلمین بزرگ، مایه روسفیدی و سربلندی ملت ایران گردیده و درجه تحصیل را بجائی رسانیده است که نه تنها سمت تعلیم و تفوق بر همه اطباء ایران پیدا نموده است، بلکه برابری با اطباء ماهر فرنگستان میکند و در حقیقت وجود چنین شخص عالم کاملی محترم و واجب‌الرعایه است و یقین است که از وجود او کارهای عمده ساخته میشود و بعد از مراجعت بایران بکار دولت و ملت خواهد خورد و مصدر خدمات بزرگ خواهد شد. اما برای رسیدن فواید و نتایج تحصیل و زحمات مشارالیه بملت و دولت، اسباب متعلق بطبابت و جراحی لازم است. بدبختانه شخصاً استطاعت ندارد و آنچه داشت همه را در این راه بمصرف رسانیده است، حالا بجز دولت علیه امید دیگر ندارد و چون میدانم این قبیل اشخاص قابل و کامل کمیاب هستند و از وجود آنها کارهای مفید برای دولت و ملت حاصل خواهد شد لهذا از تکالیف شخصی و فرائض مأموریتی خود میدانم که از اولیای دولت علیه استدعا نمایم که موافق مضمون مراسله که باین فدوی نوشته است و اینک لفأ انفاذ حضور مبارك میشود، تنخواه که قابل شأن دولت باشد برای او فرستاده بشود که باطلاع این سفارت اسبابهائی که لازم دارد ابتیاع شود و خودش هم از اینجا فارغ شده بعزم هرچه تمامتر بخاک بوس آستان مبارك بشتابد.

عریضه مورخه ۲۰ جمادی الاولی ۱۲۹۶ نمره ۱۳۶ مشتمل يك طرفه

خداوندگارا در یوم پنجشنبه ۱۶ شهر حال که مطابق ۸ ماه مه فرنگی بوده باشد، علیا حضرت ملکه اسپانیا شمشیر تعارفی را که

برسم هدیه برای سرکار بندگان اعلی حضرت اقدس شهر یاری و روحانقاده باولین زرگرهای پاریس داده تمام کرده بودند، بتوسط رئیس دربار و دونفر دیگر از اتباع کشیک خانه به این سفارتخانه فرستاده بودند. فدوی نیز بمحض ورود حضرات، آنها را استقبال نموده و شمشیر را که در جعبه بود بادو غلاف سفری و حضری، با کمال احترام قبول و تعهد کردم که بی عیب بخواکپای جواهر آسای مبارک پرسیانم. این شمشیر خیلی خوب زرگری شده و سردسته آن که تاج کیانی دارد و همچنین علامت شیر و خورشید و علامت دولت اسپانیا و اسم اعلی حضرت اقدس همایونی و اسم ملکه مکمل بجواهر است، باید بیکهزار و پانصد تومان و بلکه برای ملکه بیشتر هم تمام شده باشد. خلاصه شمشیر بسیار قطعه است و لایق وجود مبارک است و انشاء الله بمبارکی و سعادت استعمال خواهد شد. چون وسیله فرستادن در دست نبود، لهذا درهمین روز داده ام از چوب سفید هم جعبه ساختند و روی آنرا مشمع نموده بتوسط سفارت روس نزد مقرب الخاقان میرزا اسدالله خان شارژدافر دولت علیه مقیم پتربورغ فرستاده ام و مراسله هم بایشان نوشتم و خواهش کردم که بمحض وصول، زحمت کشیده از راه حاجی ترخان و رشت انفاذ دارالخلافه نماید. کلید جعبه شمشیر را اینک در جوف همین پاکت انفاذ میدارم و استدعا مینمایم وصول آنرا مرقوم فرمایند تا اینکه از رسیدن آن و شمشیر اطمینان حاصل شود. آن دونفر که همراه رئیس دربار ملکه آمده بودند، گویا هر دو توقع نشان داشتند. بیک زبان خوش بآنها فهماندم که زحمت آنها بی اجر نخواهد ماند، البته هرگاه بیکی از درجه چهارم، و بآن دیگری از درجه پنجم نشان مرحمت شود خیلی بجا است. اسامی را جسارت نکردم بنخواهم. بعد از رسیدن فرمان درهمین جا اسم آنها را می توان در فرمان نوشت. نشان رئیس دربار ملکه و آن شخص

دیگر که اسم او را سابقاً فرستاده‌ام باید مرحمت شود. البته در مقابل این شمشیر لازم است که از جانب سنی‌الجوانب بندگان اعلیحضرت اقدس همایونی يك هدیۀ برای ملکه فرستاده شود، محض یادآوری عرض شد، دیگر اختیار با اولیای دولت علیه است. پاکت علیاحضرت ملکه را نیز که بحضور مبارك بندگان اعلیحضرت اقدس همایونی باشمشیر فرستاده بودند، اینك لفافاً انفاذ میشود که بنظر انور برسد.

عریضه مورخه ۴ جمادی‌الثانیه ۱۲۹۶ نمره ۱۳۷ مشتمل يك طغرا

خداوندگارا تعلیق‌جات رأفت آیات که در تاریخ ۲۱ ماه آوریل در باب تعیین قیمت اسباب ساختن فشنگ فلزی برای تفنگ ورندل بزبان فرانسه شرف صدور یافته بود، در هفته گذشته عز وصول بخشید و بمجرد وصول حسب‌الاشاره بکوماندان روژ رئیس کارخانه فشنگ‌سازی پوتو و همچنین بمسیو ترپونه وکیل کارخانه کرنوود و باتنی کاغذ مفصلی نوشته و اطلاعات لازمه را از ایشان خواستم و حضرات موافق سئوالاتی که از آنها شده بود جواب کافی نوشته و در همین دوسه روز نزد فدوی آوردند. اصل کاغذهای آنها بانقشه و صورت قیمت اسباب فشنگ‌سازی اینك عیناً در لف‌همین پاکت انفاذ حضور میشود و چون اطلاعاتیکه در ضمن مراسلات خودشان داده‌اند، مستغنی از تفسیر است بنا علیه بهمین مختصر اکتفا شده اما در باب فقره استادی که باید این اسباب فشنگ‌سازی را در ایران بکاربرد. کوماندان روژ چنانکه در کاغذ خودش می‌نویسد، اصرار دارد که استاد مزبور دروین در کارخانه روت فشنگ‌ساز دولت نمسه و یا اینکه در لندن و یا اینکه در پاریس اجیر شود و باید استاد مزبور در وقتی از جانب دولت علیه اجیر بشود که بتواند خودش بکارخانه

کرنوود و باتلی رفته، اسبابها را بعد از امتحان تحویل بگیرد و اعتقاد او این است که هرگاه استاد سر رشته دار نباشد همه زحمتهای او بلکه پول دولت بهدر خواهد رفت. يك نصیحت دیگر مشارالیه هم این است که برای این اسبابهای فشنگسازی که بواسطه آنها باید از ده هزار الی بیست هزار فشنگک ساخته بشود، باید يك اسباب بخار هم خرید و الا هرگاه این اسبابها را بادت بکار ببرند در روزی بیش از سه هزار فشنگک نمی توان تمام کرد. کوماندان روژ آدم بسیار قابل است و هرچه میگوید از روی عقل و بصیرت و خیرخواهی است و اعتقاد این است که برای تکمیل این عمل باید بحرف مشارالیه گوش داد. عرض دیگر هم این است که این شخص برای ما خیلی زحمت کشیده است و لازم بود در همان روزی که بندگان اعلی حضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه بکارخانه فشنگسازی پوتو تشریف برده بودند نشان برای او مرحمت شود. چون در آنوقت این التفات در حق او مبذول نشده است و چون در اطلاعاتیکه داده است خیلی زحمتها کشیده است جای آن است که حالا نشان از درجه سیم دربار او عنایت شود.

۴ شهر جمادی الثانی

عریضجات مورخه ۲۱ شهر جمادی الثانیه ۱۲۹۶ نمرة ۱۳۸ مشتمل بر سه طغرا

خداوندگار اچهار طغرا تعلیقه که بتاریخ ۱۳ شهر جمادی الاول در جواب عریضجات مورخه ۸ و ۱۱ شهر ربیع الثانی فدوی شرف صدور یافته بود، عز و صل بخشید. در باب مطالب مندرجه آنها که دایر بتأخیر افتادن سفر علیاحضرت ملکه اسپانیا و گذشتن عمل طلب فرانسها بود، از قرار دستور العمل رفتار شد. اما در باب مطالب دیگر که از مدت پنج ماه معروض شده است تا بحال جواب نرسیده و نمیدانم

جواب مردم را چه بگویم. استدعا دارم قدغن فرمایند که عریضجات فدوی که در مدت این پنج و شش ماه معروض شده است مرور و جواب آنها مرقوم شود تا اینکه تکلیف فدوی در پیش‌ارباب رجوع معلوم شود.

يك بسته پاك‌ت كه تاريخ آن ازدوازدهم ماه مه درباب حرركات ناملايم مسيو مارويل بزبان فرانسه مرقوم شده بود، در هفته گذشته شرف وصول ارزانی داشت. بمحض زیارت فی‌الفور رفته، جناب مسيو دانكتون را ملاقات نموده و شرح احوال را چنانکه باید و شاید حالی نموده و حتی تعلیقه حضرت اشرف ارفع بندگانعالی را برای ایشان خواندم و درباب احضار مسيو مارويل و تعیین وزیر مختار جدید خیلی ایستادگی کردم. جناب معزئ‌الیه از حالت مارويل خیلی تعجب کرد و گفت افسوس می‌خورم از اینکه مسيو منیه را نتوانست روانه کنم و از حسن اتفاق بود که رفتن او موقوف شد والا چنانکه میدانید باین ناخوشی که با و عارض شده است در راه تلف میشد، اما در فکر انتخاب يك مأمور دیگر هستم و انشاء الله در همین روزها خبر آن را بشما میدهم. با وصف این احوال، باز هم در تعیین مأمور جدید تاکید زیاد کردم که زود روانه بشود. گفت بشما اطمینان میدهم که در همین روزها مأمور خوبی برای ایران تعیین خواهد شد و شما می‌توانید این وعده مرا بدولت خودتان اطلاع بدهید. از قراریکه معلوم میشود، در وزارت امور خارجه در احضار مارويل و تعیین مأمور جدید خیلی تعجیل دارند و فدوی نیز حتی المقدور تاکیدات لازمه را بعمل آورده و خواهد آورد. مسيو منیه خیلی ناخوش یعنی نزديك بمردن بود. حالا قدری بهتر است. خدا صحتش بدهد، زیرا که آدم خیلی خوبی است. چندین دفعه بیعتات اورفته‌ام. از التفاتهای اولیای دولت علیه کمال رضامندی را دارد. بحضور حضرت

اشرف ارفع بندگانعالی مخصوصاً عرض بندگی و ارادت میرساند. مسیوروششوار درهایلتی مرد ازتب زرد وآن نوکر ایرانی یعنی محمد ابراهیم که چند سال بااو بوده اوهم ازآن ناخوشی درهمانجا وفات کرده است. ***

بتاریخ ۲۹مه باینمضمون تلگراف عرض شد: (جماعت غیر رسمی تشکیل شده مهندسین را روانه خواهد کرد که اولاً راه را ملاحظه نمایند و بعد ازآن موافق قانون فرانسه کمپانیه شرعا برقرار خواهد نمود. الیون منتظر اجازه عالی است تا اینکه فوراً مهندسین را روانه نماید) مسیوالیون وفدوی هرگز راضی نبودیم که بآن مضمون تلگراف عرض ولی اجزای جماعت مزبور برای تحصیل اطمینان بفرستادن چنین تلگرام را مخابره کردند. اما بعد از ارسال آن مطلع شدند که عرض چنین مطلب هیچ لازم نبود، زیرا که موافق قرارنامه برای تشکیل کمپانیه ششماه و برای ملاحظه راه هفت ماه مهلت دارند و چون حالا مهندسین راه میفرستند لازم نبود اجازه بخواهند. خیال ظاهری همین بود که عرض شد. اما گویا باطناً میخواستند از حالت اولیای دولت علیه بطور یقین اطمینان حاصل کنند، تا اینکه معلوم شود که آیا اهالی ایران به پیشرفت عمل راه آهن مساعدت دارند و بساختن آن مایل هستند یا خیر و همچنین میخواستند بفهمند که آیا امتداد مدت ششماه که از دولت علیه استدعا شده است بکمپانیه اعطا خواهد شد یا نه. بدبختانه جواب نرسید و از آنجائی که اینها طالب این عمل هستند و چون یقین دارند که اولیای دولت علیه امتداد مدت مزبور را از آنها مضایقه نخواهد کرد، لهذا سه چهار روز بعد از فرستادن تلگرام مزبور بارسال تلگرام ثانی که تاریخ آن از اول ماه ژون و باینمضمون بود فدوی را تکلیف نمودند: (برای رفع اشتباهی که درمضمون تلگرام سابق واقع شده بود مأمورم حضرت اشرف ارفع را اطلاع بدهم که مهندسین عنقریب

روانه خواهند شد) . امروز دوازده روز است که این تلگرام ثانی فرستاده شده است ولی نه جواب آن دو تلگرام رسید و نه خبر امتداد مدت ششماه‌ای که دو ماه قبل براین در جزو عرایض این سفارت استدعا شده بود . باوصف این احوال ، مسیوالیون بنا بوعدهائی که باوداده‌ام از نیت اولیای دولت علیه در پیشرفت عمل راه آهن مأیوس نشده ، بهمت تمام تدارك مهندسين را دیده و در همین چند روز روانه خواهد نمود . انشاءالله همین که مهندسين روانه شدند مژده عزیمت آنها را باتلگراف بعرض خواهم رسانید و مستدعی‌ام بعد از وصول خبر عزیمت آنها مرحمت نموده بحاکم رشت و بهیجائی که لازم است احکام لازمه را در سفارش و تقویت عمل آنها صادر فرموده ، قدغن اکید فرمایند تا اینکه بعد از ورود بخاك ایران برای آنها معطلی روندهد و بآسودگی مشغول ملاحظات خود بوده ، بتوانند مأموریت خود را بخوبی و موافق قاعده سرانجام بدهند . چون برای پیشرفت این عمل زبان دان لازم است ، مسیوالیون کتابچی را همراه مهندسين خواهد فرستاد و کتابچی مأموریت دارد که بعد از ورود برشت خود را بدارالخلافه برساند و مطالب لازمه را بعرض حضور حضرت اشرف ارفع بندگانعالی برساند ، تا اینکه بصلاحدید و تقویت کریمانه علیه عالیّه این عمل خیر که کلید و مفتاح ترقیات آتیه خواهد بود از فضل خدای متعال و از یمین تربیت بندگان اعلی حضرت اقدس شاهنشاهی روحنا فداه و از همت و غیرت و خیر - خواهی اشرف اکرم بمبارکی و سعادت سرانجام بگيرد .

۲۱ شهر جمادی الاخر ۱۲۹۶

عریضه مووخه پنجم شهر رجب ۱۲۹۶ نمره ۱۳۹ مشتمل يك طغرا خداوندگارا مهندسين راه آهن عازم شدند . انشاءالله عنقریب وارد مقصد خواهد شد . مسیو الیون ، الیوم که پنجم رجب است

مسیو کتابچی را نیز از جانب خود بدارالخلافة روانه مینماید که برای سهولت عمل همه وقت ملتزم رکاب بوده و در انجام خدمات مربوطه حاضر و مهیا باشد. مسیو الیون عریضه بحضور مبارك عرض کرده و بعضی پیغامات باو داده است که بعرض حضور برساند. خیال او در باب ساختن راه آهن، خدمتگذاری است و در حقیقت با این حالت ایام، در فرستان مهندسین هنرها بکار برده است و با اعتقاد مردم اینجا بهمین واسطه تکلیف خود را بعمل آورده است. حالاً در عالم دولت و ملت خواهی باید اولیای دولت علیه نیز در پیشرفت و سهولت عمل راه آهن اهتمامات خود را بکار ببرند تا اینکه از برکت و یم تربیت آنها، این راه آهن که متضمن منافع و فواید کلیه خواهد شد در ایران رواج بگیرد و راه بیفتد. کتابچی در باب شراکت ایرانیها در استقراض وجوهات راه آهن مأمور است عرایض مسیو الیون را بعرض حضور عالی برساند. هرگاه اجرای خیالات مشارالیه بحالت حالیه ایرانیها منافات نداشته باشد، چه عیب دارد ماها هم در ساختن راه آهن شرکت و اعانت نمائیم. خلاصه مقصود این است که این عمل پیشرفت بکند، البته اولیای دولت علیه اسباب پیشرفت اینگونه کارها را بهتر میدانند و راهنمایی را بهتر از همه کسی خواهند کرد. حامل این عریضه خود کتابچی است. عرایض خود را موافق دستور العمل که دارد شخصاً بعرض خواهد رسانید. چون در این عمل راه آهن خیلی زحمت کشیده است و از همه بابت مستحق هرگونه الطاف و مراحم اولیای دولت علیه شده است، لهذا استدعا مینمایم که التفات خود را در حق مشارالیه دریغ و مضایقه ننموده بطوری او را سرافراز فرمایند که در بین امثال و مقارن همیشه سرافراز و مباهی باشد.

۵ شهر رجب ۱۲۹۶

عریضه مورخه ۱۶ شهر رجب ۱۲۹۶ نمره ۱۴۰ مشتمل يك ظفرا

خداوندگارا نزدیک بسه ماه است که استدعای مسیو الیون را در باب اعطای ششماه مهلت بعرض حضرت اشرف بندگانعالی رسانیده‌ام و از آن وقت تا بحال چندین مرتبه بموجب تلگراف و بواسطه پست اینفقره را یادآوری و استدعا نموده‌ام که برای تشویق و امیدواری مسیو الیون و شرکای او يك جواب مساعد مرحمت فرمایند. بدبختانه دراینمدت مدید ازجانب حضرت اشرف جوابی نرسید، اما از قراریکه افواها در دارالخلافه شهرت داشته و باینجاها خبر رسید، معلوم میشودامتداد مدت ششماه بمسیوالیون اعطا شده است. بنا باین امیدواری، مسیو الیون هم مهندسین خود را از راه روسیه راه انداخته و مسیو کتابچی را از جانب خود وکیل نموده از راه اسلامبول روانه در دارالخلافه طهران نمود. لله الحمد این کار مهندسین هم راه افتاد و انشاءالله ملاحظات را بسعادت سرانجام خواهد گرفت، اما برای اسکات مسیو الیون این خبر اعطای مهلت ششماه باید رسماً باو اعلام شود که او هم بتواند شرکای خود را ساکت نماید والا هرگاه بخواهد این عمل را بمسامحه بگذراند، کار ازپیش نمی‌رود. فدوی مکرر باو گفته و نوشته است که از قرار اخبارغیررسمی که هم‌روزه میرسد امتداد مدت از جانب دولت اعطا شده است و خبر رسمی هم عنقریب خواهد رسید، مسیو الیون و شرکای او بهمین تصدیق های غیررسمی

مهندسين خود را فرستادند، والا پيش از تحصيل جواب نميخواستند خود را بخرج و مخارج بيندازند. خلاصه مسيو اليون در خدمتگذاري و فدوی در ملت و وطن پرستی تکلیف خود را بعمل آورده ایم، حالا برای پیشرفت این کار اولیای دولت هم باید کمر همت را استوار بسته در دولت و ملت خواهی تکالیف وارده را بعمل بیاورند، تا اینکه راه آهن در این وطن بدبخت ما نیز متداول و چنانکه در سایر ممالك روی زمین اسباب ترقی و مکنت و تمول شده است در ایران هم بشود. بعون الله تعالی - خبر عزیمت مهندسين را در روز چهارشنبه ۲ ماه ژوئیه که مطابق ۱۱ شهر رجب بوده باشد بموجب تلگراف بعرض رسانیده ام.

۱۶ شهر رجب المرجب ۱۲۹۶

عریضجات مورخه ۲۹ شهر رجب ۱۲۹۶ نمره ۱۴۱ مشتمل بر شش طغرا

خداوندگارا پنج طغرا تعلیقه که در ۲۱ شهر جمادی الاخری بسرافرازی این فدوی شرف صدور یافته بود، در هفته گذشته عز وصول بخشید. حسب الامر بمجرد زیارت آنها، رفته بحضور علیا حضرت ملکه اسپانیه مشرف شده و بطوری که لازم و مقتضی بود تشکر شمشیر راو مسرت خاطر مبارك بندگان اقدس همایون ملوکانه روحانقاده را از وصول نامه و صدور جواب نامه که عنقریب از جانب سنی الجوانب اعلی حضرت قوی شوکت شاهنشاهی خواهد رسید، بعرض حضور رسانیدم. خاطر آن علیا حضرت نیز از این تبلیغات قرین مسرت گردید و مخصوصاً اشاره فرمودند که مراتب ارادت و مودت ایشان را مجدداً بخاکپای مبارك برسانم. در حقیقت وجود خوبی و يك اخلاص مخصوص بذات مقدس همایونی دارند. بعد پرسیدند شمشیر هم رسیده است؟ عرض

کردم خیر ، اما بزودی خواهد رسید . استدعا دارم وصول شمشیر و صدور جواب نامه را زودتر مرقوم فرمایند زیرا که ملکه نگران است و او را منتظر گذاشتن مناسب نیست . درباب هدیه که در مقابل شمشیر خواهند فرستاد گویا يك قطعه نشان آفتاب مکلل بالماس باشد ، مناسب خواهد شد . باعتقاد فدوی این هدیه ایست کم خرج و بالانشین ، چون این فقره را بمقل قاصر فدوی هم رجوع فرموده بودند لهذا بعرض آن جسارت رفت . درضمن تعلیقه اشاره شده بود که برای رئیس دربار ملکه و پیشخدمت باشی و آن دو نفر دیگر که همراه مشارالیه آمده و شمشیر را آورده بودند ، نشان مرحمت خواهد شد . اسامی آن ها با درجۀ نشانی که باید بآنها عنایت شود ، درسیاهۀ علیحده که لفأ انفاذ میشود ، نوشته شده است .

* * *

درباب تجدید مهلت ششماهۀ دیگر که برای عالیجاه مسیو الیون مرحمت شده است بطوری که اشاره شده بود ، استحضار کامل حاصل شد . اگر چه پیش از وصول تعلیقه حضرت اشرف بندگانعالی تصدیق اولیای دولت علیه را در تجدید مهلت من غیر رسم به عالیجاه مشارالیه اطلاع داده بودم ، ولی بمحض وصول تعلیقه مورخه ۲۱ جمادی الاخری ، دوباره بمسیوالیون کاغذ نوشته و رسماً این خبر را باو اطلاع داده ام . خودش حالا در پاریس نیست ، چند روزه بکان رفته است که علاقه را از آنجا کننده و بالکلیه در پاریس اقامت نماید و این عزم را محض برای پیشرفت عمل راه آهن پیش گرفته است والا هرگز شهرکان را ترك نمی کرد .

* * *

از ورود عالیجاه مسیو فابیوس و مشغول شدن مشارالیه بساختن کارخانه و راه انداختن عمل گاز و چراغ الکتریسته

مرحمت فرموده اطلاع داده بودند ، ممنون و متشکر شدم . ضمناً قبوض خورده او را با حواله جاتی که در مقابل هشتاد و یکم هزار و دویست و چهل و هشت فرانك و شصت سانتیم کرده است و فدوی باو کارسازی نموده خواسته بودند . هرچه بود اینك لفاً انفاذ حضور شد ، با کاغذی که حاجی رحیم نوشته است قبوض و حواله جات مزبوره یازده طغرا است ، اما در این حساب يك اختلاف جزئی هست و آن هم بواسطه حواله حاجی رحیم واقع شده است . از قراریکه مسیوفابیوس میگفت می بایستی پنجهزار و دویست و پنجاه و پنج فرانك و هفتاد و پنج سانتیم بحاجی رحیم در عوض ماشین الکتریسته کار سازی شود و حاجی رحیم مبلغ پنجهزار و دویست و بیست فرانك و سی سانتیم حواله کرده بود . خلاصه تفاوت عمل سی و پنج فرانك و چهل و پنج سانتیم و در نزد فدوی است و بهر جا حواله فرمایند ، کارسازی خواهد شد .

* * *

درباب نشان نواب وجیه الله میرزا از دولت یونان چنانکه مکرر عرض کرده ام مدتی است جابجا شده است و موافق مضامین عرایض که معروض داشتم تا عوض آن نرسد تحصیل آن غیر مقدور است ، باوصف این احوال و باوجود این که باذن و اجازه حضرت اشرف ارفع بندگانعالی باین عمل اقدام کرده ام نمی دانم چه حادثه رو داده است که در این باب جواب مرحمت نمی شود . حالا بواسطه عدم وصول دو طغرا فرمان که در عوض نشان نواب معزی الیه برای وزیر مختار یونان و نایب او استدعا کرده ام تکلیف فدوی خیلی دشوار شده است . استدعا دارم فدوی را باین قسم در پیش همسران خود خجل و شرمند نگذارند . هرگاه ماذونم نمی فرمودند هرگز اقدام باین کارها نمی کردم ، در

این صورت برای حضرت اشرف بندگانعالی تکلیف وارد می‌آید که مأمور خود را در نزد مأمورین دول خارجه دروغ‌گو و رو سیاه نگذارند . در باب نشان بعضی اشخاص هم موافق همین سیاهه که لفاً انفاذ میشود ، عرایض متعدده معروض داشته و اعطای آنها را مستدعی شده‌ام . در باب آنها نیز جواب مرحمت نشده است و حال اینکه این نشانها قابل این همه نقل هانیست که مضایقه شود . سایر دول در دادن نشان اینقدر خودداری ندارند . می‌توانم قسم بخورم که از جانب دولت روس و دولت نمسه و دولت آلمان یعنی از جانب هر يك از آنها در هر سال بقدر دویست و سیصد نشان برای کارگذاران و روزنامه نویسان فرانسه اعطا میشود و در ازمنه سابقه در وقتیکه یکی از سلاطین دول مزبوره وارد پاریس میشد بقدر هفتصد و هشتصد نشان بمردم اینجا اعطا میشد . بخدا قسم است که در این بابها خودداری لازم نیست ، زیرا که بجز اینکه این حالت خودداری مردم را با ما سرد نماید و آنها را از ما دور بکند ، ثمر دیگری ندارد . در این صورت لابد و ناچار مجدداً بمقام تمنا برآمده ، استدعا مینمایم که مردم را بواسطه این جزئیات از دولت علیه مأیوس نفرمایند . هر يك از این اشخاص در عالم خودشان می‌توانند مصدر خدمات بزرگ بشوند و سایر مردم را به بذل مراحم دولت علیه امیدوار و اخلاص کیش سازند .

* * *

اسماعیل پاشا خدیو مصر بجهت بدسلوکی و بد معامله گری با اهالی فرنگستان در باب استقراضاتی که کرده بود ، نمی‌خواست ادای قرض نماید و قراری در ادای قرض نماید و قراری در ادای قروض خود با طلبکاران بدهد . باصرار دول فرنگستان از حکومت مصر معزول و پسر او توفیق پاشا بجای او منصوب شد ، ولی هرگاه

توفیق پاشا نیز بسبب پدرش سلوک کند، او را هم معزول خواهند کرد. اگر اسماعیل پاشا طمع خود را قدری کمتر میکرد، هرگز معزول نمی شد. اما بدبختانه سبب سلوک سابق خود را از دست داده و بطوری پولی شده که نمی خواست طلب مردم را کارسازی نماید و بهمین جهت ببلای عزل گرفتار شد.

* * *

درباب موزیک و ادعای صاحب سیرک و آلبوم مسیودوبیه جواب مرحمت نشده، حضرات بوزارت امور خارجه اینجا شاکی خواهند شد و طلب خود را بتوسط سفارت خودشان مطالبه خواهند کرد و یقین دارم باز اسباب گله و رنجش فیما بین وزارت جلیله و سفارت فرانسه فراهم خواهد آمد، دیگر اختیار با اولیای دولت است.

۲۹ شهر رجب ۱۲۹۶

عریضجات مورخه ۲۲ شهر شعبان ۱۲۹۶ نمره ۱۴۲ مشتمل بر چهار طغرا

خداوندگارا تعلیقه جات رأفت آیات مورخه ۲۳ شهر جمادی - الاخری و نوزدهم شهر رجب المرجب که بافتخار این فدوی شرف صدور یافته بود، در ۷ شهر حال بفاصله دو روز اولی بتوسط چاپار سفارت فرانسه ودویمی بایصال چاپار پستخانه شرف وصول ارزانی داشت. دو طغرا نامه مبارک که از جانب سنی الجوانب بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحناه فداء یکی برای جناب مسیو کروی رئیس جمهوری فرانسه و دیگری برای علیاحضرت ملکه اسپانیه عز صدور یافته و ملفوفاً ارسال شده بود، واصل و بمحض وصول وقت ملاقات خواسته و خودم شخصاً رفته رسانیدم. جناب مسیو کروی فدوی را در عمارت الیزه پذیرائی

کرده و بعد از اطلاع از مضمون نامه جهان مطاع خیلی اظهار دوستی و مودت نمود و گفت چنانکه موقوم شده است امیدوارم جمیع اهتمامات خودم را در ازدیاد مراوده و تشیید مبانی اتحاد و یکجهتی دولتین علیتین بکار ببرم و به آرزوی خود برسم . بعد گفت چون در سفر اخیر از آشنائی اعلیحضرت اقدس همایونی مخصوصاً تشرف جستیم و از آنجائیکه شخصاً ارادت کامل از حضور مبارک ایشان بهم رسانیده‌ام ، مخصوصاً تمنا مینمایم که مراتب اخلاص و مودت مرا بعرض حضور برسانید . بعد از آن ، با فدوی خیلی اظهار لطف و مهربانی نمودند . فدوی نیز از اول ورود الی ختم مجلس ازدوستی ایران با فرانسه و از مراودات مودت که از قدیم فیما بین این دودولت بوده و هست شرح مفصلی برای ایشان بیان نمودم و همین که صحبت بآخر رسید باجناب ایشان وداع نموده ، بسفارت خانه مراجعت کردم . جناب مسیو کروی تا تالار آخر که پشت دهلیز است فدوی را مشایعت نمودند . دو روز بعد از آن حسب اشاره علیاحضرت ملکه به ییلاق فونته ترسیلنی که محل اقامت آن علیاحضرت و از پاریس دوساعت با راه آهن به آنجا مسافت هست ، رفته و آن نامه دیگر را که بایشان مرقوم شده بود ، تبلیغ نمودم . علیاحضرت ملکه نهایت مرحمت و مهربانی را در حق فدوی مبذول فرمودند . اولاً رئیس خانه خود را تاراه آهن باستقبال فرستاده بودند ، بعد بمحض ورود بعمارت ییلاقی فدوی را پذیرفته و نامه را در کمال احترام از دست فدوی گرفته خواندند و از مضمون آن محظوظ شدند و فرمودند از این کاغذ خیلی ممنونم . عرض کردم آن دوستی و مودتی که اعلیحضرت اقدس همایونی نسبت بشما دارند تحریری نیست ، زیرا که بفدوی هم امر و مقرر شده است که مراتب دوستی و اتحاد بندگان اقدس شاهنشاهی را بقسمی بیان نماید تا به علیاحضرت شما معلوم گردد

که مافوق آن غیر متصور است . خلاصه در این فصل بیانات زیاد شد و باز هم معلوم گردید که اخلاص و ارادت علیاحضرت ملکه نسبت به ذات پاك شاهانه بيك درجه است که بالاتر از آن غیر مقدور است . بعد از آن چون وقت ظهر بود فدوی را به نهار تکلیف فرمودند و بازوی خود را بفدوی داده باطاق غذاخوری رفتیم و در سر میز علیاحضرت ملکه جای خود را بفدوی داده و هرچه اصرار کردم خودشان بنشینند فرمودند شما مأمور دولت ایران و نماینده دوست من هستید باید در جای من بنشینید ، اطاعت کردم و خیلی خوش گذشت . در سر نهار همه صحبت از وجود مبارك بود . وقت مرخصی فرمایش فرمودند که مراتب اخلاص و ارادت ایشان را بخاکپای جواهرآسای مبارك معروض بدارم . از احوالات و از خبر سلامت حضرت اشرف ارفع بندگانعالی نیز جویا شدند و مخصوصاً سلام میرسانند .

* * *

در تعلیقه مورخه ۱۹ شهر رجب وصول فوتوگرافی چرخآلات فشنگ سازی را با شرح و تفصیل آن که ارسال داشته بودم مرقوم داشته و حسب الامرالاعلی اشاره فرموده بودند که مقرر شد چرخ-آلات ابتیاع شود که با دست کار بکند و چرخ بخار لازم ندارد و ضمناً در باب تفاوت قیمت و مدت تحویل آن و مخارج حمل و نقل اطلاع خواسته و همچنین استفسار فرموده بودند که پول آنرا چه قسم میخواهند و چرخآلات را چه وقت میدهند و در چند وقت بطهران میرسد . این سئوالات را از خود مسیو تریونی کردم . در جواب میگوید که اولاً چرخآلات که با دست کار بکند هیچ بکار نمیخورد و زود خراب میشود ، بطوری که اصلاح پذیر نخواهد شد و هر قدر پول از بابت خریدن آن داده شود مثل این است که آن پول را دور

انداخته باشند. مسیو تریونی و کماندان روزه برای خوش‌آمد يك تدبیر دیگر به خاطرشان رسیده است که چرخ‌آلات نوظهور تتبع بشود که بموض بخار بااسب بگردد و این تکلیف را بکارخانه‌ای بزرگ که در انگلستان است کرده‌اند، تا معلوم نمایند که آیا میشود چنین کارخانه را معین نمود؟ بزودی باین سفارت اطلاع خواهند داد و نیز اطلاعات لازمه را در باب قیمت آن باولین وسیله بخدمت اولیای علیه خواهم رسانید. مسیو تریونی میگوید که چرخ‌آلات را از روز فرمایش تا پنج ماه دیگر در یکی از بنادر انگلستان تحویل خواهند داد. از کرایه آن و در چند وقت بطهران میرسد چون هیچوقت معامله با ایران نداشته‌اند، از اطلاع دادن آن معذورند، اما بمشارالیه سپردم که وزن چرخ‌آلات را معین نماید که از روی وزن خود فدوی برآوردی کرده، بعرض اولیای دولت علیه برساند. مدت وصول آن از روز حمل الی ورود بدار - الخلافه گویا از پنج ماه بیشتر طول نکشد. حالا منتظر جواب کماندان روزه و مسیو تریونی می‌باشم، همین‌که رسید بزودی میفرستم.

* * *

تلگرامی که در ۳۱ ماه ژوئیه در باب تجدید برات طلب فرانسها شرف صدور یافته بود عز وصول ارزانی داشت. پیش از وصول آن دو سه مرتبه با وزارت امور خارجه گفتگو و خواهش شده بود که کار نحس واقع شده و پول نرسیده، لابد و ناچار باید بجناب نریمان خان سه ماه مهلت داده بشود، قبول نمی‌کردند و از تأخیر در ادای این تنخواه اوقاتشان بشدت تلخ بود، ولی بعد از وصول تلگرام حضرت اشرف بندگانعالی و پس از آنکه از مضمون آن دیدند که وجوهات لازمه از طهران هم بموقع نمی‌رسد، گفتند

تجدید برات لازم نیست اما مجبوراً بسه ماه دیگر بشما مهلت میدهم بشرط اینکه وجوهات را با منافع در سر موعد کارسازی نمائید. تعهد کردم که خاطر جمع باشید که این دفعه در ادای تتمه طلب خلافی نخواهد شد. خلاصه اصل مقصود حاصل شد و باید جناب نریمان خان اهتمام نماید که هشتاد هزار فرانك را در سر وعده با منافع کارسازی نماید والا هرگاه بعهد خود وفا نکند، میترسم خدانخواستہ اسباب رنجش بمیان بیاید. این مطلب را بهمین قسم بجناب نریمان خان مفصلاً نوشته‌ام.

* * *

دختر علیاحضرت ملکه اسپانیه که هیجده ساله بود، در هفته گذشته از سرماخوردگی در مدت چهار روز وفات کرد. هرگاه صلاح دانند يك سرسلامت بایشان بنویسند، خیلی بجا خواهد بود. پادشاه اسپانیه نیز که پسر ملکه باشد در این روزها از کالسکه افتاده، یعنی کالسکه او شکسته با کالسکه افتاده بود، ولی صدمه بزرگ باو نرسیده همین قدر بازوی او قدری مجروح شده است.

۲۲ شهر شعبان ۱۲۹۶

عریضه مورخه ۹ شهر رمضان ۱۲۹۶ نمره ۱۴۳ مشتمل يك طغرا

خداوندگارا چندین مرتبه درباره عالیجاه مقربالحضرت آقا میرزا محمد دکتر عریضه نگار شده، استدعا کرده بودم که مدد خرجی بمشارالیه مرحمت شود. بدبختانه استدعای فدوی بدرجه اجابت نرسیده و پس از مایوس شدن بهر قسمتی که بود مشارالیه را راه انداختم و حالا که عازم ایران است لازم میدانم این عریضه را در سفارش ایشان عرض نموده مجدداً مستدعی بشود که مشارالیه

را بنظر التفات پذیرفته ، مرحمت خود را در حق اومضایقه و دریغ نفرمایند. در حقیقت خیلی زحمت کشیده و بسیار صدمه خورده است و درجه تحصیل او بجائی رسیده است که از اطبای فرنگستان کمتر نیست ، حکیم حاذقی است و از همه بابت کامل و بهمه جهت استحقاق مراحم و توجهات اولیای دولت علیه را بهم رسانیده است. قدر چنین آدم‌ها را باید دانست که بکار دولت و ملت می‌خورند .

۹ شهر رمضان ۱۲۹۶

عریضجات مورخه ۴ شهرشوال المکرم ۱۲۹۶ نمره ۱۴۴ مشتمل بر چهار طغرا

خداوندگارا در عریضه‌ای که سابق براین انفاذ شده ، معروض داشته بودم که مسیو ترپونه وعده کرده است قیمت چرخ-آلات دستی فشنگسازی را که در روزی سه هزار فشنگ می‌سازد بقدوی بنویسد. بدبختانه کاغذ او خیلی دیر، یعنی در شانزدهم همین ماه سپتامبر رسید. چون مفصل است و مستغنی از تفسیر لهذا کاغذ او را عیناً در لف عریضجات امروز انفاذ حضور مبارک مینمایم. عکس ماشین‌ها را هم که فرستاده بود، آنها را نیز با کاغذ کماندان روژه ملفوفاً می‌فرستم. از قراریکه معلوم میشود، چرخ-آلات مزبوره تقریباً بچهار هزار تومان یعنی چهل هزار فرانک برای دولت تمام خواهد شد. کرایه آنها نیز چون خیلی سنگین‌اند به دو سه هزار تومان خواهد رسید. خلاصه از برای راه انداختن این کارخانه دستی، استاد فرنگی لازم است و قیمت اسباب کارخانه فشنگسازی باید نقد برسد والا نمی‌سازند، چنانکه عرض کرده‌ام و عقیده مسیو کماندان روژه هم این است که این قسم چرخ‌آلات دستی بکار نخواهد خورد و پول دولت بهدر خواهد رفت با وصف این احوال بهر قسمی که رأی اولیای دولت علیه علاقه بگیرد از آن قرار عمل خواهد شد .

* * *

مقرب الخاقان میرزا کریمخان سرتیپ خیلی مفلوک و پریشان و بواسطه مخارجی که دارد، مبالغ خطیری بصاحب خانه و باشخاص دیگر مقروض شده است. مستدعی‌ام چاره در حق مقرب الخاقان مشارالیه فرمایند تا اینکه مواجب‌های خار و مازندران و جیره دو ساله با مواجب‌هایی که در نزد اسماعیل خان سرتیپ است بزودی باینجا برسد و بطلبکارها کارسازی و یقه ایشان از دست طلبکار خلاص بشود. امیدوارم که مرحمت خود را در حق چنین نوکر خیرخواه و غیرتمند مضایقه و دریغ نخواهند فرمود.

* * *

وصول شمشیر علیاحضرت ملکه اسپانیول و فرامین نشانهای صاحب منصبهای درباری ایشان نرسید. نمی‌دانم چه جواب بگویم. این بیچاره ملکه بد نکرده است که يك شمشیر خیلی اعلی پیشکش کرده است. آیا با وصف این احوال، انصاف است که از آن طرف بوصول چنین هدیه خوبی متحمل يك جواب هم نشوند؟ باری محض یادآوری عرض شد والا دیگر در این باب جسارت نخواهد شد.

* * *

پریروز بجناب مسیو دادنکتون مراسله دوستانه نوشته و در باب تعیین وزیر مختار فرانسه باقامت دارالخلافه طهران اصرار کرده بودم. الان از جناب معزی‌الیه جواب رسید که جناب مسیو تریکو به آن سمت مأمور ایران شده و عنقریب عازم محل مأموریت خواهد بود. مسیو تریکو را شخصاً نمی‌شناسم، ولی از قراریکه از خارج می‌شنوم معلوم میشود که آدم خیلی خوب و مصلح است. انشاءالله در همین روزها از بیلاق مراجعت نموده و هرگاه نرفته باشد با او در پاریس آشنائی حاصل خواهم نمود.

عریضه مورخه دهم شهر ذی‌القعدة الحرام ۱۲۹۶ نمره ۱۴۵ مشتمل یکطرفه

خداوندگارا هفت هشت روز است که از ییلاق مراجعت کرده‌ام. بمحض ورود بیپاریس با جناب مسیو تریکو وزیر مختار جدید فرانسه ملاقات شد، یعنی از فدوی دیدن کرد و فدوی از ایشان بازدید نمود. پرنسپ هم در این سفارتخانه با چند نفر از اجزای وزارت امور خارجه و از دوستان به شام موعود بودند و از فضل خدا و مراحم حضرت اشرف ارفع بندگانعالی خیلی خوش گذشت. مسیو تریکو خیلی معقول بنظر می‌آید. در مشرق زمین بوده است. چندی در قاهره مصر جنرال قونسول بوده است. در مسائل فقه خیلی مسلط است و در عزل خدیو مصر یعنی اسماعیل پاشا یکی از مخرب‌های عمده او همین شخص بوده است. اگرچه آدم مصلح و خیلی خوبی است، ولی در اجرای حقوق دولت و ملت فرانسه خیلی سخت و مصر است. این شخص را مخصوصاً انتخاب کرده‌اند و سبب آن مقرب‌الخاقان دکتر طولوزان بوده است، زیرا که تحریراً و تقریراً از مسیومنیه بوزارت امور خارجه اینجا همه اوقات بد نوشته و حالی کرده است که مسیو منیه آدم سست و بی‌حالی است و از چنین آدم کار ساخته نمی‌شود، برای ایران آدم سخت لازم است که کارها را از پیش ببرد والا مثل مسیو منیه آدمی بکار دولت فرانسه نمی‌خورد. اما فدوی حالت این دو دولت را بمسیو تریکو حالی کردم و باو فهماندم که پولاتیک فرانسه در ایران مسالمت و مصالحت است و مأمور فرانسه باید بطوری در ایران رفتار نماید که عبرت دیگران بشود. در آن ضمن از مارویل و امثال او تفصیل‌ها برای ایشان بیان نموده، قباحات حرکات او را خاطر نشان ایشان نمودم و از مسیو منیه تعریف و توصیف زیاد نمودم و رضایت اولیای دولت را از آن شخص بایشان کما هو حق

بیان کردم. مسیو تریکو در باب مسیو منیه جوابی داد که مرا خیلی زد. گفت هرگاه اولیای دولت و اعلیحضرت اقدس همایونی از مسیو منیه راضی بودند چرا بهمه مامورین خارجه در وقت مراجعت آنها تمثال همایون مرحمت میشود و برای مسیو منیه اعطا نشد. گفتم دادن تمثال موقوف شده است والا میدادند و از اینها گذشته مسیو منیه موقتاً مراجعت کرده بود والا او را راضی راه می-انداختند. مسیو تریکو در آخر همین ماه اکتبر از پاریس حرکت خواهد کرد و چنانکه در عرایض سابقه معروض داشتم از راه اسلامبول و پوتی و تفلیس عازم ایران خواهد شد. از قراریکه حساب میکرد، در بیستم ماه نوامبر یعنی در پنجم ذی حجة الحرام وارد سرحد جلفا خواهد شد. استدعا دارم قدغن فرمایند مهماندار و کالسکه و غیره برای پذیرائی ایشان در آن تاریخ در کنار ارس حاضر باشند. زیاده براین مطلبی نیست که بعرض آن جسارت شود.

دهم شهر ذی القعدة الحرام ۱۲۹۶

عریفجات مورخه پنجم شهر ذی حجة الحرام ۱۲۹۶ نمره ۱۴۶ مشتمل بر سه طغرا

خداوندگارا تعلیقه رفیعۀ مورخه ۶ ماه اکتبر که بسرافرازی این فدوی بزبان فرانسه شرف صدور یافته بود، پانزده روز قبل براین واصل و زیارت شد. نامۀ همایونی نیز که بعنوان علیاحضرت ملکه اسپانیه در باب تعزیت و تسلیت شاهزاده خانم ماری دل بلار عز صدور یافته و ملفوفاً فرستاده شده بود، شرف وصول ارزانی داشت. چون یکماه قبل از وصول تعزیت نامه، از جانب ایشیک آقاسی باشی علیاحضرت باینمضمون کاغذ رسیده بود: (از جانب ملکه ماموریت دارم از شما سؤال نمایم که آیا در باب وصول شمشیری که برای وجودمبارک اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی

فرستاده شده است اطلاعی بشما رسیده است یا نه) ، و چون تقریراً نیز همه اوقات از وصول آن جویا می‌شدند و چونکه در این موقع در آن باب ذکرى نشده بود، لابد و ناچار در ۳۰ اکتبر باین مضمون بحضور مبارك تلگراف فرستاده‌ام : (تعزیت نامه رسید، جسارت نمی‌کنم برسانم زیرا که سکوت درباب عدم وصول شمشیر اثر ناگوار خواهد بخشید تکلیف چیست) بتاریخ سه نوامبر یعنی چهار روز بعد از تلگراف فدوی ، به این مضمون جواب رسید : نامه اقدس همایونی که مبنی برضامندی و بعنوان علیاحضرت ملکه اسپانیه در اواخر ماه ژوئن با پست فرستاده شده بود بشما رسید و تبلیغ شد یا خیر جواب بدهید .) فردای آن روز یعنی در چهارم همان ماه نوامبر ازاین‌قرار باتلگراف جواب عرض کردم : (نامه اقدس همایونی که در اواخر ژوئن در جواب نامه ملکه شرف صدور یافته بود رسید و تبلیغ شد ولی ملکه منتظر خبروصول شمشیر و بلکه منتظر یادگاری است) این سؤال و جواب و این جسارتها بی‌دلیل نیست زیرا که از گوشه و کنار و حتی از جانب عمله خلوت صریحا می‌گفتند البته در مقابل چنین هدیه نفیس و گرانبها که ملکه باین زحمتها برای وجود مبارك بندگان اقدس شهریاری روحانفاده تمام کرده و فرستاده است از جانب سنی الجوانب اعلی حضرت شاهنشاهی نیز يك تحفه خوبی برای ملکه فرستاده خواهد شد. فدوی که از وضع امورات و حالت ایران اطلاع کامل دارد این جور سؤال را تصدیق نموده در جواب می‌گفتم معلوم است هدیه خوبی برای ملکه خواهد رسید. حالا گذشته از اینکه هدیه نرسید از ایراد جواب درباب وصول شمشیر هم مضایقه شده است. آیا انصاف است که در مقابل چنین هدیه نفیس سکوت اختیار شود. منتها اینست که هدیه نمی‌فرستادند اما در نوشتن يك کاغذ باین مضمون : (شمشیر رسید، خوب بود، خانه

آباد) چرا مضایقه شده است؟ خلاصه این نوع بی اعتنائی باعث تعجب کل عالم شده است و هیچکس نمی خواهد باور کند که کار ایران بجائی رسیده باشد که از فرستادن عوض يك تحفه که آنهم از جانب يك ملکه رسیده باشد دریغ بکنند. میگویند مگر این ایران همان ایران نیست که کل عالم غرق نعمت هایش بودند؟ حالا خدا نخواسته چه واقع شده است که نسبت بملکه سکوت اختیار کرده، اعتنائی باو نمی فرمایند. بعد از این تفصیلات چون دیدم جواب تلگراف ثانوی فدوی نرسید لابد و ناچار از علیاحضرت ملکه بتوسط ایشیک آقاسی باشی بار حضور خواسته و بتاريخ پانزدهم این ماه نوامبر اجازه شرفیابی رسیده و در همان روز رفته تعزیت و تسلیت نامه را رسانیدم. امادر وقت تبلیغ آن حالت ملکه را نسبت بازمنه سابقه سست و بلکه قدری سرد دیدم. بعد از خواندن نامه و اظهار امتنان فرمودند: از اینگونه اظهار دوستی و مودت اعلیحضرت شاهنشاهی ممنون شدم و جواب نامه را می نویسم و نزد شما میفرستم که زحمت کشیده برسانید. عرض کردم حاضرم هر وقت جواب علیاحضرت رسید بزودی و باولین وسیله بفرستم. از صحت مزاج ذات مبارك شاهنشاهی جويا شدند، عرض کردم تابستان را در ییلاق تشریف داشتند، تازه بدار الخلافه رسیده بودند. وقتی که این خبر وفات پرنسس رسیده بود بعد از استماع آن خبر، دستخط همایون در تعزیت و تسلیت صادر و بفدوی امر و مقرر شده بود که برسانم و در آن ضمن نیز مأمورم مراتب مودت و دوستی بندگان اقدس همایونی را نسبت بشما تجدید نمایم. باز هم اظهار امتنان نموده، فرمودند جواب نامه را عنقریب بشما میرسانم. بعد از مرخصی، عملة خلوت دوربر مرا گرفته، سؤال میکردند شمشیر رسیده و پسند خاطر اعلیحضرت شاهنشاهی شده است یاخیر؟ گفتم بلی رسیده و خیلی پسندیده شده و بسیار مقبول افتاده یکی از آنها گفت رسید آنرا بملکه نوشته اند، گفتم اعلیحضرت اقدس

همایونی روحانفاده درییلاق تشریف داشتند ، شمشیر هم دیر رسیده بود والا وصول آنرا اشاره میفرمودند و چون تاب سؤال و جواب را نداشتم با حضرات وداع کرده راه افتادم آنروز خیلی بدگذشت دیگر چه باید کرد، نوکری است که عزت دهد که خار دارد .

در باب چهار نفر عمه خلوت علیا حضرت ملکه اسپانیه که شمشیر پیشکش را باین سفارتخانه آورده بودند، مقرر شده بود که از جانب سنی الجوانب بندگان اقدس همایونی روحانفاده نشان اعطا خواهد شد. اسامی آنها را با اسامی چند نفر دیگر که استحقاق این مرحمت را بهم رسانیده‌اند مدتی است بحضور مبارك فرستاده‌ام، بدبختانه در این باب نیز جوابی نرسیده است. چون وعده صریحی بهر يك از آن اشخاص داده شده است، بنا علیه مجددا صورت اسامی آنها را نویسانیده، اینك در لف پاكٔ عرایض امروز انفاذ میدارم واستدعا میکنم که فرامین آنها را مرحمت فرمایند و پیش از این بخفت فدوی راضی نشوند. هرگاه از برای کماندان روزه نیز که این قدر زحمت کشیده است، يك نشان از درجهٔ سیم مرحمت شود، خیلی بجا خواهد بود. امیدوارم که نشان او را دریغ نخواهد فرمود.

نشانی که از دولت یونان حسب الاجازه برای نواب وجیه‌الله میرزا خواسته بودم مدتی است رسیده و در سفارتخانه آن دولت حاضر و موجود است و هر روز بفدوی پیغام میدهند که نشان عوض چه شد. از دست وزیر مختار یونان به تنگ آمده‌ام نزدیک است از این شهر بگریزم، برای خاطر خدا و پیغمبر یقه فدوی را از دست این یونانی‌ها خلاص فرمایند، بخدا قسم است تقصیر ندارم هرگاه از جانب

حضرت اشرف امجد بندگانعالی اجازه تحصیل نشان برای نواب معزی‌الیه نرسیده بود ، هرگز خودم را باین خطرها نمی‌انداختم . حالا دیگر يك غلطی شده است ، نمی‌شود که برای يك دو فرمان‌مأمور يك دولت درپیش همسران خود سرشکسته و سرافکنده بماند .
پنجم شهر ذی‌حجه الحرام ۱۲۹۶

